

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سر دبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر مسئول: محمود رضائی

مدیر اجرایی: مهین زرننگ

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب‌الله احمدی
 ۲. دکتر محمد بهنام‌فر
 ۳. دکتر هادی پورشافیعی
 ۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
 ۵. دکتر محمد تقی راشد محصل
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۸. دکتر ویلم فلور
 ۹. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار: سمیه پورسلطانی

امور فنی: فائزه دستگردی

ویرایش انگلیسی: دکتر سعید عامری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری ذره‌بین رسانه نوین

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۹۳-۰۵۶ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۲۲۳۳۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آرا و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسئول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

استادیار دانشگاه بیرجند	- حسن امامی
استادیار دانشگاه بیرجند	- مسعود بهرامیان
استادیار دانشگاه فرهنگیان	- فاطمه بیدختی
دانشیار دانشگاه بیرجند	- هادی پورشافعی
استادیار دانشگاه فرهنگیان	- فرخ رو جلیلی
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند	- احمد حیدری
استادیار مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران	- شهربانو دهرویه
دانشیار دانشگاه بیرجند	- زهرا علیزاده بیرجندی
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد	- علی اکبر مجدی
استادیار دانشگاه پیام نور	- طاهره میرزائی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	- حامد نوروزی

پیشینه: *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* موافقت گردید. به استناد نامه شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان* حائز درجه علمی ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و براساس آیین نامه نشریات علمی در ارزیابی سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ پرتال جامع علوم انسانی آدرس <http://ensani.ir/fa/article/journal/1831> گوگل اسکالر https://scholar.google.com/citations?viewop=list_works&hl=en&user= پایگاه سیولیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش با تمرکز در دو حوزه فرهنگی و اجتماعی در گستره خراسان را که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱- ساختار مقاله دارای عنوان، چکیده، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسئله، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، منابع و ارجاعات دقیق و، در صورت لزوم، پیوست‌ها باشد.
۲- مقاله در محیط Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۳ از طریق رایانامه به نشانی <http://Farhangekhorasan.ir> ارسال شود.

۳- صفحات مقاله اگر در قالب A4 باشد حداکثر ۱۸ صفحه و اگر در قالب ۱۶/۵ * ۲۳/۵ (وزیری) باشد (طبق قالب بارگذاری شده در سامانه template) حداکثر ۲۵ صفحه باشد. مجله از پذیرش مقاله‌های طولانی (بیش از ۸۰۰۰ واژه) معذور است.

۴- چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و واژه‌های کلیدی (سه تا هفت کلمه) است.
۵- ارسال چکیده مبسوط به فارسی و لاتین توسط نویسنده الزامی و پس از داوری مقاله توسط نویسنده ارائه می‌گردد. جهت تنظیم چکیده مبسوط به راهنمای نویسندگان در سامانه مراجعه نمایید.

۶- معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی، اصطلاحات غیررایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۷- جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300px)، با شماره و عنوان گویا (B Nazanin 12 Regular) و همچنین ذکر مأخذ در ذیل هر کدام (B Nazanin 12 Regular) آورده شود.

۸- ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام‌خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۹- فهرست منابع در انتهای مقاله و براساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتاب‌شناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۹-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۹-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان. *فرهنگ خراسان جنوبی*، (۱۱)، ۴۹-۶۶.

۹-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). اثرات مهاجرت های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی. *مجموعه مقالات اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت*، جلد ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۹-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). *رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی* (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

۹-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۹-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*. بازیابی شده در: <http://www.Farhanghenasi.com/article/s/9/5/html>. از: ۱۳۸۸/۸/۲.

۱۰- نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه نویسنده بر روی صفحه‌ای جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده دارد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۱۱- مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیئت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب نظر مرتبط با موضوع مقاله ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

۱۲- جهت اطلاعات بیشتر و تنظیم مقاله، نحوه نگارش ارجاعات درون‌متنی و منابع به راهنمای نویسندگان در سامانه فصلنامه مراجعه نمایید.

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی. تلفن: ۴-۳۲۳۲۳۳۹۳-۰۵۶
دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

آدرس وبگاه: <http://farhangekhorasan.ir>

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: farhangekhorasan@gmail.com

فهرست مطالب

- پیامدهای اقتصادی - اجتماعی حضور نظامیان روسیه و انگلیس در ولایت قاینات طی جنگ جهانی اول

فریده باوریان، احمد اسدالهی گازار ۹

- نقش واسطه‌ای مربی‌گری مدیران در روابط بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان

مریم حافظیان، میلاد ربانی، شهربانو دهرویه ۴۷

- مقایسه‌ی اثربخشی برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کفایت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال

سیده سمیه رضانی، سمانه‌السادات جعفر طباطبایی، تکت‌السادات جعفر طباطبایی، فاطمه شهبایی‌زاده ۹۱

- واکاوی رموز و آوازه‌های حکمی دوزبانه در اشعار ابن‌حسام (با تکیه بر مناقب نبوی و علوی) احمد لامعی گیو ۱۳۱

- بررسی القاگری آواها در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی براساس نظریه‌ی موریس گرامون عباس واعظ‌زاده، مهدیه باقری ۱۶۹

- تحلیل لایه‌های آشکار و نهان واقعه‌ی کربلا در پرده‌ی نقاشی قلمکار حسینی‌ی کبابی بیرجند براساس سیر تحول عاشورانگاری در دوره‌ی قاجار

ملیکا یزدانی، هنگامه شاه‌بیک، فرهاد خسروی‌بیژانم ۱۹۷



The Socio-Economic Consequences of the Presence of Russian and British Military Forces in Qayenat during the First World War

Faride Bavaryan¹

Ahmad Asadollahi Gazar²

Received: 02/06/2025

Accepted: 05/10/2025

Introduction

With the outbreak of the First World War, Iran declared its neutrality. However, in practice this neutrality was little more than a formality. The warring powers knew well that, given Iran's many internal problems and the external pressures it faced, such neutrality could not be meaningful. As a result, seeing the weakness of the central government, they ignored Iran's declaration and moved ahead with their own plans. In these circumstances, the Iranian government could do little more than send notes of protest to the belligerent states; a policy that failed to prevent foreign forces from occupying parts of the country. During this period, British and Russian troops, whose main mission was to establish a defensive line against Germany, exploited the weakness of Iran's central authority. Because of its strategic position, they brought the northern and southern regions of the province of Qayenat under their control. Therefore, Iran, and, within it, the *Amarat-e Qayenat va Sistan*, became a stage for the colonial ambitions of the great powers. Qayenat, which had long been an arena of rivalry between Russia and Britain due to its unique strategic location, experienced widespread difficulties and instability in various domains during the war as a result of their policies. In light of this, the present study aims to address what socio-economic consequences the presence of Russian and British troops in the province of Qayenat had for the local population. Accordingly, it examines the regional conditions and the socio-economic outcomes resulting from the presence of these forces in Qayenat during the First World War.

1. Assistant Professor of Islamic Revolution History, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran. Email: f.bavaryan@ilam.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0003-0265-8159>

2. Writer and researcher in the art field of the Islamic Revolution, Tehran, Iran.
Email: asadollahiahmad@yahoo.com
<https://orcid.org/0009-0002-6311-2088>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Although numerous studies have addressed the effects of the First World War and the presence of Allied forces in this region, several of which are relevant as background for the present research, previous works typically focus on only one of the dimensions explored here. The distinct contribution of this article lies in its comprehensive and independent examination of the socio-economic consequences of the Russian and British military presence in Qayenat during the First World War.

The primary aim of this study is to examine the socio-economic crises that emerged as a result of the direct presence of Russian and British military forces in the strategically important province of Qayenat, crises that increasingly destabilized the region. Within this broader inquiry, the study also seeks to explore the conditions that facilitated the entry of these forces into the area, the position of the governor of Qayenat, Mohammad Ebrahim Khan 'Alam, toward their presence, and the activities of German agents in the province.

Research Method

This study employs a historical method with a descriptive-analytical approach. It draws on library sources, including books, scholarly articles, academic theses and the writings of British consuls and high-ranking military officers. In addition, it makes use of documentary materials such as published document collections, unpublished archival records held at the National Archives and Library of Iran, as well as interviews with prominent scholarly, religious, and cultural figures from the region.

Findings

The findings indicate that the conduct and activities of the Allied forces during the First World War exposed the province of Qayenat to a range of economic crises, including famine, widespread poverty, shortages and rising prices of foodstuffs, and disruptions to agriculture and livestock production. These economic difficulties, in turn, gave rise to numerous social crises. Among the most significant were the spread of infectious diseases such as cholera, influenza, and smallpox—largely caused by poor sanitary conditions among foreign troops and widespread malnutrition among the local population; large-scale migration of Qayenat residents to nearby cities and neighboring countries, including Afghanistan and parts of Central Asia, in search of better living conditions; an increase in marriages between local women and foreign soldiers or opportunistic local chiefs due to the severe financial distress faced by families; the expansion of opium cultivation and consumption within society; and, finally, a sharp rise in insecurity along roads and trade routes as a result of banditry and raids carried out by Turkmen, Baluch, and Afghan outlaws, as well as assaults on local homes by Cossack soldiers.

Conclusion

During the First World War, the swift and wide-reaching control of Qayenat by Russian and British forces, and their close cooperation in the region, led to growing crises in several areas. These problems were especially serious in the economic and social spheres. Allied control disrupted foreign trade and caused local markets to stagnate, as commercial activity dropped to its lowest levels and Iran's exports to neighboring countries were put at risk. As the Allied forces expanded and demanded more essential goods, while occupying orchards and farmlands, agriculture in the region came under serious threat. This led to rising prices, food shortages, and, at times, famine. The worsening economic conditions also created social problems. The direct presence of Allied troops in Qayenat caused the spread of infectious diseases, widespread malnutrition, migration of residents, and increased insecurity along roads and trade routes. These problems deeply affected the local population, increased social dissatisfaction, and eventually led to public protests against Shaukat al-Mulk.

Keywords: Qayenat Province, First World War, Britain, Russia, Iranian Central Government, Allied Powers.

References

- Agheli, B. (2001). *Chronology of Iran from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution* (Vol. 1). Tehran: Goftar. [In Persian]
- Ahrar, A. (1973). *Tufan in Iran*. Tehran: Novin. [In Persian]
- Akhavan, S. (2001). *Iran and the First World War: Seminar proceedings*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Aramjou, A. (2010). *The Qayenat province during the Qajar period* (Unpublished Master's thesis). University of Tehran, Tehran, Iran. [In Persian]
- Aramjou, A. (2012). Britain and the Qayenat province: World War I and its consequences. In *Proceedings of the Iran and British colonialism conference* (Vol. 2). Tehran: Institute for Political and International Studies. [In Persian]
- Aramjou, A., & Malekzadeh, E. (2011). Qayenat and the great powers during the Qajar period (1210–1344 AH). *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, 19(5), 1–25. [In Persian]
- Asadollahi Gazar, A. (2015). *Britain in Birjand*. Tehran: Fekr-e-Bekr. [In Persian]
- Bayat, K. (2002). *Iran and the First World War*. Tehran: National Library and Archives of Iran. [In Persian]
- Confidential notes of the British Consulate in Sistan and Qayenat (1917–1919) (M. Fazeli, Trans.). (2013). Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Confidential reports of the British Consulate in Sistan and Qayenat (1915–1916 & 1921–1923) (M. Rafiei, Trans.). (2017). Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Confidential reports of the British Consulate in Sistan and Qayenat (1912–1914) (M. Rafiei, Trans.). (2016). Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Daneshpajouh, M., Sotoudeh, M., Moghrebi, M., & Zaryabkhoei, A. (2005). *The culture of Iran* (Vol. 12). Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Dixon, W. A. R. (2013). *Eastern Iran: A glimpse of the First World War* (M. Rafiei, Trans.). Tehran: Hirmand. [In Persian]
- Hill, F. (1999). *Letters from Qaenat* (M. H. Ganji, Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Jaberi, E. (2009). *Factors influencing the developments of Qayenat in contemporary Iran* (Unpublished master's thesis), Ferdowsi University of Mashahd, Mashhad, Iran. [In Persian]
- Loft, J. P. (2001). Britain's policy in eastern Iran during the First World War (M. Bahramian, Trans.). *Quarterly Journal of Foreign Relations History*, 7 & 8(3), 65–116. [In Persian]
- Mahboub Farimani, E. (2003). *Documents on foreign governments' presence in eastern Iran*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Majd, M. Q. (2007). *The great famine* (M. Karimi, Trans.). Tehran: Institute for Political and International Studies. [In Persian]
- Malekzadeh, E. (2013). Documentary account of the famine in eastern Iran during the First World War. *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, 3(7), 105–122. [In Persian]

- Malekzadeh, E., & Hamani, K. (2020). Investigating the causes of social crises in Iran during the First World War: A press-based perspective. *Quarterly Journal of War Historical Studies*, 1(4), 115–137. [In Persian]
- Mansaf, M. A. (1976). *Amir Shokat al-Molk Alam*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Miroshnikov, L. Y. (1965). *Iran in the First World War* (A. Dokhaniyati, Trans.). Tehran: Farzaneh. [In Persian]
- Moberly, J. (1990). *Operations in Iran* (K. Bayat, Trans.). Tehran: Rasa. [In Persian]
- Shahidi, M. (1998). *The political life of the Alam family*. Tehran: Institute for Contemporary History Studies. [In Persian]
- Sherafatimoghadam, E. (2016). *Social and economic consequences of the First World War in eastern Iran* (Unpublished master's thesis). University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. [In Persian]
- Sykes, P. (1964). *History of Iran* (F. Daie Gilani, Trans., Vol. 2). Tehran: Donya-ye Ketab. [In Persian]
- Yeat, C. E. (1986). *Travelogue of Khorasan and Sistan* (G. Roshani, Trans.). Tehran: Yazdan. [In Persian]

Oral History Interviews in Persian

- Ayati, A. H. (2014, September 26). Oral history interview.
- Dayani, E. (2017, August 11). Oral history interview.
- Raghebi, M. R. (2014, March 23). Oral history interview.
- Ganji, M. H. (2012, January 15). Oral history interview.

Periodicals / Newspapers in Persian

- Habl al-Matin, 26. (1915 AH).
- Setareh Iran, 15. (1920 AH).
- Shahab Thaqeb, [n.d.]. (Muharram 1914 AH).
- Asr-e Jadid, 53. (1915 AH).
- Kokab Iran, 5, 8, 9 (1916 AH); 42, 51, 55 (1917 AH).
- Nobahar, 217, 219, 220. (1914 SH).

Archival Documents

- National Library and Archives Organization (NLAO), Archive, Documents:
Document No. 1169/210, Archive Location 4290970 & 2;
Document No. 9640/210;
Document No. 404/240, Retrieval No. 404/1/13, Archive No. 209 A3AA1;
Document No. 2864/290, Retrieval No. 2864/1/12, Archive No. 1AB4R860;
Document No. 01702/290, Archive No. 326 3A A1;
Document No. 14884/240, Retrieval No. 14744/1/13, Archive No. 504 K4A1;
Document No. 564/240, Retrieval No. 564/1/13, Archive No. 214 A4AA1;
Document No. 1411/293, Retrieval No. 293001411, Archive No. 519 Z1B A1;
Document No. 001206/998;
Document No. 996/998.

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

پیامدهای اقتصادی - اجتماعی حضور نظامیان روسیه و انگلیس در ولایت قاینات طی جنگ جهانی اول

احمد اسداللهی گزار^۲فریده باوریان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشرشده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_231399.html

چکیده

با آغاز جنگ جهانی اول نیروهای انگلیسی و روسی، که مأموریت اصلی‌شان ایجاد یک خط زنجیر نظامی در برابر آلمان‌ها بود، با استفاده از ضعف حکومت مرکزی ایران، شمال و جنوب ولایت قاینات را، به دلیل موقعیت استراتژیک آن، تحت سلطه قرار دادند. حضور مستقیم نیروهای بیگانه گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های گسترده‌ای را در عرصه‌های مختلف بر مردم منطقه تحمیل نمود. در این راستا، پژوهش حاضر سعی دارد، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی، پیامدهای حضور نیروهای روسی و انگلیسی را در دو عرصه‌ی اجتماعی و اقتصادی مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رفتار و عملکرد نیروهای متفقین طی جنگ جهانی اول در ولایت قاینات این خطه را در معرض بحران‌های اقتصادی مختلفی، چون قحطی، گسترش فقر، کمبود و گرانی مواد غذایی، اختلال در امور کشاورزی و

۱. استادیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
(نویسنده مسئول)

f.bavaryan@ilam.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-0265-8159>

asadollahiahmad@yahoo.com

۲. نویسنده و پژوهشگر حوزه هنری انقلاب اسلامی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0009-0002-6311-2088>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

دامپروری، قرار داد که به تبع آن بحران‌های اجتماعی بسیاری، مانند مهاجرت به مناطق همجوار، ازدواج دختران بومی با بیگانگان، گسترش کشت تریاک و افزایش استعمال آن، افزایش ناامنی در جامعه و تشدید نارضایتی‌های اجتماعی و درنهایت گسترش بیماری‌های مسری و مرگ و میر ناشی از سوءتغذیه و نبود امکانات بهداشتی، روی داد.

واژه‌های کلیدی: ولایت قاینات، جنگ جهانی اول، بریتانیا، روسیه، دولت مرکزی ایران.

مقدمه

خبر آغاز جنگ بین آلمان و انگلیس در ۱۳ مرداد ۱۲۹۳ / ۵ آگوست ۱۹۱۴ به بیرجند رسید و در ابتدا مردم منطقه را شادمان کرد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴)، ۱۳۹۵: ۳۹۸). در آن روزها، روزنامه‌ی *حبل‌المتین* تنها وسیله‌ای بود که مردم شهر را از وقایع برون‌مرزی آگاه می‌ساخت. اما خبرهای این روزنامه امیدوارکننده نبود و مدام اخبار نگران‌کننده‌ای را از روند جنگ به بیرجند مخابره می‌کرد (هیل، ۱۳۷۸: ۳۲، ۶۸). در هشتم دی ۱۲۹۳ رونوشتی از اعلامیه‌ی جهاد در کربلا خطاب به میرزا احمد نراقی، مدیر مدرسه‌ی شوکتیه، به بیرجند رسید. شیخ هادی هادوی (۱۲۷۷-۱۳۶۷ق)، مجتهد بزرگ شهر، اعلامیه را مجعول دانست و به وی توصیه کرد آن را مخفی نگه دارد. برای جلوگیری از انتشار این اخبار، که به ضرر متفقین بود، به درخواست کلنل جان پریدوکس^۱ (۱۸۷۱-۱۹۳۸م)، کنسول انگلیس در قاینات و سیستان، تاجر هندی به نام سلیمان مأموریت یافت اعلامیه‌های مذکور را مصادره نماید و نزد کلنل بفرستد (گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات سال‌های (۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ و ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳)، ۱۳۹۶: ۴۹، ۳۱).

با وجودی که، از سال‌ها قبل، مبلغین بریتانیایی و حکام بیرجندی از انگلیس چهره‌ای مقتدر، باگذشت و طرفدار جوامع ضعیف ساخته بودند و دولت‌مردان انگلیسی را دوستدار صلح و به دور از نیرنگ معرفی می‌کردند،^۲ جنگ چهره‌ی واقعی انگلیسی‌ها را برای مردم منطقه نمایان ساخت؛ زیرا آن‌ها به همراه روس‌ها، باگذشت اندک زمانی از آغاز درگیری‌ها، بدون توجه به اعلان بی‌طرفی

1. John Prideaux

۲. مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

ایران در آبان ۱۲۹۳، استان‌های شرقی و جنوب شرقی، به‌خصوص مناطق سیستان و قاینات، را به صحنه‌ی فعالیت‌های نظامی مبدل ساختند (لوفت، ۱۳۸۰: ۶۵). واقعیت این بود که بی‌طرفی ایران از اول هم یک عنوان تشریفاتی بود، و دول متخاصم مطمئن بودند، با توجه به دشواری‌های بی‌شمار داخلی و ملاحظات و فشارهای خارجی بر ایران، این بی‌طرفی صوری است (احرار، ۱۳۵۲: ۱۶)؛ لذا دول متحارب، با مشاهده‌ی ضعف قدرت دولت مرکزی، برای پیشرفت مقاصد خود در ایران نقشه‌ها کشیدند (حبل‌المتین، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۲۶: ۹). آنان ضمن این‌که از یک سو بی‌طرفی ایران را تصدیق نمودند، از طرف دیگر ارزشی برای بی‌طرفی دولت قائل نشدند و حملاتشان را آغاز کردند (ستاره/ایران، ۲۹ ذیقعد ۱۳۳۹، ش ۱۵: ۴). در این شرایط، فعالیت دولت منحصر به ارسال یادداشت‌های اعتراض به دول متحارب بود؛ سیاستی که نتوانست از اشغال کشور به‌وسیله‌ی قوای بیگانه جلوگیری کند (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۴۴). بنابراین، ایران و از آن جمله «امارت قاینات و سیستان» صحنه‌ی اهداف استعماری آنان قرار گرفت. در این مقطع، ولایت قاینات بخشی از این خطه‌ی پهناور بود که از حدود خُضری در شمال تا سیستان در جنوب را اطلاق می‌شد و کرسی‌نشین آن نصرت‌آباد بود (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات (۱۹۱۹-۱۹۱۷)، ۱۳۹۲: ۸۶)؛ منطقه‌ای که در جریان جنگ جهانی اول ژنرال دیکسون (۱۷۷۷-۱۸۴۰م) آن را به‌عنوان بخشی از منطقه‌ی عقب‌مانده‌ی ایران توصیف کرد که به هیچ‌وجه نباید تحت تأثیر حوادث جنگ قرار گرفته باشد (لوفت، ۱۳۸۰: ۶۵). اما برخلاف نظر وی، این ولایت به‌خاطر موقعیت خاص استراتژیک آن از مدت‌ها قبل عرصه‌ی رقابت این دو کشور بود، و در پی سیاست‌های آن‌ها با بروز جنگ دچار ناآرامی‌های روزافزون و بحران‌هایی در عرصه‌های مختلف گردید. در این راستا، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با محوریت این سؤال که «حضور قشون روسیه و انگلیس در ولایت قاینات چه پیامدهایی را در دو عرصه اجتماعی و اقتصادی برای مردم منطقه رقم زد؟» در پی آن است که پیامدهای حضور این دو نیرو را در عرصه‌های مذکور مورد واکاوی قرار دهد.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی تأثیرات و پیامدهای جنگ جهانی اول و حضور متفقین در مناطق مختلف، از جمله ولایت قاینات، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها به‌عنوان پیشینه‌ی پژوهش مذکور قابل توجه هستند؛ از جمله‌ی این آثار طرح پژوهشی *تأثیرات اقتصادی جنگ‌های جهانی اول و دوم در بیرجند* (۱۳۸۰) از زهرا علیزاده بیرجندی است. این اثر قدیمی‌ترین پیشینه‌ی پژوهش مذکور محسوب می‌شود.^۱ اثر دیگر کتاب *قاینات و قدرت‌های بزرگ در دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)* (۱۳۹۰)، اثر علی‌آرام‌جو و الهام ملک‌زاده است که در بخشی از آن تأثیرات حضور روس‌ها و انگلیسی‌ها در سیاست‌های این ولایت، طی جنگ جهانی اول، بررسی شده است. علی‌آرام‌جو در بخشی از پژوهش دیگر خود با عنوان *بریتانیا و ولایت قاینات: جنگ جهانی اول و پیامدهای آن* (۱۳۹۱)، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی حضور نیروهای انگلیسی در ولایت قاینات را مورد مطالعه قرار داده است. همچنین سیاست‌های استعماری انگلستان در بیرجند در جریان جنگ جهانی اول بخشی از پژوهش احمد اسداله‌بی با عنوان *بریتانیا در بیرجند* (۱۳۹۴) بوده است. جابری هم در پایان‌نامه‌اش با عنوان *عوامل مؤثر بر تحولات قاینات در ایران معاصر* (۱۳۸۸)، ضمن بررسی عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی، انسانی و فرهنگی مؤثر در تحولات ولایت قاینات، در یکی از فصول اشاره‌ای کلی به تأثیرات جنگ جهانی اول بر این ولایت داشته است. نقطه‌ی تمایز مقاله‌ی حاضر با پژوهش‌های مذکور در بررسی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی حضور نظامیان روسیه و انگلیس در ولایت قاینات در جنگ جهانی اول در قالب پژوهشی مستقل است. سپس، ذیل بررسی این موضوع، بسترهای حضور این نیروها در منطقه، مواضع حکمران قاینات، محمد ابراهیم‌خان علم، (۱۲۵۹-۱۳۲۲ش) نسبت به حضور آن‌ها و همچنین حضور آلمان‌ها در این ولایت مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در حالی که پژوهش‌های پیشین صرفاً بر یکی از ابعاد مورد بررسی در پژوهش حاضر تمرکز دارند.

۱. طرح مذکور در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه بیرجند قابل دسترس است. اما متأسفانه نویسندگان به‌دلیل محدودیت زمانی در ویرایش مقاله و تعطیلی دانشگاه نتوانستند از محتوای آن بهره‌گیرند.

اعزام نیروهای بریتانیایی و روسی به قاینات

در همان ابتدای جنگ، این تفکر در میان آلمانی‌ها قوت گرفته بود که برای کاستن از فشار جنگ در جبهه‌ی غرب باید بخشی از نیروهای متفقین را در شرق، به‌ویژه در ایران و افغانستان، درگیر کنند؛ بدین منظور طرح انور پاشا، از فرماندهان رده‌بالای عثمانی، مبنی بر تشکیل اتحادیه‌ی اسلامی دولت‌های عثمانی، ایران و افغانستان بر ضد دولت‌های بزرگ روس و بریتانیا مورد توجه مقامات برلین واقع شد؛ طرحی که جهان اسلام را به قیام مسلحانه علیه قوای متفقین فرامی‌خواند. لذا طولی نکشید که برای اجرای آن چندین هیئت آلمانی راهی مناطق شرقی ایران و افغانستان شدند که مسیر اصلی آن‌ها از ولایت قاینات می‌گذشت (آرام‌جو، ۱۳۹۱: ۴۶۷؛ احرار، ۱۳۵۲: ۵). از سوی دیگر، حوادثی که پیش از شروع جنگ جهانی اول در ایران جریان داشت ایرانیان را متمایل به حضور آلمان‌ها در کشورشان کرده بود. ایرانی‌ها روسیه را دشمن خود می‌دانستند و از انگلیسی‌ها به‌دلیل واگذاری ایران به روس‌ها رنجیده‌خاطر بودند. در این وضعیت، تمایل به هماهنگی با آلمان به‌عنوان دشمن هردو قدرت داشتند (دیکسون، ۱۳۹۲: ۳۹-۴۲).

به‌گفته‌ی ما برلی، نیروهای آلمانی نخست در ۲۶ ژوئیه ۴/۱۹۱۵ تیر ۱۲۹۴ و سپس توسط کلنل دیل در ۸ ژانویه ۱۸/۱۹۱۸ دی ۱۲۹۶ در قاینات مستقر شدند (ما برلی، ۱۳۶۹: ۱۳۰، ۳۵۰). اما بنابر اسناد، اولین خبر دال بر ورود آلمانی‌ها به قاینات مربوط به اول ژوئیه ۱۹۱۵ است؛ زمانی که تعدادی افراد آلمانی و اتریشی در رأس گروهی سی نفره و مسلح از منطقه‌ی اصفهان وارد قاینات شدند و خبر صدور حکم آماده‌باش از سوی شوکت‌الملک را به تمامی نایب‌الحکومه‌های قاینات، مانند خوسف^۱ و سرچاه^۲، به همراه داشتند. شوکت‌الملک دستور داده بود ورود آلمانی‌ها را به منطقه سریعاً به بیرجند گزارش دهند (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۶۹، ۲۷۱-۲۷۳). آلمانی‌ها در بدو ورود به قاینات با استقبال و همکاری شماری از مردم قاینات مواجه شدند که دولت آلمان را منجی خود در برابر استعمار بریتانیا و روسیه می‌دانستند. اما این همکاری موجب شد تا توسط نیروهای انگلیسی دستگیر شوند (آرام‌جو و ملک‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸). اخبار ورود میسیون‌های آلمانی به افغانستان و تشدید فعالیت عوامل آلمانی در ایران، در تابستان ۱۹۱۵ م، نگرانی شدید بریتانیا و

1. Colonel Dale
2. Khusf
3. Sarchah

روسیه را به دنبال داشت (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۵۴). در این میان، آنچه بر وحشت متفقین، به خصوص بریتانیا، و تمایل بیرجندی‌ها به آلمانی‌ها افزود اخبار ورود نیروهای آلمانی به اصفهان بود (اخوان، ۱۳۸۰: ۶۸). در آن ایام، روزنامه‌ی *حبل‌المتین* درباره‌ی خطر فعالیت آلمانی‌ها برای متفقین نوشت که این دولت‌ها به نقشه‌ی آلمان برای گسترش جنگ به نواحی آسیای صغیر، مناطق غربی و جنوبی ایران تا بیرجند و قاینات پی برده‌اند؛ لذا با اتخاذ نقشه‌ی تقسیم ایران می‌خواهند، دسیسه آلمان‌ها را باطل کنند (حبل‌المتین، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۲۶: ۹-۱۰). بنابراین مقامات بریتانیایی که از یک سو نگران نفوذ آلمانی‌ها به افغانستان، هند و بلوچستان بودند و از سوی دیگر در پی اعمال قدرت و تقویت حضور نظامی در منطقه‌ی استراتژیک شرق ایران بودند، پیشنهاد اشغال این منطقه را به روس‌ها دادند. بنابراین دو کشور رقابت را کنار گذاشتند و سربازانشان، در کنار هم، برای مقابله با نفوذ آلمانی‌ها در تابستان ۱۹۱۵م/۱۲۹۴ش مناطق شرقی ایران را اشغال کردند (سایکس، ۱۳۴۳: ۴۴۸؛ میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۴۷، ۵۴؛ اخوان، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۶). به گفته‌ی ولزلی هیگ (۱۸۶۵-۱۹۳۸م)، کنسول بریتانیا در مشهد، روس‌ها با وفاداری و بدون هرگونه بی‌اعتمادی با انگلیسی‌ها همکاری کردند (لوفت، ۱۳۸۰: ۸۲). سرانجام بریتانیا و روسیه طبق قراردادی موافقت کردند برای تشکیل یک نیروی گشتی در طول مرز که به نام «خط خاوری ایران یا کمربند امنیتی شرق ایران» معروف شد به شرق ایران نیرو بفرستند. لذا روس‌ها به بهانه‌ی ایجاد نظم و آرامش در سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵م هشتصد هزار قزاق به خراسان گسیل داشتند. به فرماندهی نیروهای روسیه در خراسان دستور داده شد تا از مرزهای افغانستان و بیرجند محافظت کنند و از ورود نیروهای آلمانی جلوگیری به عمل آورند (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۵۴؛ اخوان، ۱۳۸۰: ۵۷، ۶۵-۶۶، ۸۲).

در بخش جنوبی ولایت قاینات خط خاوری بریتانیا فعال بود که نیروهای هندی از بیرجند تا بلوچستان ایران از آن حراست می‌کردند. بریتانیا یک گردان پیاده‌ی هندی و یک هنگ سوار برای خدمت به خاور ایران فرستاد (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۵۴). آنان نیروهای شبه‌نظامی را برای گشت‌زنی و نظارت بر جنوب قاینات و سیستان گردآوری کردند، از جمله حدود دویست نیروی

هزاره^۱ استخدام کردند که اکثر آن‌ها بین بیرجند و نهبندان^۲ استقرار یافتند (آرام‌جو، ۱۳۹۱: ۴۶۸). تکیه‌ی بریتانیا برای کنترل قاینات بر نیروهای هندی و هزاره بود (لوفت، ۱۳۸۰: ۸۱). در این زمان سپاهیان بریتانیایی، که با نام «نیروی صحرائی نوار شرق» در بیرجند و در سرتاسر نقاط مرزی مستقر شده بودند، تحت فرماندهی «نیابت پادشاهی بریتانیا در هندوستان» عمل می‌کردند ولی ستاد فرماندهی لشکر مرزی در بیرجند مستقر بود و ژنرال دیکسون ریاست آن را برعهده داشت (مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵). مأموریت این نیروها همچون روس‌ها این بود که در صورت نزدیک شدن نیروهای آلمانی به آن حدود، با کمک ارتش شوکت‌الملک، از ورود آن‌ها به هندوستان جلوگیری نمایند (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۱۰).

اولین دسته از نظامیان متفقین در ۳۱ تیر ۱۲۹۴، با فاصله‌ی کمی پس از ورود آلمانی‌ها، وارد قاین شدند. آن‌ها شامل ۲۰۰ قزاق روسی و ۴۵۰ نفر قشون انگلیسی (عمدتاً بربر، هزاره و هندو) بودند (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۸۱-۲۸۳). بهانه‌ی انگلیسی‌ها در اعزام این نیرو رؤیت سواران آلمانی در حوالی طبس بود (نوبهار، ۱۷ رمضان ۱۳۳۳، ش ۲۱۷: ۳). این اقدام در گام اول نارضایتی و اضطراب اهالی بیرجند را فراهم آورد (نوبهار، ۱ شوال ۱۳۳۳، ش ۲۲۰: ۳). سپس، سیزده نفر از علما و متنفذین منطقه در اعتراض نامه‌ای نوشتند و در آن قید کردند که به بهانه‌ی ورود آلمانی‌ها به قائن امنیت منطقه از بین رفته است و دولت مرکزی، ضمن اطلاع از این تحرکات، هیچ‌گونه اقدام مناسبی برای مقابله انجام نداده است (نوبهار، ۲۸ رمضان ۱۳۳۳، ش ۲۱۹: ۴).

با این وجود، روس‌ها و انگلیسی‌ها همه‌روزه بر عده‌ی قشون خود در این حدود افزودند؛ چنان‌که کنسولگری انگلستان از سیستان صد سواره‌نظام و هشتاد پیاده‌نظام بربری بر این عده افزود (ساکما، سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹). روزنامه‌ی عصر جدید خبر از ورود یک دسته قشون انگلیسی به همراه چند صاحب‌منصب و یک کلنل را به نه‌آداد (عصر جدید، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۵۳:

۱. هزاره‌ها قومی دری‌زبان بودند که در خراسان، کویته پاکستان و مناطق هزارستان افغانستان سکونت داشتند. قبیله‌ی هزاره‌ی خراسان در این مقطع تکیه‌گاه مقامات بریتانیا محسوب می‌شدند. اعضای آن‌ها اغلب برای خدمت در ارتش هند استخدام می‌شدند زیرا به‌عنوان سربازانی قابل اعتماد و عالی شناخته شده بودند. در این زمان در حدود ۱۲۰۰ خانواده از آن‌ها در مشهد زندگی می‌کردند. هنگ صد و ششم پیشگامان هزاره، هنگ پیشگام پیاده نظام ارتش هند انگلیس بود که در ۱۹۰۴م از هزاره‌های مقیم هند در کویته تشکیل شدند (لوفت، ۱۳۸۰: ۸۱-۸۲).

۳). با ورود قشون انگلستان به قائن، شوکت‌الملک در گزارشی به دولت مرکزی از احتمال تجاوز قشون هند به خاک ایران سخن به میان آورد (ساکما، سند شماره ۱۴۱۱/۲۹۳). در کنار نظامیان بریتانیایی، هجوم قشون روس در تعقیب افراد آلمانی در ۱۳۳۴ق به قاین، بیرجند، طبس و گناباد همچنان ادامه داشت (ساکما، سند شماره ۱۴۸۸۴/۲۴۰، ۲۱۰/۹۶۴۰). در همان ایام، تحلیل‌های متفاوتی در مطبوعات درباره‌ی این اقدامات صورت گرفت. روزنامه‌ی *حیل‌المتین* در تحلیلی دلیل اعزام نیرو توسط روسیه و انگلستان را تمایل دو کشور بر بی‌طرفی ایران از جنگ اعلام نمود (*حیل‌المتین*، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۲۶: ۹). برخی دیگر اعزام قشون انگلیسی به ایران را مخالف و ناقض بی‌طرفی دانستند و هیئت دولت را موظف نمودند برای مذاکره با مقامات انگلیسی از تحركات انگلیسی‌ها جلوگیری نمایند (*کوکب/ایران*، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ش ۵۱: ۲).

واکنش امیر قاینات به حضور قوای بیگانه در ولایت قاینات

با ورود نیروهای متفقین به خطه‌ی شرقی و آغاز عملیات نیروهای آلمانی در ۱۲۹۸ش، در قاینات، برخورد حکمران شرق با این دو نیروی رقیب با فراز و فرودهایی مواجه شد. شوکت‌الملک، با وجود ارتباط دوستانه‌ای که با بریتانیایی‌ها داشت، با پیروی از سیاست بی‌طرفی دولت مرکزی، تلاش می‌کرد در جنگ قدرت‌ها بی‌طرفی خود را حفظ نماید (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۹۶، ۲۶۵-۲۶۷). اما این استراتژی با واکنش متفقین مواجه شد؛ چون آنان، با نظارت بر اقدامات سیاسی حاکم قاینات، سعی می‌کردند وی را به نفع خود به صحنه‌ی نبرد بکشانند (آرام‌جو، ۱۳۹۱: ۴۶۹). بنابراین، به محض خبر ورود آلمانی‌ها به قاین، شوکت‌الملک را مجبور ساختند که خانه‌های اهالی را تفتیش کند (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۸۰-۲۸۳، ۲۹۷).

انگلیسی‌ها، بیش از گذشته، به شوکت‌الملک متوسل شدند و در ۱۳ آبان ۱۲۹۴ برای اسکان نیروهایشان درخواست تأسیس قراولخانه را در منطقه‌ی استراتژیک یزدان نمودند. شوکت‌الملک شرط اقدام سریع را عدم مسامحه‌ی آن‌ها در پرداخت حقوق کارگران قرارداد؛ بنابراین با پیگیری‌های هیل نیو^۱، نایب‌کنسول انگلیس، در هفتم دی ۱۲۹۴ قرارداد تنظیم گردید و برای حاکم قاینات ارسال شد. وی نیز ساخت کاروانسرا را به اتمام رساند (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۱۱، ۴۱۵). در

این سال‌ها، سیاست بریتانیا ارسال افسران به منطقه، تجهیز و آموزش قشون محلی قاینات و سیستان بود. با استفاده از این فرصت شوکت‌الملک با کمک بریتانیایی‌ها نیرویی کارآمد در زابل و قاینات تشکیل داد که سربازان آن ایرانی و چریک بودند ولی با بودجه‌ی انگلیسی‌ها و توسط افسران انگلیسی اداره می‌شدند (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۲۹-۱۰۳۰). در پی این اقدام، محمدابراهیم‌خان، برای موجه جلوه دادن اقدام انگلیسی‌ها و آماده ساختن ذهنیت حکومت مرکزی، مدام به مسئله‌ی امنیت مرزهای شرقی تأکید می‌نمود (شاهدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳؛ منصف، ۱۳۵۴: ۵۳)؛ بنابراین در ۱۲۹۴ش، وزیر جنگ، با ارسال نامه‌ای به امیر قاینات، از وی به‌خاطر زحماتش در سازماندهی نیروهای نظامی ولایت قاینات تقدیر کرد (جبری، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۳). باتوجه به این رفتارها، احمد نراقی، سردبیر روزنامه‌ی *شهاب ثاقب*، مرتباً شوکت‌الملک را به سبب انگلوفیل بودن مورد حمله قرار می‌داد و، بنا به درخواست انگلیسی‌ها، توسط قزاق‌ها در کاشان توقیف گردید (*گزارش‌های محرمانه کنسولگری...*، ۱۳۹۶: ۲۵۸).

باوجود ارتباط تنگاتنگ با انگلیسی‌ها، حاکم قاینات به روس‌ها توجه چندانی نداشت؛ چنان‌که در حمله‌ی اشراغ افغان فقط انگلیسی‌ها را متوجه خطرکرد و انگلیسی‌ها نیز بر تعداد نیروهای خود افزودند. حتی هنگامی‌که نیروهای مسلح روسی در تعقیب آلمانی‌ها وارد شهر قاین شدند، شوکت‌الملک، با ارسال نامه‌ای، خواستار تحقیقی فوری مبنی بر علت حضور نیروهای روس در منطقه شد. این رفتارهای دوگانه صراحتاً نارضایتی روس‌ها را برانگیخت؛ چنان‌که کنسول روس تهدید نمود در صورتی‌که این وضع ادامه یابد، کنسولگری را تعطیل و منطقه را ترک خواهند کرد (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۸۰-۲۸۳، ۲۹۷؛ اسدالهی، ۱۳۹۴: ۳۶). با این وجود، توهم حمایت شوکت‌الملک از روس‌ها، از مدت‌ها قبل، در میان مقامات انگلیسی وجود داشت؛ چنان‌که کاپیتان مک‌فرسون^۱ در باره‌ی ملاقاتی در ۱۹۰۵م با ابراهیم‌خان، می‌نویسد: «می‌ترسید که مبادا تصور شود با ما صمیمی است... [لذا] نمی‌توانم از این فکر دست بردارم که حتماً روس‌ها، چه در تهران و چه در روسیه، او را گیر انداخته‌اند و حالا او نوعی تفاهم با آن‌ها دارد» (ساکما، سند شماره ۹۹۸/۰۰۱۲۰۶). روند حمایت شوکت‌الملک از انگلیسی‌ها چندان طول نکشید؛ چون در طول شش ماه آخر ۱۹۱۵م، با خبر پیشرفت آلمان در مرکز، غرب و شرق ایران، حاکم قاینات پیروزی

آلمانی‌ها را قطعی دانست؛ بنابراین در سیاست خود در قبال بریتانیایی‌ها تجدیدنظر نمود و درصدد برآمد با نیروهای آلمانی همکاری نماید. اما از آنجا که نمی‌توانست نتایج جنگ اروپا و تأثیر انگلیس و روس را در ایران به‌طور قطعی پیش‌بینی کند، سیاست محتاطانه‌ای در پیش گرفت و تلاش نمود علیه هیچ‌یک از دو طرف اقدامی نکند (هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۴). لذا با وجود ارتباط نزدیکی که با انگلیسی‌ها داشت، در این اوضاع تمایل چندانی به همکاری با آلمانی‌ها نشان نمی‌داد؛ چنان‌که وقتی عده‌ای آلمانی به ریاست نیدرمایر (۱۸۸۵-۱۹۴۸م) به حدود قاینات رسیدند، پریدوکس از شوکت‌الملک درخواست نمود این عده را توقیف و تحویل کنسولگری نماید ولی او، با تأکید بر بی‌طرفی ایران، اعلام کرد طبق دستور دولت مرکزی عمل خواهد کرد (منصف، ۱۳۵۵: ۵۷) و صرفاً به نایب‌الحکومه قاین دستور داد تا مانع ملحق شدن مردم به آلمانی‌ها شود (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۸۰). اگرچه انگلیسی‌ها کماکان به رفتار او مشکوک بودند ولی او، بی‌توجه به نظر آن‌ها، تحت تأثیر اقتدار و عملکرد آلمانی‌ها به روش محتاطانه‌اش ادامه داد (هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۴). در پیروی از این سیاست، برخی افراد و گروه‌ها که از رفتار انگلیسی‌ها به‌تنگ آمده بودند به آلمانی‌ها متمایل شدند (آرام‌جو و ملک‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸). با این اوضاع جدید «تنش‌های انگلیسی - شوکتی» بالاگرفت و باعث بروز مشکلات سیاسی و ناامنی در منطقه شد (مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵؛ مصاحبه با محمدرضا راغبی، بیرجند، ۱۳۹۳/۱/۳)؛ بنابراین، زمانی که به‌خاطر پیشروی‌های آلمان، قشون متفقین تحکم بیشتری بر مردم روا داشتند، شوکت‌الملک «اسباب آسایش عموم اهالی را از هر حیث فراهم نموده و از فقرا دست‌گیری [می-کرد]» (کوکب / ایران، ۱۱ جمادى‌الاول ۱۳۳۶، ش ۵۱: ۲). او حتی با عصبانیت از کنسول هر دو کشور خواست به‌خاطر رفاه حال مردم دست از این اقدامات بردارند (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۷۴، ۳۷۰) و روابط دوستانه‌اش با انگلیسی‌ها را کنار گذاشت و در مکاتباتش با آن‌ها با لحن تندی برخورد نمود؛ چنان‌که در نامه‌ای خطاب به سران انگلیسی این اقدامات را مخالف بی‌طرفی ایران دانست. دولت انگلیسی، که متوجه وخیم بودن اوضاع شده بودند، به نیروهای تحت امرش دستور داد که مزاحمتی برای اهالی ایجاد نکنند؛ لذا طولی نکشید که هر یک از نایب‌الحکومه‌های قاینات و سیستان بهبود اوضاع و تغییر رویه‌ی انگلیسی‌ها را به شوکت‌الملک اطلاع دادند (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۵۹).

به تدریج گزارش‌هایی به دست شوکت‌الملک رسید که او را از پیروزی آلمانی‌ها ناامید ساخت. در این وضعیت، ابراهیم‌خان در مکاتباتش عدم همکاری جدی خود را با آلمانی‌ها به انگلیسی‌ها و حکومت مرکزی ایران اطلاع داد. اما همچنان پریدوکس شوکت‌الملک را طرفدار آلمانی‌ها معرفی نمود. او به صراحت به ابراهیم‌خان گوشزد کرد که اگر دلایلی بر دوستی او با دولت انگلیس مشاهده نشود، مقام خود را از دست خواهد داد (منصف، ۱۳۵۵: ۵۷؛ هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۴). در نهایت، گرایش امیر قاینات به هیتلر زمینه‌ی عزل او را از سوی انگلیسی‌ها فراهم نمود و پس از یک‌سال که مجدداً با انگلیسی‌ها از در دوستی درآمد، به حکومت بازگشت. اما این بار در تمام خطه‌ی شرق، از خواف گرفته تا دریای عمان، با انگلیسی‌ها بنای همکاری نهاد (منصف، ۱۳۵۳: ۵۰-۵۳؛ شاهدی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

فعالیت‌ها و اقدامات نیروهای متفقین در ولایت قاینات

- اقدامات نیروهای قزاق روسیه در ولایت قاینات

با ورود روس‌ها به بیرجند، نیروهای قزاق گاهی اقدام به مصادره‌ی اموال مردم می‌کردند و منازل را برای کشف سلاح، اسب و اثاثیه‌ی خانه تفتیش می‌نمودند. حتی گاهی به تنش‌های بین مردم و سربازان بریتانیایی دامن می‌زدند و انگلیسی‌ها را مقصر جلوه می‌دادند (مصاحبه با محمدرضا راغبی، بیرجند، ۱۳۹۳/۱/۳؛ مصاحبه با ابوالحسن آیتی، بیرجند، ۱۳۹۳/۷/۵). کنسولگری روس، با ایجاد پست نظامی در سراسر خاک قاینات، مشکلات بیشتری را بر مردم تحمیل کرد و اهالی را به زحمت انداخت (ساکما، سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹). قزاق‌ها در ۱۵ مرداد ۱۲۹۴ مسجد جامع قاین را اقامتگاه خویش قرار دادند و خانه‌های مردم را (بدون هماهنگی با مقامات محلی) به بهانه‌ی گرفتن اموال آلمانی‌ها و سلاح تفتیش کردند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری...، ۱۳۹۶: ۱۳۰)؛ افراد معترض را به قتل رساندند، و اموالشان را ضبط نمودند. آن‌ها به دلایل واهی و خودسرانه مردم را دستگیر و محکوم می‌کردند و متهمان همکاری با آلمان را به روسیه تبعید می‌نمودند. اگر نیروهای قزاق در دست هرکسی، حتی مأموران دولتی، اسلحه می‌دیدند، آن را ضبط می‌کردند و بهانه‌ی آن‌ها ایجاد امنیت و ممانعت از همکاری ایرانی‌ها با هیئت‌های متحدین بود (شرافتی - مقدم، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۴، ۸۰). این اقدامات غیرقانونی، که از حمایت انگلیسی‌ها نیز برخوردار بود،

نفرت عمومی جامعه را علیه آن‌ها برانگیخت و موجب ایجاد مناقشاتی میان مردم قاین با قشون روس گردید. در پی این کشمکش‌ها، علمای قاین از نایب‌الحکومه خواستند تا یک نفر را برای مذاکره با روس‌ها و جلوگیری از تعدیاتشان مأمور کند (اخوان، ۱۳۸۰: ۲۹۶-۲۹۷، ۲۸۳، ۲۹۳). پس از آن، حدود ۲۵ نفر از اهالی شهر در نامه‌ای به شوکت‌الملک و کنسول روس نوشتند: «تکلیف ضعفا را معین و آلا به طرف بیرجند حرکت خواهیم کرد» (محبوب، ۱۳۸۲: ۲۸۱). همچنین سیزده نفر از علما و متنفذین محلی در ۱۷ مرداد ۱۲۹۴، ضمن انتشار نامه‌ای اعتراضی، تهدید نمودند در صورتی که دولت برای رفع غائله اقدامی ننماید، به ناچار خود اقدامات لازم را انجام خواهند داد (نوبهار، ۲۸ رمضان ۱۳۳۳، ش ۲۱۹: ۴).

علاوه بر موارد ذکرشده، روس‌ها، برای تهیه‌ی آذوقه‌ی نظامیان خود، مشکلاتی را برای اهالی به وجود آوردند. آنان همراه با انگلیسی‌ها بیشتر نان منطقه را خریداری می‌کردند و حتی گاهی آن را با قیمت بیشتر به فروش می‌رساندند؛ اقدامی که منجر به کمبود نان در منطقه شد (ملک‌زاده و حمانی، ۱۳۹۹: ۱۲۸). قزاق‌ها از غارت باغ‌ها و مزارع مردم هم ابا نداشتند. آن‌ها محصولات دامی، کشاورزی و حتی دام‌ها را مصادره می‌نمودند (آرام‌جو، ۱۳۸۹: ۱۳۳). بنا بر گزارش شوکت-الملک در ۱۳۳۴ق، بر سر محصولات کشاورزی میان قزاق‌ها و دهقانان در قریه‌ی خضری درگیری رخ داد. بنابراین از دولت مرکزی درخواست نمود اقدامات عاجلی به عمل آید تا قشون روس خارج شود. وی با اشاره به رفتار نامناسب ویس، کنسول ارتش روس، با یکی از افراد نایب‌الحکومه‌ی قاین می‌نویسد: «وقتی مأمورین ارتش بهیبه همین‌طور رفتار را داشته باشند، آن وقت رفتار قزاق‌ها در شهر قاین نسبت به رعیت [را چگونه] می‌توان قیاس کرد» (ساکما، سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹).

نیروهای روس از ۱۲۹۶ش به بعد برای تهیه‌ی غلات مورد نیازشان در مناطق خضری،^۱ دشت بیاض^۲ و نوغاب^۳ به انبارهای شوکت‌الملک حمله می‌کردند. با توجه به مشکلات تأمین آذوقه و خشک‌سالی، که مزید بر علت شده بود، از سوی حکومت مرکزی مقرر شد کنسولگری روسیه در بیرجند اقلام مورد نیاز نیروهایش را به امیر قاینات اعلام کند تا به وسیله‌ی حکومت تهیه شود. اما با توجه به ضعف حکومت مرکزی، آنان مجبور بودند علاوه بر مشکلات ناشی از حضور بیگانگان،

1. Khezri
2. Dashtebayaz
3. Noghab

تجاوز به حقوق سیاسی - اجتماعی خود را نیز تحمل نمایند. به دلیل مزاحمت‌هایی که برای نوامیس اهالی قاین از سوی کارکنان کنسولگری روسیه ایجاد گردید، امیر قاینات در ۱۲۹۷ ش، با ارسال نامه‌ای به کارگزار خارجه قاینات، خواستار جلوگیری از این اقدامات و رسیدگی به این قضایا شد (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۴، ۸۰-۸۲).

اقدامات نیروهای چندملیتی بریتانیا در ولایت قاینات

انگلیسی‌ها با تسلط بر حدود قاینات تا سرحدات بلوچستان ژنرال دیکسون را موظف به بهره‌برداری کامل از منابع محلی نمودند. سپاهیان انگلیسی هر روز با اسلحه در کوچه و بازار گشت‌زنی می‌کردند و باعث وحشت مردم می‌شدند (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۶۸). در آغاز جنگ، قوای هندوی ارتش بریتانیا با صاحب‌منصب و توپخانه وارد قاین شدند و در اغلب نقاط پست نظامی دایر کردند (کوکب / ایران، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ش ۵۱: ۳) حتی، به بهانه‌ی پیشگیری از ورود و حضور آلمانی‌ها به منطقه، بر تعداد پست‌های نظامی بین راهی در سیستان و قاینات افزودند (ساکما، سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹) و افرادی که می‌خواستند در مسیرهای اصلی قاینات، به‌ویژه مسیر بیرجند به قاین، تردد کنند می‌بایست بلیط‌های مخصوصی صادره از کنسولگری ارائه می‌کردند؛ روبه‌ای که کشاورزان را نیز شامل می‌شد. اما این شیوه شکایت اهالی به امیر قاینات را در پی داشت. بنابراین، وی طی نامه‌ای به کنسول انگلیس (شهریور ۱۲۹۴) این اقدام را مخالف موضع بی‌طرفی ایران و اسباب زحمت مردم ذکر کرد و خواستار برچیدن این پست‌ها شد (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۹۵).

اسناد مربوط به این دوره حاکی از تعرض مستقیم سپاهیان به مزارع و غارت محصولات مناطق مختلف است؛ چنان‌که نایب‌الحکومه‌های خوسف و مود^۱ در شهریور و آبان ۱۲۹۴ با ارسال گزارش - هابی به ابراهیم‌خان از خرابی محصولات منطقه و رفتار تحقیرآمیز مأموران انگلیسی انتقاد کردند. انگلیسی‌ها ضمن تعرض به دسترنج مردم گاهی با آنان به مشاجره می‌پرداختند. این اخبار باعث شد تا شوکت‌الملک از کنسولگری انگلیس اشد مجازات را برای مأمورین هتاک درخواست نماید. اما آن‌ها در پاسخ دلیل این اقدام را لزوم تهیه‌ی آذوقه برای قشون خود، بدون استفاده از قوه‌ی

قهریه، ذکر کردند و از او درخواست نمودند با کدخدای برخی دهکده‌ها برای همکاری مذاکره کند. از این‌رو، حکمران شرق، در شرحی، خواستار همکاری کدخداهای خُنگ^۱ و تک‌آب^۲ با انگلیسی‌ها شد (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۴۱-۴۴۵، ۴۱۳-۴۱۴).

انگلیسی‌ها، که با مشکلات عدیده‌ای در خصوص تغذیه‌ی نیروهایشان مواجه شده بودند، مایحتاج خود را از مردم مطالبه می‌کردند. اما مردم که به خاطر وضع بد اقتصادی و رفتار ناشایست آن‌ها به ستوه آمده بودند، با وجودی که نیروهای بریتانیایی پول اقلام خود را می‌پرداختند، از دادن آذوقه به سربازان بریتانیایی امتناع می‌کردند (هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۶)؛ این رفتار اعتراض کنسول انگلیس را به دنبال داشت. او ضمن نامه‌هایی نه‌تنها از عدم همکاری مردم بلکه از برخی رفتارهای شوکت‌الملک شکایت کرد. از این‌رو، حکومت قاینات به مردم اخطار داد تا از رویارویی با مأمورین انگلیسی خودداری نمایند. البته در آن اوضاع نانوهای بیرجند نیز از دادن نان به آنان ابا می‌ورزیدند. در برخی از مناطق، مانند سربیشه، بزرگان و اهالی منطقه مانع از کمک کردن و آذوقه دادن مردم به نیروهای بریتانیایی می‌شدند و آن‌ها را تحریک به قیام علیه انگلیسی‌ها می‌کردند (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۳۱، ۴۵۱، ۵۰۹-۵۱۰، ۵۴۲).

در آن ایام، نه‌تنها کمبود ارزاق، غله و حتی یونجه برای احشام منطقه مشکل‌آفرین بود بلکه گرانی محصولات نیز مزید بر علت شد. در واقع اهالی از گران شدن اجناس به‌واسطه‌ی خرید مبالغه‌نگفتی از آن‌ها توسط سردار هندی بریتانیا، جولاسنکه^۳، برای تغذیه‌ی نیروهای زیرنظرش شاکی بودند. مردم در این مدت با رفتارهای ناشایست دیگری، چون ارتکاب قتل، دزدی، مزاحمت و شرارت و تعدی به نوامیس، از سوی نیروهای تحت امر بریتانیا مواجه بودند (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۵۳). با تمام این مشکلات، در نهایت مردم مجبور به همکاری با مأموران انگلیسی و فروش کالا به آن‌ها شدند؛ چون فضای حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای بود که کسی جرأت اعتراض نداشت. حتی زمانی که مقامات انگلیسی از مردم خواستند تا شکایات خود را درباره‌ی رفتار نظامیان انگلیسی و روسی ابراز کنند، هیچ‌کس از ترس حاضر به شکایت نبود (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۸۶). شوکت‌الملک نیز با آن که در قحطی سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۷ ش‌س جانب مردم را گرفته بود و در اندیشه‌ی تأمین

1. Khong
2. Tak ab
3. Jolasenke

مایحتاج اهالی منطقه بود (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۷)، برای حفظ حکومت خویش چاره‌ای جز همکاری با نیروهای انگلیسی نداشت. وی طی دستوری از سوی حکومت مرکزی موظف شد مردم را وادار به فروش کالا به مأموران انگلیسی کند و جواب‌گوی نیروهای قزاق، بربر و هندوی مستقر در منطقه باشد (هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

پیامدهای حضور نظامیان بیگانه در قاینات

- پیامدهای اقتصادی

یکی از آثار منفی جنگ و تسلط متفقین بر منطقه بروز مشکلاتی در تجارت خارجی بود. دادوستد و به تبع آن، درآمد تجار با کاهش مواجه شد. با ورود نیروهای انگلیسی به شرق ایران فعالیت تجاری در مسیر هندوستان متوقف شد. بازرگانانی که از هند کالا وارد می‌کردند، به دلیل توقف تجارت با کشورهای خارجی، دچار مشکلات فراوانی شدند. آنان در انتقال پول نیز با مشکل مواجه شدند و به همین خاطر مقادیر زیادی از کالاهایشان در انبارهای بمبئی و کراچی باقی‌ماند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری...، ۱۳۹۵: ۴۰۷). از سویی، انگلیسی‌ها مانع حمل اجناس برخی از تجار در بیرجند از نوشکی، بمبئی، کراچی و می‌کردند؛ این مسئله باعث کاهش وسیله‌ی نقلیه و افزایش قیمت اجناس و بهای حمل کالا و محدودیت بازار شد. البته حضور نیروهای نظامی برخی از موانع تجاری سابق را برطرف کرد (دیکسون، ۱۳۹۲: ۱۹۷). با توجه به منع حمل و نقل کالاهای تجاری از روسیه به ایران، صادرات ایران با این کشور هم دچار مخاطره شد و در روابط تجاری میان دو کشور اختلالاتی ایجاد شد (کوکب/ایران، ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، ش ۴۲: ۴). تجارت ایران منحصر به ممالک و دول همجوار شد و روابط ایران با ممالک اروپای مرکزی مسدود گردید (کوکب/ایران، ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ش ۵۵: ۴).

تا قبل از جنگ، سالانه حدود ۴۳ هزار تومان از راه فروش محصولات مختلف عاید منطقه می‌شد. اما در زمان جنگ، به واسطه‌ی مسدود شدن راه‌های تجاری، شاید ده هزار تومان هم عاید نمی‌شد؛ لذا بازار صادرات متوقف ماند (شاهدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۴؛ هیل، ۱۳۷۸: ۶۷-۹۷). جنگ

حتی تأثیر خود را بر گرانی و کمبود کاغذ گذاشت، و روزنامه‌ها مطابق روال گذشته چاپ نمی‌شدند. بدین خاطر روزنامه‌ی *شهاب ثاقب*، با کاهش تعداد شمارگان هفته‌ای خود، در بیان‌نامه‌ای علت را چنین شرح داد: «عجالتاً با تنگی و کمی و گرانی کاغذ که علت آن جنگ بین‌المللی اروپا و مسدودبودن طرق و شورار و تعطیل کارخانجات و قلت وسایل حمل و نقل است... هفته‌ای [سه نمره طبع و در اولین فرصت... همه روزه به نظر آقایان عظام خواهد رسید]» (شهاب ثاقب، ۲۱ محرم ۱۳۳۳: ۱). از دیگر مسائل تأثیرگذار در رکود تجارت خارجی از رونق افتادن مراکز تجاری و بازارچه‌های داخلی بود که به دلیل رقابت انگلیسی‌ها و روس‌ها ایجاد شده بود (شاهدی، ۱۳۷۷: ۵۸).

کاهش میزان تجارت خارجی کسادى بازار داخلی را به دنبال داشت؛ تا جایی که بسیاری از خرده‌تجار و کسبه‌ی بیرجند ورشکست شدند و در نتیجه بسیاری از کسبه با قراردادهای سه‌ساله به خدمت نظامی پرداختند (هیل، ۱۳۷۸: ۱۰۶). در این رابطه شوکت‌الملک در اول اردیبهشت ۱۲۹۴، طی تلگرافی به حکومت مرکزی، سبب رکود و اختلال تجارت داخلی را (از سه سال گذشته) عبور قشون انگلیس بیان کرد (بیات، ۱۳۸۱: ۲۳۸). در آن مقطع، افزایش قوای متفقین از یک‌سو کشاورزی منطقه را با خطر جدی روبه‌رو کرد و از سویی دیگر به تقاضای زیاد برای اقلام ضروری انجامید که نتیجه‌ی آن افزایش قیمت بود (آرام‌جو، ۱۳۹۱: ۴۷۲-۴۷۳). همچنین بحران خشک‌سالی همراه با فقدان وسایل حمل و نقل و سوءاستفاده‌ی محترکین و ملاکین قیمت‌ها را همچون سایر نقاط بی‌اندازه افزایش داد (کوکب/یران، ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، ش ۴۲: ۴). با این وضعیت، طی سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۱۷م قحطی بزرگ و فراگیری ایران را فراگرفت؛ قحطی‌ای که علاوه بر خشکسالی چند ساله، حضور نیروهای بیگانه را، به‌ویژه قوای انگلستان، در مناطق مختلف ایران تشدید کرد (مجد، ۱۳۸۶: ۷، ۲۶). با توجه به این که قشون انگلیس و روس کنترل موادغذایی را در اختیار داشتند، مردم مناطق مختلف قاینات این قحطی و ناامنی را بیش از مناطق دیگر احساس کردند. حکومت مرکزی هم در موقعیتی نبود که بتواند به وضع نابسامان مردم منطقه رسیدگی کند. حتی نیروهای نظامی مدت‌ها بدون مزد و مواجب خدمت کردند؛ چنان که رئیس مالییه‌ی بیرجند اعلام کرد: «برای پرداخت حقوق سربازها پولی در بساط ندارد»؛ این مسئله او را مجبور به فرار از بیرجند نمود (هیل، ۱۳۷۸: ۶۸، ۱۳۴).

بنا به گزارش دیکسون، معمولاً در سال‌های قحطی و خشک‌سالی مازاد محصولات سیستان وارد قاینات می‌شد و تا حد زیادی از فشار قحطی می‌کاست (دیکسون، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۶). لذا در ۱۲۹۵ش مطابق روال گذشته نامه‌هایی از سوی مصباح دیوان، نایب‌الحکومه‌ی قائن و شوکت‌الملک، به وزارت داخله فرستاده شد تا بخشی از غله‌ی دولتی سیستان و خواف برای مخارج سال آینده به قاین اختصاص داده شود (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۰۴: ص ۲۳ و ۲۴ و ۲۵). اما ناصرالسلطنه، رئیس مالیه‌ی سیستان، در خرداد ۱۲۹۶، با تأکید بر اینکه وضعیت سیستان هم تعریفی ندارد، ارسال کمک را مشروط به عدم مطالبه‌ی کالا از سوی کنسولگری انگلیس کرد (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۰۴: ص ۲۱)؛ در آن ایام اوضاع سیستان هم چندان تعریفی نداشت و در مهر ۱۲۹۶ مردم سیستان از نیامدن باران و کمیابی ارزاق به هیئت دولت شکایت کردند (کوکب/ایران، ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۳۵، ش ۸: ۲). از سوی دیگر، سیستان نیز شاهد حضور تعداد زیادی از نیروهای انگلیسی بود که مقدار معتناهی از محصولات منطقه صرف تغذیه‌ی آن‌ها می‌شد (دیکسون، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۶).

در این وضعیت شوکت‌الملک به پاسخ مثبت ناصرالسلطنه اکتفا نمود و برای اهالی قاینات و نواحی‌ها غله تهیه کرد؛ چنان‌که نان در قاینات از غالب نقاط ایران ارزان‌تر و فراوان‌تر شد. با این وجود، در پاییز ۱۲۹۶ بار دیگر غله کمیاب شد و او مجبور شد از سیستان تقاضای جنس نماید که مورد موافقت قرار گرفت (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۴۰۴: ص ۱۶ و ۱۱). پس از آن، ابراهیم‌خان در ۲۶ مهر ۱۲۹۷ به وزارت داخله اعلام کرد که برای آسایش اهالی قاینات و بیرجند، از حیث نان، سالیانه قریب به ده هزار تومان ضرر کرده است چون نان شهر را از گندم شخصی تهیه کرده و آن را به قیمتی کمتر از بهای بازار به نانوایان داده است؛ لذا برای تکرار نشدن تجربه‌ی سایر مناطق در قاینات خواستار مساعدت دولت مرکزی شد. اما اداره‌ی مالیه‌ی سیستان به بهانه‌ی عدم بارندگی در سال گذشته، خوب نبودن محصول سال جاری و تقاضای غله توسط انگلیسی‌ها درخواست او را رد کرد (ساکما، سند شماره ۲۴۰/۵۶۴: ص ۲۸ و ۵۲ و ۵۵). در این وضعیت، شوکت‌الملک ته‌مانده‌ی انبارها را از سیستان و دیگر مناطق تحت حکمرانی‌اش وارد بیرجند کرد و به‌صورت سهمیه‌ای با قیمت نازل بین خانواده‌های شهری و روستایی تقسیم نمود. با این حال، به تدریج فقر شدید بر جامعه چیره گشت (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۱۲۶) و این قحطی و آشفته‌گی‌ها

زمینه را برای محترکان و دلانان فراهم ساخت. پریدوکس در اردیبهشت ۱۲۹۶ از تجار به عنوان عاملان احتکار گندم در بیرجند یاد می کند. همین امر باعث شد تا شوکت الملک جلسه‌ای با تجار و نانوایان تشکیل دهد و طی آن تدابیری برای عرضه‌ی مناسب نان در شهر اتخاذ کند (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان...، ۱۳۹۲: ۸۶).

در این اوضاع پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه اتفاق افتاد و عرصه را برای اعمال سیاست‌های بریتانیا، بیش از گذشته، باز کرد. در پی عقب‌نشینی روس‌ها از جبهه‌های جنگ در فروردین ۱۲۹۷ و اعلام آتش‌بس، تمامی شرق ایران به اشغال انگلیسی‌ها درآمد (ساکما، سند شماره ۲۸۶۴/۲۹۰) و کل تجارت قاینات در اختیار تجار انگلیسی قرار گرفت؛ آن‌ها به گونه‌ای بر اوضاع اقتصادی مسلط شدند که تجار ایرانی بدون اجازه‌ی تجارت‌خانه‌ی انگلیس حق حمل و نقل یا فروش کالاهای خود را نداشتند (مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵؛ مصاحبه با محمدرضا راغبی، بیرجند، ۱۳۹۳/۱/۳). همچنین کنسولگری انگلیس، با پشتیبانی شوکت‌الملک، به صورت مستقل امور تجاری و امنیتی منطقه را حل و فصل می کرد. در این مرحله فضای جامعه کاملاً تحت تأثیر دخالت‌های انگلیس قرار گرفت و مشکلات متفاوتی بر منطقه مترتب شد (شاهدی، ۱۳۷۷: ۱۱۹). این وضعیت تا خروج قوای بریتانیا در ۲۲ آذر ۱۲۹۹ ادامه یافت؛ در این تاریخ دولت بریتانیایی هند، بدون تأیید رسمی دولت انگلیس، این قوا را خارج نمود (لوفت، ۱۳۸۰: ۹۶). با خروج نیروهای انگلیسی ولایت قاینات تا سالیان متمادی درگیر بی‌ثباتی در عرصه‌های مختلف شد و تبعات حضور آن‌ها همچنان دامن‌گیر اهالی منطقه بود.

- پیامدهای اجتماعی

هرج و مرج ناشی از حضور و اقدامات بیگانگان در خطه‌ی قاینات بر ناامنی راه‌ها افزود؛ چنان که سارقان به راحتی اموال مردم را غارت می کردند. پیامد شرارت‌ها و غارت‌های بلوچ‌ها در سراسر منطقه به حدی بود که عده‌ای از اهالی به سستی شوکت‌الملک در جلوگیری از این راهزنی‌ها اعتراض کردند. آشفتگی‌ها در جامعه باعث تشدید بحران‌های جدید اجتماعی شد؛ پیامدهای اجتماعی‌ای که برای مردم منطقه بسیار ناخوشایند بود و نگرانی گسترده‌ای را در میان مردم به وجود آورد. این پیامدها در تقسیم‌بندی کلی در چهار حوزه مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- ایجاد زمینه برای شیوع امراض مسری

در آن برهه، قحطی و کمبود مواد غذایی و عدم رعایت بهداشت توسط نظامیان از جمله دلایل شیوع بیماری‌های مسری بود که جان هزاران نفر را گرفت. در مرداد ۱۲۹۴ تب نوبه در خوسف شیوع پیدا کرد و عامل اصلی آن در گزارش نایب‌الحکومه حضور نیروهای انگلیسی بیان شد (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۷۲). بیماری وبا از اداره‌ی مالیه بیرجند شروع شد و به نقاط دیگر سرایت نمود (کوکب/یران، ۲۱ ذی‌الحجه ۱۳۳۵، ش ۵: ۲). در قاین بیماری به اندازه‌ی شدت یافت که اغلب اهالی، برای حفظ جانشان و بهبودی اوضاع، به دهات و قلعه‌جات پناه بردند (کوکب/یران، ۲۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۵، ش ۹: ۲). گزارش‌های متعدد پدیدو کس خبر از شیوع آبله، وبا و آنفولانزا در میان بومیان و سربازان انگلیسی ساکن قاینات می‌دهد که در مواردی منجر به مرگ هم شده است. به نظر می‌رسد در ۱۲۹۶ش شیوع این امراض گسترش چشمگیری یافته است و مناطق مختلف خضری، بُجد،^۱ فُورگ در میان^۲ و سربیشه^۳ را درگیر نموده است؛ به‌نحوی که بُجد را برای جلوگیری از گسترش بیماری قرنطینه نمودند. در آن سال، اهالی روستاهای شمال قاینات به آبله و بُجد، شوکت‌آباد و بیرجند به وبا مبتلا شدند. همچنین آنفولانزا ۹۰٪ ساکنان بیرجند را درگیر نمود. این بیماری مسری در پادگان بریتانیایی هند هم گسترش یافت و مأموران بریتانیایی در قاین را مبتلا ساخت. همچنین یادداشتی در دسترس است که خبر از ابتلای نظامیان هزاره در نه و ستوان برنان،^۴ نایب‌کنسول بریتانیا در بیرجند، به وبا می‌دهد. چنان‌که پیرا،^۵ دستیار جراح قشون انگلیس، برای جلوگیری از گسترش بیماری در میان سربازها و هزاره‌ها به تلاش پرداخت و به نه، محل گسترش بیماری، سفر کرد (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان...، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۷، ۲۲۰، ۲۹۸).

-
1. Bujd
 2. Forg darmian
 3. Sarbisheh
 4. Lieutenant Brennan
 5. Pereira

- مهاجرت مردم به مناطق همجوار

حضور ناگهانی قوای بیگانه در ولایت قاینات باعث مشقت اهالی شد. روس‌ها و انگلیسی‌ها به بهانه‌ی خرید و فروش یا ارتباط و مراودات خانوادگی با آلمانی‌ها افراد را به دلخواه خود جریمه می‌کردند و به زندگی ساکنان منطقه تعدی می‌نمودند. این امر به گسترش فقر در جامعه دامن زد و باعث مهاجرت افراد شد. در این وضعیت، روزنامه‌ی *حبل‌المتین*، طی گزارشی، در دی ماه ۱۲۹۴ می‌نویسد: «گمان نمی‌رود، در هیچ‌جای دنیا از اهالی قاینات مردم بدبخت‌تر و بیچاره‌تر یافت بشود. دیگر جان و مال برای مردم باقی‌نمانده از ناچاری دسته‌دسته و جوقه جوقه به اطراف خصوصاً به افغانستان فرار می‌کنند» (*حبل‌المتین*، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۲۶: ۲۰). علاوه بر این، مسئله‌ی ضبط بخش عمده‌ی عایدات مردم توسط مأموران دولتی و سنگینی تدارکات و علیق لشکریان انگلیسی بر دوش مردم باعث شد تا اغلب کشاورزان، که فاقد زمین بودند، کشاورزی را رها کنند و به دامداری بپردازند. اما همین افراد پس از مدتی روستاها را رها کردند و به شهرها مهاجرت نمودند. البته این وضعیت صرفاً به بیرجند محدود نمی‌شد بلکه بسیاری از شهرهای بزرگ را هم در بر می‌گرفت (مجد، ۱۳۸۶: ۱۶۷-۱۶۹). اما شرایط مذکور به همراه بروز خشک‌سالی نتیجه‌ای جز گسترش مهاجرت در میان اهالی نداشت. در این زمان، مهاجرت بیرجندی‌ها صرفاً از روستا به شهر محدود نشد بلکه مردم به خاطر بیکاری، فقر و سرگردانی برای کارگری به ممالک همجوار نیز سفر کردند. آنان که در دیگر نقاط ایران مشغول به کار می‌شدند، پس از چند ماه کارگری، مجدداً به بیرجند مراجعت می‌نمودند. لکن افرادی که بار سفر به آسیای میانه (مرو و عشق‌آباد) و روسیه می‌بستند، معمولاً سفرشان طولانی می‌شد (مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵؛ مصاحبه با اسماعیل دیانی، بیرجند، ۱۳۹۶/۵/۲۰). در این سفرهای برون‌مرزی، مقصد اهل سنت افغانستان بود. لکن طی این سفرها مردم با مشکلات زیادی مواجه شدند؛ چنان‌که عده‌ای از آن‌ها به خاطر گرفتاری در برف و بوران، وجود درندگان و راهزنان فوت کردند. عده‌ای هم که، بعد از تحمل آن همه خطر، به مقصد می‌رسیدند، به‌علت نبود کار و کسب مناسب، تن به کارهای سخیف و بیگاری می‌دادند. این وضعیت دشوار امید بازگشت به وطن را برای مدتی طولانی از این مسافران سلب نمود و باعث شد تا خانواده‌هایی که سرپرستانشان به نقاط دور و فرامرزی سفر می‌کرد زندگی مشقت‌باری داشته باشند (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

- ازدواج دختران بومی با بیگانگان

از مشکلات اجتماعی که ریشه در فقر اقتصادی داشت و زمینه را برای سوءاستفاده‌ی فرصت‌طلبان بیگانه و خوانین محلی فراهم نمود این بود که آنان، با وعده‌ی تأمین معیشت یک خانواده، دخترشان را به همسری می‌بردند و خانواده‌ها به‌خاطر فقر به این شرایط تن می‌دادند؛ بدین ترتیب زمینه‌ی ازدواج زنان بومی (بیرجند و توابع) با مردان غیربیرجندی فراهم شد. اگرچه قبل از جنگ نیز برخی از زنان و دختران به‌خاطر شدت فقر، اجبار یا مسائل دیگر تن به ازدواج با این افراد می‌دادند؛ اما این‌گونه موارد اندک و دور از چشم عوامل حکومتی صورت می‌گرفت؛ چون، به‌دستور حکمران وقت، ازدواج زنان با مردان بیگانه (اشغالگران) ممنوع شده بود: «چنانچه مسکن فرد [اجنبی] در ایران نباشد [ازدواج وی با زن ایرانی] قدغن اکید است». و با نقض این قانون هم نایب‌الحکومه و هم عاقد تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. با وجودی که عاقدان از این اقدام منع شده بودند، برخی از آنان، به‌خاطر منافع خویش، به قانون حکومتی وقعی نمی‌گذاشتند و مخفیانه این عقدها را انجام می‌دادند (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۲۱). این ازدواج‌ها غالباً با سپاهیان بریتانیایی (چون افاغنه، بلوچ‌ها، هندوها و در مواردی خود انگلیسی‌ها) صورت می‌گرفت. برای این کار از سوی کنسولگری مقرراتی تنظیم شده بود و در صورت کسب مجوز از حکومت ایران به این امر مخیر بودند و اگر مجوز اولیه را نمی‌گرفتند، از سوی کنسولگری تنبیه می‌شدند (اسدالهی، ۱۳۹۴: ۱۶۸). با این‌حال، در اثنای جنگ، به‌دلیل شرایط بد اجتماعی و برای فرار از زندگی مشقت‌بار، این مسئله به‌صورت گسترده و علنی دامن‌گیر زنان بی‌سرپرست و دخترانی شد که در اردوگاه‌ها به سر می‌بردند. این وضع موجب خشم حکومت و جامعه گردید تا آنجا که عوامل حکومتی در تعقیب خاطیان برآمدند. در آن برهه، حکمران قایمات طی فرمانی از اداره‌ی نظمیه بیرجند درخواست کرد تا لیست نفرات قشون هندوستانی، انگلیسی و صاحب‌منصبان و اجزای دفتری قشونی را که در بیرجند همسر اختیار کرده و محرمانه رفت‌وآمد داشتند، به اداره‌ی حکومتی ارسال نماید (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۲۲-۶۲۱).

- گسترش کشت تریاک و استعمال آن در جامعه

قبل از جنگ، انگلیسی‌ها، از طریق تبلیغات، تریاک را محصولی پرسود، استراتژیک و کاملاً تجاری معرفی کرده بودند. از سوی دیگر، درآمدهای وسوسه‌انگیز این محصول برای صادرات باعث

شده بود که تجارتش صرفاً در اختیار حاکمان قرارگیرد (دانش پژوه و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱۲: ۱۲۹-۱۳۲). قبل از جنگ، در زمینه‌ی تجارت تریاک نیروهای دولتی نیز فعالیت داشتند. چنان‌که در یکی از اسناد ۱۹۱۳م آمده است: «مدیر بازنشسته [اداره دارایی بیرجند] در زمینه تجارت تریاک فعالیت‌هایی از خود نشان می‌دهد، او به صاحبان تریاک‌فروشی‌ها به خاطر خریدن شیره از اداره‌اش توهین و آنها را تهدید کرده... [چون‌که] مردم اخیراً به‌طور مستقیم از کشاورزان سیستان و قاینات، خرید می‌کردند (ساکما، سند شماره ۹۹۸/۹۹۶).

اما در این مقطع آنچه سبب رونق یافتن کشت تریاک، و استعمال گسترده‌ی آن شد تجارت این محصول توسط تجار انگلیسی (هندی) و ارزانی آن بود. تریاک شرق ایران را ویران ساخت و استعمال آن در میان اکثر مردم، مخصوصاً افراد طبقه بالا، رواج یافت (سایکس، ۱۳۴۳: ۴۰۱). به‌دلیل ارزانی بیش از حد تریاک روند استعمال آن روزبه‌روز در میان طبقات محروم و زنان و کودکان بیشتر شد. به‌نحوی که یک‌سوم جمعیت بیرجند، اعم از زن و مرد، به تریاک اعتیاد داشتند (بیت، ۱۳۶۵: ۶۲؛ هیل، ۱۳۷۸: ۷۹). هیل (۱۳۷۸: ۳۷) در کتابش مصرف تریاک را در آن دوره از معایب بیرجندی‌ها ذکر می‌کند: «عیب آن‌ها این است که تریاکی هستند و تریاک سوخته می‌کشند... تا حدی که جسم و روح خود را به تباهی کشیده‌اند.»

در آن ایام، انگلیسی‌ها تریاک مجانی توزیع می‌کردند و مشتریان آن‌ها می‌توانستند سوخته‌های تریاک را با تریاک ناب معاوضه نمایند؛ روشی که سبب رواج بیش از پیش آن شد. پس از مدتی، شیوع استفاده از تریاک موجب شد واژه‌ی «دود دادن» در بین طبقات جامعه مصطلح گردد و زمانی که به دندان‌درد، سردرد یا گوش درد مبتلا می‌شدند فوراً بساط تریاک راه می‌انداختند. عده‌ای با فروش تریاک و عده‌ای با ایجاد «شیره‌کش‌خانه»، که اصطلاحاً به آن «سردم» می‌گفتند، کسب درآمد می‌کردند. در این سال‌ها، کشت تریاک آزاد بود و بخش‌های وسیعی از اراضی قائنات به کشت این محصول اختصاص یافت. البته کشاورزان تحت‌نظارت دولت مبادرت به کاشت و برداشت تریاک می‌نمودند و در موعد مقرر مأمورین دولتی با حضور بر سر زمین میزان محصول را برآورد و سهم دولت را معین می‌کردند. اگرچه ظاهراً تریاک برای مصارف دارویی کشت می‌شد، اما افیونی شده بود که آرام‌آرام زندگی افرادی از جامعه را فرو می‌بلعید، بی‌آنکه خودشان متوجه

باشند (مصاحبه با اسماعیل دیانی، بیرجند، ۱۳۹۶/۵/۲۰؛ مصاحبه با محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۹۰/۱۰/۲۵).

- افزایش ناامنی (قتل و غارت) در جامعه

از پیامدهای مهم حضور قوای بیگانه این بود که سارقان به راحتی دست به غارت اموال مردم می‌زدند و امنیت و آسایش را از اغلب شهرها و روستاها سلب می‌نمودند. در این شرایط، که دولت مرکزی هیچ‌کنترلی بر اوضاع نداشت، ناامنی‌ها به حدی رسیده بود که قافله‌های تجاری بدون محافظ قادر به تردد در مناطق شرقی ایران، به‌ویژه قاینات، نبودند (ملک‌زاده و حمائی، ۱۳۹۹: ۱۲۲؛ محبوب، ۱۳۸۲: ۲۰۳). از نتایج این ناامنی توقف تجارت بود؛ به‌نحوی که صنعت مهم قالی- بافی و صادرات آن به هندوستان به کلی متوقف شد (هیل، ۱۳۷۸: ۱۲۶). ناامنی باعث شد تجار و بازرگان دچار مضیقه‌های فراوان شوند و اموال آنان سرقت شود. البته این ناامنی‌ها، که عمدتاً توسط مهاجمان بلوچ ایجاد می‌شد نشئت‌گرفته از فقر اقتصادی جامعه‌ی آن روز و قحطی‌ای بود که بر زندگی ساکنان آن ناحیه سایه افکنده بود. بلوچ‌ها، با بی‌توجهی به عرف و قانون محل و همراه با شترداران افغان، بر آشفتگی امنیتی افزودند (آرام‌جو، ۱۳۸۹: ۱۳۴؛ آرام‌جو، ۱۳۹۱: ۴۷۱). طی این مدت، زال بیک بلوچ، از مستخدمان قدیمی شوکت‌الملک، سردسته‌ی راهزنان بود و در ایجاد ناامنی در جاده‌ها، خصوصاً نواحی شمال قاینات، نقش داشت؛ به همین دلیل در هرات زندانی شد (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری...، ۱۳۹۲: ۱۲۸، ۳۸۳). در خصوص نقش وی در ایجاد ناامنی و غارت کاروان‌ها در حوالی بیرجند آمده است: «قافله‌ای از تربت به بیرجند دچار سارقین شده.... معلوم [شده] که سارق زال بیک نوکر شوکت‌الملک بوده [است]» (ساکما، سند شماره ۲۹۰/۰۱۷۰۲). یک سال قبل از شروع جنگ نیز حملاتی از سوی بلوچ‌ها به رهبری حلیم-خان، سهراب (خان) و شاه‌بیک به نهبندان صورت گرفته بود که این امر باعث هجوم اهالی منطقه‌ی نهبندان به سمت تلگراف‌خانه‌ی بیرجند شد تا برای رفع بلای آن‌ها درخواست کمک کنند (ساکما، سند شماره ۹۹۸/۹۹۶).

از دیگر گروه‌های راهزن افغان‌ها بودند که برای حمل و نقل تجهیزات نیروهای تحت امر متفقین استخدام شده بودند (آرام‌جو، ۱۳۸۹: ۱۳۴). آن‌ها به غارتگری و حمله به مناطق مختلف قاینات، از جمله چاه‌تلخ در حدود شمالی این ولایت، می‌پرداختند. قزاق‌ها از دیگر راهزنان اموال مردم

بودند؛ چنان که در حوالی تیر ۱۲۹۶ در پی سرقت جزئی یک قزاق از مغازه‌ای در قاین مناقشه‌ای بروز کرد (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری...، ۱۳۹۲: ۱۲۱، ۲۸۴). در برخی از اسناد به ظلم و ستم جمازه‌سواران حسام‌الدوله، که از انگلیسی‌ها دستور می‌گرفتند، و نقش آن‌ها در ایجاد ناامنی - ها اشاره شده است. آن‌ها بنا به درخواست انگلیسی‌ها به مرز گسیل شده بودند تا مأموران آلمانی را رهگیری کنند (گزارش‌های محرمانه کنسولگری...، ۱۳۹۶: ۳۷۹). حتی کمپانی هند شرقی انگلیس، با همکاری قوای بریتانیا، به بهانه‌های مختلف به مصادره و غارت اموال برخی تجار ایرانی می‌پرداخت (ملک‌زاده و حماني، ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۴). در ۱۲۹۷ش، با دخالت کنسول انگلیس، یک قافله در نزدیکی بیرجند غارت شد و همه‌ی اموال کاروان مصادره گردید. این اقدام موجب شد دولت مرکزی خواستار تحقیق در خصوص علت این اقدامات، و جلوگیری از تکرار آن شود (ساکما، سند شماره ۱۷۰۲/۰۲۹۰). البته غارت و ناامنی فقط شامل اهالی نمی‌شد بلکه غارت اموال مقامات محلی نیز از سوی راهزنان و اشرار گزارش شده است (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۶۱، ۸۳).

سستی در جلوگیری از غارت‌ها و شرارت‌ها در جاده‌ها و راه‌ها، مخصوصاً غارتگری‌های نیروهای بلوچ، موجب بروز اعتراضاتی از طرف اهالی منطقه به عملکرد شوکت‌الملک شد. این شکایات او را مجبور به دستور حفاظت از راه‌ها، گماشتن نیروی نظامی در مسیر جاده‌ها، سفر به لوتک^۱ سیستان برای دستگیری راهزنان بلوچ و کمک به کنسولگری انگلستان برای تأمین امنیت منطقه در برابر راهزنان ریگی نمود (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۹، ۷۸؛ جابری، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳). با این اقدامات نه تنها بار دیگر تجارت رونق گرفت بلکه امنیت تا سال‌ها به راه‌ها و جاده‌های قاین و بیرجند بازگشت؛ اقداماتی که مورد تقدیر تاجر هندی، جواهر سنگه^۲ قرار گرفت. او در سخنرانی‌اش، ضمن تقدیر از شوکت‌الملک، از برقراری امنیت در ولایت قاینات ابراز رضایت نمود (جابری، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴).

نتیجه

در جنگ جهانی اول، تسلط سریع و گسترده‌ی قوای نظامی روس و انگلیس بر ولایت قاینات و اتحاد میان آنان برای منطقه ره‌آوردی جز گسترش بحران در عرصه‌های مختلف به‌دنبال نداشت. دامنه‌ی این بحران‌ها در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی وسیع‌تر بود. از اثرات منفی تسلط متفقین بر قاینات، ایجاد مشکلاتی در تجارت خارجی و به تبع آن کساد بازار داخلی بود؛ چنان‌که دادوستد به پایین‌ترین سطح نزول کرد و صادرات ایران با کشورهای همجوار دچار مخاطره شد. همچنین با افزایش قوای متفقین و تقاضا برای اقلام ضروری و تصرف آن‌ها در باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی، نه تنها کشاورزی منطقه با خطر روبه‌رو شد بلکه جامعه با گرانی و کمبود مواد غذایی و حتی در برهه‌ای با قحطی مواجه شد. به دنبال وضعیت نابسامان اقتصادی، مشکلاتی در عرصه‌ی اجتماعی پدید آمد. در این زمان پیامدهای اجتماعی ناشی از دخالت‌های مستقیم نیروهای متفقین در قاینات برای مردم منطقه ناخوشایند بود. مهم‌ترین این پیامدها عبارت بودند از: شیوع امراض مسری چون وبا، آنفولانزا و آبله به‌علت عدم رعایت بهداشت توسط نظامیان بیگانه و سوءتغذیه مردم، مهاجرت مردم قاینات به‌خاطر فقر و بیکاری به شهرها و کشورهای همجوار (از جمله افغانستان و مناطق آسیای میانه) با هدف بهبود اوضاع معیشت، افزایش ازدواج دختران بومی با سپاهیان بیگانه و خوانین سودجوی محلی به سبب شرایط بد مالی که خانواده‌ها با آن مواجه بودند، گسترش کشت تریاک و افزایش استعمال آن در جامعه، افزایش ناامنی در جاده‌ها و مسیرهای تجاری به‌واسطه‌ی راهزنی و حمله و غارت اشرار ترکمن، بلوچ و افغان و حمله‌ی سربازان قزاق به خانه‌های اهالی. این مشکلات نگرانی و ناامنی گسترده‌ای را در میان مردم منطقه پدید آورد و حتی موجی از اعتراض‌ها علیه شوکت الملک شکل گرفت.

تعارض منافع:

هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- احرار، احمد (۱۳۵۲). *توفان در ایران*. تهران: نوین.
- اخوان، صفا (۱۳۸۰). *سمینار ایران و جنگ جهانی اول*. تهران: وزارت امور خارجه.
- آرام‌جو، علی (۱۳۸۹). *ولایت قاینات در دوره قاجاریه* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تاریخ و تمدن اسلام). دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- آرام‌جو، علی (۱۳۹۱). *بریتانیا و ولایت قاینات: جنگ جهانی اول و پیامدهای آن*. مجموعه مقالات *همایش ایران و استعمار انگلیس*. ج ۲. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آرام‌جو، علی، و ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۰). *قاینات و قدرت‌های بزرگ در دوره قاجاریه* (۱۳۱۰-۱۳۴۴ هـ.ق). *فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۹(۵)، ۱-۲۵.
- اسدالهی‌گازار، احمد (۱۳۹۴). *بریتانیا در بیرجند*. تهران: فکر بکر.
- بیات، کاوه (۱۳۸۱). *ایران و جنگ جهانی اول*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- جابری، اسماعیل (۱۳۸۸). *عوامل مؤثر بر تحولات قاینات در ایران معاصر* (پایان‌نامه کارشناسی-ارشد تاریخ ایران اسلامی). دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ستوده، منوچهر، مقربی مصطفی، و زریاب‌خویی، عباس (۱۳۸۴). *فرهنگ ایران زمین*. ج ۱۲. تهران: سخن.
- دیکسون، ویلیام ادموند ریچی (۱۳۹۲). *شرق ایران: گوشه‌ای از جنگ جهانی اول* (ترجمه محمود رفیعی). تهران: هیرمند.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۴۳). *تاریخ ایران*. ج ۲ (ترجمه فخر داعی‌گیلانی). تهران: دنیای کتاب.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۷). *زندگی سیاسی خاندان علم*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- شرافتی‌مقدم، ابراهیم (۱۳۹۵). *پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی اول در شرق ایران* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تاریخ جهان). دانشکده ادبیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰). *روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. ج ۱. تهران: گفتار.
- گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات (۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴) (۱۳۹۵) (ترجمه محمود رفیعی). تهران: هیرمند.

- گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قایینات سال‌های (۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ و ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳). (۱۳۹۶) (ترجمه محمود رفیعی). تهران: هیرمند.
- لوفت، جی. پی (۱۳۸۰). سیاست بریتانیا در شرق ایران طی جنگ جهانی اول (ترجمه مریم بهرامیان). فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۷ و ۸ (۳)، ۶۵-۱۱۶.
- مابریلی، جیمز (۱۳۶۹). عملیات در ایران (ترجمه کاوه بیات). تهران: رسا.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۶). قحطی بزرگ (ترجمه محمدکریمی). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- محبوب فریمانی، الهه (۱۳۸۲). اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۲). روایت اسنادی قحطی شرق ایران در جنگ جهانی اول. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۳ (۷)، ۱۰۵-۱۲۲.
- ملک‌زاده، الهام، و حمانی، کامران (۱۳۹۹). بررسی علل بحران‌های اجتماعی ایران در جنگ جهانی اول با نگاه به مطبوعات. فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، ۱ (۴)، ۱۱۵-۱۳۷.
- منصف، محمدعلی (۱۳۵۵). امیر شوکت‌الملک علم. تهران: امیرکبیر.
- میروشنیکف، ل. ی. (۱۳۴۴). ایران در جنگ جهانی اول (ترجمه علی دخانیاتی). تهران: فرزانه
- هیل، اف. (۱۳۷۸). نامه‌هایی از قهستان (ترجمه محمدحسن گنجی). مشهد: آستان قدس رضوی.
- یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قایینات (۱۹۱۹-۱۹۱۷). (۱۳۹۲) (ترجمه محمود فاضلی). تهران: هیرمند.
- ییت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). سفرنامه خراسان و سیستان (ترجمه قدرت‌الله روشنی). تهران: یزدان.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی

- آیتی، ابوالحسن، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۳/۷/۵.
- دیانی، اسماعیل، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۶/۵/۲۰.
- راغبی، محمدرضا، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۳/۱/۳.
- گنجی، محمدحسن، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۰/۱۰/۲۵.

نشریات


- حبل‌المتین، ش ۲۶ (۱۳۳۴ق).
ستاره ایران، ش ۱۵ (۱۳۳۹ق).
شهاب ثاقب، [بدون شماره] (محرّم ۱۳۳۳ ق).
عصر جدید، ش ۵۳ (۱۳۳۴ق).
کوکب ایران، ش ۵ و ۸ و ۹ (۱۳۳۵ هـ.ق)، ش ۴۲ و ۵۱ و ۵۵ (۱۳۳۶ق).
نوبهار، ش ۲۲۰ و ۲۱۷ و ۲۱۹ (۱۳۳۳ش).

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، آرشیو، اسناد:


- سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹، محل آرشیو ۴۲۹۰۹۷۰ و ۲، سند شماره ۲۱۰/۹۶۴۰، سند شماره ۲۴۰/۴۰۴، شماره بازبایی ۱۳/۱/۴۰۴، شماره آرشیو ۲۰۹ آ آ ۳ آ آ، سند شماره ۲۹۰/۲۸۶۴، شماره بازبایی ۱۲/۱/۲۸۶۴، شماره آرشیو ۱ آ ب ۴ ر ۸۶۰، سند شماره ۲۹۰/۰۱۷۰۲، شماره آرشیو ۳۲۶ و ۳ الف الف ۱، سند شماره ۲۴۰/۱۴۸۸۴، شماره بازبایی ۱۳/۱/۱۴۷۴۴، شماره آرشیو ۵۰۴ ک آ ۴، سند شماره ۲۴۰/۵۶۴، شماره بازبایی ۱۳/۱/۵۶۴، شماره آرشیو ۲۱۴ آ آ ۴، سند شماره ۲۹۳/۱۴۱۱، شماره بازبایی ۲۹۳۰۰۱۴۱۱، شماره آرشیو ۵۱۹ ظ اب ۱، سند شماره ۹۹۸/۰۰۱۲۰۶، سند شماره ۹۹۸/۹۹۶.


سند ۱. توصیف حضور روس‌ها در بیرجند

Modèle 16				نومره نمره ۱۶	
سنه ۱۳۳۴		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نومره کتاب ۱۲۴	
اسم گیرنده	تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	نومره قبض
سر	۱۳۳۴	دستور	۲۲	۳۰۰	۱۶۱۷
					نومره تلگراف ۲۷

تمام نسیخ وزارت علیه داخله در جدول کتبه گمانه شخص آدرس کارش در راه
 دسترس نکرده جابجایی میسر نماند و در وقت اول در دست ماسوستان
 در قیامت متوجه سابقه شناسائی با جاکرد دانسته اند با پس از حکومت آذربایجان
 دستورالعمل در ادامه در سواتج در حدود سنانه پذیرائی باید تمام علیه و نوس
 منزل نسیخ میسر نماند به خبر وارد شدن با نسیخ کلید منزل را فرستاده اند
 در دست ماسوستان حکومت کلید را میسر نماند در دست ماسوستان کلید را میسر نماند
 با نسیخ کلید میسر نماند در دست ماسوستان کلید را میسر نماند در دست ماسوستان
 در تبانه سر نماند با نسیخ کلید را میسر نماند در دست ماسوستان کلید را میسر نماند
 اینها در دست ماسوستان کلید را میسر نماند در دست ماسوستان کلید را میسر نماند
 نسیخ کلید را میسر نماند در دست ماسوستان کلید را میسر نماند در دست ماسوستان

ادامه سند ۱

Modèle 16				نومره نمبره ۱۶	
سنه ۱۳۲۴		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نومره کتاب ۱۲۲۲	
از	نومره قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	نومره تلگراف	=	=	صک	۱۳۲۴
<p>فردی که از این نامه در این روز آرد از هر طرفی در این جا که نرسد و بیک ما بودیم هم هم پس به این طور انحصار رفتار را دانسته ما هم از وقت رفتار فراق در هر فایده نیست بر علیه سران وقت که سر صحت از هر جا که از هر طرفی در این روز آرد از هر طرفی که سر صحت از هر جا که از هر طرفی در این روز آرد از هر طرفی</p>					

Modèle 16				نومره نمبره ۱۶	
سنة ۱۳۲۴		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نومره کتاب (۷۲)	
از	نومره قبضه	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	نومره تلگراف	==	/	صحت	۱۳۲۴
<p>خواهش و کلمه است با لفظ نزار و زرد و صورت کرد تقدیم آن نیز در قریه حضرت بنی ده قان و قرآن را در سواد است تقدیم است لدا که عالی لهر است قتل خارج بود بر گاه نیز لاد است لورد لوقه نو کلمه است در حال است در شهر است ۱۳۲۴ هجری قمری ابراهیم کرکوت</p>					

(ساکما، سند شماره ۲۱۰/۱۱۶۹، محل آرشیو ۴۲۹۰۹۷۰ و ۲)

The Mediating Role of Managerial Coaching in the Relationships Between Organizational Investment in Social Capital, Job Performance and Employees' Organizational Citizenship Behavior

Maryam Hafezian¹

Milad Rabbani²

Shahrbano Dehrouyeh³

Received: 25/04/2025

Accepted: 18/10/2025

Introduction

Social capital is a set of information, trust, norms and mutual relationships within a social network that can create favorable business opportunities by facilitating the exchange of semi-confidential information and bilateral agreements (Ferris et al., 2017). As a key component of societal growth and development and particularly of social development, social capital plays a significantly more important role than other forms of capital (such as economic capital). It serves as the foundation and coherence of other capitals and ensures their sustainability. Social capital embedded within an organization reduces transaction costs and effectively helps members achieve organizational goals (Gilderman et al., 2016). It increases, expands, and enables the sharing of resources within social relationships to facilitate collective action and to strengthen trust and reciprocity in society. Thus, social relationships are regarded as the central context of social capital. A lack of relational social capital

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Adib Mazandaran Institute of Higher Education, Sari, Iran. *Corresponding author.* Email: ma.hafez@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0003-4593-7473>

2. MSc, Department of Educational Management, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran. Email: m.rabbani5556@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-1281-4690>

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Adib Mazandaran Institute of Higher Education, Sari, Iran. Email: fateme.dehroye@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-4769-8059>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

can lead to instability and reluctance to share specific information in the relationship between job applicants and employers (Vilina et al., 2011).

Social capital consists of shared values, informal norms, and implicit expectations among group members that support the formation of relationships through which the organization functions effectively (Adler & Vaughn, 2002). The essence of social capital theory is that relationships among employees are the primary drivers of meaningful performance and that fostering stronger connections within social networks produces positive outcomes by cultivating an environment characterized by trust, compatibility, and goodwill (Maurer & Ebrez, 2006). Researchers have examined the cognitive, structural, and relational dimensions of social capital at national, strategic, and organizational levels (Ellinger et al., 2013). As the need to understand developmental approaches for enhancing employee commitment and performance has become increasingly evident, researchers have more frequently measured various dimensions of social capital (Argel et al., 2007).

Research Method

The present study aimed to investigate the mediating role of managers' coaching in relation to organizational investment in social capital, job performance, and citizenship behavior of employees of the General Directorate of Sports and Youth in North Khorasan Province, which was examined in the form of a causal model. The statistical population of all employees of the General Directorate of Sports and Youth in North Khorasan Province was 160 people, of which 113 people were selected as the sample size using non-probability random sampling based on the Cochran's Sample Size Formula, and the aforementioned questionnaire was distributed among them. To measure the research variables, the standard questionnaire developed by Ellinger et al. (2011) was used, consisting of 31 items. To determine the validity of the questionnaire, the content validity method was used, which was approved after the comments of a number of professors in this field. To assess the reliability of the questionnaire, 31 questionnaires were administered, and the calculated Cronbach's alpha was 0.861, indicating a satisfactory level of reliability. The questionnaires were distributed to the full sample, and the reliability of the instrument was reassessed. Using Cronbach's alpha, a value of 0.89 was obtained, confirming the reliability of the measurement tool. Descriptive and inferential statistical analyses were conducted using SPSS (version 19), and structural equation modeling (SEM) was employed to test and evaluate the research hypotheses using LISREL 8.8.

Findings

The findings related to the first sub-hypothesis indicate that the path coefficient between managerial coaching and job performance is 0.58, with a p -value of 2.72. Given that this value exceeds the critical threshold at the 95% confidence level, the coefficient is statistically significant. Accordingly, a significant relationship exists between managerial coaching and job performance. For the second sub-hypothesis, the path coefficient between managerial coaching and organizational citizenship behavior was 0.44, with a p -value of 21.3. This value is well above the critical threshold, indicating a statistically significant relationship between managerial coaching and organizational citizenship behavior. For the third sub-hypothesis, the path coefficient between managerial coaching and investment in social capital was 0.22, with a p -value of 1.98. As this value meets the minimum threshold for significance at the 95% confidence level, the relationship between managerial coaching and investment in social capital is also statistically supported.

In the fourth sub-hypothesis, the path coefficients and corresponding p -values were as follows: for investment in social capital and job performance, 0.72 and 7.16, respectively; for investment in social capital and managerial coaching, 0.32 and 1.98; and for managerial coaching and job performance, 0.58 and 2.72. Since all values meet or exceed the critical value of 1.96, these coefficients are significant at the 95% confidence level. Therefore, a significant relationship exists between investment in social capital and job performance, with managerial coaching acting as a mediating variable. In the fifth sub-hypothesis, the path coefficients and corresponding p -values were as follows: for investment in social capital and organizational citizenship behavior, 0.65 and 5.61, respectively; for investment in social capital and managerial coaching, 0.32 and 1.98; and for managerial coaching and organizational citizenship behavior, 0.44 and 3.21. Since all t -values meet or exceed the critical value of 1.96, these coefficients are statistically significant at the 95% confidence level. Therefore, a significant relationship exists between investment in social capital and organizational citizenship behavior, with managerial coaching serving as a mediating variable.

Conclusion

Considering the importance of investing in social capital, particularly in the context of youth sports organizations that provide a substantial portion of youth-related services, this study concludes that organizational investment in social capital—through encouraging managers to foster a supportive and trusting internal culture—strengthens employees’ sense of commitment to the organization. Consequently, as investment in social capital increases, organizational commitment also rises. Given that the Youth Sports Association is a service-oriented organization, higher organizational commitment among personnel enhances the overall satisfaction of youth with the services provided. Considering the extensive scope of service activities in the city, investing in social capital, particularly in human resources, the organization’s most valuable asset, further reinforces employees’ dedication to the organization’s goals and mission.

Keywords: Citizenship Behavior, Social Capital, Job Performance, Manager Coaching.

References

- Adler, P. S., & Kwon, S. K. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *Academy of Management Review*, 27(1), 17–40.
- Aghajani, T., & Shoghi, B. (2014). Investigating the impact of managers' leadership style on employees' creativity (case study: Metal industries of Kaveh Industrial City). *Journal of Development & Evolution Management*, 16(17), 43–51. https://journals.iau.ir/article_436.html [In Persian]
- Alavi, S., Mahmoudi, A., Ghafouri, F., & Gerami, A. (2023). Identifying consequences and providing solutions for development of social responsibility of famous athletes. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 22(61), 319–341. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.1715.2209> [In Persian]
- Arregle, J., Hitt, M. A., Sirmon, D. G., & Very, P. (2007). The development of organizational social capital: Attributes of family firms. *Journal of Management Studies*, 44(1), 73–95.
- Basu, E., Pradhan, R. K., & Tewari, H. R. (2017). Impact of organizational citizenship behavior on job performance in Indian healthcare industries: The mediating role of social capital. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 66(6), 780–796.
- Batt, R. (2002). Managing customer services: Human resource practices, quit rates, and sales growth. *Academy of Management Journal*, 45(3), 587–597.
- Castro, S. L., Scandura, T. A., & Williams, E. A. (2004). Validity of Scandura and Ragins' (1993) multidimensional mentoring measure: An evaluation and refinement. *Management Faculty and Papers, Paper 7*. <https://scholarship.miami.edu/esploro/outputs/conferencePaper>
- Choi, Y., & Lee, D. (2014). Psychological capital, Big Five traits, and employee outcomes. *Journal of Managerial Psychology*, 29(2), 122–140.
- Chowdhury, S. (2005). The role of affect- and cognition-based trust in complex knowledge sharing. *Journal of Managerial Issues*, 17(3), 310–326.
- Coetzer, A. (2007). Employee perceptions of their workplaces as learning environments. *Journal of Workplace Learning*, 19(2), 417–434.
- Dehghani, M., Mostafaei, D., Hayavi Haghighi, M. H., Estebarsari, F., Rafati, Sh., & Khorrami, F. (2015). Investigating the relationship between social capital and organizational citizenship behavior among employees of teaching hospitals at Hormozgan University of Medical Sciences. *Journal of Modern Medical Information*, 1(1), 24–32. <http://jmis.hums.ac.ir/article-1-26-fa.html> [In Persian]
- Ellinger, A. E., Musgrove, C. F., Ellinger, A. D., Bachrach, D. G., Elmadağ, A. B., & Wang, Y. (2011). Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance. *Journal of Business Research*, 64(6), 572–578. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2012.03.008>
- Ellinger, A. E., Musgrove, C. F., Ellinger, A. D., Bachrach, D. G., Elmadağ, A. B., & Wang, Y. (2015). Organizational investments in social capital, managerial coaching and service employee performance. In *Proceedings of the 2009 Academy of Marketing Science (AMS) Annual Conference* (pp. 204–204). https://doi.org/10.1007/978-3-319-10864-3_114

- Ennis, S., Goodman, R., Hodgetts, W., Hunt, J. M., Monsfield, R., Otto, J., & Stren, L. (2005). *Core competencies of executive coach*. Boston: Executive Coaching. Available from www.executivecoachingforum.com
- Fathi Vajargah, K., Khorasani, A., Daneshmandi, S., & Arman, M. (2014). Investigating and explaining the coaching model in human resources training based on grounded theory. *Organizational Culture Management, 12*(3), 375–398. [In Persian]
- Ferris, S. P., Javakhadze, D., & Rajkovic, T. (2017). The international effect of managerial social capital on the cost of equity. *Journal of Banking & Finance, 74*, 84–93.
- Gelderman, C. J., Semeijn, J., & Mertschuweit, P. P. (2016). The impact of social capital and technological uncertainty on strategic performance: The supplier perspective. *Journal of Purchasing and Supply Management, 22*(3), 225–234.
- Ghelich Li, B., & Moshbaki, A. (2006). The role of social capital in creating intellectual capital in the organization. *Management Knowledge, 19*(75), 125–147. [In Persian]
- Goyal, A., & Ahkilesh, K. B. (2007). Interplay among innovativeness, cognitive intelligence, emotional intelligence and social capital of work teams. *Team Performance Management, 13*(7/8), 206–226.
- Harry, J. (2007). The relationship between innovation and organizational performance. *Journal of Management Studies, 31*(2), 193–224.
- Hui, C., Lee, C., & Rousseau, D. M. (2004). Psychological contract and organizational citizenship behavior in China: Investigating generalizability and instrumentality. *Journal of Applied Psychology, 89*, 311–321.
- Jahangiri, A., Zhoghi, M., Rangriz, H., & Shams, A. (2019). Modeling the performance of the managerial coaching role of managers. *Human Resource Management in the Oil Industry, 11*(42), 33–60. <http://iieshrm.ir/article-1-811-fa.html> [In Persian]
- Jones, R., Woods, S., & Hutchinson, E. (2014). The influence of the Five Factor Model of personality on the perceived effectiveness of executive coaching. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring, 112*(2), 109–121.
- Kaasa, A. (2009). Effects of different dimensions of social capital on innovative activity: Evidence from Europe at the regional level. *Technovation, 29*(3), 218–233. <https://doi.org/10.1016/j.technovation.2008.01.003>
- Kenneth, S., Low, C., & Wong. (2007). The effects of emotional intelligence on job performance and life satisfaction for research and development scientists in China, 51–69.
- Khornegah, K., Ora'yi Yazdi, B., & Roshan, S. A. (2011). The effect of organizational citizenship behavior on social capital: A case study of the General Directorate of Cooperatives and Subsidiary Units of Zahedan County. *Journal of Cooperatives and Agriculture, 7*(307), 117–138. [In Persian]
- Kiani, A., Amir Hosseini, S. E., & Hamidi, M. (2023). Designing a model for the development of citizenship sports in Iranian metropolises with an interpretive

- structural modeling approach. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 22(59), 155–172. <https://doi.org/10.22034/ssys.2022.1902.2356> [In Persian]
- Koontz, H., O'Donnell, C., & Wehrich, H. (2009). *Principles of management* (Vol. 2) (M. A. Tusi, A. A. Farhangi, A. Alavi, & A. Mahdavian, Trans.). Publications of the Higher Institute of Management and Planning Education and Research. [In Persian]
- Kroll, A., & Tantardini, M. (2017). Motivating and retaining government employees: The role of organizational social capital. *International Public Management Journal*, 22(2), 232–253. <https://doi.org/10.1080/10967494.2017.1367341>
- Lervik, J. E., Fahy, K. M., & Easterby-Smith, M. (2010). Temporal dynamics of situated learning in organizations. *Management Learning*, 41(3), 285–301.
- Levin, D. Z., & Cross, R. (2010). The strength of weak ties you can trust: The mediating role of trust in effective knowledge transfer. *Management Science*, 50(11), 1477–1490.
- Li, N., Liang, J., & Crant, J. M. (2010). The role of proactive personality in job satisfaction and organizational citizenship behavior: A relational perspective. *Journal of Applied Psychology*, 95(2), 395–404.
- Liu, C. H. S. (2018). Examining social capital, organizational learning and knowledge transfer in cultural and creative industries of practice. *Tourism Management*, 64, 258–270.
- Liu, Y., Chan, C., Zhao, C., & Liu, C. (2018). Unpacking knowledge management practices in China: Do institution, national and organizational culture matter? *Journal of Knowledge Management*, 23(4), 619–643.
- Luthans, F., & Youssef, C. M. (2004). Human, social, and now positive psychological capital management: Investing in people for competitive advantage. *Organizational Dynamics*, 33, 143–160.
- Maurer, I., & Ebers, M. (2006). Dynamics of social capital and their performance implications: Lessons from biotechnology start-ups. *Administrative Science Quarterly*, 51(2), 262–292.
- Michelman, M. H. (2005). The emerging role of the internal coach. *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 53, 240–250.
- Mohammadi, M., & Karimi Deldar, B. (2021). Investigating the effect of corporate social responsibility indicators on risk management methods in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Quarterly Journal of Accounting and Management Perspectives*, 4(40), 65–83. https://www.jamv.ir/article_130520.html [In Persian]
- Moorman, R. H., & Blakely, G. L. (1995). Individualism-collectivism as individual difference predictor of organizational citizenship behavior. *Journal of Organizational Behavior*, 16(2), 127–142.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, 23(2), 242–266.
- Nasr-Esfahani, A., Ansari, M. E., Sha'emi Borzaki, A., & Aghahosseini, H. (2011). Investigating organizational social capital in service organizations in Isfahan province (with the approach of management teachings in Saadi's works). *Applied*

- Sociology*, 22(1), 107–134. <https://doi.org/10.1001.1.20085745.1390.22.1.6.2> [In Persian]
- Nasrolahi, Z., Naghshineh, N., & Sarrafzadeh, M. (2022). The role of archival organizations' investment in social capital on the archivists' performance. *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 166–199. <https://doi.org/10.30484/ganj.2022.2955> [In Persian]
- Özduran, A., & Tanova, C. (2017). Coaching and employee organizational citizenship behaviours: The role of procedural justice climate. *International Journal of Hospitality Management*, 60, 58–66. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2016.10.004>
- Reyes, J. M., Courtney, L., & Holladay, L. (2016). Evaluating coaching's effect: Competencies, career mobility and retention. *Leadership & Organization Development Journal*, 37(7), 79–93.
- Ribeiro, N., Nguyen, T., Duarte, A. P., Torres de Oliveira, R., & Faustino, C. (2021). How managerial coaching promotes employees' affective commitment and individual performance. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 70(8), 2163–2181. <https://doi.org/10.1108/IJPPM-10-2018-0373>
- Sedaghat, H., Beheshti, S., & Dehghani, H. (2024). Studying the relationship between social capital and political participation (study case: Shiraz sports youth). *Strategic Studies on Youth and Sports*. Published online March 19, 2023. <https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3115.3268> [In Persian]
- Shamsi, Z., Mohebalipour, M., & Alvodari, H. (2015). Investigating the effect of social capital on organizational citizenship behavior. *Social Capital Management*, 2(1), 117–136. <https://doi.org/10.22059/jscm.2015.54091> [In Persian]
- Shub, A. N., & Stonebraker, P. W. (2009). The human impact on supply chains: Evaluating the importance of “soft” areas on integration and performance. *Supply Chain Management: An International Journal*, 14(1), 31–40.
- Siguaw, J. A., Simpson, P. M., & Enz, C. A. (2006). Conceptualizing innovation orientation: A framework for study and integration of innovation research. *Journal of Product Innovation Management*, 23(6), 56–74.
- Spencer, L. (2011). Coaching and training transfer: A phenomenological inquiry into combined training-coaching programs. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring, Special Issue, No. 5*, 1–18.
- Villena, V. H., Revilla, E., & Choi, T. Y. (2011). The dark side of buyer–supplier relationships: A social capital perspective. *Journal of Operations Management*, 29(6), 561–576.
- Walker, A. (2011). An HR perspective on executive coaching for organizational learning. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 9(2), 67–79.
- Wang, C. L., & Ahmed, P. K. (2004). The development and validation of the organizational innovativeness construct using confirmatory factor analysis. *European Journal of Innovation Management*, 7(4), 303–313.

- Warr, P., Bartram, D., & Martin, T. (2005). Personality and sales performance: Situational variation and interactions between traits. *Journal of Selection and Assessment*, 13, 87–91.
- Zheng, W. (2008). A social capital perspective of innovation from individuals to nations: Where is empirical literature directing us? *International Journal of Management Reviews*, 10(4), 1–39.

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

نقش واسطه‌ای مربی‌گری مدیران در روابط بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان

مریم حافظیان^۱میلاذ ربانی^۲شهربانو دهرویه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_232407.html

چکیده

مربی‌گری به‌عنوان راهبردی اثربخش در توسعه‌ی سازمان و راهی موفق برای توسعه‌ی مدیران و رهبران در سازمان‌ها شناخته می‌شود و می‌تواند به توسعه و پیشرفت شخصی کارکنان و مزیت رقابتی سازمان منجر گردد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای مربی‌گری مدیران در ارتباط با سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان اداره‌ی کل ورزش و جوانان استان خراسان شمالی است که در قالب یک مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی کارکنان اداره‌ی کل ورزش و جوانان به تعداد ۱۶۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۱۳ نفر مشارکت داشته‌اند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی الینگر و همکاران (۲۰۱۳) استفاده شد. بعد از تأیید روایی توسط متخصصین، به منظور تعیین پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۶ به دست آمد

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران (نویسنده مسئول) ma.hafez@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0003-4593-7473>

۲. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران m.rabbani5556@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0004-1281-4690>

۳. استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران fateme.dehroye@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0009-4769-8059>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

که نشان‌دهنده‌ی اعتبار و پایایی بالای پرسش‌نامه است. تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق از طریق آمار توصیفی و استنباطی با روش مدل ساختاری به کمک نرم‌افزار Spss نسخه‌ی ۱۹ و Lisrel8.8 انجام شد. یافته‌ها در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی با مربی‌گری کارکنان، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد ($P\text{-value} < 0/05$). از طرفی، بین مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی رابطه‌ی مثبت و معنادار ($P\text{-value} < 0/05$) به دست آمد. علاوه‌براین، سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه‌ی مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که مربی‌گری مدیران روابط بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی و عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان را واسطه‌گری می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رفتار شهروندی، سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی، مربی‌گری مدیران.

مقدمه

سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از اطلاعات، اعتماد، هنجارها و روابط متقابل در شبکه‌ی اجتماعی است که می‌تواند از طریق تسهیل تبادل اطلاعات نیمه‌محرمانه و توافق‌های دوطرفه، فرصت‌های تجاری مناسبی را به وجود آورد (Ferris & et al., 2017:86). سرمایه‌ی اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رشد و پیشرفت جوامع به طور عام و توسعه‌ی اجتماعی جوامع به طور خاص، نقش بسیار مهم‌تری از دیگر سرمایه‌ها (همچون سرمایه‌ی اقتصادی) دارد و به نوعی زمینه و قوام‌بخش دیگر سرمایه‌هاست و پایداری آن‌ها را تضمین می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی تعبیه‌شده در سازمان هزینه‌های معاملات را کاهش می‌دهد و در دستیابی اعضا به اهداف سازمان به طور مؤثر کمک می‌کند (Gelderman & et al., 2016:228). همچنین افزایش، گسترش و به اشتراک گذاشتن منابع در روابط اجتماعی از طریق سرمایه‌ی اجتماعی به‌منظور تسهیل کنش جمعی و گسترش اعتماد و بده‌بستان در جامعه صورت می‌گیرد. از این رو، روابط اجتماعی بستر اصلی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود. فقدان سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای می‌تواند به بی‌ثباتی و بی‌میلی به اشتراک اطلاعات خاص در روابط متقاضی و کارپرداز منجر شود (Villena

69:2011, et al. &). سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی و الزامات ذهنی است که اعضای گروه آن را به اشتراک می‌گذارند و در شکل‌دهی ارتباطاتی که باعث می‌شود سازمان به طور مؤثر کار کند سودمند است (Adler & Kwon, 2002: 20). ماهیت نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی این است که روابط بین کارکنان، محرک اساسی عملکرد است و پرورش ارتباطات قوی‌تر بین شبکه‌های اجتماعی به واسطه‌ی خلق محیطی که مروج اعتماد، سازگاری و حسن نیت است، نتایج مثبتی به بار می‌آورد (Maurer & 2006: 265 Ebers). محققان جنبه‌های شناختی، ساختاری و ارتباطی سرمایه‌ی اجتماعی را در سطوح ملی، استراتژیک و سازمانی بررسی کرده‌اند (Ellinger & et al., 2013:1127). از آن جایی که نیاز به شناخت رویکردهای توسعه‌گرانه جهت بهبود تعهد و عملکرد کارکنان امری مسلم شده است، پژوهشگران به طور روزافزون جنبه‌های سرمایه‌ی اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهند (Arregle & et al., 2007: 92). برای این که کارکنان بهترین سرویس را به مشتریان ارائه دهند باید راضی، باانگیزه، بدون موانع سازمانی و توانا به شغلشان باشند. با این حال، تأثیر رویکردهای توسعه‌گرانه‌ی منابع انسانی به‌عنوان ابزاری برای خلق و مدیریت تعهد کارکنان به کیفیت خدمات همچنان مورد سنجش تحقیقات است. تحقیقات موجود بیشتر بر مدیریت روابط مشتریان تمرکز می‌کند تا روی پویایی حمایت و پیشرفت مؤثر کارکنان که با مشتریان تعامل دارند. آگاهی از نقش کارکنان در موفقیت سازمان، به درک بهتر چگونگی استقرار و گسترش فرهنگ سازمانی در جهت حمایت و پیشرفت مؤثر کارکنان کمک می‌کند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که سازمان‌ها می‌توانند از طریق اقدامات مدیریتی و منابع انسانی، سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی مثبت را به طور مؤثر خلق و حفظ کنند؛ به طوری که شبکه‌های اجتماعی را تقویت و تسهیل کند. سرمایه‌ی اجتماعی روی پیشرفت کارکنان و نتایج مربوط به کار اثر مثبت می‌گذارد و نقشی مهم در ایجاد محیط کاری‌ای که فراهم‌کننده‌ی پیشرفت و حفظ کارکنان باشد ایفا می‌کند. لوتانز و یوسف (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که سازمان‌ها باید برای توسعه و نگهداری مزایای رقابتی تأکید زیادی روی پیشرفت منابع پنهان مانند سرمایه‌ی اجتماعی، انسانی و روان‌شناختی

داشته باشند. بات^۱ (۲۰۰۲) نیز ادعا می‌کند که سرمایه‌گذاری در ایجاد سرمایه‌ی انسانی خاص برای شرکت باعث احساس تعلق سازمانی و افزایش بهره‌وری کارکنان می‌شود. شاب و استون بریکر^۲ (2009) پیشنهاد می‌دهند که استراتژی‌های مدیریتی بر پایه‌ی روابطی که روی ساختار، فرهنگ و اختیار سازمانی تمرکز می‌کند باعث به وجود آمدن وفاداری کارکنان می‌گردد و روابط طولانی‌مدت را بین شرکت و کارکنانش فراهم می‌نماید. سازمان‌های کوچک می‌توانند یک فرهنگ داخلی ایجاد کنند که با تمرکز بر روابط باز، دیدگاه‌های مشترک و اعتماد که مستلزم ساخت سرمایه‌ی اجتماعی است، کارکنان خود را حمایت و تشویق نمایند. صاحب‌نظران از سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان چسبی که افراد را به هم پیوسته نگه می‌دارد یاد می‌کنند و اظهار می‌کنند این رفتار کنترل غیر رسمی مؤثرتری را به وجود می‌آورد و باعث کاهش کارهای خلاف می‌گردد. همچنین، سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان باعث شکل‌گیری روابط کاری می‌شود که براساس آن همکاری و اقدامات تسهیل‌کننده در سازمان را افزایش می‌دهد (Chowdhury, 2005: 313). بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی سازمان چگونگی روابط انسانی داخل سازمانی می‌باشد که منظور از روابط انسانی کیفیت همکاری، اعتماد متقابل و تعهد سازمانی است (Wang & Ahmed, 2004: 310). این رفتار در سازمان باعث شکل‌گیری روابط کاری می‌شود که براساس آن همکاری و اقدامات تسهیل‌کننده را در سازمان افزایش می‌دهد. همچنین سازمان‌هایی که دارای سطوح بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی هستند موفق‌تر از سایر رقبایی هستند که سطوح پایین‌تری از سرمایه‌ی اجتماعی در آن سازمان‌ها جاری است (Nahapiet & Ghoshal, 1998: 245). از دیگر تلاش‌های مدیران برای رقابت بهتر با سایر سازمان‌ها ایجاد رضایت شغلی در کارکنان و جلوگیری از عدم رضایت آن‌هاست (قلیچ لی و مشبکی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). از نظر اسپنسر^۳ (2011) سرمایه‌ی اجتماعی همچون شریانی است که اعتماد شبکه‌ی اجتماعی را به درون سازمان انتقال می‌دهد، و از این رهگذر سبب تحقق اهداف سازمان و خلق مزیت رقابتی و بقای آن می‌شود. والکر^۴ (2011) معتقد است اهمیت سرمایه‌ی

-
1. Batt
 2. Shub & Stonebraker
 3. Spencer
 4. Walker

اجتماعی به این دلیل است که برای افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که به اندازه‌ی کافی از آن برخوردار هستند، با تأمین نوعی کنش فعال، مفید و سودمند است. از این رو، بنا به باور گوپال و آکیلش^۱ (2007) سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی زیربنایی در درک نوآوری، خلاقیت و پویایی‌های سازمانی به شمار می‌آید؛ چرا که از یک سو فرایند نوآوری، خلاقیت، یادگیری گروهی و مانند این‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر تحقق آن‌ها را تسهیل می‌کند.

از دیدگاه اجتماعی، سازمان‌ها به دنبال کارکنانی هستند که بتوانند در مشاغل خویش خوب عمل کنند. عملکرد خوب بهره‌وری سازمانی را افزایش می‌دهد و این امر اقتصاد ملی جامعه را ارتقا می‌بخشد (Ellinger & et al., 2015: 204). عملکرد شغلی یکی از متغیرهایی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته است. روان‌شناسان عملکرد شغلی را محصول رفتارهای انسانی می‌دانند و معتقدند انگیزه‌ها و نیازها، در عملکرد افراد و در نهایت در رشد و توسعه‌ی اقتصادی تأثیر دارند. همچنین باور بر این است که عملکرد شغلی سازه‌ای ترکیبی است که بر پایه‌ی آن کارکنان موفق از کارکنان ناموفق از طریق مجموعه‌ای از ملاک‌های مشخص قابل شناسایی‌اند. امروزه اغلب محققان سازمانی روی عملکرد کلی شغل توافق دارند که در سه بُعد تعریف می‌شود: عملکرد کاری (به طور مستقیم و غیرمستقیم با فعالیت‌های فنی سازمان مرتبط است)، عملکرد وابسته به بافت^۲ (عملکردی که در شکل‌گیری بافت سازمانی، اجتماعی و روان‌شناختی، که عملکرد کاری در آن اتفاق می‌افتد، مؤثر است، نظیر کمک به دیگران، داوطلب شدن برای اضافه کاری، اشتیاق) و رفتار ضدتولید^۳ (رفتارهایی از کارکنان که به سازمان و اعضای آن آسیب می‌زند، نظیر انجام عمدی کارها به‌کندی و غلط، دزدی، توهین به دیگران و نادیده گرفتن آن‌ها و کارشکنی) (Coetzer, 2007: 420). عملکرد، به‌عنوان رفتار فردی، تابع شخصیت و متغیرهای موقعیتی (نظیر تقاضاهای کاری، سازمانی، اجتماعی) است. تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه نشان داده است که علاوه بر دانش، مهارت و توانایی‌های مختلف، شخصیت یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های عملکرد شغلی است (Liu & et al., 2018: 622). رضایت کارکنان از کار و سازمان از عوامل مهم در عملکرد آن‌ها به شمار می‌آید.

-
1. Goyal & Ahkilesh
 2. Contextual
 3. Conterproductiv

همه‌ی سازمان‌ها آرزو دارند کارکنانشان رضایت شغلی داشته باشند و در این راه تلاش می‌کنند. رضایت شغلی کارکنان به معنی نگرش و برداشت کلی و مثبت آن‌ها از کار و همه‌ی عوامل مرتبط با کار است. کارکنان راضی عملکرد بهتری دارند، به سازمان وفادارترند، آموزش‌ها و مهارت‌های جدید را بهتر و سریع‌تر فرا می‌گیرند و به اهداف و سرنوشت سازمان علاقه‌مندند (Choi & Lee, 2014: 138). صاحب‌نظران و محققین معتقدند که عملکرد موضوع اصلی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمانی است و تصور سازمانی که به ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد بی‌توجه است مشکل است. آن‌ها توجه به موضوع عملکرد سازمانی را باعث توسعه‌ی سازمانی ذکر می‌کنند و عملکرد را موضوع اصلی در فضای عملی می‌دانند. از این‌رو، ارزیابی عملکرد توجه محققین سازمان و مدیریت علوم سیاسی، اقتصاددانان و مدیران اجرایی را به خود جلب نموده است (بزاز جزایری، ۱۳۸۷: ۱۹). ارزیابی و اندازه‌گیری عملکرد موجب هوشمندی سیستم و برانگیختن افراد در جهت رفتار مطلوب می‌شود و بخش اصلی تدوین و اجرای سیاست سازمانی است. اندازه‌گیری مفهومی بسیار مهم در بحث مدیریت عملکرد و زیربنای ایجاد بازخورد است و مشخص می‌نماید که در چه بخش‌هایی کارها به‌درستی پیش می‌روند؛ به طوری که موفقیت بعدی توسط آن پایه‌گذاری گردد. همچنین نشان می‌دهد که اقدامات لازم در کدام قسمت اندازه‌گیری می‌شود (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

رفتار سازمانی شاخه‌ای از علم مدیریت است که رفتار کارکنان در سازمان و عوامل مؤثر بر آن را بررسی می‌کند. این علم از ترکیب علوم مختلفی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست با علم مدیریت ایجاد شده است (Zheng, 2008: 4). رفتارهای فردی داوطلبانه که به طور صریح یا ضمنی توسط سیستم رسمی پاداش برانگیخته نشده است ولی کارایی سازمان را افزایش می‌دهد رفتار شهروندی سازمانی نامیده می‌شود. همچنین تمایل کارکنان به انجام رفتارهایی فراتر از الزامات رسمی نقش و جایگاهشان نیز یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی رفتار شهروندی سازمانی شناخته می‌شود. براساس تعریف اورگان^۱ (1988)، رفتار شهروندی سازمانی، رفتاری منحصر به فرد، خودجوش، اختیاری و فراوظیفه‌ای است که در افزایش عملکرد اثربخش سازمان مؤثر است، ولی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله‌ی سیستم پاداش رسمی سازمانی

تقویت نمی‌شود (Moorman & et al., 1995: 130; Li & et al., 2010: 398; Castro & et al., 2004: 30). رفتار شهروندی سازمانی، فرهنگ سازمانی مثبتی است که باعث تقویت تعامل، تعهد کارکنان، انگیزه‌ی کارکنان و عملکرد شغلی کارمندان می‌شود ولی بخشی از ساختار رسمی سازمانی یا سیستم پاداش نیست (Basu & et al., 2017: 793). در واقع رفتار شهروندی سازمانی نوعی رفتار فرانقشی است؛ یعنی این رفتارها اختیاری‌اند و معمولاً در سیستم پاداش رسمی سازمان در نظر گرفته نمی‌شوند (Hoy & et al., 2004: 314). صاحب‌نظران معتقدند که علاوه بر رفتار شهروندی سازمانی عوامل دیگری نیز در افزایش بهره‌وری سازمان نقش دارند. در سال ۲۰۰۹ م مطالعه‌ای تحلیلی در کره جنوبی انجام شد، یافته‌های این پژوهش نشان داد که افزایش سرمایه‌ی اجتماعی باعث افزایش عملکرد سازمانی کارکنان می‌گردد (Levin & Cross, 2010: 1479). سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که مشارکت افراد را برای دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کند (Ennis & et al., 2005: 12). این رفتار سازمانی باعث ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری بین کارکنان سازمان می‌گردد (Kenneth & et al., 2007: 55).

برای اولین بار بلانچارد^۱ (1993)، واژه‌ی مربی‌گری و مدیر را به‌عنوان مربی به کار برد. آشنایی او با دان شوال^۲، مربی صاحب‌نام فوتبال، و چگونگی کار او بلانچارد را به این نتیجه رساند که در دنیای پرتلاطم امروز، برای بقای سازمان‌ها و به حداکثر رساندن بازدهی انسان‌ها، بهترین راه مدیریت، مربی‌گری است. مربی‌گری کلید اصلی توسعه و بهبود استعدادها و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه است. مربی افراد را تشویق می‌کند که به جای توجه به نقاط ضعف و کمبودهایی که دارند بر نقاط قوت خود متمرکز شوند و این در تضاد با دیدگاه سنتی است؛ دیدگاهی که به افراد توصیه می‌کند تا نقاط ضعف خود را بشناسد و آن‌ها را برطرف کنند. در مقابل، تأکید بر نقاط قوت افراد باعث کاهش ترک اختیاری کار و افزایش بهره‌وری و رضایت مشتریان می‌شود. بنابراین، با تأکید زیاد بر مربی‌گری نقاط قوت، می‌توان از راه آگاهی افراد از خود و محیطی که در آن کار می‌کنند، از توسعه و رشد آنان حمایت کرد؛ این امر، سبب رشد

1. Blanchard
2. Dan Shoal

استعدادها و توانایی‌های افراد می‌شود و فرصت‌هایی را خلق می‌کند که تأثیر آنان را در سازمان به حداکثر برسد (Warr & et al., 2005: 89). مربی‌گری قادر است بین اهداف سازمانی و نیازهای فردی کارمندان برای رشد و پیشرفت تعادل برقرار کند و سبب برقراری رابطه‌ای مبتنی بر منفعت بین فرد و سازمان شود. ضرورتی ندارد که مربی حتماً تجربه‌ی مستقیم کاری در رابطه با مهارت فردی که به او مراجعه می‌کند داشته باشد، مگر در مواردی که مربی‌گری در رابطه با مهارتی ویژه باشد. مربی به دنبال آن نیست که به موضوعات عمیقی، مانند اعتماد به نفس پایین و عملکرد شغلی ضعیف، بپردازد بلکه بیشتر به موضوعات کاربردی، مانند تنظیم هدف‌ها و دستیابی به نتایج در محدوده‌ی زمانی مشخص، می‌پردازد. مربی خوب باید قادر باشد با افراد ارتباط برقرار کند و به آن‌ها انگیزه و روحیه بدهد. آن‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند که خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله را در خود تقویت کنند؛ مهارت‌هایی که در زندگی کاری روزانه از دست رفته‌اند و فراموش شده‌اند. فرایند مربی‌گری به افراد کمک می‌کند که خود را سریع‌تر با تغییرات محیطی وفق دهند و به آن‌ها کمک می‌کند که ظرفیت‌ها و توانایی‌هایشان را بشناسند (Kaasa, 2009: 220). در دنیای امروز، مربی‌گری به‌عنوان فعالیت حمایت‌کننده‌ی پیشرفت فردی و اثربخشی سازمانی پذیرفته شده است و اکثر سازمان‌ها تمایل دارند در جهت آموزش مربی‌گری به مدیران، سرمایه‌گذاری کنند؛ به‌ویژه مدیرانی که کار آنان دارای اهمیت است؛ زیرا مربی‌گری اثربخش، تأثیر بسزایی بر عملکرد سازمانی دارد (Siguaw & et al., 2006: 59). در ادبیات و واژگان توسعه‌ی منابع انسانی، مربی‌گری به سرعت به‌عنوان بخش مهمی از استراتژی‌های یادگیری و توسعه‌ی سازمان‌ها مطرح شده و استفاده از مربی‌گری مدیریتی در دهه‌ی گذشته به‌عنوان یک ابزار توسعه‌ای برای مدیران و کارکنان به شدت افزایش پیدا کرده است. در واقع، رشد محبوبیت مربی‌گری مدیریتی پاسخی به خواسته‌های محیط‌های کاری بوده و به‌عنوان خدمت برای سازمان‌ها و کسب و کارهایی به وجود آمده است که نیاز به توسعه کارکنانشان را درک نموده‌اند (Michelman, 2005: 243). تحقیقات نشان داده است که حداقل نیمی از هزار شرکت پیشروی دنیا مربی‌گری را به اشکال مختلف برای کارکنان استفاده می‌کنند (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷۸). عضویت ۱۵۰۰۰ نفر از ۹۰ کشور دنیا در فدراسیون جهانی در کلیه‌ی رشته‌های ورزشی، مربی‌گری را بااهمیت شمرده و دلیل آن را پتانسیل‌های آزمون پس‌داده‌ی مربی‌گری

برای ایجاد تغییر در سازمان‌ها می‌دانند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲). مربی‌گری در قلب مدیریت قرار دارد و ایجاد بستر فرهنگی برای مربی‌گری فعالیتی اساسی برای مدیریت است. مربی‌گری نقش مهمی برای مدیران و رهبران است که باید به‌عنوان بخشی از اعمال مدیریت روزانه انجام شود. "مدیر به‌عنوان مربی" به‌مثابه‌ی عملی مدیریتی تعریف می‌شود و به کارکنان کمک می‌کند تا عملکرد کاری خود را بهبود بخشند که این امر از طریق ارائه‌ی راهنمایی، تشخیص و حمایت میسر می‌شود. به‌طور مشخص، مدیر به‌عنوان مربی فرایندی پویا برای بهبود عملکرد کار چالشی است و به کارکنان کمک می‌کند تا فرصت‌های بهبود عملکرد و توانایی‌هایشان را تشخیص دهند و کارکنان را توانمند می‌سازد تا از سطوح عملکرد پیشین خود بالاتر روند و راهنمایی، تشویق و حمایت را برای یادگیری به دست آورند (Reyes & et al., 2016: 81). مهم‌ترین هدف فرایند مربی‌گری مدیریتی ایجاد تغییر در کارمند به‌عنوان شاگرد می‌باشد. چنانچه تغییرات مورد نظر در شاگرد صورت نپذیرد، این بدان معناست که فرایند مربی‌گری طراحی شده اثربخش نبوده است. در این فرایند، مربی باید بتواند، با استفاده از استراتژی‌های تغییر رفتار، باعث به وجود آمدن رفتارهای مطلوب و کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب گردد (Jones & et al., 2014: 112).

پیشینه‌ی پژوهش

موضوع مربی‌گری و مربی‌گری مدیریتی علی‌رغم محبوبیت داشتن روزافزون در سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، دارای پیشینه‌ی تحقیقاتی محدودی است و کارهای صورت‌پذیرفته نیز اغلب در فضای بخش خصوصی انجام شده و در بخش دولتی این موضوع تبیین نگردیده است. در این راستا، برخی تحقیقات صورت‌گرفته در ادامه ذکر می‌گردد.

یافته‌های پژوهش کیانی و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که ۱۶ عامل مؤثر شناسایی شده بر توسعه‌ی ورزش شهروندی در ۷ سطح قرار گرفته‌اند. عوامل چشم‌انداز و مدیریت کلان و برنامه‌ریزی و مدیریت جامع در سطح زیربنایی مدل قرار دارند. در نتیجه می‌توان گفت که توجه به ورزش شهروندی باید در جهت‌گیری‌های کلان دولت قرار گیرد و مسئولان برای طراحی و اجرای برنامه‌ی جامع توسعه‌ی ورزش شهروندی اقدام لازم را انجام دهند. یافته‌های پژوهش

صداقت و همکاری (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط اجتماعی، حمایت دوستان و خانواده، هنجار اجتماعی) و مشارکت سیاسی جوانان وجود دارد. پژوهش علوی و همکاران (۱۴۰۲) نشان‌دهنده‌ی این امر است که در بخش توسعه‌ی مسئولیت اجتماعی، هفت مفهوم تبلیغاتی- رسانه‌ای، سیاست‌گذاری، تحقیقاتی، انگیزشی، فرهنگ‌سازی، توسعه‌ی فردی و ارتباطات به دست آمده است. در نهایت نیز از مقوله‌های یاد شده، پنج مفهوم توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی ورزشی، توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی فرهنگی، توسعه‌ی فردی- سازمانی به دست آمد. با توجه به پیامدهای ارزشمندی که مسئولیت‌های اجتماعی ورزشکاران برای جامعه دارد، این پژوهش پیشنهاد تشکیل «انجمن مسئولیت اجتماعی» در کلیه‌ی سازمان‌های ورزشی را ارائه داده است. پژوهش نصرالهی و همکاران (۱۴۰۱) حاکی از تأیید تأثیر معنادار سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی بر تعهد به سازمان آرشو، تأثیر معنادار تعهد به کیفیت خدمات بر عملکرد شغلی بایگان‌ها، و تأثیر معنادار رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد شغلی بایگان‌هاست. سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی سازمان آرشویی، براساس یافته‌های این مطالعه، بهبود و ارتقای عملکرد و بهره‌وری سازمان را به دنبال خواهد داشت. تقویت رفتار شهروندی سازمانی باعث افزایش کیفیت عملکرد شغلی می‌شود. پژوهش جهانگیری و همکاران (۱۳۹۸) در مدل‌سازی ایفای نقش مربی‌گری مدیریتی مدیران در صنعت نفت ایران نشان می‌دهد که یکی از نقش‌هایی که امروزه به مدیران واگذار گردیده، مربی‌گری است. از این رو، در این پژوهش ۱۱ مقوله‌ی اصلی (شامل توانمندسازی و توسعه‌ی نیروی انسانی، توسعه و بهبود سازمان، عوامل فردی، عوامل سازمانی، شرایط و ویژگی‌های مربی، شرایط و ویژگی‌های متربی، شرایط و الزامات سازمانی، شرایط و الزامات مربی، پیامدهای سازمانی، پیامدهای فردی، نقش مربی‌گری مدیریتی مدیر) در ایفای نقش مربی‌گری مدیریتی برای مدیران ترسیم شده است. نتایج تحقیق دهقانی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد رفتار شهروندی سازمانی با سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی معنادار و مستقیمی دارد. متغیرهای دموگرافیک میزان تحصیلات، پست سازمانی، نوبت کاری و جنسیت در میزان سرمایه‌ی اجتماعی و رفتار شهروندی سازمانی نیز تأثیرگذار بوده‌اند. آقاجانی و شوقی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی بر تعهد سازمانی، تعهد به کیفیت خدمات و

عملکرد شغلی تأثیر می‌گذارد ولی رابطه‌ی معناداری با رفتار شهروندی سازمانی ندارد. بین بقیه متغیرها با رفتار شهروندی نیز هیچ رابطه‌ای مشاهده نشده است. از سوی دیگر، تعهد به کیفیت خدمات رابطه‌ی مستقیم با عملکرد شغلی دارد؛ درحالی‌که تعهد سازمانی تأثیری بر این متغیر ندارد. ریبیرو^۱ و همکاران (2021) نشان داده‌اند که هرچه مدیران مهارت‌های مربی‌گری بهتری داشته باشند، هم عملکرد کارکنان بهتر می‌شود و هم تعهد عاطفی (احساس تعلق و دلبستگی) آن‌ها افزایش می‌یابد. در این میان، تعهد عاطفی مانند پلی است که ارتباط بین مربی‌گری مدیران و بهبود عملکرد را تقویت می‌کند. پژوهش اوزداران و تانوا^۲ (2017) نشان می‌دهد در بخش‌هایی که کارمندان احساس می‌کنند قوانین و روش‌های سازمان منصفانه نیست، نقش مربی خوب برای مدیران بسیار مهم‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، راهنمایی و حمایت مدیران می‌تواند به کارکنان انگیزه دهد تا فراتر از وظایف معمول خود تلاش کنند. از طرف دیگر، در محیط‌هایی که همه احساس می‌کنند قوانین عادلانه است، کمتر به مربی‌گری نیاز خواهد بود. گیلدرمن^۳ و همکاران (2016) پژوهشی را بر روی پنج هزار کارگر در انگلستان انجام دادند. نتایج نشان داد که ۴۵٪ پاسخ دهندگان از استرس‌های شغلی، ۳۳٪ از دست نیافتن به اهداف، ۳۸٪ از مدیریت ضعیف و ۴۱٪ از عدم تعادل بین زندگی شخصی و زندگی کاری رنج می‌برند. الینگر و همکاران (2015) تحقیقی با عنوان سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، مربی‌گری مدیریت، کارمند و عملکرد مربوط به کار انجام داده‌اند. این تحقیق (مبتنی بر نظرسنجی) به بررسی تأثیر رفتار مربی‌گری مدیریتی بر روابط بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی (OISC^۴) و عملکرد مربوط به کار کارمند می‌پردازد. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی ۴۰۸ نفر از کارکنان سازمان‌های مختلف در طیف گسترده‌ای از صنایع نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی مثبت مربوط به عملکرد شغلی کارکنان، تعهد به کیفیت خدمات، و رفتار شهروندی سازمانی است. پژوهش لرویک^۵ و همکاران (2010) نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی بیشتر برابر است با عملکرد مالی بیشتر؛ به این معنا که هر چه بانک‌ها نقش بیشتری در مسئولیت اجتماعی شرکتی ایفا

-
1. Ribeiro
 2. Özduran & Tanova
 3. Gelderman
 4. Organizational investments in social capital
 5. Lervik

کنند، عملکرد مالی بیشتری از خود نشان خواهند داد. نتایج به‌دست‌آمده در قبل و بعد از همسان‌سازی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. مسئولیت اجتماعی شرکتی قبل از همسان‌سازی تأثیر معناداری بر عملکرد مالی بانک ندارد اما پس از همسان‌سازی تأثیر مثبت قوی‌تری بر عملکرد مالی بانک دارد؛ چنین اثری بر عملکرد مالی بانک هنگامی تقویت می‌شود که فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بانک‌ها افزایش یابد. امروزه بیش از هر زمانی نیاز است که مدیران در همه‌ی سطوح و به‌طور واقعی درگیر مربی‌گری کارکنان خود شوند، به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی کنونی که بر همه‌ی جوامع و سازمان‌ها تأثیر گذاشته است. مطالعات جهانی بیانگر افزایش فشارهای شغلی است. اکنون مدیران باید بدانند چه عواملی بر بهره‌وری تأثیر دارند و چگونه اثرات آن‌ها را می‌توان مربی‌گری کرد. مدیران به‌عنوان مربی باید بتوانند اهداف فرد را در راستای استراتژی سازمانی قرار دهند، با تأکید بر نقاط قوت در آن‌ها احساس مسئولیت برای رشد، پیشرفت، به‌فعالیت رساندن استعدادها و یادگیری بیشتر را بیدار کنند و در نتیجه بهره‌وری آنان را بالا ببرند. مدیر - مربی قادر است به کارکنان کمک کند که خود را سریع‌تر با تغییرات محیطی وفق دهند و به سازمان‌ها کمک می‌کند از طریق افراد به رشد و توسعه دست یابند (Ellinger & et al., 2015).

با مرور تحقیقات صورت‌گرفته، خلاءهای موجود در این حوزه قابل مشاهده است؛ چنانکه تاکنون توسعه‌ی حرفه‌ای در حوزه‌ی مدیریت ورزشی به‌صورت تخصصی مطرح نبوده و در مورد مربی‌گری مدیران در سازمان‌های ورزشی پژوهشی ارائه نشده است. از این رو، الزام است تا مفهوم مربی‌گری مدیران در ورزش به‌خوبی تعریف و چارچوب مناسبی برای آن ارائه گردد. از طرف دیگر، با توجه به اینکه توسعه‌ی حرفه‌ای مدیران ورزشی از نوع مربی‌گری یکی از نیازهای اصلی برای ارتقای مدیریت ورزش کشور است، باید به‌صورت حرفه‌ای و نظام‌مند انجام شود و چارچوبی علمی در این زمینه ارائه گردد. ضرورت‌های کلی بررسی نظام‌مند توسعه‌ی حرفه‌ای مدیران ورزشی کشور، از جنبه‌ی کارکردی بسیار مورد توجه است. با کاهش منابع دولتی ناشی از تحریم و بحران اقتصادی و بروز تحولات فراوان در محیط بین‌المللی ورزش و چالش‌های نوین در حوزه‌ی ورزش کشور، نیاز به وجود مدیران حرفه‌ای الزامی است. از منظر روان‌شناختی و دانشی نیز باید گفت از آنجا که سازمان از اجزای مختلف و روابط گوناگون بین آن‌ها تشکیل شده است که در حال کنش و

واکنش با یکدیگر هستند، مدیریت چنین نظامی بسیار پیچیده و غیرقابل درک خواهد بود. نقش مربی‌گری مدیران به سازمان کمک می‌کند که، با ساده‌سازی کل نظام، به درک بهتری از تمامیت نظام رسید. همچنین مدیریت منابع انسانی ورزش، دارای استانداردهای کمی و کیفی برای سنجش نظام تربیت مدیران و نیازمند روش قابل قبول برای شناسایی ریسک‌هایی است که در انتخاب مدیران وجود دارد. سازمان‌های ورزشی کشور روش‌های قابل قبول اندکی دارد تا میزان انطباق بین چگونگی تربیت مدیران و به کارگیری و ارزیابی آن‌ها در قبال سازمان را به‌درستی بسنجد. در این پژوهش کوشش شده است که نقش واسطه‌ای مربی‌گری مدیران در روابط بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان به شیوه‌ای هماهنگ تحلیل شوند. اهمیت حرفه‌ای شدن منابع انسانی در سازمان‌های امروزی به دلیل تحولات فزاینده و پیچیده شدن محیط و نیاز به ارتقای هوشمندسازی سازمان می‌باشد. در ایران، علاوه بر این مسئله، وجود بروکراسی، مدیران سنتی و فشار بیرونی در سازمان‌ها، مهلت فعالیت ابتکاری و خلاقیت را از مدیران عمل‌گرا و تحول‌نگر می‌گیرد و این امر نیاز به مدیران توانمند و حرفه‌ای را بسیار حیاتی کرده است. با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی مطرح‌شده در این پژوهش، یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه اصلی: بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد.

بین مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی رابطه وجود دارد.

بین مربی‌گری مدیران و رفتار شهروندی رابطه وجود دارد.

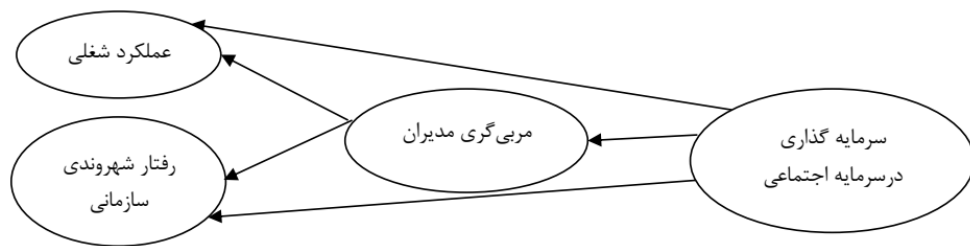
بین مربی‌گری مدیران و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد.

بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد.

بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد.

با توجه به فرضیه‌های مطرح‌شده، شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد. به طور عملیاتی سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی رفتارهای مدیریتی را منعکس می‌کند که با هدف

بهبود و افزایش تجربه‌های مربوط به کارکنان مطرح می‌شود. هدف از این سرمایه‌گذاری‌ها تقویت ادراک کارکنان از درستکاری متقابل و حمایت سازمانی است. رفتارهای مدیریتی با کارکنان بر رفتار شهروندی سازمانی اثر می‌گذارد. در این مطالعه، با توجه به مدل مفهومی بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران، این اندیشه وجود دارد که مدیران روابطشان را با کارکنان در جهت مؤثر کردن کار سازمان توسعه می‌دهند که این مطلب ذاتی در سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد. مدل مفهومی همچنین پیشنهاد می‌دهد که یک نقش واسطه‌گری مربی‌گری میان متغیرهای سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی وجود دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای مربی‌گری مدیران در ارتباط با سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد شغلی و رفتار شهروندی کارکنان اداره‌ی کل ورزش و جوانان استان خراسان شمالی است که در قالب مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی کارکنان اداره‌ی کل ورزش و جوانان در استان خراسان شمالی به تعداد ۱۶۰ نفر است که براساس فرمول کوکران تعداد ۱۱۳ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌صورت تصادفی غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ی مذکور در بین آن‌ها توزیع گردید. برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسش‌نامه‌ی استاندارد (Ellinger & et al., 2011) استفاده شد که یک پرسش‌نامه‌ی ۳۱ سؤالی در ۴ مقیاس سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی (سؤالات ۱ الی ۷)، مربی‌گری مدیران (سؤالات ۸ الی ۱۲)، عملکرد شغلی (سؤالات ۱۳ الی ۱۷) و رفتار

شهروندی سازمانی (سؤالات ۱۸ الی ۳۱) تهیه گردید. برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا استفاده شد که پس از اظهار نظر تعدادی از اساتید و خبرگان در این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ی مورد نظر تعداد ۳۱ عدد پرسش‌نامه توزیع گردید و مقدار آلفای ۰/۸۶ به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی پایایی سؤالات پرسش‌نامه است. در مرحله‌ی بعدی به تعداد حجم نمونه پرسش‌نامه‌ها توزیع شد و با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی برای متغیر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی ۰/۸۴، مربی‌گری مدیریتی ۰/۷۶، عملکرد شغلی ۰/۸۴ و رفتار شهروندی سازمانی ۰/۷۴ مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با کمک نرم‌افزار Spss نسخه‌ی ۱۹ و برای بررسی و تحلیل فرضیه‌های تحقیق از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Lisrel8.8 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۱ آمار توصیفی کلیه متغیرهای تحقیق از نظر شاخص‌های آماری به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سرمایه گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی	۱۱۳	۱	۵	۳/۶۱	۰/۹۰
مربی‌گری مدیریتی	۱۱۳	۱	۵	۳/۲۱	۰/۹۰
عملکرد شغلی	۱۱۳	۱	۵	۳/۷۵	۰/۸۲
رفتار شهروندی سازمانی	۱۱۳	۱	۵	۴/۴۴	۰/۸۶

با توجه به جدول بالا، برای متغیر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی (سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی)، مقیاس نظرات براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده که حداقل مقدار آن ۱ و حداکثر مقدار آن ۵ است و میانگین و انحراف معیار به ترتیب به میزان ۳/۶۱ و ۰/۹۰ می‌باشد. برای متغیر مربی‌گری مدیریتی (عملکرد شغلی) براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت حداقل مقدار آن ۱ و حداکثر مقدار آن ۵ است و میانگین و انحراف معیار نظرات به ترتیب ۳/۲۱ و ۰/۹۰ می‌باشد. متغیر عملکرد شغلی (عملکرد شغلی) براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم

شده که حداقل مقدار آن ۱ و حداکثر مقدار آن ۵ است و میانگین و انحراف معیار نظرات به ترتیب ۳/۷۵ و ۰/۸۲ می‌باشد. برای متغیر رفتار شهروندی سازمانی (رفتار شهروندی سازمانی) نیز حداقل مقدار آن ۱ و حداکثر مقدار آن ۵ است و میانگین و انحراف معیار نظرات به ترتیب ۴/۴۴ و ۰/۸۶ را نشان می‌دهد. با توجه به جدول فوق، میانگین متغیر رفتار شهروندی سازمانی (۴/۴۴ از ۵) بالاترین مقدار را در بین متغیرهای پژوهش دارد که حاکی از سطح مطلوب این متغیر در سازمان مورد مطالعه است. برای آزمون صحت مدل نظری تحقیق و محاسبه‌ی ضرایب تأثیر، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌وسیله‌ی نرم‌افزار LISREL 8.8 استفاده شد. در انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل شود که آیا می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرار داد یا نه؟ بنابراین، در ابتدا به بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی پرداخته شد. روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به محاسبه‌ی مقدار KMO اشاره کرد که مقدار آن همواره بین ۰ تا ۱ در نوسان است. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد، می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت ولی در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. از سوی دیگر، برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه‌ی تحلیل قرار می‌گیرد در جامعه برابر با صفر نیست، از آزمون بارتلت استفاده شده است. به عبارت دیگر، با استفاده از آزمون بارتلت می‌توان از کفایت نمونه‌گیری اطمینان حاصل کرد. نتایج حاصل که در جدول ۲ نشان داده شده است، نشانگر مناسب بودن همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی و کفایت نمونه‌گیری است؛ از این رو، می‌توان به تحلیل عاملی اقدام کرد. از آنجایی که متغیرهای تحت بررسی در این پژوهش از نوع فاصله‌ای - نسبی می‌باشند و از طرفی به کمک روش آزمون کولوموگروف - اسمیرنوف مقدار سطح معناداری برای متغیر مستقل و متغیر وابسته (همگی بالاتر از ۰/۰۵) به دست آمد، بدین جهت توزیع داده‌های مورد استفاده نرمال بوده و از این رو از آزمون‌های پارامتری همبستگی پیرسون برای ارتباط بین دو متغیر و آزمون مدل معادلات ساختاری (ضریب تعیین مسیر) برای فرضیه‌ی اصلی استفاده گردید که در ادامه نشان داده شده است.

جدول ۲. آزمون KMO و بارتلت

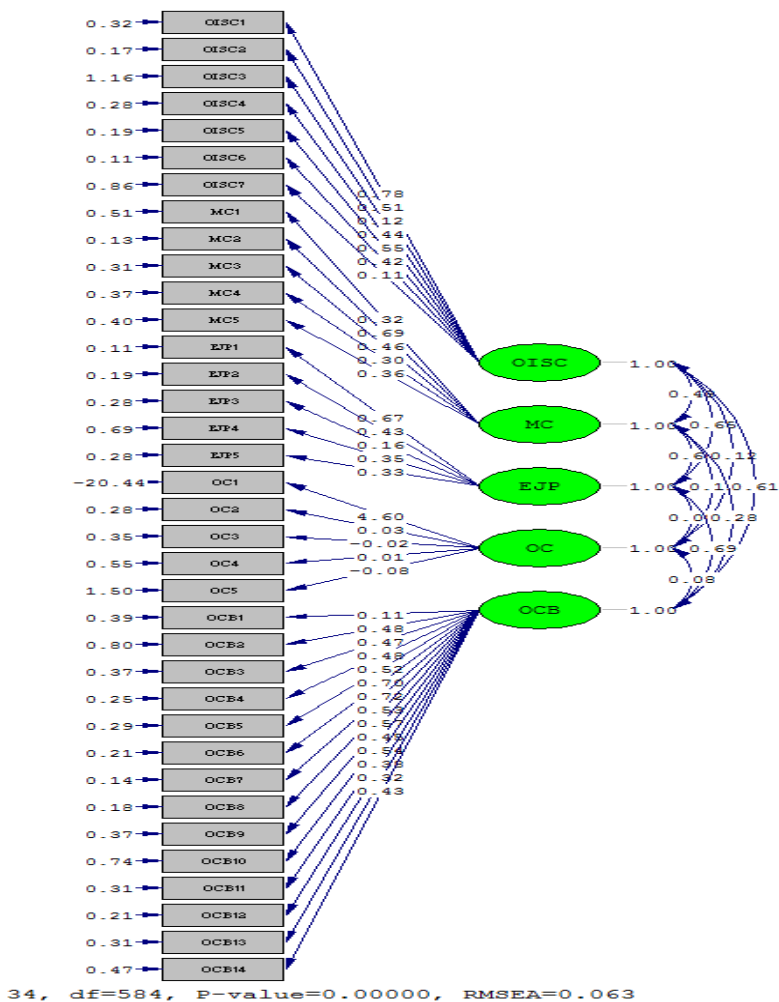
۰/۹۰۲ ۱۳۲۰۵/۵۷۱	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	
	Approx. Chi-Square	آزمون کایزر مایر- بارتلت
۱۱۳	df	
۰/۰۰۰	Sig.	

با توجه به عدد KMO (بزرگ‌تر از ۰/۷) و عدد معناداری آزمون بارتلت ($\text{sig} < 0.05$) می‌توان گفت که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب است و از شرایط مورد نیاز برخوردار است. با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig} < 0.01$) و ($\text{sig} < 0.05$) میزان همبستگی بین متغیرهای مکنون (پنهان) در جدول زیر نشان داده شده است. برای مثال میزان همبستگی بین متغیر مربی‌گری مدیریتی و سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی ۰/۵۳۳ می‌باشد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق

رفتار شهروندی سازمانی	عملکرد شغلی	مربی‌گری	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی		
			۱	همبستگی پیرسون	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی
			۰/۰۰۰	سطح معناداری	
			۱۱۳	تعداد	
		۱	۰/۵۳۳	همبستگی پیرسون	مربی‌گری مدیران
			۰/۰۰۰	سطح معناداری	
		۱۱۳	۱۱۳	تعداد	
	۱	۰/۴۵۶	۰/۴۲۵	همبستگی پیرسون	عملکرد شغلی
		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	تعداد	
۱	۰/۲۸۰	۰/۳۱۸	۰/۳۳۶	همبستگی پیرسون	رفتار شهروندی سازمانی
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	۱۱۳	تعداد	

در این بخش با استفاده از روش‌های آمار استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده پرداخته می‌شود تا در نهایت از نتایج حاصل شده برای آزمون و استنتاج فرضیات تحقیق بهره‌گیری شود. در این تحقیق از روش معادلات ساختاری^۱ (SEM) استفاده شد. شکل ۲ و ۳ و ۴ مدل‌های اندازه‌گیری این تحقیق را نشان می‌دهند.



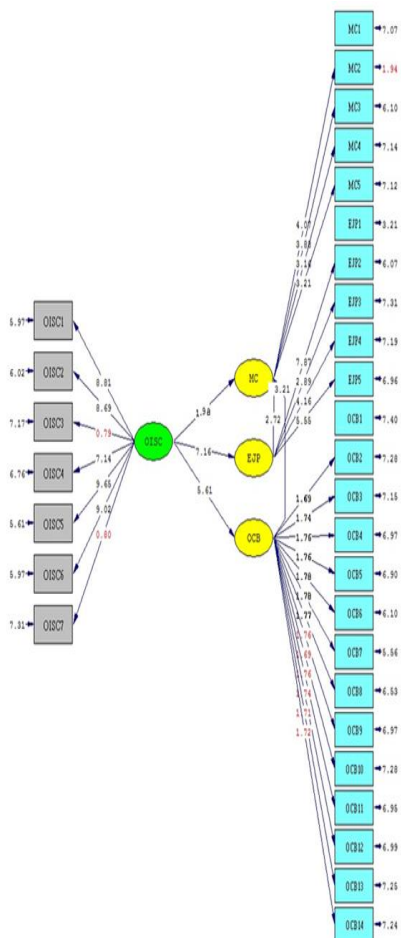
شکل ۲. تحلیل عاملی متغیرها خروجی نرم‌افزار لیزرل

*میزان قابل قبول شاخص‌ها به این صورت است: CFI, GFI, IFI, PNFI, PCFI, ($>.5$), RMSEA ($<.08$), CMIN/DF (< 3 خوب، < 5 قابل قبول) (۳).
 جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل فوق را نشان می‌دهد. اگر مقادیر شاخص‌های برازش در محدوده‌ی مطلوب قرار گیرند، نشان‌دهنده‌ی مناسب بودن مدل برای داده‌های گردآوری شده هستند.

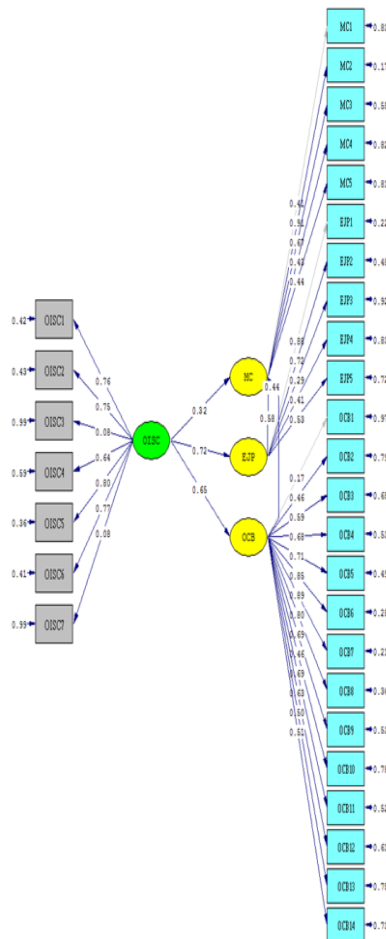
جدول ۴. شاخص‌های برازش برای مدل اندازه‌گیری تحقیق

χ^2 / df	ریشه‌ی میانگین مربع باقیمانده استاندارد شده (SRMSR)	ریشه‌ی میانگین مربع خطای تقریب (RMSEA)	ضریب توکر-لوییس (TLI)	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)
۲/۶۹	۰/۰۷۱	۰/۰۶۳	۰/۹۰	۰/۹۲
$\chi^2 / df \leq 3; TLI, CFI \geq 0.90; RMSEA \leq 0.09; SRMSR \leq 0.10$				
$1288 \chi^2 = 34$			df = 584	

همان‌طور که در جدول ۴ دیده می‌شود، تمامی شاخص‌ها در محدوده‌ی مطلوب قرار دارند. بنابراین مدل اندازه‌گیری تحقیق از برازش مطلوبی با داده‌های گردآوری شده برخوردار است؛ لذا در مرحله‌ی بعد می‌توان مدل ساختاری را به داده‌های برازش داد. در این قسمت به بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Lisrel پرداخته شد.



شکل ۴. مدل ساختاری تحقیق در حالت معناداری



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق در حالت استاندارد

در تحقیق حاضر، شش فرضیه مطرح شده است که در این بخش، با استفاده از نتایج مدل تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج حاصل از مدل تحقیق و نتایج ضریب مسیر مربوط به فرضیه‌ها در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	مسیر	ضریب مسیر	t-value
فرضیه‌ی اول	مربی‌گری مدیران ← عملکرد شغلی	۰/۵۸	۲/۷۲
فرضیه‌ی دوم	مربی‌گری مدیران ← رفتار شهروندی	۰/۴۴	۳/۲۱
فرضیه‌ی سوم	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← مربی‌گری مدیران	۰/۲۲	۱/۹۸
فرضیه‌ی چهارم	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← عملکرد شغلی	۰/۷۲	۷/۱۶
	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← مربی‌گری مدیران	۰/۳۲	۱/۹۸
	مربی‌گری مدیران ← عملکرد شغلی	۰/۵۸	۲/۷۲
فرضیه‌ی پنجم	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← رفتار شهروندی	۰/۶۵	۵/۶۱
	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← مربی‌گری مدیران	۰/۳۲	۱/۹۸
	مربی‌گری مدیران ← رفتار شهروندی	۰/۴۴	۳/۲۱

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، یافته‌ها در فرضیه‌ی فرعی اول، ضریب مسیر بین مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی مقدار ۰/۵۸ و معناداری $t\text{-value} = ۲/۷۲$ را نشان می‌دهد؛ لذا این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ درصد معنی‌دار است. بنابراین، بین مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. در فرضیه‌ی فرعی دوم نیز مقدار ضریب مسیر بین مربی‌گری مدیران و رفتار شهروندی ۰/۴۴ و معناداری $t\text{-value} = ۳/۲۱$ به دست آمد؛ بنابراین بین مربی‌گری مدیران و رفتار شهروندی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. در فرضیه‌ی فرعی سوم مقدار ضریب مسیر بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و مربی‌گری مدیران ۰/۲۲ و معناداری $t\text{-value} = ۱/۹۸$ حاصل شد. بنابراین بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد. در فرضیه‌ی فرعی چهارم برای ضرایب مسیر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و عملکرد شغلی مقادیر ضریب مسیر و معناداری به ترتیب ۰/۷۲، ۷/۱۶، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و مربی‌گری مدیران ۰/۳۲ و ۱/۹۸ و برای مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی ۰/۵۸ و ۲/۷۲ به دست آمد. از آن جا که مقدار آماره‌ی t برای تمامی روابط

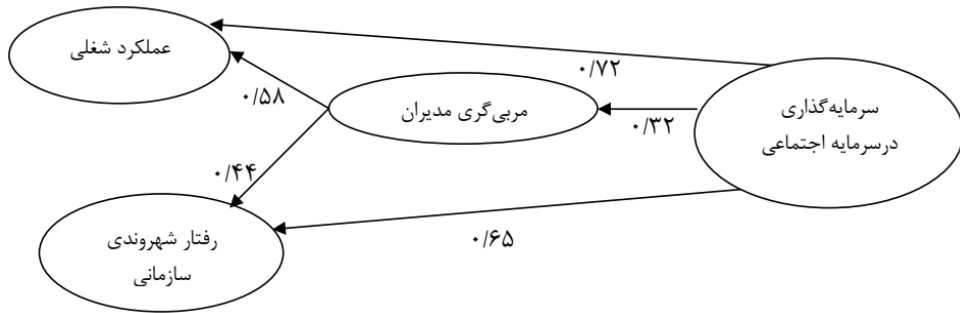
بیشتر از ۱/۹۶ است؛ لذا این ضرایب همگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند؛ از این رو بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد. یافته‌ها در فرضیه‌ی فرعی پنجم نشان می‌دهد برای مسیر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و رفتار شهروندی مقادیر ضریب مسیر و معناداری به ترتیب ۰/۶۵، ۵/۶۱، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و مربی‌گری مدیران ۰/۳۲ و ۱/۹۸ و برای مربی‌گری مدیران و رفتار شهروندی ۰/۴۴ و ۳/۲۱ به دست آمد. از آن جا که مقدار آماره‌ی t برای تمامی روابط بیشتر از ۱/۹۶ است؛ لذا این ضرایب همگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار هستند؛ از این رو بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد. در ادامه، فرضیه‌ی اصلی پژوهش بررسی می‌شود.

فرضیه‌ی اصلی: بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران در اداره‌ی کل ورزش و جوانان رابطه وجود دارد.

جدول ۶. نتایج بررسی فرضیه‌ی اصلی

ت-value	ضریب مسیر	آماره
۷/۱۶	۰/۷۲	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← عملکرد شغلی
۱/۹۸	۰/۳۲	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← مربی‌گری مدیران
۲/۷۲	۰/۵۸	مربی‌گری مدیران ← عملکرد شغلی
۵/۶۱	۰/۶۵	سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی ← رفتار شهروندی
۳/۲۱	۰/۴۴	مربی‌گری مدیران ← رفتار شهروندی

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، برای ضرایب مسیر کلیه‌ی روابط مقدار T -value از قدر مطلق مقدار پیش‌فرض ۱/۹۶ بیشتر گزارش شده که بیانگر آن است که بین سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی و رفتار شهروندی با نقش میانجی مربی‌گری مدیران در اداره‌ی کل ورزش و جوانان رابطه وجود دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش، شکل ۵ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۵. مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول نشان می‌دهد که بین مربی‌گری مدیران و عملکرد شغلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. امروزه بیش از هر زمانی نیاز است که مدیران در همه‌ی سطوح و به‌طور واقعی درگیر مربی‌گری کارکنان خود شوند، به‌ویژه در بحران اقتصادی کنونی که بر همه‌ی جوامع و سازمان‌ها تأثیر گذاشته است. مطالعات جهانی بیانگر افزایش فشارهای شغلی است. اکنون مدیران باید بدانند چه عواملی بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارند و چگونه می‌توان از طریق مربی‌گری اثرات آن‌ها را مدیریت کرد. مدیران، به‌عنوان مربی، باید بتوانند اهداف فرد را در راستای استراتژی سازمانی قرار دهند، با تأکید بر نقاط قوت در آن‌ها احساس مسئولیت برای رشد، پیشرفت، به‌فعلیت رساندن استعدادها و یادگیری بیشتر را بیدار کنند و در نتیجه بهره‌وری آنان را بالا ببرند. مدیر - مربی قادر است به کارکنان کمک کند که خودشان را سریع‌تر با تغییرات محیطی وفق دهند و به سازمان‌ها کمک می‌کند از طریق افراد به رشد و توسعه دست یابند. نتیجه‌ی فرضیه‌ی فوق با تحقیقات محمدی و کریمی (۱۴۰۰)، جهانگیری و همکاران (۱۳۹۸)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاجانی و شوقی (۱۳۹۳)، خورنگاه و همکاران (۱۳۹۴)، نصرافهانی و همکاران (۱۳۹۰)، ازدورن و تانوا (۲۰۱۷)، گلدرمن و همکاران (۲۰۱۶)، الینگر و همکاران (۲۰۱۱)، لرویک و همکاران (۲۰۱۰) هماهنگ و هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین مربی‌گری مدیران و رفتار شهروندی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. تحقیقات اخیر مانند بررسی پیمایشی سازمان¹ APQC در بین ۳۲۴ سازمان در تراز جهانی نشان داد، برخی از ویژگی‌های اصلی رهبری پویای سازمانی با رفتارهای شهروندی سازمانی رابطه معنی‌داری دارد. تمرکز و تأکید بر ارزش‌های سازمانی و به اشتراک‌گذاری مؤثر آن‌ها با کارکنان با شاخص‌هایی از رفتار شهروندی سازمانی مانند رفتارهای همیارانه، نزاکت و جوانمردی سازمانی ارتباط مستقیم و معنی‌دار دارد. بر اساس قاعده مقابله به مثل که اولین بار توسط گولدنر بیان شد، رفتارهای مبتنی بر رویکردهای حمایتی مدیران از کارکنان موجب ایجاد حس وظیفه به اقدام متقابل و همیاری بین کارکنان می‌گردد. بنابراین از بین نقش‌های مختلف رهبری، نقش حمایتی و مربی‌گری بیشترین تأثیر سازمانی را بر ارتقای فرهنگ مثبت سازمانی و رفتارهای شهروندی سازمانی خواهد داشت. نتیجه فرضیه فوق با تحقیقات کیانی و همکاران (۱۴۰۲)، محمدی و کریمی (۱۴۰۰)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۴) و الینگر و همکاران (2011) هماهنگ و هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و مربی‌گری مدیران رابطه وجود دارد. همان‌گونه که در ادبیات پژوهش اشاره شد، عملکرد شغلی را اولین نتیجه‌ی بالقوه رفتار مربی‌گری مدیر می‌دانند (Özduran & Tanova, 2017). نتایج حاصل از تحلیل همبستگی و معادلات ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که بین رفتار مربی‌گری مدیران با سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد و این ممکن است به این علت باشد که سازمان‌های امروزی با سرمایه‌گذاری در روابط و شبکه‌های اجتماعی سازمانی می‌توانند، با حفظ سازمان غیررسمی خود، تحولات شگرفی را در این رابطه به وجود بیاورند. البته این امر مستلزم نقش حیاتی مدیران به‌خصوص نقش مدیر - مربی خواهد بود. اثر این سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند منجر به رضایت شغلی کارکنان گردد که بر این اساس نتایج نشان می‌دهد که رفتار مربی‌گری مدیر به‌طور مستقیم بر رضایت شغلی کارکنان تأثیرگذار است. ربريو و همکاران (2021) نشان دادند که هرچه مدیران مهارت‌های مربی‌گری بهتری داشته باشند، هم عملکرد کارکنان بهتر می‌شود و هم تعهد عاطفی (احساس تعلق و دلبستگی) آن‌ها افزایش می‌یابد. نتیجه

1. American Productivity & Quality Center.

فرضیه‌ی فوق با تحقیقات محمدی و کریمی دلداری (۱۴۰۰)، جهانگیری و همکاران (۱۳۹۸)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۴)، آقاجانی و شوقی (۱۳۹۳)، خورنگاه و همکاران (۱۳۹۴)، ربرویو و همکاران (۲۰۲۱)، فریس و همکاران (۲۰۱۷)، لرویک و همکاران (۲۰۱۰)، لوین و کراس (۲۰۱۰) و الینگر و همکاران (۲۰۱۱) هماهنگ و هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی چهارم نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی با توجه به نقش میانجی مربی‌گری مدیران رابطه‌ی معناداری وجود دارد. سازمان‌ها زمانی می‌توانند عملکرد مناسبی داشته باشند و نقش خود را به‌درستی ایفا کنند که از منابع انسانی خود به‌نحو مناسبی استفاده کنند. وزارت ورزش و جوانان و ادارات تابعه آن می‌تواند در صورت داشتن مدیران و کارکنان متعهد در راستای اهداف واقعی خود گام بردارد و از اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی ناشی از عدم تعهد و وفاداری کارکنان جلوگیری کند؛ چراکه شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد سازمانی و افزایش میزان آن در بین کارکنان باعث افزایش کارایی و اثربخشی نیروی انسانی می‌شود و متعاقباً این امر بهره‌وری سازمان را افزایش می‌دهد. سرمایه‌ی اجتماعی باعث به وجود آوردن محیط کاری امن می‌شود که در آن افراد به هم اعتماد می‌کنند، زمینه‌ی ارتقای شغلی افراد فراهم می‌شود و کارها براساس سلسله مراتب اداری انجام می‌گردد. اعضا در چنین محیطی احساس تعلق می‌نمایند، احساس می‌کنند که خودشان و کارشان مورد نیاز سازمان است و می‌توانند از توان بالقوه‌ی خود برای تحقق اهداف سازمانی استفاده کنند. افزایش انسجام و سرمایه‌ی اجتماعی باعث می‌شود تا بین اعضا، اهداف و موضوعات سازمانی توافق و هماهنگی بیشتری برقرار شود که نتیجه‌ی آن کارایی بیشتر است؛ به طوری که فرایند زمانی رسیدن به هدف و مقصد کاهش می‌یابد و افراد با امنیت و آرامش روانی بیشتری فعالیت می‌کنند؛ زیرا امید دستیابی به موفقیت در آنان افزایش می‌یابد و فعالیت‌های آن‌ها از سوی دیگر اعضا، مفید و سازنده ارزیابی می‌شود. در تبیین رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با عملکرد شغلی آزمودنی‌ها می‌توان افزود که سرمایه‌ی اجتماعی بالا با سلامتی، شادمانی، زندگی کارآمدتر و عملکرد مطلوب‌تر در محیط‌های کاری ارتباط دارد. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها در نظام اجتماعی است که منجر به ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه می‌شود و همچنین تأثیر زیادی در توسعه‌ی سازمان‌ها و ویژگی تعاملات اجتماعی کارکنان دارد (Liu, 2018).

نتیجه‌ی فرضیه‌ی فوق با تحقیقات دهقانی و همکاران (۱۳۹۴)، خورنگاه و همکاران (۱۳۹۴)، نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۰)، الینگر و همکاران (۲۰۱۱)، هری (۲۰۰۷) و جانگ (۲۰۰۸) هماهنگ و هم‌سو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پنجم نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که بین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی با رفتار شهروندی سازمانی، با توجه به نقش میانجی مربی‌گری مدیران، رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. توجه به بروز رفتارهای شهروندی سازمانی برای دفعات متعدد از سوی کارشناسان، به‌گونه‌ای که به‌صورت یک فرهنگ در سازمان درآید، نه تنها پیوندهای شبکه‌ای را تقویت می‌کند بلکه منجر به ایجاد نوعی اعتماد دو جانبه میان کارکنان و سازمان تربیت‌بدنی می‌شود. رفتارهای شهروندی سازمانی ایجاد تماس‌ها و ارتباطات میان کارکنان سازمان تربیت‌بدنی را در سازمان تسهیل می‌نماید و به‌مانند مشوقی در این زمینه عمل می‌کند. کارکنانی که در سازمان، کمک به دیگران را الویت خود قرار می‌دهند، سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری را، از طریق تقویت کردن پیوندهای شبکه‌ای و در نتیجه بهبود انتقال اطلاعات، یادگیری سازمانی و انجام فعالیت‌های سازمانی ارتقا می‌دهند. یکی از اقدامات مهم در توجه به شبکه‌های ارتباطی پایدار و پیوندهای اجتماعی در سازمان و به دنبال آن ترویج سرمایه‌ی اجتماعی، توجه به رفتار شهروندی سازمانی می‌باشد. بنابراین برای اثرگذاری مثبت رفتارهای شهروندی سازمانی، سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان‌ها نیاز به الگوهای مشخصی دارد که به‌صورت فرهنگ سازمانی در محیط سازمان و در میان کارکنان نهادینه شوند. برخی از پژوهشگران بهبود سرمایه‌ی اجتماعی را به‌عنوان عاملی مؤثر در کاهش احتمال رفتارهای انحرافی و افزایش کیفیت عملکرد شغلی می‌دانند. نتیجه‌ی فرضیه فوق با تحقیقات صداقت و همکاران (۱۴۰۲)، نصرالهی و همکاران (۱۴۰۱)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۴)، آفاجانی و شوقی (۱۳۹۳)، خورنگاه و همکاران (۱۳۹۴)، لو (۲۰۱۸)، کرول و تنتردینی^۱ (۲۰۱۷)، الینگر و همکاران (۲۰۱۵)، لرویک و همکاران (۲۰۱۰) هماهنگ و هم‌سو است.

^۱. Kroll & Tantardini

با توجه به اهمیت موضوع سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی و نظر به حوزه‌ی فعالیت سازمان ورزش و جوانان، که بخش عظیمی از خدمات مربوط به جوانان را تأمین می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت هنگامی که سازمان‌ها با تشویق مدیران در ایجاد فرهنگ داخلی حمایتگر و اعتمادساز در سرمایه‌ی اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، کارکنان حس قوی‌تری از تعهد به سازمان در خود احساس می‌نمایند. با توجه به اینکه سازمان ورزش و جوانان سازمان خدماتی است و تعهد سازمانی در انجام امور محوله به پرسنل سبب رضایت عمومی جوانان از خدمات‌رسانی می‌شود و نظر به وسعت کارهای خدماتی در شهر، سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی نیروی انسانی، که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی سازمان است، سبب افزایش تعهد کارکنان در رسالت‌ها و مأموریت‌های سازمان می‌شود. وقتی کارکنان در محیط اداری با فرهنگ سازمانی خاصی قرار گیرند و خود را با انتظارات گروه‌ها و تیم‌های سازمانی و استانداردهای رفتاری مطابقت دهند و مدیریت سازمان بتواند بر روی تعهد کارکنان نسبت به کیفیت خدمات اثر بگذارد، سبب می‌شود که با افزایش سرمایه‌گذاری سازمانی در سرمایه‌ی اجتماعی تعهد به کیفیت خدمات در سازمان بالا رود. بنابراین مدیران سازمان‌ها در نقش مربی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی اجتماعی مستقیماً بر رفتارهای کارمندان اثر بگذارند که این خود سبب تقویت ادراک کارکنان از درستکاری متقابل و حمایت سازمانی می‌شود. همچنین رفتارهای مدیریتی با کارکنان بخش‌های سازمان ورزش و جوانان سبب تأثیرگذاری بر روی رفتار شهروندی سازمانی می‌گردد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود با بهبود جوّ سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان و تأمین رضایت شغلی کارکنان، تعهد آن‌ها نسبت به سازمان بیشتر می‌شود؛ این امر عملکرد کارکنان را در وزارت ورزش و جوانان و سایر ادارات و سازمان‌های ورزشی بهبود می‌بخشد. همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران به عدالت سازمانی، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و سبک رهبری در سازمان توجه ویژه داشته باشند؛ چراکه این عوامل باعث ارتقای رفتارهای شغلی و موفقیت سازمان می‌گردد.

تمرین همدلی، توسعه‌ی مهارت شنود مؤثر، ارزیابی احساسات دیگران، کارایی و اثربخشی شغلی، اهداف عملکردهای فردی و سازمانی، رفتارهای معنوی و اخلاقی، تیم‌سازی توصیه می‌گردد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- آقاجانی، طهمورت، و شوقی، بهزاد (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سبک رهبری مدیران بر خلاقیت کارکنان (مورد مطالعه: صنایع فلزی شهر صنعتی کاوه). *فصلنامه مدیریت توسعه و تحول*، ۱۶(۱۷)، ۴۳-۵۱. https://journals.iau.ir/article_436.html
- جهانگیری، علی، ذوقی، مهدی، رنگریز، حسن، و شمس، عبدالحمید (۱۳۹۸). مدلسازی ایفای نقش مربیگری مدیریتی مدیران. *مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت*، ۱۱(۴۲)، ۳۳-۶۰. <http://iieshrm.ir/article-1-811-fa.html>
- خورنگاه، کبری، اورعی یزدی، بدرالدین، و روشن، سید علیقلی (۱۳۹۰). تأثیر رفتار شهروندی سازمانی در سرمایه اجتماعی مطالعه موردی اداره کل تعاون و واحدهای تابعه شهرستان زاهدان. *نشریه تعاون و کشاورزی*، ۷(۳۰۷)، ۱۱۷-۱۳۸.
- دهقانی، محمد، مصطفایی، داود، حیوی حقیقی، محمدحسین، استبصاری، فاطمه، رفعتی، شیده، و خرمی، فرید (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفتار شهروندی سازمانی در بین کارکنان بیمارستانهای آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان. *مجله اطلاع رسانی پزشکی نوین*، ۱۱(۱)، ۲۴-۳۲. <http://jmis.hums.ac.ir/article-1-26-fa.html>
- شمسی، زهرا، محبعلی پور، منیره، و الوداری، حسن (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار شهروندی سازمانی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۲(۱)، ۱۱۷-۱۳۶. Doi: 10.22059/jscm.2015.54091
- صداقت، حمید، بهشتی، سید صمد، و دهقانی، حمیده (۱۴۰۲). مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: جوانان ورزشکار شهر شیراز). *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*. انتشار آنلاین، ۱۹ اسفند ۱۴۰۲. Doi.org/10.22034/ssys.2024.3115.3268
- علوی، سلمان، محمودی، احمد، غفوری، فرزاد، و گرامی، احمد (۱۴۰۲). شناسایی راهکارها و پیامدهای توسعه مسئولیت اجتماعی ورزشکاران مشهور. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۲(۶۱)، ۳۱۹-۳۴۱. Doi: 10.22034/ssys.2022.1715.2209

فتحی واجارگاه، کوروش، خراسانی، اباصلت، دانشمندی، سمیه، و آرمان، مانی (۱۳۹۳). بررسی و تبیین مدل مربی‌گری در آموزش منابع انسانی بر اساس نظریه داده بنیاد. مدیریت فرهنگ

سازمانی، ۱۲(۳)، ۳۷۵-۳۹۸. Doi: 10.22059/jomc.2014.51515

قلیچ لی، بهروز، و مشبکی، اصغر (۱۳۸۵). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری سازمان. دانش مدیریت، ۱۹(۷۵)، ۱۲۵-۱۴۷.

کیانی، احمدرضا، امیرحسینی، سید احسان، و حمیدی، مهرزاد (۱۴۰۲). طراحی مدل توسعه ورزش شهروندی کلان شهرهای ایران با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۲(۵۹)، ۱۵۵-۱۷۲.

Doi: 10.22034/ssys.2022.1902.2356

محمدی، محمد، و کریمی دلدار، بهنام (۱۴۰۰). بررسی تاثیر شاخص‌های مسئولیت اجتماعی شرکت بر روش‌های مدیریت ریسک در شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۴۰)، ۶۵-۸۳.

https://www.jamv.ir/article_130520.html

نصراصفهانی، علی، انصاری، محمد اسماعیل، شائمی برزکی، علی، و آقاحسینی، حسین (۱۳۹۰). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان (با رویکرد آموزه‌های مدیریت در آثار سعدی). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۱)، ۱۰۷-۱۳۴.

نصرالهی، زهرا، نقشینه، نادر، و صرافزاده مریم (۱۴۰۱). نقش سرمایه‌گذاری سازمان‌های آرشیوی در سرمایه‌ی اجتماعی، بر عملکرد آرشیویست‌ها. گنجینه‌ی اسناد، ۳۲(۳)، ۱۶۶-۱۹۹.

. Doi: 10.30484/ganj.2022.2955

Adler, P. S., & Kwon, S. K. (2002). Social capital: Prospects for a new concept. *Academy of Management*, 27(1), 17-40.

Arregle, J., Hitt, M. A., Sirmon, D. G., & Very, P. (2007). The development of organizational social capital: Attributes of family firms, *Journal of Management Studies*, 44(1), 73-95.

Basu, Eeman; Pradhan, Rabindra Kumar; Tewari, Hare Ram. (2017). Impact of organizational Citizenship behavior on job performance in Indian healthcare industries: The mediating role of social capital. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 66(6), 780-796.

- Batt, R. (2002). Managing customer services: Human resource practices, quit rates, and sales growth. *Academy of Management*, 45(3), 587-597.
- Castro, S. L., Scandura, T. A., & Williams, E. A. (2004). Validity of Scandura and Ragins' (1993) multidimensional mentoring measure: An evaluation and refinement. *Southern Management Association Meetings*. San Antonio, Texas. <https://scholarship.miami.edu/esploro/outputs/conferencePaper>
- Choi, Y., Lee, D. (2014). Psychological capital, Big Five traits, and employee outcomes. *Journal of Managerial Psychology*, 29(2), 122-140.
- Chowdhury, S. (2005). The role of affect- and cognition-based trust in complex knowledge sharing. *Journal of Managerial Issues*, XVII (3), 310-326.
- Coetzer, A. (2007). Employee perceptions of their workplaces as learning environments. *Journal of Workplace Learning*, 19(2), 417-434.
- Ellinger, A. E., Musgrove, C. F., Ellinger, A. D., Bachrach, D. G., Elmadağ, A. B. & Wang, Y. (2011). Influences of organizational investments in social capital on service employee commitment and performance. *Journal of Business Research*, 64(6), 572-578. doi:10.1016/j.jbusres.2012.03.008
- (2015). Organizational Investments in Social Capital, Managerial Coaching and Service Employee Performance. *Proceedings of the 2009 Academy of Marketing Science (AMS) Annual Conference* (pp.204-204). DOI:10.1007/978-3-319-10864-3_114.
- Ferris, Stephen P; Javakhadze, David; Rajkovic, Tijana. (2017). The international effect of managerial social capital on the cost of equity. *Journal of Banking & Finance*, 74, 84-93.
- Gelderman, Cees J; Semeijn, Janjaap; Mertschuweit, Patrique P. (2016). The impact of social capital and technological uncertainty on strategic performance: The supplier Perspective. *Journal of Purchasing and Supply Management*, 22(3), 225-234.
- Goyal, A. & Ahkilesh, K. B. (2007). Interplay among innovativeness, cognitive intelligence, emotional intelligence and social capital of work teams. *Team Performance Management*, 13(7/8), 206-226.
- Harry J. (2007). The relationship between innovation and organizational performance. *Journal of Management Studies* .31(2), 193-224.
- Hoy, C., Lee, C., & Rousseau, D. M. (2004). Psychological contract and organizational citizenship behavior in China: Investigating

- generalizability and instrumentality. *Journal of Applied Psychology*, 89, 2004, 311–321.
- Jones, R., Woods, S., & Hutchinson, E. (2014). The influence of the Five Factor Model of personality on the perceived effectiveness of executive coaching. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 112(2), 109-121.
- Kaasa, A. (2009). Effects of different dimensions of social capital on innovative activity: Evidence from europe at the regional level. *Technovation*, 29(3), 218-233. Doi.org/10.1016/j.technovation.2008.01.003
- Kenneth, S., Low, chi-sum, Wong. (2007). The affects of emotional intelligence on job performance and life satisfaction for the research and development. *Scientists in China*, 51-69.
- Kroll, A., & Tantardini, M. (2017). Motivating and retaining government employees: The role of organizational social capital. *International Public Management Journal*, 22(2), 232-253. DOI:10.1080/10967494.2017.1367341.
- Lervik, J.E, Fahy K.M., Easterby-Smith, M .(2010). Temporal dynamics of situated learning in organizations. *Management Learning* 41(3): 285–301.
- Levin, D. Z. & Cross, R. (2010). The strength of weak ties you can trust: the mediating role of trust in effective knowledge transfer. *Management Science*. 50(11), 1477-1490.
- Li, Ning; Liang, Jian; Crant, J. Michael. (2010).The role of proactive personality in job satisfaction and organizational citizenship behavior: A relational perspective. *Journal of Applied Psychology*, 95(2), 395-404.
- Liu, C. H. S. (2018). Examining social capital, organizational learning and knowledge transfer in cultural and creative industries of practice. *Tourism Management*, 64, 258-270.
- Liu, Y., Chan, C., Zhao, C., & Liu, C. (2018). Unpacking knowledge management practices in China: do institution, national and organizational culture matter?. *Journal of Knowledge Management*, 23(4), 619-643.
- Luthans, F., & Youssef, C. M. (2004).Human, social, and now positive psychological capital management: Investing in people for competitive advantage. *Organizational Dynamics*, 33,143-160.
- Maurer, I., & Ebers, M.(2006). Dynamics of social capital and their performance implications: Lessons from biotechnology start-ups. *Administrative Science Quarterly*, 51(2), 262–292.

- Michelman, M. H. (2005). The emerging role of the internal coach. *Consulting Psychology Journal, Practice and Research*, 53, 240-250.
- Moorman, Robert H; Blakely, Gerald L. (1995). Individualism-collectivism as individual difference predictor of organizational citizenship behavior. *Journal of Organizational Behavior*, 16(2), 127-142.
- Nahapiet, J., Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, 23(2), 242-266.
- Özduran, A., Tanova, C. (2017). Coaching and employee organizational citizenship behaviours: The role of procedural justice climate. *International Journal of Hospitality Management*, 60, 58-66. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2016.10.004>
- Reyes, J.M., Courtney, L., & Holladay, L. (2016). Evaluating coaching's effect: competencies, career mobility and retention. *Leadership & Organization Development Journal*, 37(7).79-93.
- Ribeiro, N., Nguyen, T., Duarte, A.P., Torres de Oliveira, R., Faustino, C. (2021). How managerial coaching promotes employees' affective commitment and individual performance. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 70(8):2163-2181. DOI:10.1108/IJPPM-10-2018-0373
- Shub, A. N., & Stonebraker, P. W. (2009). The human impact on supply chains: Evaluating the importance of "soft" areas on integration and performance. *Supply Chain Management: An International Journal*, 14(1), 31-40.
- Spencer, L. (2011). Coaching and training transfer: A phenomenological inquiry in to combined training-coaching programs. *International journal of evidence based coaching and mentoring special issue*, NO. 5, 1-18.
- Siguaw, J.A., Simpson, P.M., Enz, C.A. (2006). Conceptualizing Innovation Orientation: a Framework for Study and Integration of Innovation Research. *Journal of Product Innovation Management*, 23(6), 56-74.
- Villena, Verónica H; Revilla, Elena; Choi, Thomas Y. (2011). The dark side of buyer-supplier relationships: A social capital perspective. *Journal of Operations management*, 29(6), pp 561-576.
- Walker, A. (2011). An HR perspective on executive coaching for organizational learning. *International journal of evidence based coaching and mentoring*, 9 (2), 67-79.

- Warr, P., Bartram, D., & Martin, T. (2005). Personality and sales performance: Situational variation and interactions between traits. *Journal of Selection and Assessment*, 13, 87-91.
- Wang, C. L. & Ahmed, P. K. (2004). The development and validation of the organizational innovativeness construct using confirmatory factor analysis. *European Journal of Innovation Management*, 7(4), 303-313.
- Zheng, W. (2008). A social capital perspective of innovation from individuals to nations: where is empirical literature directing us? *International Journal of Management Reviews*, 10(4), 1-39.

A Comparison of the Effectiveness of a Family-Strengthening Program and Mindfulness-Based Cognitive Training on the Social Competence of 13- to 14-Year-Old Adolescents

Seyedeh Somayeh Ramazani¹
Toktam Sadat Jafar Tabatabaeei³

Samane Sadat Jafar Tabatabaeei²
Fatemeh Shahabizadeh⁴

Received: 21/04/2025

Accepted: 01/11/2025

Introduction

Adolescence is a critical and complex period of life following childhood, typically beginning at 11 to 12 years of age and ending at 18 to 21 years. Adolescent social competence refers to the combination of social skills and adaptive behaviors that enable adolescents to interact successfully with peers and adults. Social competence involves an individual's ability to exercise personal independence and social responsibility and serves as the foundation for developing desirable outcomes such as self-confidence, social well-being, friendship quality, and work-related competencies. Given the sensitivity of adolescence, it is necessary to use various methods to address behavioral problems in this period. One such method is mindfulness-based cognitive intervention, a psychological approach rooted in Eastern meditation techniques. It includes strategies such as paying purposeful, non-judgmental attention to the present moment and focuses primarily on general vulnerabilities rather than specific problems. Some studies indicate that interventions aimed at improving family functioning can yield promising results in promoting adolescent health. Therefore, the present study aims to examine whether there is a significant difference between the strengthening families program (SFP) and

1. PhD student in Psychology, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.
Email: se.ramazani@iau.ac.ir

2. Assistant Professor of Psychology, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.
(Corresponding Author) Email: samane.tabatabaee@iau.ac.ir

3. Assistant Professor of Psychology, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.
Email: toktamtabatabaeei@iau.ac.ir

4. Associate Professor of Psychology, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.
Email: f_shahabizadeh@iau.ac.ir



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

mindfulness-based cognitive therapy in improving the social competence of adolescents aged 10–14 years.

Research Methods

This research is applied in terms of its purpose and quasi-experimental in terms of its method, using a pre-test/post-test design with a control group. The statistical population consisted of all adolescents aged 13 to 14 years enrolled in first-year secondary schools in Birjand in 1402. From this population, 45 adolescents were selected through purposive sampling based on inclusion and exclusion criteria, taking into account a test power of 80%, an error level of 0.05, and an average effect size, resulting in 15 participants for each group. The selected participants were then randomly assigned to three groups: (1) mindfulness-based cognitive training (15 individuals), (2) Strengthening Family Foundation Program training (15 individuals), and (3) control group (15 individuals). The Social Competence Questionnaire (PSCS) was administered to adolescents in all three groups. The first intervention group received mindfulness-based cognitive training delivered in 8 sessions, each lasting 120 minutes (one session per week). The second intervention group received the Strengthening Family Foundation Program, implemented in 8 weekly sessions of 2 hours each for both the adolescent and their family. Adolescents in the control group did not receive any intervention. Immediately after the completion of the training sessions, the questionnaire was administered again. A three-month follow-up assessment was also conducted for all three groups.

Findings

The findings showed that the mean total scores across all three time periods increased significantly for the behavioral skills component in both the Family Foundation Strengthening training group and the mindfulness-based cognitive training group compared to the control group. Additionally, the mindfulness-based cognitive training group demonstrated a significant increase—relative to the control group—in the components of motivation and expectations, as well as emotional competence. For the cognitive skills component, a significant increase was observed only in the Family Foundation Strengthening training group compared to the control group. However, no significant differences were found in the mean total scores across the three time periods for the overall social competence components between the Family Foundation Strengthening training and mindfulness-based cognitive training groups. Overall, the findings indicate that there is a significant difference between the effectiveness of SFP and mindfulness-based cognitive training on the social competence of adolescents aged 13 to 14.

Conclusion

Mindfulness-based cognitive training has a significant impact on enhancing the social competence of adolescents. This type of training supports adolescents in developing more effective and healthy social relationships by increasing social and emotional awareness, reducing impulsivity, strengthening emotional self-regulation, and improving social problem-solving skills. Overall, mindfulness enables adolescents to respond more thoughtfully in social situations, fostering positive interactions and contributing to their mental and social well-being.

Keywords: Family Foundation Strengthening Program, Cognitive Training, Mindfulness, Social Competence.

References

- Atkinson, B. J. (2013). Mindfulness training and the cultivation of secure, satisfying couple relationships. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 2(2), 73–94.
- Babosik, Z. (2016). Social competences. Practice and Theory in Systems of Education. *Journal of Contemporary Educational Psychology*, 3(1), 23–26.
- Baer, R. A. (2003). Mindfulness training as a clinical intervention: A conceptual and empirical review. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 10(2), 125–142.
- Bahadori, A., Kalehrohani Golkar, M., & Pashang, S. (2021). Determining the effectiveness of group cognitive therapy based on mindfulness on weight, body image, and self-esteem of individuals with obesity. *Journal of Disability Studies*, 11, 52, 1-9 [In Persian]
- Birami, M., Hashemi Nasratabad, T., Badri Gorgari, R., & Dabiri, S. (2016). The effectiveness of social competence training based on the Flanner model on the social adjustment of students who are victims of bullying, considering the type of social goal orientations. *Quarterly Journal of Clinical Psychology Studies*, 6(23), 1–26. [In Persian]
- Bögels, S. M., Hoogstad, B., van Dun, L., de Schutter, S., & Restifo, K. (2008). Mindfulness training for adolescents with externalizing disorders and their parents. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 36, 193–209.
- Bögels, S., Hoogstad, B., van Dun, L., de Schutter, S., & Restifo, K. (2008). Mindfulness training for adolescents with externalizing disorders and their parents. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 36(2), 193–209.
- Brody, G. H., Miller, G. E., Yu, T., Beach, S. R., & Chen, E. (2016). Supportive family environments ameliorate the link between racial discrimination and epigenetic aging: A replication across two longitudinal cohorts. *Psychological Science*, 27(4), 530–541.
- Centeno, R. P. R., & Fernandez, K. T. G. (2020). Effect of mindfulness on empathy and self-compassion: An adapted MBCT program on Filipino college students. *Behavioral Sciences*, 10(3), 61.
- Checa, P., Rodríguez-Bailón, R., & Rueda, M. R. (2008). Neurocognitive and temperamental systems of self-regulation and early adolescents' social and academic outcomes. *Mind, Brain, and Education*, 2(4), 177–187.
- Choi, Y. S., & Kim, M. A. (2019). The effect of mindfulness-based cognitive therapy program on stress, self-esteem, and depression of nursing students. *The Journal of the Korea Contents Association*, 19(2), 22–210.
- Cummings, E. G. M., McCoy, K., & Davies, P. (2012). Interparental conflict in kindergarten and adolescent adjustment: Prospective investigation of emotional security as an explanatory mechanism. *Child Development*, 83(5), 1703–1715.
- Dasht Bozorgi, Z., & Shamsirgaran, M. (2018). The effectiveness of positive thinking training on social competence and health resilience in nurses. *Journal of Positive Psychology Research*, 4(2), 13–24. [In Persian]
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1991). A motivational approach to self: Integration in personality. In R. Dienstbier (Ed.), *Nebraska symposium on motivation*:

- Perspectives on motivation*, 38 (pp. 237–288). Lincoln, NE: University of Nebraska Press.
- Dehghani, S., Rostami, R., & Aslani, S. (2017). Addiction in adolescents: A review of neuroscientific discussions. *Journal of Psychology Growth*, 6(3), 115–134. [In Persian]
- Duarte, R., Lloyd, A., Kotas, E., Andronis, L., & White, R. (2019). Are acceptance and mindfulness-based interventions ‘value for money’? Evidence from a systematic literature review. *British Journal of Clinical Psychology*, 58(2), 187–210.
- Duncan, B. L., Miller, S. D., Wampold, B. E., & Hubble, M. A. (2009). *The heart and soul of change: Delivering what works in therapy*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Durlak, A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2015). Increasing students' socio-emotional skills with respect to parental and school partnerships. *Articles Raising Healthy Children, January*, 502–559.
- Ebrahimipour, D., & Nakhshipour, E. (2016). The relationship between the degree of presence and activity in cyberspace with the level of marital adjustment among married men and women referring to counseling centers in Urmia. *Woman and Family Studies*, 39(11) 133–153. [In Persian]
- Elbably, Y., & Nemt-Allah, M. (2024). A mindfulness-based intervention on verbal insight and social problem-solving in university students. *Journal of Palestine Ahliya University for Research and Studies*, 3(1), 164–177.
- Fazel, S., Burghart, M., Wolf, A., Whiting, D., & Yu, R. (2024). Effectiveness of violence prevention interventions: Umbrella review of research in the general population. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(2), 1709–1718.
- Felner, I., Nowik, I., Bauminger, E. R., Hechel, D., & Yaron, U. (1990). Competition between superconductivity and antiferromagnetism in Cu(2) layers of $Y_{1-x}Pr_xBa_2Cu_3-yM_zO_z$, M = Fe, Co, Zn. *Physical Review Letters*, 65(15), 1945.
- Ghadampour, I., Youssefvand, L., & Radmehr, P. (2016). The effectiveness of cognitive therapy based on mindfulness on improving self-esteem in women with coronary artery disease. *Journal of Positive Psychology Research*, 2(3), 120–133. [In Persian]
- Ghorbannejad, A., Mohammadipour, M., & Soleimanian, A. A. (2018). The effectiveness of mindfulness training on intelligence beliefs and study strategies in male students. *Quarterly Journal of Sociology of Education*, 6, 16–31. [In Persian]
- Gratz, K. L., & Tull, M. T. (2010). Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance- and mindfulness-based treatments. In R. A. Baer (Ed.), *Assessing mindfulness and acceptance processes in clients: Illuminating the theory and practice of change* (pp. 107–133). Oakland, CA: Context Press/New Harbinger Publications.
- Gu, J., Strauss, C., Bond, R., & Cavanagh, K. (2015). How do mindfulness-based cognitive therapy and mindfulness-based stress reduction improve mental health

- and wellbeing? A systematic review and meta-analysis of mediation studies. *Clinical Psychology Review*, 37, 1–12.
- Haar, K., El-Khani, A., Mostashari, G., Hafezi, M., Malek, A., & Maalouf, W. (2021). Impact of a brief family skills training programme (“Strong Families”) on parenting skills, child psychosocial functioning, and resilience in Iran: A multisite controlled trial. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(21), 11137.
- Hajeban Moghadam, F., Salehi Amiri, R., & Ghafari, G. (2017). Designing a robust family model: The subject of the outlook document of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 1404 AD. *Journal of Social Studies in Iran*, 11(1), 42–71. [In Persian]
- Hanson, P., Shuttlewood, E., Halder, L., Shah, N., Lam, F. T., Menon, V., et al. (2019). Application of mindfulness in a tier 3 obesity service improves eating behavior and facilitates successful weight loss. *Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism*, 104(3), 793–800. <https://doi.org/10.1210/jc.2018-00578>
- Henderson, A., & Mapp, K. L. (2016). Investigating the relationship between the meetings of the Association of Ombudsman and the facilitator and increasing the social relations of students. *National Center for Family and Community Connections with Schools*.
- Hölzel, B. K., Lazar, S. W., Gard, T., Schuman-Olivier, Z., Vago, D. R., & Ott, U. (2011). How does mindfulness meditation work? Proposing mechanisms of action from a conceptual and neural perspective. *Perspectives on Psychological Science*, 6, 537–559.
- Horn, A., Reich, M. M., Ewert, S., Li, N., Al-Fatly, B., Lange, F., ... & Kühn, A. A. (2022). Optimal deep brain stimulation sites and networks for cervical vs. generalized dystonia. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 119(14), e2114985119.
- Hu, Z., Wen, Y., Wang, Y., Lin, Y., Shi, J., Yu, Z., ... & Wang, Y. (2022). Effectiveness of mindfulness-based interventions on empathy: A meta-analysis. *Frontiers in Psychology*, 13, 992575.
- Jha, A. P., Krompinger, J., & Baime, M. J. (2007). Mindfulness training modifies subsystems of attention. *Cognitive, Affective, & Behavioral Neuroscience*, 7(2), 109–119.
- Kameli, Z., Hashemiabadi, B. A., & Aghamohammadian Shaerbafe, H. (2011). Investigating the effectiveness of cognitive group therapy focused on schema on changing maladaptive schemas in orphaned and disadvantaged adolescent girls. *Clinical Psychology and Counseling Studies, Ferdowsi University of Mashhad*, 1(1), 14–36. [In Persian]
- Karimi, L. (2017). *Investigating the relationship between family communication patterns and emotional maturity with social adjustment of high school students in Safashahr* (Unpublished master’s thesis) Islamic Azad University of Marvdasht. [In Persian]

- Kelly, F., Dempsey, D., Power, J., Bourne, K., Hammarberg, K., & Johnson, L. (2019). From stranger to family or something in between: Donor linking in an era of retrospective access to anonymous sperm donor records in Victoria, Australia. *International Journal of Law, Policy and the Family*, 33(3), 277–297.
- Kerry, J., Kuyken, W., Hastings, R. P., Rothwell, N., & Williams, J. M. G. (2004). Training teachers to deliver mindfulness-based interventions: Learning from the UK experience. *Mindfulness*, 1, 74–86.
- Kiani, B., Hadianfard, H., & Mitchell, J. T. (2017). The impact of mindfulness meditation training on executive functions and emotion dysregulation in an Iranian sample of female adolescents with elevated attention-deficit/hyperactivity disorder symptoms. *Australian Journal of Psychology*, 69(4), 273–282.
- Križan, H., Ferić, M., & Belošević, M. (2024). The impact of family communication on adolescent satisfaction with family life across different family structures. *Jahr–European Journal of Bioethics*, 15(1), 9–31.
- Kumpfer, K. L., & Johnson, J. L. (2011). Enhancing positive outcomes for children of substance-abusing parents. In B. A. Johnson (Ed.), *Addiction Medicine* (Vol. 1, Issue 2, pp. 1307–1329). Saunders
- Kumpfer, K. L., Xie, J., & Driscoll, R. (2012). Effectiveness of a culturally adapted Strengthening Families Program 12–16 years for high-risk Irish families. *Child and Youth Care Forum*, 41(2), 173–195.
- Kumpfer, K., Whiteside, H. O., Greene, J. A., & Allen, K. C. (2010). Effectiveness outcomes of four age versions of the SFP in statewide field sites. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 12(3), 211–229.
- Lalita, R., & Mittal, R. (2024). Social competence and altruistic behaviour among adolescents: A review study. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 6(1), 205–240.
- Lindahl, K., Bregman, H., & Malik, N. (2012). Family boundary structures and child adjustment: The indirect role of emotional reactivity. *Journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association*, 26(6), 839–847.
- Livazovic, G., & Hrvatska, R. Z. (2017). Role of family, peers, & school in externalized adolescent risk behavior. *Hrvatska Revija za Rehabilitacijska Istraživanja*, 53(Supplement), 186–203.
- Lokita, K. E., Siahaan, F. M. M., & Widyasari, P. (2021). The mediating effect of emotion regulation on the mindfulness and impulsivity of high school students. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, 6(2), 199–214.
- McGill, J., Adler-Baeder, F., & Rodriguez, P. (2016). Mindfully in love: A meta-analysis of the association between mindfulness and relationship satisfaction. *Journal of Human Sciences and Extension*, 4(1), 89–101.
- Modi, S., Joshi, U., & Narayanakurup, D. (2018). To what extent is mindfulness training effective in enhancing self-esteem, self-regulation and psychological well-being of school-going early adolescents? *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*, 14(4), 89–108.

- Mohammadipour, R. (2023). *Mindfulness training for adolescents with internet addiction and identity crisis in Qom city*. The Second National Conference on Psychotherapy in Iran, Tehran. [In Persian]
- Nepl, T. K., Wedmore, H., Senia, J. M., Jeon, S., & Diggs, O. (2019). Couple interaction and child social competence: The role of parenting and attachment. *Social Development, 28*(2), 347–363.
- Nesaiyan, A., & Asadi Ghandani, R. (2016). The effectiveness of social skills training on behavior problems in adolescents with intellectual disabilities. *Rehabilitation Journal, 17*(2), 158–167. [In Persian]
- Nezempour, R., Mashhadi, A., & Bigdeli, I. A. (2018). Mindfulness-based stress reduction group therapy on aggression and risk behavior of orphaned adolescent boys. *Clinical Psychology Journal, 10*(2), 59–70. [In Persian]
- Okorodudu, G. N. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in Delta Central Senatorial District. *Edo Journal of Counselling, 3*(1), 58–68.
- Pagnini, F., Cavallera, C., Rovaris, M., Mendozzi, L., Molinari, E., Phillips, D., & Langer, E. (2019). Longitudinal associations between mindfulness and well-being in people with multiple sclerosis. *International Journal of Clinical and Health Psychology, 19*, 22–30.
- Pickerell, L. E., Pennington, K., Cartledge, C., Miller, K. A., & Curtis, F. (2023). The effectiveness of school-based mindfulness and cognitive behavioural programmes to improve emotional regulation in 7–12-year-olds: A systematic review and meta-analysis. *Mindfulness, 14*, 1068–1087.
- Rahman, W., Mullick, M., Pathan, M. A. S., Chowdhury, N. F., Shahidullah, M., Ahmed, H., et al. (2012). Prevalence of behavioral and emotional disorders among the orphans and factors associated with these disorders. *Bangabandhu Sheikh Mujib Medical University Journal, 5*(1), 29–34.
- Rahmani, M. (2018). *Examining the effectiveness of mindfulness training on self-efficacy and morale of female teachers in the city of Mashhad*. National Conference on New Achievements in Education, Psychology, Law and Socio-Cultural Studies, Tehran. [In Persian]
- Rasoulzadeh, H., Hashemi, T., Zangulehchi, Z., & Amjad, A. (2016). *The role of mindfulness and attachment in emotion regulation*. The First National Conference on Family and Emerging Issues, Tabriz. [In Persian]
- Rewers, M. J., Pillay, K., De Beaufort, C., Craig, M. E., Hanas, R., Acerini, C. L., & Maahs, D. M. (2014). Assessment and monitoring of glycemic control in children and adolescents with diabetes. *Pediatric Diabetes, 15*, 102–114.
- Rodríguez-Ledo, C., Orejudo, S., Cardoso, M. J., Balaguer, Á., & Zarza-Alzugaray, J. (2018). Emotional intelligence and mindfulness: Relation and enhancement in the classroom with adolescents. *Frontiers in Psychology, 9*, 2162.
- Salsabilla, S., Rizkyanti, C. A., & Yudha, Y. H. (2022). Family communication patterns sebagai mediator antara empati dan konflik orang tua-anak pada remaja. *Persona: Jurnal Psikologi Indonesia, 10*(2), 207–223.

- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Bobik, C., Coston, T. D., Greeson, C., Jedlicka, C., & Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *The Journal of Social Psychology, 141*(4), 523–536.
- Segrott, J., Gillespie, D., Lau, M., Holliday, J., Murphy, S., Foxcroft, D., Hood, K., Scourfield, J., Phillips, C., Roberts, Z., Rothwell, H., Hurlow, C., & Moore, L. (2022). Effectiveness of the Strengthening Families Programme in the UK at preventing substance misuse in 10–14 year-olds: A pragmatic randomised controlled trial. *BMJ Open, 12*(2), e049647.
- Shafiq, H., Hanif, R., & Shafiq, S. (2023). Family functioning and social competence in adolescents: Mediating role of emotional regulation. *Pakistan Journal of Social Research, 5*(2), 905–913.
- Sharma, M. K., Sharma, M. P., & Marimuthu, P. (2016). Mindfulness-based program for management of aggression among youth. *Indian Journal of Psychological Medicine, 38*(3), 213–216.
- Shujja, S., Malik, F., & Khan, N. (2015). Social Competence Scale for Adolescents (SCSA): Development and validation within cultural perspective. *Journal of Behavioural Sciences, 25*(1), 59–77.
- Singh, N. N., Lancioni, G. E., Winton, A. S., Adkins, A. D., Singh, J., & Singh, A. N. (2007). Mindfulness training assists individuals with moderate mental retardation to maintain their community placements. *Behavior Modification, 31*(6), 800–814.
- Spoth, R. L., Redmond, C., Trudeau, L., & Shin, C. (2002). Longitudinal substance initiation outcomes for a universal preventive intervention combining family and school programs. *Psychology of Addictive Behaviors, 16*(2), 129–134.
- Spoth, R., Gyll, M., Chao, W., & Molgaard, V. (2003). Exploratory study of a preventive intervention with general population African American families. *The Journal of Early Adolescence, 23*(4), 435–468.
- Sternson, S. M., & Roth, B. L. (2014). Chemogenetic tools to interrogate brain functions. *Annual Review of Neuroscience, 37*(1), 387–407.
- Susman, E. J., & Dorn, L. D. (2009). Puberty: Its role in development. In R. M. Lerner & L. Steinberg (Eds.), *Handbook of adolescent psychology* (3rd ed., pp. 116–151). New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
- Vater, A., & Schröder-Abé, M. (2015). Explaining the link between personality and relationship satisfaction: Emotion regulation and interpersonal behaviour in conflict discussions. *European Journal of Personality, 29*(2), 201–215.
- Walsh, J. J., Balint, M. G., Smolira, S. J. D. R., Fredericksen, L. K., & Madsen, S. (2009). Predicting individual differences in mindfulness: The role of trait anxiety, attachment anxiety and attentional control. *Personality and Individual Differences, 46*(2), 94–99.
- Wati, M., Sutiniasih, N., Mahtari, S., & Annur, S. (2020, June). Developing physics teaching materials based on authentic learning to train problem-solving skills. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. 1567, No. 3, p. 032084). IOP Publishing.

- Weger, H., Jr., Castle Bell, G., Minei, E. M., & Robinson, M. C. (2014). The relative effectiveness of active listening in initial interactions. *International Journal of Listening*, 28(1), 13–31.
- Youngblade, L. M. (2024). Intentional allyship at the intersection: Moving the human sciences forward. *Journal of Family Theory & Review*, 14(3), 113–150.
- Yüksel Doğan, R., & Metin, E. N. (2023). Exploring the relationship between mindfulness and life satisfaction in adolescents: The role of social competence and self-esteem. *Child Indicators Research*, 16, 1453–1473.
- Zabihhesari, N. K., Hoveizeh, Z., Mokhtari Youssefabad, S. E., Hosseini, B., & Jahromi, S. (2019). The impact of social skills training on the mental well-being, emotional dysregulation, and social competence of children with oppositional defiant disorder. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 6(3), 137–150. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

مقایسه‌ی اثربخشی برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی

بر کفایت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال

سمانه‌السادات جعفر طباطبایی^۲سیده سمیه رضانی^۱فاطمه شهابی‌زاده^۴تکتم‌السادات جعفر طباطبایی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_233362.html

چکیده

دوره‌ی نوجوانی از دوره‌های بحرانی و پیچیده از زندگی پس از کودکی است؛ که معمولاً از ۱۱ تا ۱۲ سالگی آغاز می‌شود و در ۱۸ تا ۲۱ سالگی خاتمه می‌یابد. پژوهش حاضر در نظر دارد به این موضوع بپردازد که آیا بین آموزش برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده^۵ و درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کفایت اجتماعی هویت نوجوانان ۱۳-۱۴ سال تفاوت معناداری وجود دارد؟ این تحقیق، بر مبنای هدف، کاربردی و، بر مبنای روش، از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال مدارس متوسطه دوره‌ی اول شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که از میان آن‌ها ۴۵ نفر

۱. دانشجوی دکترای روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران se.ramazani@iau.ac.ir

۲. استادیار روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

Samane.tabatabaee@ iau.ac.ir

toktamtabatabaeei@iau.ac.ir

۳. استادیار روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

f_shahabizadeh@iau.ac.ir

۴. دانشیار روانشناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

به روش نمونه‌گیری هدفمند براساس معیارهای ورود و خروج انتخاب و با توجه به توان آزمون ۸۰٪ و خطای ۰/۰۵ و اندازه‌ی اثر متوسط برای هر گروه ۱۵ نفر در نظر گرفته شد. سپس افراد تصادفی در سه گروه آموزش‌شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی (۱۵ نفر)، آموزش برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پرسش‌نامه‌ی کفایت اجتماعی توسط نوجوانان هر سه گروه تکمیل شد. یافته‌ها نشان داد آموزش‌شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی تأثیر قابل توجهی بر بهبود کفایت اجتماعی نوجوانان دارد. این نوع آموزش با افزایش خودآگاهی اجتماعی و هیجانی، کاهش تکانشگری و تقویت خودتنظیمی هیجانی و بهبود مهارت‌های حل مسئله‌ی اجتماعی به نوجوانان کمک می‌کند تا روابط اجتماعی مؤثرتر و سالم‌تری داشته باشند. در مجموع، ذهن‌آگاهی نوجوانان را قادر می‌سازد تا با تأمل بیشتری به موقعیت‌های اجتماعی پاسخ دهند و تعاملات مثبت‌تری را تجربه کنند که این امر موجب ارتقای سلامت روانی و اجتماعی آنان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده (SFP)، آموزش‌شناختی، ذهن‌آگاهی، کفایت اجتماعی.

مقدمه

دوره‌ی نوجوانی از دوره‌های بحرانی و پیچیده از زندگی پس از کودکی است؛ که معمولاً از ۱۱ تا ۱۲ سالگی آغاز می‌شود و در ۱۸ تا ۲۱ سالگی خاتمه می‌یابد. دورانی پر از تنش و سرشار از تغییر و تحول که نوجوانان برای گذار سالم از آن به آرامش، حمایت خانوادگی و امنیت عاطفی نیاز دارند. تمام تغییر و تحولات این دوران، خواه مطلوب و خوشایند و خواه نامطلوب و متأثرکننده، برای نوجوانان تنیدگی‌زا و مشکل‌آفرین است (Rewers & et al., 2014: 12)؛ بنابراین نوجوانی را بحرانی‌ترین دوره‌ی زندگی در نظر می‌گیرند (Susman & Dorn, 2009: 125). نوجوانی از دوره‌های مهم در ساخت و پایه‌ریزی شخصیت فرد و نیز دوره‌ای پر چالش برای اتکا به نفس، کنترل خود، استقلال، پذیرش مسئولیت‌های جدید، انتخاب، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در مورد سلامتی و تحصیل است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۴؛ Livazovic & Hrvatska, 2017: 196). مشکلات رفتاری که از دوره‌ی کودکی شروع می‌شود در ایام نوجوانی

و جوانی به اوج خود می‌رسد (Rahman & et al., 2012: 30). شاید به این دلیل که در این دوران تغییرات قابل توجهی از نظر جسمی، روان‌شناختی، هیجانی و روابط اجتماعی در نوجوان رخ می‌دهد (کاملی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵).

کفایت اجتماعی نوجوان ترکیبی از توانایی نوجوان برای استفاده از مهارت‌های اجتماعی و رفتار سازگارانه برای تعامل با همسالان و بزرگسالان در محیط به شیوه‌ای موفقیت‌آمیز است. کفایت اجتماعی در روابط بین فردی بر عملکرد روان‌شناختی و تحصیلی تأثیرگذار است و از سوی دیگر، نقص آن با بیماری‌های روان‌شناختی گسترده‌ای مانند افسردگی ارتباط می‌یابد (نسائیان و اسدی گندمانی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). کفایت اجتماعی به‌عنوان سازه‌ای مثبت در فرایند تحول روانی در دوره‌ی نوجوانی و جوانی شکل می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، کفایت اجتماعی توانایی فرد در اجرای استقلال شخصی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایه و اساسی برای گسترش طیفی از پیامدهای مطلوب همچون اعتماد به نفس، رفاه اجتماعی، کیفیت دوستی و شایستگی‌های کاری می‌باشد (Neppl & et al., 2019: 54). کفایت اجتماعی مجموعه‌ای از راهبردهایی است که آموزش و به‌کارگیری آن‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی، به‌ویژه مناسبات بین فردی، باعث ارتقای آگاهی اجتماعی، انطباق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و برقراری روابط مثبت و سازنده با دیگران می‌شود (Babusik, 2016: 97). افراد دارای کفایت اجتماعی در پاسخ دادن و کنار آمدن با موقعیت‌های جدید و چالش‌انگیز موفق‌اند (دشت‌بزرگی و شمشیرگران، ۱۳۹۷: ۲۱) و همچنین، رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که منجر به پیامدهای مثبت روانی - اجتماعی مانند پذیرش توسط همسالان و رابطه مؤثر با دیگران می‌شود و در مقابل افراد فاقد کفایت اجتماعی اغلب دچار مشکلات رفتاری در تعامل با دیگران به‌ویژه همسالان هستند (ذبیحی حصاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵).

با توجه به اینکه نوجوانی دوره‌ی تغییرات بزرگ و سریع در احساس، فیزیولوژی، رفتار، شناخت و روابط اجتماعی است که می‌تواند منشأ بحران و آشوب و طوفانی کامل از فرصت‌ها برای خطرپذیری و انجام رفتار پرخطر تلقی شود (Livazovic & Hrvatska, 2017: 199)، ضروری

است که از روش‌های مختلفی برای کمک به بهبود و رفع این مشکلات در نوجوانان استفاده کرد. از جمله‌ی این روش‌ها، مداخله‌ی شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی^۱ است.

امروزه یکی از پُرکاربردترین رویکردهایی که توسط گروه درمانگران در کاهش مشکلات جمعیت‌های بالینی و عادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ذهن‌آگاهی است. در این شیوه‌ی درمانی، ذهن‌آگاهی مداخله‌ای است که در ترکیب با رفتاردرمانی شناختی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (Duarte & et al., 2019: 201). ذهن‌آگاهی مفهومی پیچیده و چندوجهی روان‌شناختی است که می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف با دو چارچوب اصلی توصیف شود. ذهن‌آگاهی لانگر^۲ که فرایند تمایز نوین فعال شناخته می‌شود، بیان می‌کند که فرد قادر به حضور در لحظه و آگاه از چارچوب‌های در حال حاضر زمینه می‌باشد و به آن‌ها توجه می‌کند. اجزای اصلی ذهن‌آگاهی از نظر لانگر عبارت‌اند از: نوآوری، خلاقیت، انعطاف‌پذیری، آگاهی از پیرامون و تعامل. کابات - زین^۳ ذهن‌آگاهی را این‌گونه تعریف می‌کند: توجه به شیوه‌ای هدفمند، در حال حاضر و عاری از قضاوت (Paganini & et al., 2019: 29). از آنجایی که ذهن‌آگاهی شامل یک آگاهی‌پذیرا، عاری از قضاوت از آنچه که اکنون در حال وقوع است، می‌باشد، افراد ذهن‌آگاه واقعیات درونی و بیرونی را آزاد و بدون تحریف ادراک می‌کنند و توانایی زیادی در مواجهه با دامنه‌ی گسترده‌ای از تفکرات و هیجانات و تجربه‌ها دارند (نجاتی و همکاران، ۱۳۹۰؛ به نقل از قربان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹). ذهن‌آگاهی به‌عنوان فرایند داشتن توجه بدون قضاوت به رویدادهای درونی و بیرونی است که در لحظه به وجود می‌آیند. رویدادهای درونی شامل افکار، هیجانات، ادراکات و حس‌های بدنی و رویدادهای بیرونی شامل تجارب محیطی، موقعیتی و بین‌فردی می‌شود و ذهن‌آگاهی به معنای آگاهی لحظه‌به‌لحظه از تجربه‌های موجود است (Hanson & et al., 2019: 795).

مداخله‌های شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی، مداخله‌ای روان‌شناختی مبتنی بر فنون مراقبه‌ی شرقی و مشتمل بر راهبردهایی مانند توجه کردن به شیوه‌ای خاص، هدفمند، تمرکز بر لحظه کنونی و بدون قضاوت است و عمدتاً بر آسیب‌پذیری‌های کلی تمرکز می‌کند تا بر مشکلات اختصاصی (Baer, 2003: 137). مداخله شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر رابطه‌ی فرد با همسر،

-
1. Cognitive mindfulness
 2. Longer
 3. Kabat- zinn

فرزندان و نزدیکان تأثیر می‌گذارد و با افزایش هرچه بیشتر سازگاری زناشویی بر بهبود عملکرد خانواده کمک می‌نماید (Vatter & scroder, 2015: 211). هیچ شکی نیست که والدین نقش اساسی در تحول روان‌شناختی فرزندان دارند. والدین تأثیر مستقیم بر رفتار، عواطف، امنیت و بهزیستی و همچنین پیشگیری از مشکلات رفتاری و عاطفی فرزندان دارند (Okorodudu, 2010: 62). در مطالعاتی که به‌منظور بررسی تأثیر نقش خانواده بر مشکلات کودکان و نوجوانان طرح‌ریزی شده است، بیش از همه به کارکرد خانواده پرداخته شده است (Cummings & et al., 2012: 842; Lindahl & et al., 2012: 1709). از این رو مداخله و اصلاح کارکردهای خانواده می‌تواند نتایج امیدبخشی را در حوزه‌ی سلامت نوجوانان داشته باشد (Lindahl & et al., 2012: 844). برنامه‌ی تقویت خانواده ۱۴-۱۰ یکی از برنامه‌های بین‌المللی در خصوص اصلاح کارکردهای خانواده با هدف کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان است. این برنامه برای آموزش گروهی والدین و نوجوانان تهیه شده است. منطق نظری این برنامه، نظریه‌ی نظام‌های خانوادگی و خودکارآمدی است و با ارتقای تاب‌آوری، از کودکان و نوجوانان در مقابل مشکلات و سختی‌ها محافظت می‌کند (Kumpfer & Jonson, 2011: 1311). نتایج پژوهش چوی و کیم^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر استرس، عزت‌نفس و افسردگی دانشجویان پرستاری تأثیر دارد. در همین راستا، نتایج پژوهش قدم‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که درمان‌شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر بهبود حرمت خود در زنان مبتلا به بیماری عروق کرونر تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش نظام‌پور و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد گروه‌درمانی کاهش تنیدگی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر پرخاشگری و رفتار پرخطر نوجوانان پسر بی‌سرپرست تأثیر دارد؛ این روش مداخله مستقیماً به مسائل توجه و تکانشگری می‌پردازد (Bogels & et al., 2008: 202)، پاسخ‌های خودکار (Hölzel & et al., 2011: 539) و نشخوارهای فکری مرتبط با پرخاشگری (Sharma & et al., 2016: 214) را کاهش می‌دهد، کنش‌های اجرایی (Jha & et al., 2007: 39) و خودگردانی و تنظیم توجه و هیجان (Gratz, 2010: 110 & Tull), را ارتقا می‌دهد و با توجه به ماهیت ارتباطی تمرین‌های این شیوه (McGill & et al, 2016: 96)، شفقت‌ورزی به دیگران (Gu & et al, 2015: 6)، مهارت‌های

اجتماعی (Schutte et al, 2001: 529)، روابط اجتماعی (Deci & Ryan, 1991: 245) و توان همدلی (Atkinson, 2013: 86) را بهبود می‌بخشد.

پژوهش‌های مختلفی برای بررسی اثربخشی برنامه‌های تقویت بنیان خانواده در دیگر جوامع انجام شده است (Spath & et al., 2003 ; Spoth & et al., 2002). کلی^۱ و همکاران (۲۰۱۹) تغییرات در عملکرد خانواده‌های استرالیایی را، پس از شرکت در این آموزش، ارتباط قوی‌تر والدین با فرزندان، ارائه‌ی بازخورد مناسب به فرزندان توسط والدین، کاهش خشم و پرخاشگری والدین و کودکان و بهبود رفتار کودکان، آگاهی بیشتر والدین از انتظارتشان از فرزندان، سازش‌یافتگی بیشتر والدین و فرزندان را گزارش کرده‌اند. همچنین اجرای برنامه برای گروه دیگری از والدین استرالیایی نشان می‌دهد که این برنامه منجر به کاهش پرخاشگری فرزندان، ایجاد ارتباط گرم‌تر با فرزندان، افزایش گفتگوی مثبت در بین اعضای خانواده، درک متقابل بیشتر والدین و فرزندان، مشارکت بیشتر در مدرسه، اصلاح رفتار فرزند و تاب‌آوری و مقاوم بودن گردیده است. مهم‌ترین مزیت در این مطالعه بهبود ارتباط والدین و فرزند و عملکرد خانواده ذکر شده است (Kelly & et al., 2019: 285).

کامپفر^۲ و همکاران (۲۰۱۲) شواهد مداخلات خانواده - محور بیست سال گذشته را به صورت ویژه و متناوب مورد مطالعه قرار داده‌اند و نخست میزان شواهد و اثربخشی ۳۵ برنامه‌ی تقویت خانواده را در دولت فدرال ایالات متحده گردآوری و بررسی کرده‌اند. آن‌ها هفت برنامه از ۳۵ برنامه‌ای را که بالاترین اثربخشی و شواهد نتایج مثبت داشتند، برگزیدند که هر یک از این برنامه‌های برگزیده باید حداقل در دو آزمایش - کنترل تصادفی و از سوی دو تیم پژوهشی با جمعیت‌های مختلف اجرا و نتایج مثبت آن‌ها تأیید می‌شد. این هفت برنامه برگزیده‌ی خانوادگی شامل این موارد بودند: ۱- برنامه‌ی کمک به کودک ناسازگار (مبنای پروژه همکاری خانه و مدرسه در دنیا و ایران)، ۲- سال‌های باورنکردنی، ۳- برنامه‌ی تقویت خانواده‌ها، ۴- خانواده درمانی کاربردی، ۵- خانواده درمانی چندسیستمی، ۶- آماده‌سازی برای سال‌های بدون مواد مخدر (اکنون راهنمای خوب) و ۷- سرپرستی درمان - محور. نتایج این برنامه‌ها در پژوهش‌های

1. Kelly
2. Kampfner

شبه‌آزمایشی اثبات شده بود، از جمله مزایای این برنامه‌های مداخله‌های خانوادگی برای جوانان و نوجوانان، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های خودتنظیمی احساسات بود که مهم‌ترین مهارت‌ها برای جلوگیری از مشکلات رفتاری شناخته شده‌اند. این مهارت‌ها رفتارهای جامعه‌پسند را تقویت می‌کنند؛ زیرا به کودکان و نوجوانان اجازه می‌دهند تا با بزرگسالان، شخصیت‌های مفید و همسالان ارتباطات مثبت داشته باشند و با روابط مثبت از مشکلات رفتاری و بزهکاری جلوگیری شود و برون‌داده‌های مثبت بیشتری در زندگی مثبت داشته باشند. کامپفر و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده‌اند نسخه هفت‌جلسه‌ای برنامه در ایالات متحده نتایج بسیار امیدوارکننده‌ای دارد، حتی این که در پیگیری اثربخشی چهارتا ده ساله، نتایج این برنامه دو برابر سایر برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر در مدرسه بوده است. در این راستا، محققان گزارش کرده‌اند که پیگیری ده ساله، کاهش چشم‌گیر ۲۲۰ تا ۳۰۰ درصدی در مشکلات سلامت روان‌شناختی از جمله افسردگی، اضطراب اجتماعی، فوبیا و اختلال شخصیتی را در گروه نوجوانان در برداشته است (Kumpfer & et al., 2010: 215).

براساس اسناد ملی نیز، حفظ کیان خانواده و تحکیم آن در زمره‌ی ارزش‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید. در مهم‌ترین سند راهبردی کشور یعنی «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، یکی از ویژگی‌های کشورمان را برخورداری از نهاد مستحکم خانواده عنوان گردیده و این مهم نیازمند بهبود بخشیدن به جنبه‌های مادی و معنوی زندگی خانوادگی است (حاجبان مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴) با توجه به نقش مهم روان‌شناسی مثبت‌گرا در افزایش و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و همچنین تأیید نقش درمان‌های موج سوم همچون ذهن‌آگاهی در بهبود وضعیت روانی افراد، این سؤال پیش می‌آید که برنامه‌ای که به مؤلفه‌های ذهن‌آگاهی و برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده می‌پردازد چه نقشی در بهبود وضعیت روان‌شناختی افراد، به‌ویژه نوجوانان، دارد؛ به عبارت دیگر، در گستره‌ی پژوهش‌های روان‌شناختی، مقایسه‌ی آموزش برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کفایت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال مورد بررسی قرار نگرفته بود، لذا با توجه به جدید بودن زمینه‌ی پژوهشی می‌تواند گامی در راستای گسترش آموزش‌های مثبت برای کمک به نوجوانان باشد. با توجه به اهمیت حفظ سلامت روان‌شناختی

در نوجوانان به خصوص در مقاطع و محیط‌های تحصیلی و نقش آن در زندگی این افراد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است:

- آیا بین آموزش برنامه تقویت بنیان خانواده و درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کفایت اجتماعی هویت نوجوانان ۱۳-۱۴ سال تفاوت معناداری وجود دارد؟

چارچوب نظری

تحقیقات استرنسون و راس^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که کفایت اجتماعی به‌عنوان توانایی افراد برای عمل به شیوه‌ی سازگارانه‌ی متناسب با سن و توانایی شناختی تعریف می‌شود. کفایت اجتماعی یکی از عناصر اساسی اجتماعی شدن در همه‌ی فرهنگ‌ها و جوامع است که اهمیتش در ایفای مسئولیت شهروندی مطلوب افراد، به‌ویژه نقش حرفه‌ای آنان در انجام وظایف محوله‌ی سازمانی است. کفایت اجتماعی، ضامن سلامت افراد جامعه از کودکی تا بزرگسالی است، چرا که با سلامت روان، عملکرد تحصیلی و رضایت شغلی مرتبط است. کفایت اجتماعی بازتابی از تعامل پویا بین فرد و محیط پیرامون وی است و به‌تدریج در خلال دوران کودکی شکل گرفته و در صورت وجود شرایط مساعد در دوران نوجوانی رشد و گسترش می‌یابد (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

با توجه به اینکه ذهن آگاهی به افراد کمک می‌کند تا درک کنند که احساسات منفی ممکن است رخ دهند، اما آن‌ها بخشی دائمی از شخصیت نیستند، فرد را قادر می‌سازد تا، به‌جای پاسخ غیرارادی و بدون تفکر، با فکر و تأمل به رویدادها پاسخ دهد (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۰)؛ لذا در پژوهش حاضر به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در این حوزه مورد توجه قرار گرفت.

اساس آموزش ذهن آگاهی آموزش آگاهانه‌ی مجموعه‌ای از وظایف است. هر تمرین می‌تواند هدفمند و آگاهانه ظرفیت و قابلیت سیستم محاسباتی را افزایش دهد. تمرینات ذهن آگاهی می‌تواند به‌عنوان یک سیستم هشدار اولیه برای جلوگیری از شروع یک درگیری ذهنی عمل کند. شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی در توضیح رویکرد درمان شناختی - رفتاری نوید جدیدی دارد. آموزش ذهن آگاهی نیازمند یادگیری فراشناختی و راهبردهای رفتاری جدید برای تمرکز

توجه، جلوگیری از نشخوار فکری و تمایل پاسخ‌گویی به پاسخ‌های اضطرابی و همچنین انتشار افکار جدید و کاهش احساسات ناخوشایند است (Kerry & et al, 2004: 83). آموزش ذهن‌آگاهی بر سطوح تنظیم هیجانی تأثیر می‌گذارد: یکی سطح نورونی و دیگری سطح شناختی. بنابراین در اختلالاتی که هیجان‌ات درگیر هستند مانند افسردگی و اضطراب، مداخلاتی که بر پایه‌ی ذهن‌آگاهی صورت می‌گیرد به بهبود نشانه‌ها کمک می‌کند (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵).

برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده متغیر دیگری بود که در این پژوهش تأثیر آموزش آن مورد بررسی قرار گرفت. در جوامع انسانی، خانواده به گروهی از افراد گفته می‌شود که با یکدیگر از طریق هم‌خونی، تمایل سببی، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع، نهاد اصلی جامعه‌پذیری کودکان است (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۴ به نقل از: ابراهیم‌پور و نخشی-پور، ۱۳۹۵: ۱۴۲). اهمیت پرداختن به موضوع تحکیم خانواده، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه‌ی دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه‌ی خانواده‌های سالم و امن پدید آمده است (Henderson & et al., 2016: 86). علاوه بر این، کارایی و ارزش علم و هنر نیز در صورت برپایی خانواده است و بدون خانواده، نه‌تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود بلکه همه‌ی تلاش‌های فردی و اجتماعی نیز در حقیقت بی‌ثمر و نافرجام خواهد ماند؛ از این رو، ملت‌هایی که در آستانه‌ی فروپاشی خانواده قرار گرفته‌اند درصدد حفظ این نهاد مهم برآمده و با خانواده‌های جایگزین نظیر خانواده‌های تک نفره، خانواده‌های هم‌جنس (زندگی هم‌جنس‌بازان) با این بحران جدی مقابله می‌کنند؛ غافل از آنکه خانواده از نظر جامعه‌شناختی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند (کریمی، ۱۳۹۶: ۹۴).

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه‌ی موضوع مدنظر، پژوهش‌هایی صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. محمدی‌پور (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف آموزش

ذهن‌آگاهی بر نوجوانان دارای اعتیاد اینترنتی و بحران هویت شهرستان قم نشان داد آموزش ذهن‌آگاهی بر نوجوانان دارای بحران هویت و معتاد به فضای مجازی شهرستان قم تأثیر دارد. پایدار و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف اثربخشی برنامه‌ی مداخله‌ی تقویت خانواده بر تاب‌آوری نوجوانان دارای رفتارهای پرخطر در شهر کرمانشاه نشان دادند برنامه‌ی مداخله‌ی تقویت خانواده با افزایش تاب‌آوری نوجوانان دارای رفتارهای پرخطر رابطه‌ی معناداری دارد و برنامه‌ی آموزشی تقویت خانواده منجر به افزایش تاب‌آوری نوجوانان دارای رفتار پرخطر می‌شود. بهادری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف تعیین اثربخشی روان‌درمانی گروهی شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر وزن، تصویر بدنی و عزت‌نفس افراد مبتلا به چاقی نشان دادند که اثربخشی درمان ذهن‌آگاهی در مرحله‌ی پیگیری برای هر سه متغیر وزن، تصویر بدنی و عزت‌نفس ماندگار بوده و همچنین روان‌درمانی گروهی شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر وزن، تصویر بدنی و عزت‌نفس افراد مبتلا به چاقی تأثیر دارد. طیموری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف برنامه‌ی تقویت خانواده بر سلامت روان و کیفیت زندگی در مدرسه‌ی نوجوانان ۱۰-۱۴ سال نشان دادند که آموزش گروهی برنامه‌ی تقویت خانواده بر بهبود توانایی‌ها و مشکلات نوجوانان، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی، کیفیت زندگی مدرسه‌ای و همچنین کارکردهای مطلوب خانوادگی نوجوانان اثربخش است؛ لذا می‌توان بسته‌ی آموزش برنامه‌ی تقویت خانواده را به‌عنوان برنامه‌ای برای بهبود وضعیت سلامت روان شناختی، اجتماعی و خانوادگی نوجوانان استفاده کرد. یوکسل^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه‌ی بین ذهن‌آگاهی و رضایت از زندگی در نوجوانان نشان داد که بین ذهن‌آگاهی، شایستگی اجتماعی، عزت‌نفس و رضایت از زندگی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. پیکرل^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با هدف اثربخشی ذهن‌آگاهی مبتنی بر مدرسه و برنامه‌های رفتاری شناختی برای بهبود تنظیم هیجانی در کودکان ۷ تا ۱۲ ساله نشان دادند که ذهن‌آگاهی مبتنی بر مدرسه و برنامه‌های رفتاری شناختی بر آگاهی عاطفی، افزایش احساسات مثبت و کاهش افسردگی کودکان ۷ تا ۱۲ ساله تأثیر معناداری دارد. سگروت^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با هدف اثربخشی برنامه‌ی تقویت

1. Yüksel Doğan & Metin
2. Pickerell
3. Segrott

خانواده در انگلستان در پیشگیری از سوءمصرف مواد در نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ ساله نشان دادند که برنامه‌ی تقویت خانواده در پیشگیری از سوءمصرف مواد، پیامدهای مصرف مواد و مشکلات عاطفی و رفتاری مربوط به آن تأثیر معناداری نداشته است. هار^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با هدف تأثیر یک برنامه‌ی کوتاه آموزش مهارت‌های خانواده بر مهارت‌های فرزندپروری، عملکرد روانی کودکان و تاب‌آوری در ایران نشان دادند که برنامه‌ی کوتاه آموزش مهارت‌های خانواده بر مهارت‌های فرزندپروری، عملکرد روانی و تاب‌آوری کودکان تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

این تحقیق، بر مبنای هدف، کاربردی و، بر مبنای روش، از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سه‌ماهه با گروه کنترل است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال مدارس متوسطه‌ی دوره‌ی اول شهر بیرجند در سال ۱۴۰۳ است که از بین آن‌ها ۴۵ نفر که معیارهای در نظر گرفته برای ورود به مطالعه را دارا بودند، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به توان آزمون ۸۰٪ و خطای ۰/۰۵ و اندازه‌ی اثر متوسط برای هر گروه ۱۵ نفر در نظر گرفته شد. سپس افراد تصادفی در سه گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی (۱۵ نفر)، آموزش برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. معیارهای ورود به مطالعه شامل نوجوانان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت (واقع در منطقه یک شهر بیرجند) با سن ۱۲ سال تمام تا پایان ۱۴ سال‌اند که دو والد و یا یک والد به همراه یک نفر دیگر تمایل به همکاری و شرکت در پژوهش را داشته باشد و معیارهای خروج از مطالعه شامل غیبت بیش از دو جلسه، عدم تمایل به شرکت در پژوهش و داشتن مشکلات ذهنی، نابینایی و ناشنوایی بود.

در این پژوهش به منظور جمع‌آوری داده‌های آماری مورد نیاز از دو مجموعه آموزشی و یک پرسش‌نامه به شرح زیر استفاده شده است:

مجموعه‌ی مداخله آموزش‌شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی

- جلسات ذهن‌آگاهی براساس پروتکل ذهن‌آگاهی نسخه‌ی بایر (۲۰۰۶) در ۸ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) از قرار زیر اجرا شد:
- جلسه‌ی اول: معرفی اعضا و تعیین اهداف، انجام تمرین ذهن‌آگاهی، تمرین آگاهی از هر لحظه، تمرین واریسی بدنی و انجام سه بار تنفس در روز.
 - جلسه‌ی دوم: تمرکز بیشتر بر بدن و کنترل وقایع روزانه و مقابله با موانع ذهنی و ثبت گزارش روزانه از تجربه‌های خوشایند.
 - جلسه‌ی سوم: تمرین تنفس و قدم زدن با حضور ذهن و تهیه‌ی فهرست وقایع ناخوشایند و شناسایی و ثبت تجارب ناخوشایند.
 - جلسه‌ی چهارم: یادگیری تنفس و مراقبه‌ی نشسته‌ی سه‌دقیقه‌ای و ماندن در زمان حال.
 - جلسه‌ی پنجم: پذیرش و تأکید بر تمرکز افکار و احساسات و حس‌های بدنی و واکنش‌دهی به آن‌ها و تکرار مراحل قبلی.
 - جلسه‌ی ششم: ایجاد آگاهی از تنفس و بدن، تمرین خلق‌ها و افکار، تمرین دیدگاه‌ها و افکار جانشین و تأکید بر تأثیر تنفس بر بدن.
 - جلسه‌ی هفتم: ارائه‌ی بهترین روش مراقبت و پی بردن به روابط شخصی و تهیه‌ی فهرستی از فعالیت‌های لذت بخش.
 - جلسه‌ی هشتم: تمرین منظم حضور ذهن و واریسی بدنی و بازنگری کل و افزایش تمرکز برای بهبود عملکرد و تکرار مراحل قبل.

برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده

برنامه‌ی آموزش تقویت بنیان خانواده برای نوجوانان ۱۰ تا ۱۴ سال توسط دب‌ی آلن و همکارانش (۱۹۹۸) در دانشگاه اکسفورد در قالب ۷ جلسه‌ی آموزشی دوساعته (هفته‌ای یک جلسه) تدوین شد. نسخه‌ی فارسی این برنامه توسط کارشناسان دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، وزارت آموزش و پرورش، ستاد مبارزه با مواد مخدر و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۹۵) انطباق فرهنگی داده شده‌اند و فیلم برنامه (۱۳۹۶) متناسب با فرهنگ

ایرانی تهیه شده است و به صورت آزمایشی در برخی از مدارس و مجموعه‌های وزارت بهداشت و آموزش پزشکی کشور مورد استفاده قرار گرفته است. موضوعات و اهداف هفت جلسه به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۱. موضوعات و اهداف هفت جلسه‌ی آموزشی نوجوانان و خانواده

اهداف	موضوع	جلسه
کمک به نوجوانان برای آشنایی با قوانین گروهی، تجسم رویاها و اهداف در آینده	داشتن اهداف و رویاها	نوجوان (۱)
کمک به خانواده‌ها در جهت ایجاد روابط مثبت	حمایت از اهداف فرزندان	خانواده (۱)
استرس والدین ممکن است سبب شود برخی کارها را انجام داده یا برخی حرف‌ها را به زبان بیاورند	درک والدین	نوجوان (۲)
کمک به خانواده‌ها در شناسایی نقاط قوت	درک اعضا	خانواده (۲)
شناسایی موقعیت‌های ایجاد استرس، شناسایی نشانه‌های استرس، آموختن شیوه‌های مدیریت استرس	مدیریت استرس	نوجوان (۳)
روی مزایای جدول امتیازات کار می‌کنند	استفاده از جلسات خانوادگی	خانواده (۳)
در صورت پیروی از قوانین، وضعیت بهتر می‌شود	پیروی از قوانین	نوجوان (۴)
درک رابطه بین ارزش‌های خانواده، شناسایی ارزش‌های خانوادگی خود	درک ارزش خانواده	خانواده (۴)
مواد اعتیادآور به آنها آسیب می‌زنند، مهارت‌هایی را برای مقاومت نسبت به فشار همسالان تمرین کنند	تعامل با فشار همسالان	نوجوان (۵)
مهارت‌های شنیداری ایجاد کنند، مشکلات را با هم حل کنند	ایجاد ارتباطات خانوادگی	خانواده (۵)
مهارت‌های بیشتر برای مقاومت در مقابل فشار همسالان دوستان خوب چگونه هستند؟	فشار همسالان و دوستان خوب	نوجوان (۶)
در مورد ممانعت از مصرف مواد اعتیادآور صحبت کنند.	خانواده‌ها و فشار همسالان	خانواده (۶)
روش‌های کمک به دیگران تعامل با نوجوانان بزرگ‌تر	دسترسی به دیگران	نوجوان (۷)
خانواده‌ها به انجام موارد زیر می‌پردازند: بررسی محتوای برنامه	جمع‌بندی مطالب	خانواده (۷)

برای سنجش کفایت اجتماعی از پرسش‌نامه‌ی استاندارد پرندین (۱۳۸۵)، که براساس مدل چهار بعدی فلنر (۱۹۹۰) ساخته و هنجار شده، استفاده شد. در پژوهش پیری و همکاران (۱۳۹۰) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسش‌نامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش پیری و همکاران (۱۳۹۰) برای این پرسش‌نامه بالای ۰/۷ برآورد شد.

پرسش‌نامه‌ی کیفیت اجتماعی (PSCS) توسط نوجوانان هر سه گروه تکمیل شد. برای نوجوانان گروه آموزشی اول، مداخله‌ی شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی در ۸ جلسه‌ی ۱۲۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) اجرا گردید. در گروه آموزشی دوم، برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده در ۸ جلسه‌ی دوساعته (هفته‌ای یک جلسه) برای نوجوان و خانواده وی، اجرا شد. نوجوانان گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرده‌اند. بلافاصله بعد از اتمام جلسات آموزشی، مجدد پرسش‌نامه توسط افراد تکمیل شد. همچنین دوره‌ی پیگیری سه ماه بعد نیز برای هر سه گروه انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. در بخش توصیفی از آمار توصیفی مانند محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره و در بخش استنباطی برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون آماری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش فرضیه‌ی پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد. فرضیه‌ی اصلی پژوهش عبارت است از: بین اثربخشی آموزش برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده (SFP) و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کیفیت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال تفاوت معنادار وجود دارد. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر کیفیت اجتماعی به تفکیک در سه گروه مورد مطالعه در جدول ۲ آمده است؛ همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانگین نمره‌ی مؤلفه‌های کیفیت اجتماعی در آزمودنی‌های گروه‌های آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون افزایش یافته ولی در گروه کنترل، نمرات پیش‌آزمون، پس‌آزمون و مرحله‌ی پیگیری تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیر کفایت اجتماعی

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
		انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	
مهارت‌های رفتاری	تقویت بنیان خانواده	۸۱/۴۷	۱۲/۴۶	۱۱۳/۲۷	۱۶/۴۲	۱۱۱/۶۷
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۸۶/۰۰	۱۰/۶۲	۱۰۹/۵۳	۱۱/۷۴	۱۰۸/۳۳
	کنترل	۸۲/۲۷	۲۱/۰۵	۸۴/۲۷	۲۰/۴۵	۸۵/۳۳
آمابه‌های انگیزش و انتظارات	تقویت بنیان خانواده	۱۶/۶۰	۲/۱۳	۲۲/۸۰	۲/۶۲	۲۲/۶۰
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۱۸/۴۷	۲/۵۹	۲۲/۹۳	۲/۷۴	۲۲/۵۳
	کنترل	۱۸/۶۷	۳/۵۸	۱۹/۱۳	۳/۸۵	۱۹/۴۷
مهارت‌های شناختی	تقویت بنیان خانواده	۸/۵۳	۱/۹۲	۱۱/۰۰	۲/۰۰	۱۰/۸۷
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۸/۳۳	۱/۵۹	۱۰/۱۳	۱/۳۶	۱۰/۰۷
	کنترل	۸/۶۰	۱/۸۴	۸/۶۷	۱/۷۶	۸/۸۷
کفایت هیجانی	تقویت بنیان خانواده	۷/۸۷	۱/۴۶	۱۰/۶۷	۱/۵۹	۱۰/۵۳
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۹/۲۷	۱/۷۱	۱۱/۲۰	۱/۶۱	۱۱/۰۷
	کنترل	۸/۶۷	۱/۹۹	۸/۷۳	۱/۹۱	۹/۰۰

برای بررسی فرضیه‌ی فوق و مقایسه‌ی مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در سه گروه مورد مطالعه در سه مرحله‌ی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از آزمون اندازه‌گیری مکرر استفاده شده است. برای این منظور، بررسی پیش‌شرط‌هایی الزامی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. نتایج بررسی پیش‌فرض برابری ماتریس‌های کواریانس نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون ام. باکس ($0/01 <$) از $0/05$ کمتر بوده و فرضیه‌ی صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کواریانس مشاهده‌شده متغیر وابسته (مؤلفه‌های کفایت اجتماعی) در بین گروه‌های مختلف، رد می‌شود. لذا این پیش‌فرض مورد تأیید قرار نمی‌گیرد و نتایج آزمون پیلای مد نظر قرار می‌گیرد. نتایج بررسی معناداری اثر تعاملی متغیرهای مستقل در مدل نشان می‌دهد در هر چهار آزمون اثر پیلای، لامبدای ویلک، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی، سطح معناداری $0/01 <$ گزارش شده است که از $0/05$ کمتر می‌باشد و مبنی معناداری اثر زمان و گروه است. در واقع می‌توان

گفت مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در طول دوره‌ی مداخله تا پیگیری در حال تغییر بوده است. همچنین مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در طول زمان در سه گروه مورد مطالعه نیز متفاوت بوده است. نتایج بررسی آزمون کرویت موشلی^۱ نشان می‌دهد سطح معناداری در تمامی مؤلفه‌های کفایت اجتماعی $0/001 <$ است که از $0/05$ کمتر بوده و در نتیجه فرض صفر رد می‌شود. لذا باید از اپسیلون‌ها استفاده شود. نتایج نشان داد سطح معناداری برای زمان و زمان در مقابل گروه برای هر سه اپسیلون کمتر از $0/05$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که علاوه بر اینکه میانگین نمرات مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در طول زمان (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) متفاوت بوده است، در طول زمان در سه گروه مورد مطالعه نیز متفاوت می‌باشند. نتایج سنجش برابری واریانس‌های خطا و آزمون لوین مطابق جدول زیر نشان می‌دهد برای تمامی مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در سه مرحله‌ی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری سطح معناداری بیشتر از $0/05$ می‌باشد که مؤید همگنی واریانس‌های خطاست.

جدول ۳. نتیجه آزمون لوین برای سنجش برابری واریانس‌های خطا

متغیر	مرحله	آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
مهارت‌های رفتاری	پیش‌آزمون	۱/۱۱	۲	۴۲	۰/۳۴
	پس‌آزمون	۰/۱۶	۲	۴۲	۰/۸۵
	پیگیری	۰/۰۹	۲	۴۲	۰/۹۲
آمایه‌های انگیزش و انتظارات	پیش‌آزمون	۰/۷۲	۲	۴۲	۰/۴۹
	پس‌آزمون	۰/۴۲	۲	۴۲	۰/۶۶
	پیگیری	۰/۰۹	۲	۴۲	۰/۹۱
مهارت‌های شناختی	پیش‌آزمون	۰/۳۹	۲	۴۲	۰/۶۸
	پس‌آزمون	۲/۰۳	۲	۴۲	۰/۱۴
	پیگیری	۲/۴۴	۲	۴۲	۰/۱۰
کفایت هیجانی	پیش‌آزمون	۱/۴۷	۲	۴۲	۰/۲۴
	پس‌آزمون	۰/۴۲	۲	۴۲	۰/۶۶
	پیگیری	۱/۰۶	۲	۴۲	۰/۳۶

بررسی پیش فرض آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها نیز نشان می‌دهد سطح معناداری متغیر گروه برای مؤلفه‌های مهارت‌های رفتاری و کفایت هیجانی کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده است که بیانگر آن است که متغیر گروه تأثیر معناداری بر میانگین نمره‌ی مؤلفه‌های مهارت‌های رفتاری و کفایت هیجانی دارد ولی بر مؤلفه‌های آمایه‌های انگیزش و انتظارات و مهارت‌های شناختی تأثیر معناداری ندارد؛ به عبارتی، تنها میانگین نمره‌ی مهارت‌های رفتاری و کفایت هیجانی در بین سه گروه مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم دارد.

جدول ۴. آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

منبع	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری	شاخص مجذور اتا	توان آزمون
عرض از مبدأ	مهارت‌های رفتاری	۱۲۳۸۷۸۹/۸۱	۱	۱۲۳۸۷۸۹/۸۱	۱۷۸۷/۲۷	<۰/۰۰۱	۰/۹۸	۱
	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	۵۵۹۳۷/۰۷	۱	۵۵۹۳۷/۰۷	۲۳۴۶/۳۳	<۰/۰۰۱	۰/۹۸	۱
	مهارت‌های شناختی	۱۲۰۶۰/۵۶	۱	۱۲۰۶۰/۵۶	۱۴۱۳/۵۲	<۰/۰۰۱	۰/۹۷	۱
	کفایت هیجانی	۱۲۶۱۵/۰۰	۱	۱۲۶۱۵/۰۰	۱۶۲۸/۱۳	<۰/۰۰۱	۰/۹۸	۱
گروه	مهارت‌های رفتاری	۹۴۷۳/۸۴	۲	۴۷۳۶/۹۲	۶/۸۲	۰/۰۰۳	۰/۲۵	۰/۹۰
	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	۱۱۷/۶۴	۲	۵۸/۸۲	۲/۴۷	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۴۷
	مهارت‌های شناختی	۴۵/۷۵	۲	۲۲/۸۷	۲/۶۸	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۵۰
	کفایت هیجانی	۶۵/۹۱	۲	۳۲/۹۶	۴/۲۵	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۷۱
خطا	مهارت‌های رفتاری	۲۹۱۱۱/۰۲	۴۲	۶۹۳/۱۲				
	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	۱۰۰۱/۲۹	۴۲	۲۳/۸۴				
	مهارت‌های شناختی	۳۵۸/۳۶	۴۲	۸/۵۳				
	کفایت هیجانی	۳۲۵/۴۲	۴۲	۷/۷۵				

نتایج جدول فوق بیانگر این است که در مجموع میانگین جمع نمرات هر سه دوره‌ی زمانی، در ارتباط با مؤلفه‌ی مهارت‌های رفتاری در گروه‌های آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی نسبت به گروه کنترل، در ارتباط با مؤلفه‌های آمایه‌های انگیزش و انتظارات و کفایت هیجانی در گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی نسبت به گروه کنترل و در ارتباط با مؤلفه‌ی مهارت‌های شناختی در گروه آموزش تقویت بنیان خانواده نسبت به گروه کنترل به‌طور معناداری افزایش داشته است ولی میانگین جمع نمرات هر سه دوره‌ی زمانی در ارتباط با مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در دو گروه آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی تفاوت معناداری نداشته است.

جدول ۵. نتیجه‌ی آزمون تعقیب بنفرونی برای مقایسه‌ی مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در سه گروه مورد

مطالعه

متغیر	گروه	اختلاف میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
آمایه‌های انگیزش و انتظارات	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	کنترل	۵/۵۵	۰/۰۰۲
	تقویت بنیان خانواده	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۱۸/۱۸	۰/۰۰۳
	کنترل	۱۷/۳۳	۰/۵۴	۱/۰۳
مهارت‌های شناختی	تقویت بنیان خانواده	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	-۰/۶۴	۰/۱۳
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	کنترل	۱/۵۸	۰/۰۴
	کنترل	۲/۲۲	۰/۳۲	۰/۶۱
کفایت هیجانی	تقویت بنیان خانواده	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	۰/۶۲	۰/۲۰
	شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی	کنترل	۱/۴۲	۰/۱۷
	کنترل	۰/۸۰	۰/۱۴	۰/۰۶

در ادامه به منظور بررسی پایدار بودن اثربخشی و تغییرات در هر یک از گروه‌های آموزش تقویت بنیان خانواده، آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی و کنترل در طول سه دوره‌ی زمانی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) به کمک آزمون تعقیب بنفرونی به مقایسه‌ی دو به دو مرحله میانگین مؤلفه‌های کفایت اجتماعی به تفکیک در سه گروه مورد مطالعه در این سه مرحله پرداخته شد. نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که در گروه‌های آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی، میانگین مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در دوره‌ی پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون به‌طور معناداری افزایش داشته است.

در مقایسه‌ی دوره‌ی پس‌آزمون و پیگیری، به جز مؤلفه مهارت‌های رفتاری در هر دو گروه آموزشی و مؤلفه‌ی آمایه‌های انگیزش و انتظارات در گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی، در سایر مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در دو گروه آموزشی تفاوت معناداری به دست نیامد که حاکی از ثبات مداخله در طول زمان بوده است.

در گروه کنترل، میانگین مهارت‌های فردی در مرحله‌ی پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون و در مرحله‌ی پیگیری نسبت به پس‌آزمون به‌طور معناداری افزایش داشته است. میانگین مؤلفه‌های آمایه‌های انگیزش و انتظارات و مهارت‌های شناختی نیز در مرحله‌ی پیگیری نسبت به پیش‌آزمون افزایش معناداری داشته است ولی کفایت اجتماعی در طول زمان تغییرات معناداری نداشته است.

جدول ۶. نتیجه‌ی آزمون تعقیب بنفرونی برای مقایسه‌ی تفکیکی گروه‌های مورد مطالعه در سه

مرحله‌ی پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری

سطح معناداری	خطای استاندارد	اختلاف میانگین‌ها	مرحله		متغیر	گروه
			پس‌آزمون	پیش‌آزمون		
<۰/۰۰۱	۴/۱۳	-۳۱/۸۰	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	مهارت‌های رفتاری	آموزش تقویت بنیان خانواده
<۰/۰۰۱	۴/۰۵	-۳۰/۲۰	پیگیری	پس‌آزمون		
۰/۰۰۱	۰/۳۹	۱/۶۰	پیگیری	پس‌آزمون	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	
<۰/۰۰۱	۰/۸۹	-۶/۲۰	پس‌آزمون	پیش‌آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۹۳	-۶/۰۰	پیگیری	پس‌آزمون	انتظارات	
۰/۰۰۸	۰/۱۱	۰/۲۰	پیگیری	پس‌آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۳۱	-۲/۴۷	پس‌آزمون	پیش‌آزمون		

سطح معناداری	خطای استاندارد	اختلاف میانگین‌ها	مرحله		متغیر	گروه
			پس آزمون	پیش آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۲۹	-۲/۳۳	پیگیری		مهارت‌های شناختی	آموزش شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی
۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۱۳	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۳۹	-۲/۸۰	پس آزمون	پیش آزمون	کفایت هیجانی	
<۰/۰۰۱	۰/۳۷	-۲/۶۷	پیگیری			
۰/۱۶	۰/۰۹	۰/۱۳	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۱/۹۶	-۲۲/۵۳	پس آزمون	پیش آزمون	مهارت‌های رفتاری	
<۰/۰۰۱	۱/۸۹	-۲۲/۳۳	پیگیری			
۰/۰۰۲	۰/۳۱	۱/۲۰	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۳۹	-۴/۴۷	پس آزمون	پیش آزمون	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	
<۰/۰۰۱	۰/۴۱	-۴/۰۷	پیگیری			
۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۴۰	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۲۰	-۱/۸۰	پس آزمون	پیش آزمون	مهارت‌های شناختی	
<۰/۰۰۱	۰/۲۳	-۱/۷۳	پیگیری			
۰/۳۳	۰/۰۷	۰/۰۷	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۲۳	-۱/۹۳	پس آزمون	پیش آزمون	کفایت هیجانی	
<۰/۰۰۱	۰/۳۰	-۱/۸۰	پیگیری			
۰/۳۴	۰/۱۳	۰/۱۳	پیگیری	پس آزمون		
<۰/۰۰۱	۰/۳۱	-۲/۰۰	پس آزمون	پیش آزمون	مهارت‌های رفتاری	کنترل
<۰/۰۰۱	۰/۵۸	-۳/۰۷	پیگیری			
۰/۰۲	۰/۴۲	-۱/۰۷	پیگیری	پس آزمون		
۰/۰۷	۰/۲۴	-۰/۴۷	پس آزمون	پیش آزمون	آمایه‌های انگیزش و انتظارات	
۰/۰۰۵	۰/۲۴	-۰/۸۰	پیگیری			
۰/۰۶	۰/۱۶	-۰/۳۳	پیگیری	پس آزمون		
۰/۶۷	۰/۱۵	-۰/۰۷	پس آزمون	پیش آزمون	مهارت‌های شناختی	
۰/۰۴	۰/۱۲	-۰/۲۷	پیگیری			
۰/۱۹	۰/۱۵	-۰/۲۰	پیگیری	پس آزمون		
۰/۷۲	۰/۱۸	-۰/۰۷	پس آزمون	پیش آزمون	کفایت هیجانی	
۰/۰۶	۰/۱۶	-۰/۳۳	پیگیری			
۰/۱۰	۰/۱۵	-۰/۲۷	پیگیری	پس آزمون		

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه‌ی اثربخشی برنامه‌ی تقویت بنیان خانواده (SFP) و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر کفایت اجتماعی نوجوانان ۱۳ تا ۱۴ سال بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع میانگین جمع نمرات هر سه دوره‌ی زمانی، در ارتباط با مؤلفه‌ی مهارت‌های رفتاری در گروه‌های آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی نسبت به گروه کنترل، در ارتباط با مؤلفه‌های آمایه‌های انگیزش و انتظارات و کفایت هیجانی در گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی نسبت به گروه کنترل و در ارتباط با مؤلفه‌ی مهارت‌های شناختی در گروه آموزش تقویت بنیان خانواده نسبت به گروه کنترل به‌طور معناداری افزایش داشته است ولی میانگین جمع نمرات هر سه دوره‌ی زمانی در ارتباط با مؤلفه‌های کفایت اجتماعی در دو گروه آموزش تقویت بنیان خانواده و آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی تفاوت معناداری نداشته است.

نتایج پژوهش حاضر در بسیاری از ابعاد با یافته‌های مطالعات پیشین هم‌سو و هم‌راستا بوده است. به‌طور مشخص، اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر مؤلفه‌هایی همچون آمایه‌های انگیزشی، کفایت هیجانی و مهارت‌های رفتاری با نتایج پژوهش‌های محمدی‌پور (۱۴۰۲)، بهادری و همکاران (۱۴۰۰)، پیکرل و همکاران (۲۰۲۳) و طیموری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) هم‌خوانی دارد، چرا که همگی تأثیر مثبت این نوع مداخلات را بر بهبود عملکرد روانی و هیجانی نوجوانان تأیید کرده‌اند. همچنین، یافته‌های مربوط به تأثیر آموزش تقویت بنیان خانواده بر مهارت‌های شناختی و رفتاری با نتایج پژوهش‌های پایدار و همکاران (۱۴۰۱)، طیموری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) و هار و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سوست؛ زیرا این مطالعات نیز اثربخشی این برنامه را در بهبود تاب‌آوری، سلامت روان و عملکرد شناختی - رفتاری نوجوانان نشان داده‌اند. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص عدم تأثیر معنادار دو نوع مداخله بر مؤلفه کفایت اجتماعی با پژوهش یوکسل و همکاران (۲۰۲۳) ناهم‌سوست؛ زیرا آنان گزارش کرده‌اند که ذهن‌آگاهی با افزایش شایستگی اجتماعی و عزت‌نفس در نوجوانان رابطه‌ی مثبت دارد. این ناهم‌سویی ممکن است به تفاوت در زمینه‌های فرهنگی، مدت و شدت مداخله یا ابزار سنجش بازگردد. همچنین، یافته‌های سگروت و همکاران (۲۰۲۲)، که بیانگر بی‌تأثیری برنامه‌ی تقویت خانواده در پیشگیری از پیامدهای منفی

مصرف مواد و مشکلات هیجانی نوجوانان است، با نتایج مثبت پژوهش حاضر در خصوص اثربخشی این برنامه بر مهارت‌های شناختی و رفتاری ناهمخوان به نظر می‌رسد که می‌تواند ناشی از تفاوت در اهداف مداخله، ساختار جمعیت مورد مطالعه و یا شرایط محیطی فرهنگی - اجتماعی پژوهش‌ها باشد.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش حاکی از اثربخشی چشمگیر مداخلات آموزشی طراحی شده در قالب برنامه‌های «آموزش تقویت بنیان خانواده» و «آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی» بر بهبود برخی مؤلفه‌های روانی - اجتماعی آزمودنی‌ها در مقایسه با گروه کنترل است. به‌طور مشخص، افزایش معنادار در میانگین نمرات مهارت‌های رفتاری در هر سه دوره‌ی زمانی (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) در هر دو گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل نشان می‌دهد که هر دو برنامه با محوریت آموزش ارتباط مؤثر، مهارت‌های حل مسئله، کنترل خشم، جرئت‌ورزی و تنظیم رفتار اجتماعی، توانسته‌اند به تقویت مهارت‌های رفتاری مشارکت‌کنندگان کمک کنند. این بهبود احتمالاً به واسطه‌ی تمرین‌های منظم، تعاملات گروهی، بازخوردهای اصلاحی، و درک ساخت‌یافته‌تر از الگوهای رفتاری سالم به دست آمده است. در همین راستا، یافته‌ها در خصوص مؤلفه‌های آمایه‌های انگیزشی و انتظارات نیز نشان می‌دهند که گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی نسبت به گروه کنترل پیشرفت معناداری داشته است؛ این امر به‌خوبی مؤید کارآمدی مداخله‌ی مبتنی بر ذهن‌آگاهی در ارتقای انگیزه‌های درونی، تمرکز بر اهداف، امید به آینده، و کاهش افکار منفی و بازدارنده است. تمرین‌های ذهن‌آگاهی، با پرورش توجه پایدار به زمان حال و شناسایی هیجانات بدون قضاوت، به شرکت‌کنندگان کمک می‌کند تا با افزایش خودکارآمدی و بهبود تصویر ذهنی از خود، انتظار نتایج مثبت‌تری از عملکردشان داشته باشند. در همین بستر، مؤلفه‌ی کفایت هیجانی نیز در گروه آموزش شناختی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بهبود معناداری را نسبت به گروه کنترل نشان می‌دهد. این یافته از آن جهت اهمیت دارد که تنظیم هیجان، تشخیص و ابراز صحیح احساسات، و توانایی مدیریت استرس از عناصر بنیادین عملکرد هیجانی سالم به شمار می‌روند و تقویت این مؤلفه می‌تواند به بهزیستی روان‌شناختی پایدار بینجامد.

در سوی دیگر، افزایش معنادار در مهارت‌های شناختی تنها در گروه آموزش تقویت بنیان خانواده مشاهده شد که این مسئله حاکی از آن است که تمرکز این برنامه بر بهبود روابط خانوادگی، انسجام عاطفی، و آموزش ارتباط مؤثر میان اعضای خانواده، منجر به ارتقای توانایی‌های شناختی شرکت‌کنندگان نظیر تمرکز، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و تفکر منطقی شده است. تجربه‌ی محیط خانوادگی حمایت‌گرانه، الگوسازی مثبت، و مشارکت در گفتگوهای سازنده، زمینه‌ساز تقویت توانایی‌های فکری و شناختی می‌شود و بر عملکرد فرد در مواجهه با موقعیت‌های چالش‌برانگیز تأثیر مثبتی دارد. با این حال، نتایج نشان می‌دهد که در مؤلفه‌ی کفایت اجتماعی، هیچ‌یک از دو گروه آزمایش تفاوت معناداری با گروه کنترل نداشته‌اند. این امر می‌تواند به چند دلیل باشد: نخست آن که کفایت اجتماعی متغیری پیچیده و چندوجهی است که نه تنها نیازمند آموزش‌های ساختارمند است بلکه مستلزم فرصت‌های واقعی برای تجربه‌ی تعاملات اجتماعی در محیط‌های مختلف است؛ دوم آن که ممکن است بازه‌ی زمانی مداخلات برای اثرگذاری بر این مؤلفه‌ی کافی نبوده باشد و تغییر در این حوزه نیازمند برنامه‌هایی با تداوم زمانی بیشتر و حمایت‌های محیطی گسترده‌تر، از جمله مشارکت مدرسه، جامعه و خانواده باشد. سوم آن که کفایت اجتماعی عمیقاً تحت تأثیر هویت اجتماعی، تجربه‌های پیشین، و بازخوردهای بیرونی است و به راحتی در بازه‌های آموزشی کوتاه دستخوش تغییر نمی‌شود.

در مجموع، نتایج این پژوهش بر اهمیت مداخلات آموزشی هدفمند و چندبعدی، که به شکلی جامع به ابعاد رفتاری، شناختی، هیجانی و انگیزشی رشد روانی - اجتماعی افراد می‌پردازند، صحت می‌گذارد. بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر ذهن آگاهی و تقویت بنیان خانواده به‌عنوان دو مسیر مکمل می‌تواند نقش مؤثری در توانمندسازی روان‌شناختی و ارتقای مهارت‌های زندگی ایفا کند؛ با این حال، برای حصول به نتایج پایدار و همه‌جانبه، لازم است که طراحی برنامه‌های آموزشی در تعامل با سایر نظام‌های حمایتی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی آزمودنی‌ها صورت گیرد. با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادات کاربردی زیر جهت دستیابی به نتایج بهتر ارائه می‌گردد:

- با توجه به این که آموزش تقویت بنیان خانواده در بهبود مهارت‌های شناختی و آموزش ذهن‌آگاهی در ارتقای کفایت هیجانی و آمایه‌های انگیزشی اثربخش‌تر بوده‌اند، می‌توان در برنامه‌ریزی مداخلات از مزایای هر دو رویکرد به صورت مکمل استفاده کرد.

- از آن جا که هر دو گروه آموزشی باعث بهبود مهارت‌های رفتاری شدند، آموزش والدین و معلمان در این زمینه‌ها می‌تواند تأثیر این برنامه‌ها را تقویت و پایدارتر کند.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- ابراهیم پور، داوود، و نخشی پور، ابراهیم (۱۳۹۵). رابطه میزان حضور و فعالیت در فضای مجازی با میزان سازگاری زناشویی در بین مردان و زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر ارومیه. *زن و مطالعات خانواده*، ۳۹ (۱۱)، ۱۳۳-۱۵۳.
- بهادری، افشین، کلهرنیگل کار، مریم، و پاشنگ، سارا (۱۴۰۰). تعیین اثربخشی روان‌درمانی گروهی شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر وزن، تصویر بدنی و عزت‌نفس افراد مبتلا به چاقی. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۱ (۵۲)، ۹-۱.
- بیرامی، منصور، هاشمی‌نصرت‌آباد، تورج، بدری‌گرگری، رحیم، و دبیری، سولماز (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی مبتنی بر مدل فلنر بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان قربانی قلدری با توجه به نوع جهت‌گیری اهداف اجتماعی. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۶ (۲۳)، ۱-۲۶.
- پایدار، مسعود، محمدخانی، شهرام، حسنی، جعفر، و نوری، ربابه (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه مداخله تقویت خانواده بر تاب‌آوری نوجوانان دارای رفتارهای پر خطر در شهر کرمانشاه. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۲ (۱۲۶)، ۱۳-۲۶.
- حاجبان‌مقدم، فاطمه، صالحی امیری، رضا، و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). طراحی الگوی خانواده مستحکم موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۱)، ۴۲-۷۱.
- دشت‌بزرگی، زهرا، و شمشیرگران، مرضیه (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مثبت‌نگری بر کفایت اجتماعی و سرسختی سلامت در پرستاران. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۴ (۲)، ۱۳-۲۴.
- دهقانی، سپیده، رستمی، رضا، و اصلانی، سعید (۱۳۹۶). اعتیاد در نوجوانان؛ مروری بر مباحث عصب شناختی. *رویش روانشناسی*، ۶ (۳)، ۱۱۵-۱۳۴.
- ذبیحی‌حصاری، نرجس‌خاتون، حویزه، زینب، مختاری‌یوسف‌آباد، سیده‌الهام، حسینی، بهادر، و جهرمی، ثمینه (۱۳۹۸). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهزیستی ذهنی، ناگویی هیجانی و کفایت اجتماعی کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۶ (۳)، ۱۳۷-۱۵۰.

رحمانی، مریم (۱۳۹۷). بررسی اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر خودکارآمدی و روحیه‌ی معلمان زن شهرستان مشهد. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان؛ آموزش عالی علامه خویی.

رسول‌زاده، حمیده، هاشمی، تورج، زنگوله‌چی، زهرا، و امجد، اعظم (۱۳۹۵). نقش ذهن آگاهی و دل‌بستگی در تنظیم هیجان. اولین همایش ملی خانواده و مسائل نوپدید. تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

طیموری‌فرد، سیدعین‌الله، ضرغام‌حاجبی، مجید، و منیرپور، نادر (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش برنامه تقویت خانواده بر سلامت روان و کیفیت زندگی در مدرسه نوجوانان ۱۰-۱۴ سال. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۸ (۲)، ۴۱-۵۸.

قربان‌نژاد، علی، محمدی‌پور، محمد، و سلیمانیان، علی‌اکبر (۱۳۹۷). اثربخشی روش آموزش ذهن آگاهی بر باورهای هوشی و راهبردهای مطالعه در دانش‌آموزان پسر. دوفصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۶ (۱۱)، ۱۶-۳۱.

قدم‌پور، عزت‌الله، یوسف‌وند، لیلا، و رادمهر، پروانه (۱۳۹۵). اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر بهبود حرمت خود در زنان مبتلا به بیماری عروق کرونر. پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، ۲ (۳)، ۱۲۰-۱۳۳.

کاملی، زهرا، هاشم‌آبادی، بهرام‌علی، و آقامحمدیان‌شعرباف، حمید (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی گروه درمانی شناختی متمرکز بر طرحواره بر تبدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دختران نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد، ۱ (۱)، ۱۴-۳۶.

کریمی، لقا (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و بلوغ عاطفی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان صفاشهر (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

محمدی‌پور، رقیه (۱۴۰۲). آموزش ذهن آگاهی بر نوجوانان دارای اعتیاد اینترنتی و بحران هویت شهرستان قم. دومین همایش ملی روان‌درمانی ایران. تهران: دانشگاه محقق اردبیلی.

نسائیان، عباس، و اسدی گندمانی، رقیه (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مشکلات رفتاری نوجوانان با کم‌توانی ذهنی. *مجله توانبخشی*، ۱۷ (۲)، ۱۵۸-۱۶۷.

نظام‌پور، رضا، مشهدی، علی، و بیگدلی، ایمان‌الله (۱۳۹۷). گروه درمانی کاهش تنیدگی مبتنی بر ذهن آگاهی بر پرخاشگری و رفتار پرخطر نوجوانان پسر بی سرپرست. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۱۰ (۲)، ۵۹-۷۰.

- Atkinson, B.J. (2013). Mindfulness Training and the Cultivation of Secure, Satisfying Couple Relationships. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 2 (2), 73-94.
- Babosik, Z. (2016). Social competences. Practice and Theory in Systems of Education.
- Baer, R. A. (2003). Mindfulness training as a clinical intervention: a conceptual and empirical review. *Clinical psychology: Science and practice*, 10 (2), 125-142.
- Bögels, S., Hoogstad, B., van Dun, L., de Schutter, S., & Restifo, K. (2008). Mindfulness training for adolescents with externalizing disorders and their parents. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 36 (2), 193-209.
- Choi, Y.S., Kim, M.A. (2019). The effect of mindfulness-based cognitive therapy program on stress, self-esteem and depression of nursing students. *The Journal of the Korea Contents Association*, 19 (2), 22- 210.
- Cummings, E.G.M., McCoy, K., Davies, P. (2012). Interparental conflict in kindergarten and adolescent adjustment: Prospective investigation of emotional security as an explanatory mechanism. *Child Development*, 83 (5), 1703-1715.
- Deci, E.L., Ryan, R.M. (1991). A motivational approach to self: Integration in personality. In R. Dienstbier (Ed.), *Nebraska symposium on motivation: Perspectives on motivation*, 38, 237- 288. Lincoln, NE: University of Nebraska Press.
- Duarte, R., Lloyd, A., Kotas, E., Andronis, L., White, R. (2019). Are acceptance and mindfulness-based interventions 'value for money'? Evidence from a systematic literature review. *Br J Clin Psychol*, 58 (2), 187-210.
- Gratz, K.L., Tull, M.T. (2010). Emotion regulation as a mechanism of change in acceptance- and mindfulness-based treatments. In Ruth A. Baer (Ed.), *Assessing mindfulness and acceptance processes in clients: Illuminating*

- the theory and practice of change* (107–133). Oakland, CA: Context Press/New Harbinger Publications.
- Gu, J., Strauss, C., Bond, R., Cavanagh, K. (2015). How do Mindfulness-Based Cognitive Therapy and Mindfulness-Based Stress Reduction Improve Mental Health and Wellbeing? A Systematic Review and Meta-Analysis of Mediation Studies, *Clinical Psychology Review*, 37 (2), 1-12.
- Henderson, A., Mapp, T., Karen L. (2016). Investigating the Relationship between the Meetings of the Association of Ombudsman and the Facilitator and Increasing the Social Relations of Students. National Center for Family and Community Connections with Schools.
- Hanson, P., Shuttlewood, E., Halder, L, Shah, N., Lam, F.T., Menon, V, et al. (2019). Application of mindfulness in a tier 3 obesity service improves eating behavior and facilitates successful weight loss. *J Clin Endocrinol Metab*. 104 (3), 793–800. doi: 10.1210/jc.2018-00578.
- Haar, K., El-Khani, A., Mostashari, G., Hafezi, M., Malek, A., Maalouf, W. (2021). Impact of a Brief Family Skills Training Programme (“Strong Families”) on Parenting Skills, Child Psychosocial Functioning, and Resilience in Iran: A Multisite Controlled Trial. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 18 (21), 111-137.
- Hölzel, B.K., Lazar, S.W., Gard, T., Schuman-Olivier, Z., Vago, D.R., Ott, U. (2011). How does mindfulness meditation work? Proposing mechanisms of action from a conceptual and neural perspective. *Perspect Psychol Sci*. 6 (9), 537–559.
- Jha, A.P., Krompinger, J., Baime, M.J. (2007). Mindfulness training modifies subsystems of attention. *Cognitive, Affective, and Behavioral Neuroscience*, 7 (2), 19- 109.
- Kelly, F., Dempsey, D., Power, J., Bourne, K., Hammarberg, K., & Johnson, L. (2019). From stranger to family or something in between: donor linking in an era of retrospective access to anonymous sperm donor records in Victoria, Australia. *International Journal of Law, Policy and the Family*, 33 (3), 277-297.
- Kerry, j., Kuyken, W., Hastings, R.P., Roth well, N., Williams, J.M.G. (2004). Training teachers to deliver Mindfulness based interventions: learning from the UK experience. *mindfulness*, 1 (6), 74–86.
- Kumpfer, K.L., Johnson, J.L. (2011). Enhancing positive outcomes for children of substance-abusing parents. *In Addiction Medicine, B. A. Johnson*, 1 (2), 1307–1329.

- Kumpfer, K., Whiteside, H.O., Greene, J.A., Allen, K.C. (2010). Effectiveness outcomes of four age versions of the SFP in statewide field sites. *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 12 (3), 211–229.
- Kumpfer, K.L., Xie, J., Driscoll, R. (2012). Effectiveness of a culturally adapted Strengthening Families Program 12-16 years for high-risk Irish families. *Child and Youth Care Forum*, 41 (2), 173-195.
- Lindahl, K., Bregman, H., Malik, N. (2012). Family boundary structures and child adjustment: The indirect role of emotional reactivity. *Journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association*, 26 (6), 839-847.
- Livazovic, G., Hrvatska, R.z. (2017). Roolof family peers& school in externalized adolescent risk Behavior, Hrvatska revija za rehabilitlita cjska istrazivanja. *supplement, str*, 53(12), 186-203.
- McGill, J., Adler-Baeder, F, Rodriguez, P. (2016). Mindfully in Love: A Meta-Analysis of the Association Between Mindfulness and Relationship Satisfaction. *Journal of Human Sciences and Extension*. 4 (1), 89- 101.
- Neppl, T.K., Wedmore, H., Senia, J.M., Jeon, S., Diggs, O. (2019). couple interaction and child social competence: the role of parenting and attachment. *Soc Dev*, 28(2), 47-63.
- Okorodudu, G.N. (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. *Edo Journal of Counselling* , 3(1), 58-68.
- Pagnini, F., Cavalera, C., Rovaris, M., Mendozzi, L., Molinari, E., Phillips, D., Langer, E. (2019) . Longitudinal associations between mindfulness and well-being in people with multiple sclerosis. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 19 (3), 22-30.
- Pickerell, L.E., Pennington, K., Cartledge, Ch., Miller, K.A., Curtis, F. (2023). The Effectiveness of School-Based Mindfulness and Cognitive Behavioural Programmes to Improve Emotional Regulation in 7–12-Year-Olds: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Mindfulness*, 14 (4), 1068-1087.
- Rahman, W., Mullick, M., Pathan, M.A.S., Chowdhury, N.F., Shahidullah. M, Ahmed, H., et al. (2012). Prevalence of behavioral and emotional disorders among the orphans and factors associated with these disorders. *Bangabandhu Sheikh Mujib Medical University Journal*, 5 (1), 29-34.
- Rewers, M. J., Pillay, K., De Beaufort, C., Craig, M. E., Hanas, R., Acerini, C. L., & Maahs, D. M. (2014). Assessment and monitoring of glycemic

- control in children and adolescents with diabetes. *Pediatric diabetes*, 15 (2), 8-21.
- Schutte, N.S., Malouff, J.M., Bobik, C, Coston, T.D., Greeson, C., Jedlicka, C., Wendorf, G. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *The Journal of Social Psychology*. 141 (4), 523-536.
- Sharma, M.K., Sharma, M.P., Marimuthu, P. (2016). Mindfulness-Based program for Management of Aggression among Youth. *Indian J Psychol Med*. 38 (3), 213-216.
- Segrott, J., Gillespie, D., Lau, M., Holliday, J., Murphy, S., Foxcroft, D., Hood, K., Scourfield, J., Phillips, C., Roberts, Z., Rothwell, H., Hurlow, C., Moore, L. (2022). Effectiveness of the Strengthening Families Programme in the UK at preventing substance misuse in 10-14 year-olds: a pragmatic randomised controlled trial. *BMJ Open*, 12(2), 647.
- Spohr, R.L., Redmond, C., Trudeau, L., Shin, C. (2002). Longitudinal substance initiation outcomes for a universal preventive intervention combining family and school programs. *Psychology of Addictive Behaviors*, 16 (2), 129-134.
- Spohr, R., Guyll, M., Chao, W., Molgaard, V. (2003). Exploratory Study of a Preventive Intervention With General Population African American Families. *The Journal of Early Adolescence*, 23 (4), 435-468.
- Sternson, S. M., & Roth, B. L. (2014). Chemogenetic tools to interrogate brain functions. *Annual review of neuroscience*, 37(1), 387-407.
- Susman, E.J., Dorn, L.D. (2009). Puberty: its role in development. In R.M.Lerner, & L.steinberg (Eds). *Handbook Adolescent Psychology*. (pp.116-151). New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
- Vater, A., Schröder-Abé, M. (2015). Explaining the link between personality and relationship satisfaction: Emotion regulation and interpersonal behaviour in conflict discussions. *European Journal of Personality*, 29(2), 201-215.
- Yüksel Doğan, R., Metin, E.N. (2023). Exploring the Relationship between Mindfulness and Life Satisfaction in Adolescents: The Role of Social Competence and Self-Esteem. *Child Ind Res* 16 (2), 1453-1473.

An Analysis of Bilingual Wisdom-Based Cryptonyms in the Poetry of Ibn Husam (with an Emphasis on Prophetic and 'Alid Panegyrics)

Ahmad Lamei Giv¹

Received: 07/07/2025

Accepted: 30/09/2025

Introduction

Symbolic expressions serve as reflections of a poet's emotions and spiritual states, providing an effective medium for conveying inner thoughts and articulating the subtleties and aesthetic nuances of language. Ibn Husam, a distinguished poet of religious literature, especially in the genres of panegyric and praise poetry, frequently employs symbolism and metaphor. Beyond his poetic mastery, he is recognized as a mystic, jurist and intellectual whose profound devotion to authentic belief is manifested in his unwavering commitment to the guardianship of the Prophet's Household (Ahl al-Bayt) and his deep reverence for the Prophet of Islam (PBUH). With heartfelt sincerity and a melodious poetic voice, he composed verses celebrating their exalted virtues and qualities. His bilingual compositions (mulamma'āt) especially illuminate the moral attributes and human perfections of the Prophet (PBUH) and Imam Ali (AS). Engagement with the ancient literary heritage of Khorasan offers valuable insight into the emergence of new ideas, intellectual innovations and the broader scientific and cultural milieu of the past. In this context, the present study seeks to address two central questions:

- ✓ Upon what sources and principles are the wisdom-oriented themes in Ibn Husam's prophetic panegyrics and praises of Imam Ali based?
- ✓ To what extent are the selected symbolic words and their interrelated network of meanings aligned with religious thought, including the Qur'an and Hadith?

Although some studies have examined the life, intellectual orientations and poetic works of Ibn Husam, no research has answered the above-mentioned research questions. The present study aims to identify the sapiential concepts embedded in his mystical symbolic vocabulary and, by highlighting a number of these symbolic expressions, to analyze the underlying intent and function they serve. Both

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran.
Email: Ahmad.lamei2@birjand.ac.ir



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

dimensions of symbolic expression, its semantic foundation and its interpretive significance, are examined in this research.

Research Method

This study seeks to identify and analyze the most significant symbolic expressions associated with the wisdom-oriented themes found in Ibn Husam's bilingual verses composed in praise of the Prophet (PBUH) and Imam Ali (AS). To this end, relevant sources and documents pertaining to the subject were examined and the material was interpreted using descriptive and analytical methods. The analysis draws upon poetic evidence alongside Qur'anic verses and Hadith references in order to elucidate the conceptual foundations and intended functions of these symbolic expressions.

Findings

Ibn Husam is among the poets who incorporated Arabic verses into their predominantly Persian poetic corpus. Although the primary audience of his poetry is Persian-speaking, it is noteworthy that many poets, motivated by adherence to literary tradition, reverence for the Qur'anic language, and their own linguistic competence, have also composed poetry in Arabic. In Ibn Husam's *mulamma'āt*, we encounter verses that, while praising and extolling the Noble Prophet (PBUH) and the Commander of the Faithful, Ali (AS), simultaneously engage with a wide array of wisdom-oriented themes. These include attention to divine decree and destiny, asceticism and detachment from worldly desires, steadfast belief in God and religious sanctities, the manifestation of a humanistic spirit, and an inclination toward virtues such as justice-seeking, opposition to oppression, nobility of character, self-sacrifice and generosity. The symbolic codes embedded in his *mulamma'āt* can be organized into several interconnected symbolic networks: cosmic symbols, human symbols, journey symbols, light symbols, mystical symbols and animal and natural symbols.

Within the network of cosmic symbols, Ibn Husam illustrates various stages of divine manifestation, rendering mystical experience perceptible through imagistic expression. In the network of human symbols, he draws analogies between elements of the microcosm and the macrocosm. Themes such as love, the lover, the beloved, and passion, the passionate one and the object of passion constitute the most prominent branches of this symbolic system. Additional human-related symbols include elements such as tresses, majesty, beauty, attraction, desire, coquettishness, the eye, the face, etc.

In the network of journey-related symbols, the stages of self-purification are expressed through the motif of the path, meaning the spiritual way, and the concepts of "journey" (*sayr*) and "spiritual wayfaring" (*sulūk*) are likewise situated within this symbolic system.

In the network of light symbols, Ibn Husam employs expressions such as "light" and "darkness," which evoke dualistic thought and ancient Iranian beliefs grounded in the opposition of two cosmic forces, good and evil. Another major source for this symbolic system is the teachings and verses of the Noble Qur'an. In this network,

“light” signifies God, the supreme Light from which all other lights derive their illumination. The spiritual wayfarer is accompanied by various forms of divine radiance, such as the light of guidance and the light of divine favor. Ultimately, however, the Light of Lights is God Himself. Ibn Husam thus identifies light with God and understands the prophets as being accompanied by His divine light.

In the network of mystical symbols, love is portrayed as a divine gift bestowed by God upon many of His servants, while the inability of some to comprehend it is attributed to the impurity of the mirror of their souls. To traverse the path of love and gnosis, the spiritual wayfarer must become intoxicated with the wine of the Beloved. Ibn Husam places great emphasis on praising the true lovers of the path of truth, the Noble Prophet (PBUH) and Imam Alī (AS), and seeks the wine of love from their luminous being in order to attain awareness through encountering the Beloved.

In the network of animal and natural symbols, Ibn Husam draws upon the surrounding natural environment and creatures such as whales and dragons, which serve both as symbols of the self and as representations of the perfect human being, to convey his mystical and intellectual concepts. He also integrates the notion of the “veil”, traditionally part of the network of human symbols, with the domain of plant life and the tree-like aspect of human existence, thereby establishing a symbolic connection between them.

Conclusion

The poet emphasizes praiseworthy and moral qualities in his panegyrics and, from the perspective of wisdom and admonition, cautions his audience against behavioral faults such as attachment to worldly desires, pride, oppression, falsehood, and sin. The profound beliefs, scholarly insight, and pure thought evident throughout Ibn Husam’s panegyric odes portray him as an aware and pious orator. The thematic atmosphere of his bilingual poetry, rooted in belief in God, religious principles, the expression of a humanistic spirit, inclination toward goodness and virtuous qualities, justice, nobility of character, self-sacrifice and generosity, employs symbolic language that not only reflects the poet’s deep devotion and firm belief in the People of the House but also enhances the credibility, influence and enduring reputation of his work within the realm of religious literature.

Keywords: Symbolic Words, Ibn Husam, Bilingual Poetry, Virtues, Wisdom.

References

- Aghahosseini, H., & Moeinifard, Z. (2010). Intertextuality of the sea imagery in Shams' ghazals. *Research on Mystical Literature*, 4(15), 1–28. [In Persian]
- Ali ibn Abi Talib. (2013). *Nahj al-Balagha* (M. Dashti, Trans.). Qom: Neshta. [In Arabic]
- Ali, M. U. (1983). *On the literature of pre-Islamic times* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Awza'i. [In Arabic]
- Ayati, M. H. (1992). *Baharestan*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (2011). *Dictionary*. Tehran: Parmis. [In Persian]
- Ershad Sarabi, A. (1999). The psychology of Ibn Husam Khusfi's poetry. *Khorasan Research*, 2(14), 70–90. [In Persian]
- Esmacili, M. (2020). An analysis of calamity, pain and suffering in Ibn Arabi's mysticism. *Qabasat: Scientific-Research Quarterly*, 25(96), 123–151. [In Persian]
- Foroughi Bastami, M. A. (1957). *Complete diwan of Foroughi Bastami* (H. Nakhei, Ed.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Foroughi Bastami, M. A. (1983). *Complete works of Foroughi Bastami*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Fotoohi Rudmajani, M. (2006). *Rhetoric of imagery*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Goharin, S. S. (1997). *Explanation of Sufi terms* (2nd ed.). Tehran: Hamun. [In Persian]
- Gorgani, M. H. (1998). *Abda' al-Badi'* (H. Jafari, Ed.). Tabriz: Ahrar. [In Arabic]
- Hall, J. (2011). *Illustrated dictionary of symbols in Eastern and Western Art*. Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
- Ibn Husam Khusfi, M. (1987). *Diwan* (A. Ahmadi Birjandi & M. T. Salak, Eds.). Mashhad: Ferdowsi University Press. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. b. M. (1995). *The tongue of the Arabs* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Khavari, F., Jadidoleslami, H., & Roumiani, B. (2019). Application of mystical terms in Ibn Husam Khusfi's ghazals. *Islamic Mysticism Quarterly*, 15(60), 293–316. [In Persian]
- Lamei Giv, A. (2015). *A commentary on the life and the subtle dimensions of the thought of Ibn Husam Khusfi*. Birjand: Chahar-Darakht. [In Persian]
- Lamei Giv, A. (2024). Analysis of verbal and thematic structures in the panegyrics of Ibn Husam Khusfi. *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, 18(2), 136–167. [In Persian]

- Mashhadi, M. (1991). *Explanation of the lives of poets without diwans*. Tehran: Panos. [In Persian]
- Nasif, E. (1995). *The most wonderful of what has been said in wisdom*. Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic]
- Pourkhaleghi Chatrudi, M. (2002). *The tree in Shahnameh: Cultural and symbolic values of the tree in Ferdowsi's Shahnameh*. Mashhad: Peyman. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (1996). *Codes and symbolic stories in Persian literature*. Tehran: Elmi va Farhangi Publishing. [In Persian]
- Qifti, J. D. A. (1968). *History of the wise* (B. Daraie, Trans.). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Quran. (2005). *The Holy Quran* (M. M. Fouladvand, Trans.). Tehran: Dar al-Quran al-Karim. [In Persian]
- Qureshi, E. (2001). *Water and mountain in Indian and Iranian mythology*. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Rashed Mohassel, M. R., Behnamfar, M., & Zamanipour, M. (2012). Manifestation of the mountain in ancient Iran and its reflections in Persian literature. *Iranian Studies Journal*, 11(21), 119–145. [In Persian]
- Rezaei Ardani, F., & Hatefi Majmoumard, Gr. (2017). Thematic analysis of the philosophical poetry of Nasir Khusraw and Abu al-Atahiya. *Comparative Literature Studies*, 11(44), 45–70. [In Persian]
- Safa, Z. (1987). *Treasure of Speech* (Vol. 2). Tehran: Qoqnus. [In Persian]
- Safa, Z. (1988). *History of literature in Iran and the Persian language area*. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Shadalouei, S. (2007). Fire in Islamic and Zoroastrian mysticism. *Journal of Religions and Mysticism*, 4(11), 209–238. [In Persian]
- Vaezi, M. A. (1999). Poetry and poetics in Ibn Husam's language. *Khorasan Research*, 2(14), 91–106. [In Persian]
- Zabihi, R., Nouraei, E., & Jolodari, Y. (2013). Influence of Khorasani and Iraqi styles on Ibn Husam Khusfi's qasida and ghazal. *Specialized Journal of Literary Stylistics*, 6(1), 205–224. [In Persian]
- Zarrinkoub, A. H. (1990). *In the realm of conscience*. Tehran: Elmi. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

واکاوی رموز و آیه‌های حکمی دوزبانه در اشعار ابن حسام

(با تکیه بر مناقب نبوی و علوی)

احمد لامعی گیو^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_230885.html

چکیده

رموز و آیه‌ها بازتاب احساسات و حالات روحی شاعر هستند و در واقع عرصه‌ای مناسب برای تبلور مکنونات درونی و تبیین ظرایف و زیبایی‌های گویشی. اشعار ابن حُسام، شاعری آیینی و نامدار در ادبیات، به‌ویژه در مدح و منقبت، به رمز گرایش دارد. او، علاوه بر تبحر در حوزه‌ی نظم، عارف، فقیه و اندیشمندی است که به‌واسطه‌ی پایبندی و التزام به اعتقادی راستین، همه‌ی ارادت و مهر خویش را به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در اشعارش به رشته‌ی نظم آورده و با نوایی شیوا به مدح فضایل و مناقب برجسته آنان پرداخته است. از جمله شاهکارهای ادبی ابن حسام منظومه‌های دوزبانه‌ی (ملمعات) او در بیان ویژگی‌های اخلاقی و فضایل انسانی پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی به مضامین حکمی ملمعات سعی نموده تصاویر خیالی و حقیقی آن‌ها را بررسی کند، سپس نمونه‌هایی از اصطلاحات عرفانی را که به‌صورت رمز ذکر شده، در قالب مجموعه‌های رمزی، ریشه‌یابی کند. نتایج مبین این نکته است که شاعر بر صفات پسندیده و اخلاقی در مدح تأکید داشته و، از باب حکمت و وعظ، مخاطبان‌ش

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

Ahmad.lamei2@birjand.ac.ir



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

را از ناپسندهای رفتاری همچون دلبستگی به دنیا، کبر، ظلم، دروغ و گناه باز داشته است. باورهای عمیق و اندیشه‌ی عالمانه و خالص ابن حسام در قصاید مدحیه‌ی او تصویر سخنوری آگاه و پارسا را به ذهن متبادر می‌سازد؛ زیرا فضای مضامین اشعار دو زبانه‌ی او مبتنی بر اعتقاد به خداوند، مقدمات مذهبی، تجلی روح انسان‌دوستی، گرایش به نیکی‌ها و سجایای حمیده، عدالت‌خواهی، مناعت طبع، ایثار و بخشندگی است که تمام این مضامین رموزآه‌هایی هستند که علاوه بر اینکه مراتب اخلاص و اعتقاد راسخ شاعر به اهل بیت را به ما می‌نمایانند، بر اعتبار و تأثیر کلام و آوازه‌ی وی در عرصه‌ی ادبیات آیینی نیز می‌افزاید.

واژه‌های کلیدی: رموزآه، ابن حسام، دوزبانه‌ها، مناقب، حکمت.

مقدمه

محمد بن حُسام‌الدین حَسَن، معروف به ابن حُسام، از شعرای برجسته و صاحب‌نام قرن نهم هجری است که به سال ۷۸۲ هـ/ ۱۳۸۰م یا ۷۸۳ هـ/ ۱۳۸۱م در قریه‌ای به نام خوسف، واقع در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی بیرجند، دیده به جهان گشود. از دوران کودکی و تحصیلات او اطلاع چندانی در دست نیست؛ ولی آنچه مسلم است، وی از تربیت اخلاقی و دانشی پدر برخوردار بوده و خاندان وی همه اهل علم و فضیلت بوده‌اند و به پیشوایی شهرت داشته‌اند (آیتی، ۱۳۷۱: ۲۳۷؛ لامعی گیو، ۱۴۰۲: ۱۴۳).

اکثر تذکره‌نویسان و نویسندگان تراجم احوال از ابن حُسام و خاندان او به نیکی یاد کرده و وی را شاعری آراسته به صفات وزین اخلاقی و سجایای حمیده‌ی انسانی، چون زهد و تقوی و برکنار بودن از دربار صاحبان قدرت و اهل زر و زور، متصف دانسته و آورده‌اند: «با وجود شاعری، اهل قناعت و انقطاع بوده و از دهقنت نان حلال حاصل کردی و گاو بستی و صباح که به صحرا رفتی، تا شام اشعار خود را بر دسته‌ی بیل نوشتی، و بعضی او را ولیّ حقّ شمرده‌اند» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۲۳۰؛ شوشتری، ۱۳۵۴: ۶۷۶؛ لامعی گیو، ۱۳۹۴: ۳۵، ۳۷). چنانکه خود در برخی اشعارش به روح قناعت، مناعت طبع و انزواطلبی و دوری از مدح ارباب قدرت و مُکنت به‌وضوح اشاره می‌کند و چنین می‌گوید:

قناعت نمودم به کم توشه‌ای

همه سال و مه روی در گوشه‌ای

به یک قرص نان تا شب از بامگاه

قناعت کنم همچو خورشید و ماه

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۵).

ابن حسام شاعری آیینی و مذهبی است و سراینده‌ای به غایت خوش‌گوی که در انواع شعر طبع‌آزمایی نموده است. بیشتر سروده‌های وی در حمد و ستایش حضرت سبحان و نعت پیامبر (ص) و مناقب حضرت علی (ع) و اهل‌بیت است (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۳)؛ گفتارش مبین اخلاص و مراتب اعتقاد و ارادت به این خاندان بوده و این عشق و دل‌بستگی از تن و جان ابیات دیوانش تراوش می‌کند و زمینه‌های این همه شگفتی و شوریدگی از تربیت مذهبی صحیح او در خانواده‌ای اهل اندیشه و معرفت سرچشمه می‌گیرد (ارشادسرای، ۱۳۷۸: ۷۲).

بخش دیگر اشعارش به توصیف مظاهر طبیعت (چون افلاک، بهار، خزان، گل‌ها، ریاحین) و مدح برخی از بزرگان عصرش اختصاص دارد. یادگار ماندگار ابن حسام آثاری چون *خاوران‌نامه*، *نثراللالی*، *دلایل النبوة و نسب‌نامه و دیوان اشعار* است. مهم‌ترین اثر او *دیوان اشعار* مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، مثنویات و قطعات می‌باشد. باید توجه داشت که ابن حسام، با همه‌ی تنوع شعری که دارد، دارای سبکی مستقل نبوده و بیشتر مقلد شعرای پیش از خود می‌باشد؛ بدین بیان که در قصیده بیشتر خراسانی و در غزل عراقی است (ابن حسام، ۱۳۶۶، مقدمه؛ صفا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۱۸؛ لامعی‌گیو، ۱۳۹۴: ۷۵). یکی از هنرآفرینی‌های زیبای شاعر در *دیوان*، در کنار دیگر صنایع و آرایه‌های بیانی و بدیعی، نگاه ویژه‌ی او به صنعت تلمیع و یا دوزبانگی است که این امر رهین اشراف و تسلط او بر حوزه‌ی صرف و نحو و بلاغت عربی، آیات شریفه‌ی قرآن، احادیث و علم تفسیر است و غالباً در موضوع مدایح و مناقب پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) دیده می‌شود و مزین به اندرز و وعظ و حکمت‌هایی دل‌نشین بوده که هدف نویسنده در این مقاله واکاوی نمادواژه‌های دوزبانه در آن، با تکیه بر مفاهیم حکمی در مناقب نبوی و علوی، است. این شاعر عرصه‌ی حماسه‌ی دینی و مدیحه‌سرای با اخلاص نبوی و علوی در سال ۸۷۳ق درگذشت (صفا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۷۷) و در زادگاهش خوسف بر روی تپه‌ای به‌نام پایتخت آرمید و امروزه بارگاهش ملجأ اصحاب ادب و دوستداران شعر و شاعری است.

در باب ضرورت این پژوهش باید گفت از آنجا که پرداختن به میراث کهن ادبی خراسان ما را جلوه‌هایی تازه از ابتکارات، اندیشه‌ها و فضای علمی و فرهنگی گذشته آشنا می‌سازد، پژوهش

درباره‌ی بزرگان این حوزه، به‌عنوان سرمایه‌های منطقه‌ای و ملی، و شناخت افتخارات و آثار و احوال آن‌ها ضرورتی فرهنگی در حیطه‌ی وظایف محققین است که در این میان آثار ابن حُسام و دیگر اندیشوران این دیار قابلیت‌های گسترده‌ای برای بازیابی نظرات و تفکرات آن‌ها برای نسل جوان دارد. از دیگر سو، مضامین حکمی و اندرزهای این فرهیختگان کلیدواژه‌هایی است در مسیر هدایت و سبک زندگی واقعی که در ادامه، آن را در قالب زبان رمز مورد مذاقه و واریسی قرار می‌دهیم تا از این منظر بتوان به ارزش‌های ادبی و محتوایی کلام این شاعر پی برد.

در این پژوهش، با بررسی منابع و مدارک موجود در حوزه‌ی موضوع مورد مطالعه، تلاش شده برجسته‌ترین رموزآه‌های مترتب بر مضامین حکمی ابیات دوزبانه‌ی ابن حُسام، که مدح و منقبت پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) است، استخراج شود و با ذکر شواهد شعری و نیز اشارات قرآنی و حدیثی به تبیین موضوع با روش توصیفی و تحلیلی پرداخته شود؛ در این خصوص، پژوهنده بر آن است که به دو سؤال اساسی در این حیطه پاسخ دهد:

- مضامین حکمی به‌کار رفته در مدایح نبوی و مناقب علوی ابن حُسام مترتب بر چه موضوعاتی است؟

- آیا رموزآه‌های منتخب و مجموعه رمزها، هم‌سو با اندیشه‌های دینی اعم از قرآن و حدیث می‌باشد؟

پیشینه‌ی پژوهش

بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره‌ی ابن حسام خوسفی به زندگی‌نامه، اندیشه‌ها و اعتقادات و بررسی اشعار وی اختصاص یافته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مقاله‌ی «روان‌شناخت شعر ابن حسام خوسفی» نوشته‌ی اصغر ارشادسرابی (۱۳۷۸): نویسنده به روان‌شناسی شعر شاعر پرداخته و در چند محور عمده آن را مورد بررسی قرار داده است؛ بدین بیان که آرمان‌ها، دل‌نهادگی‌ها، مبانی اعتقادی و ادراکات این شاعر آیینی را هویدا نموده و مضافاً دیدگاه‌های منتقدان اروپایی در عرصه‌های نقد جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اصول روان‌کاوی را تبیین نموده است. در مقاله‌ی «شعر و شاعری از زبان ابن حسام خوسفی» (۱۳۷۸) از مرادعلی واعظی، نویسنده سعی نموده با تجزیه و تحلیل شعر ابن حسام، به‌ویژه قصاید،

نکته‌های اخلاقی و تجربه‌های علمی و عینی شاعر را مورد توجه و بررسی قرار دهد و در واقع او را از زبان خودش توصیف نماید. همچنین می‌توان به مجموعه مقالاتی که در بهار ۱۳۸۰ در *مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم/انسانی دانشگاه بیرجند* به چاپ رسید اشاره کرد که نویسندگان، علاوه بر معرفی شخصیت ادبی و دینی شاعر، شاخص‌های شعری او و جایگاه وی را در عصر خود، به‌عنوان یکی از پیشگامان فرهنگ و شعر آیینی، تبیین نموده‌اند؛ مضافاً در مقدمه‌ای که احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک بر *دیوان شاعر* نوشته‌اند، در بخش بررسی شعر ابن حسام، به تأثیرپذیری وی از شاعران متقدم به صورت مختصر و پراکنده اشاره شده است. تنها پژوهش نزدیک به این موضوع مقاله‌ی فرشته خاوری (۱۳۹۸) با عنوان «کاربرد اصطلاحات عرفانی در غزلیات ابن حسام خوسفی» است. او این نکته را ذکر کرده که ابن حسام برای بیان تجربیات عرفانی خود از الفاظ رمزگونه‌ی زلف، ابرو، چشم، لعل، خال و عشق بهره برده است که البته در بهره‌گیری از این اصطلاحات عرفانی به شاعران بزرگ سبک عراقی نظیر حافظ و عراقی نظر داشته است. لازم به ذکر است که نگارنده در این مقاله می‌کوشد با به‌کارگیری رمزواژه‌های عرفانی به مفاهیم و مضامین حکمی مستفاد از آن‌ها دست یابد. بنابراین برآن شده که، ضمن ذکر عین برخی از نمادواژه‌های مذکور، هدف مورد نظر را واکاوی نماید و تفاوت آن با مقاله‌ی مذکور در این است که نویسنده در آن صرفاً واژه‌های عرفانی را در حوزه‌ی غزلیات مورد بررسی قرار داده، ولی در پژوهش حاضر به هر دو وجه رمزواژه‌ها (عرفانی و مفاهیم حکمی) پرداخته شده است.

مفاهیم اصلی پژوهش

تلمیع

ملمّع در لغت برگرفته از واژه‌ی «لمعه» به معنی پاره‌ای از گیاه که خشک شده و باقی تر، و یا قسمتی از عضو که در شست‌وشو خشک مانده باشد، است. به بیان دیگر، این کلمه به بخشی از صفحه‌ی کاغذ و پارچه و نظایر آن که روشن و درخشنده و قسمت دیگرش تاریک و مکدر است، اطلاق می‌شود. پس کلمه‌ی مُلمّع یا لمعه به معنی چیزی است که از دو بخش ممتاز ترکیب شده باشد (همایی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). اما در اصطلاح ادبی، مُلمّع شعری است که یک یا چند مصراع

یا بیت غیرفارسی را در آن با مصراع‌ها و بیت‌های فارسی درآمیخته باشند و علمای علم بدیع سرودن چنین شعری را صنعت «تلمیع» خوانده‌اند و در بیشتر تعریف‌هایی که از آن ارائه داده‌اند به مُلمّعات منظمی اشاره کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که یک مصراع فارسی و مصراع دیگر عربی، یک یا چند بیت فارسی و یک یا چند بیت عربی باشد؛ به این هنر صعب شعری ذولسانین نیز می‌گویند (گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۴۸). گروهی از معاصران نمونه‌های غیرمنظم آن را نیز در نظر داشته‌اند. برخی مثلثات را نیز بدان ملحق کرده‌اند و برخی آن را در بین قالب‌های شعری آورده‌اند یا از انواع ادبی دانسته‌اند حال آنکه عموماً ملاک تعیین قالب‌ها طرز چینش قوافی است و معیار تشخیص انواع ادبی، موضوع آن‌هاست (خبازها، ۱۳۹۲: ۱۵۰). شایان ذکر است که در مُلمّع، بیت یا مصراع عربی (یا هر زبان دیگر)، باید سروده‌های خود شاعر باشد، نه اینکه از کسی یا جایی نقل قول (تضمین) کند (درستکار فسایی، ۱۳۸۰: ۹۱). ابن حسام در بکارگیری این فن نیز در اشعار خود تواناست. در بسیاری از اشعار دیوان وی، نشانی از این آرایه به چشم می‌خورد، از آن جمله برخی قصاید و غزلیات که به‌عنوان نمونه می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

غمزه هر لحظه به خونریز دلم تیز مکن	قَدْ كَفَانِي قَتَلْتَنِي زَمَرَاتُ الْأَلْحَاطِ
گر تو نرمی کنی امروز و درشتی نکنی	لَا يَضُرُّونَكَ فِي الْحَشْرِ شِدَادٌ وَ غَلَاظُ
شبهه گر می‌طلبی بر سخن ابن حسام	إِنَّهَا خَالِيَةٌ مِنْ شُبُهَاتِ الْأَلْفَاظِ

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴۷)

مُلمّع‌گویی در شعر فارسی از اوایل سده‌ی چهارم هجری آغاز شد و کهن‌ترین مُلمّع بازمانده از ابوالحسن شهید بن حسن بلخی، حکیم و شاعر معاصر رودکی، است (مدبری، ۱۳۷۰: ۲۷). دیگر نظم‌سرایان از این روش بهره برده و توانسته‌اند مُلمّعات زیبایی به‌صورت یک بیت عربی و یک بیت فارسی به رشته‌ی نظم آورند. اینک شایسته است که در ادامه، ارتباط آن را با حکمت واریسی نماییم.

پیوند حکمت با شعر

«حکمت» در کلام به معنی هر سخن نافع و سودمندی است که دربردارنده‌ی مواعظ و امثالی باشد که خواننده از آن بهره‌مند گردد و بیانگر ارزش‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، عقلانی و تربیتی است. عمل حکمی دربردارنده‌ی مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی است که ریشه‌ی اصلی آن را مشرق‌زمین دانسته‌اند (ناصری، ۱۹۹۵: ۹) و در اصطلاح عبارت از شناختن حقایق و رسیدن نفس انسان به کمال، چه از جانب علم و چه از جانب عمل، است. براین اساس، حکیم به معنای واقعی کسی را گویند که علاوه بر عالم بودن، خردمند و ناصح مردم باشد و راه درست زندگی کردن را به آن‌ها بیاموزد و به کسب فضایل و کمالات وادارد و راه سعادت و صلاح را به آنان بنمایاند (قفطی، ۱۳۴۷: ۲۸، ۳۶-۳۷).

یکی از راه‌های فراخوانی به سوی خدا حکمت است. حکمت یکی از علوم مورد توجه قرآن کریم است؛ این کلمه بیست بار در قرآن کریم آمده است. اولین نشانه‌های پیشرفت شعر حکمی را می‌توان در آغاز دوره‌ی جاهلی و قرن اول، به صورت بیت‌هایی در لابه‌لای قصاید، یافت. خاستگاه کلی امثال و حکم غالباً نتیجه‌ی روابط و حوادث عادی مردم است که تبیین‌کننده‌ی گفتمان ملت‌ها و آیین‌های تمام‌نمای زندگی آنان و رخدادهای اجتماعی و فردی آن‌هاست که در طول زمان‌ها و نسل‌ها دارای ارزش گردیده است که می‌توان آن‌ها را در عناصر فرهنگی و تاریخی ردیابی کرد (علی، ۱۹۸۳: ۲۲۶).

حکمت حقایقی را مدنظر قرار می‌دهد که شخص بعد از کندوکاو و تأمل به آن دست می‌یابد. حکما رویکردهای فردی و اجتماعی خود را در قالب سخنانی نغز و غالباً اشعاری تأثیرگذار بیان می‌کنند. حکمت اگر تجربه‌ای ذاتی نباشد، روشی در شعر است که صاحب آن، جهان و حقیقت اشیا را از دیدگاهی فلسفی و با تکیه بر فرهنگی که دارد به نظم درمی‌آورد (رضایی اردانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۹). حکمت‌های ابن‌حسام ریشه در قرآن و معرفت و شناخت شخصی او از عالم دارد که بررسی این حکمت‌ها ما را با شیوه‌ی تفکر و اندیشه‌ی دینی او آشنا می‌سازد.

رمزآژه

رمز در اصل واژه‌ای عربی است که به معنای ایما و اشاره به لب، چشم، ابرو، دهان، دست و زبان آمده است؛ همچنین آن را صدای آهسته، اشاره به ابرو و تعبیر بی‌کلام دانسته‌اند. در *لسان‌العرب* در تعریف آن آمده است: «آوای پنهان با زبان، مانند نجوا و یا حرکت دادن دو لب، با کلام غیر مفهوم با واژه و یا پنهان ساختن صدا با اشاره به لب» (ابن منظور، ۱۹۹۵، ج ۵، ذیل ماده‌ی «رمز»). اما رمز، در عرصه‌ی هر متنی، معنای خاص خود را می‌طلبد. در آثار عرفان و تصوف، «رمز عبارت از معنی باطنی است که مخزون است تحت کلام ظاهری که غیر از اهل آن بدان دست نیابند» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۴). در این تعریف، رمز به معنای «مرموز» یعنی پوشیده در زیر کلام ظاهر دلالت دارد و گوینده یا نویسنده با بیان روایتی که علاوه بر معنای ظاهر، معنایی پوشیده و مجازی دارد، توجه مخاطب را به تفهیم کلام، معطوف می‌نماید (همانجا). براین‌اساس، با نگاهی به معنای لغوی و معنای اصطلاحی رمز، می‌توان گفت: رمز، هر نوع اشاره، تصویر و علامتی است که بر معنایی به جز آنچه ظاهر نشان می‌دهد، دلالت می‌کند.

در کتاب *بلاغت تصویر*، اصطلاح ادبی «نماد ادبی» مانند «رمز» مطرح شده است و نویسنده آن را در زمره‌ی «صورت‌های خیال» نام برده است که صورت مرئی و آشکار آن در متن ادبی می‌آید و غرض یا همان معنای پنهان آن، ایده‌ای نامرئی است که به‌طور واضح اشاره‌ای به آن نمی‌شود؛ این نمادهای ادبی که در قالب واژه‌ها بروز می‌یابند ممکن است نام اشخاص، مکان‌ها، و ... باشند، و زمانی که در متن ادبی می‌آیند، به رمز بدل می‌شوند و قلمرو معنایی و عاطفی فراتری می‌سازند (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). نگاهی به فرهنگ‌نامه‌های رمزهای عرفانی به وضوح نشان می‌دهد که اگرچه شارحان و مفسران کوشیده‌اند برای نمادهای شعر عرفانی مفاهیمی را طرح نمایند، اما هنوز هم آن مفاهیم انتزاعی و مبهم به نظر می‌رسند؛ بنابراین، نماد، تصویری از مفاهیم دنیای غیب به وسیله‌ی امری حسی ارائه می‌دهد و در حکم عکسی مادی از تجربه‌ای باطنی و ناخودآگاه است که تجربه‌ای ناگفتنی و مفهومی رازناک را به تصویر می‌کشد (همان: ۱۶۴). این بن‌مایه‌ها که ریشه در اشتراک انسان‌ها دارد، تأثیری شگرف بر تفکر اندیشمندان و بزرگان از جمله عارفان می‌گذارد که برای انتقال اندیشه‌ی خویش بدان توسل می‌جویند، تا آنجا که برای تعبیر دقیق و مناسب مفاهیمی که شخصیت‌های علمی در معانی جدید مطرح می‌نمودند و

اصطلاحی شدن کلمات که موجب عدم درک مباحث پیچیده، حتی برای بزرگان اهل معرفت گردید، نمادها شکل گرفت و اظهار احساس و حالات درونی در لفظ و لغت نمود پیدا کرد و در قالب استعاره و ایهام و مجاز و استفاده از زبان رمز برای مقابله با متظاهران و ریاکاران صاحب قدرت و حاکمیت، زمینه‌ی پیدایی اصطلاحات عرفانی شد (همان: ۲۷۷؛ خاوری و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۹۶-۲۹۷).

از آنجا که ابن‌حسام شاعری است که در همه‌ی قالب‌های شعری (قصیده، غزل، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعه و...)، پای در جای اسلاف بزرگ شعر و ادب گذاشته و به‌خوبی در سبک، وزن و مضمون از آنان پیروی نموده، می‌توان اذعان داشت که به‌کارگیری رموز و نمادهای شعری او، که رنگ و لعاب عرفانی دارد و بیشتر در غزلیات او قابل مشاهده است، برگرفته از مصطلحاتی است که بزرگانی چون حافظ، خواجه‌ی کرمانی، انوری و خاقانی در اشعارشان به کار برده‌اند و این شاعر، با بهره‌گیری از ذهن و زبانی فیاض و خلاق، آن‌ها را در ساختمان گفتار خویش به‌زیبایی جای داده است.

رمزهای عرفانی در ملامت ابن‌حسام با توجه به محورهای اصطلاحات عرفانی (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳) و تصویرهای نمادین عرفانی (فتوحی رودمجنی، ۱۳۸۵: ۲۱۳) دسته‌بندی شده‌اند که برای این منظور با عنوان مجموعه‌ی تصویری رمزها یا زنجیره‌ی رمزهای کیهانی، انسانی، سفری، خمیری و نوری در این پژوهش مورد واریسی قرار گرفته است.

تأثیرپذیری ابن‌حسام از رموز و نمادهای شعری سبک خراسانی و عراقی

ابن‌حسام خوسفی از جمله شاعرانی است که در سبک سخن خویش، به‌ویژه در قالب قصیده و غزل، به استقبال شاعران سبک خراسانی و عراقی رفته است و بخش بزرگی از خلاقیت هنری وی از رهگذر این امر شکل یافته است؛ بدین معنا که او هرچند نمادگرا نیست، ولی مقلد رمز-واژه‌هایی است که شاعران برجسته‌ی پیشین چون رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، مسعود سعد، خیام، سنایی در منظومه‌های خویش به کار برده‌اند. ناگفته نماند که ابن‌حسام، جدای از رموز و نمادهای، در زمینه‌ی وزن و قافیه و ردیف و مضمون و گاه درج اشعار نیز از این بزرگان پیروی نموده است (ذبیحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰۵؛ لامعی گیو، ۱۳۹۴: ۶۹، ۱۳۱).

غزلیات ابن حسام معدن گران‌سنگی از اصطلاحات و رموزی است که شور و شوق عارفانه را در خواننده ایجاد می‌کند. او برای بیان تجربیات عرفانی خود از الفاظ رمزگونه‌ای همچون زلف، ابرو، چشم، لعل و خال بهره برده است که آشکار است در همه‌ی این موارد تعریض به شاعران گذشته خویش داشته است (خاوری، ۱۳۹۶: ۱).

باید توجه داشت اگرچه در دیوان ابن حسام کاربرد این اصطلاحات رمزگونه در حد و حیطة‌ی شاعران پیش از او نیست ولی وام‌گیری او در این حوزه ما را با باورها، انگاره‌ها و اعتقادات مذهبی و آیینی این شاعر آشنا می‌سازد (همان: ۵). تنها هنرمندی ابن حسام در قصاید و غزلیات، که نمود ویژه‌ای دارد، این است که وی در کنار استفاده از رموزآه‌ها بسیاری از اشعار را با مضامین قرآنی و حدیثی همراه ساخته و این امر مبین رویکرد دینی و مذهبی شاعر در مناقب و مدایح است.

در دیوان ابن حسام نام شعرایی بزرگ ذکر شده و بنا بر شواهد هرچند خود از سنت‌های ادبی و فن سخنوری و نظم آگاه بوده و بر علوم مختلف تسلط داشته ولی از اندیشه‌ی اسلاف و مضامین شعری آنان بهره جسته است؛ به طوری که از فردوسی، حماسه‌سرای بی‌نظیر ایران، در سرودن *خاوران‌نامه* تقلید کرده و اشاراتی به اشعار ظهیرفاریابی، خاقانی، انوری، سنایی، خواجوی کرمانی، کمال‌الدین اسماعیل و... دارد و گاه در ردیف‌های شعری و سبک از آنان پیروی و زمانی اشعارشان را تضمین کرده و حتی قصاید مصنوع او، از جمله التزام شتر حجر و قصیده‌ی سحریه، تقلیدی از قصاید مصنوع قوامی مطرزی، سید قوام‌الدین ذوالفقار و سلمان ساوجی است (ابن حسام، ۱۳۶۶: ۱۸؛ صفا، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۷۴-۱۷۵). یکی از شاعرانی که زیاد مورد توجه ابن حسام قرار گرفته، حسّان بن ثابت، شاعر و مدّاح پیامبر(ص)، است. ابن حسام خود را «حسّان پارسی» می‌داند و این را موجب مباهات و افتخار خویش می‌شمارد؛ زیرا تا آن زمان هیچ شاعر ایرانی و فارسی‌زبانی به اندازه‌ی او به توصیف مدایح و تبیین مناقب و تشریح مصائب آیین محمدی و طریقت علوی عنایت نداشته است (واعظی، ۱۳۷۸: ۱۰۳؛ لامعی‌گیو، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۵۲). در این پژوهش نیز به برخی از مناقب اهل‌بیت (ع) پرداخته شده است که نشان‌دهنده‌ی ارادت این شاعر به این خاندان است.

تجلی مضامین حکمی در ملامت ابن حُسام

از جمله هنرهای زیبای ابن حُسام که در فضای قصاید، غزلیات و دیگر انواع شعر او بسامد بالایی دارد، آرایه‌ی لفظی مَلَمَع است که نشان از اشراف شاعر بر فرهنگ، اندیشه و زبان عربی و احاطه‌ی علمی او بر قرآن و حدیث دارد که، در نهایت فصاحت و مهارت و با رویکرد حکمی، خوانندگان را به سفره‌ی مائده‌ی اندرزهای زندگی فرامی‌خواند.

باید دانست که رویکرد شعرا به دوزبانگی، علاوه بر اینکه صنعتی ادبی است، نوعی تفاخر شاعر به توانایی‌های ادبی و تسلط بر زبان دوم نیز محسوب می‌شود؛ همچنین حوزه‌ی مطالعاتی و اشراف وی را در علوم مختلف مشخص می‌سازد. از جمله شعرای بزرگی که، به پیروی از سخنوران پیشین، به صنعت تلمیع تمسک جسته و توانسته است با هنرمندی بر علوم مختلف عصرش، به بیان مضامین قرآنی، حدیثی، عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و به‌ویژه حکمی بپردازد، ابن حُسام خوسفی است (لامعی گیو، ۱۴۰۳: ۱۴۶).

از آن جا که ابن حُسام شاعری اجتماعی است، پیوند و رابطه‌ای قوی با جامعه دارد. او، حین مدح و منقبت اولیای خدا، صفات پسندیده‌ی را همراه با اصطلاحات رمزگونه عرفانی به کار برده است. علاوه بر این، با بیان شکل مثبت کلام خود برای بیان مدح و منقبت بزرگان درگاه الهی در پی بیان توصیه‌ها و صفات اخلاقی به همگان است و مردم را از داشتن رذایل اخلاقی برحذر می‌دارد. در این بحث به بیان چندی از مضامین حکمی که بیانی موجز و دارای مفاهیم عمیق دانشی است، به همراه اصطلاحات و کلمات کلیدی و رمزگونه عرفانی در ملامت ابن حُسام، به‌ویژه در مناقب حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع)، پرداخته می‌شود.

- روح و تکامل معنوی

روح، حقیقتی است که هر انسانی در جهت تکامل و تعالی از آن بهره می‌گیرد. ابن حُسام نیز اوج تکامل انسان را پرورش و تربیت روح و نفس برمی‌شمارد. چنانکه پیامبر(ص) با گذر از عالم روحانی (فرشتگان)، به‌ویژه جبرئیل امین، پا فراتر نهاد و به عرش ربوبی، که تجلی فنا فی الله است، سیر نمود:

إِذْ تَجَاوَزَ مِنْ مَقَامِ الرُّوحِ بَلَّغَ رَفْرَفًا ثُمَّ سَارَ بِرَأْفَةٍ حَتَّىٰ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَا

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۳)

ابن حُسام، همچون بسیاری از اندیشمندان، بر این باور است که برای رسیدن به اوج و مقام قرب الهی بایستی زنجیر تعلقات مادی را گسست تا به مقام و درجه‌ی اعلیٰ رسید. او وصال روح پاک به درک حقیقت هستی را در تزکیه و پالایش آن می‌داند:

سمع دل بگشای تا در عالم معراج روح بشنوی آواز سبحان الّذی أسرای من
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۰۳)

– سرنوشت و تقدیر

یکی از جلوه‌های حکمی شعر ابن حُسام، تسلیم بودن او در برابر مقدرات الهی است؛ بدین معنا که او به واسطه‌ی توکل به خالق جهان هستی در برابر اراده و حکمت و مشیت الهی سر تسلیم و اطاعت فرود می‌آورد و به همین سبب در مواجهه با حوادث تلخ در کشتی نجات تقدیر می‌نشیند تا با امید و اعتماد به خداوند، نجات یابد. «حکم الهی در اعیان موجودات را بر آن نحو که هست که احوال جاری از ازل تا ابد را قضا گویند» (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۴۰).

إِلْتَقَى الْمَاءَ الْعَذَابَ عَلَىٰ قِضَاءٍ قَدْ قُدِّرَ فِي سَفِينَتِهِ النَّجَىٰ مِنَ الْهَلَاكِ فَقَدْ نَجَا
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴)

در اندیشه‌ی شاعر، آنچه از طرف خداوند معین و مقدر شده حتمی است که سبب خرسندی و خوشحالی او در برابر مصائب و گرفتاری‌های زندگی است و مبین این نکته می‌باشد که انسان باید در حوادث سخت و مشیت الهی تسلیم رضای پروردگار باشد؛ زیرا تنها اوست که بنده‌اش را در آخرین لحظات سختی‌ها نجات می‌بخشد و چراغ هدایت را فراروی او قرار می‌دهد.

– توسل و توجه به سیره‌ی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

ابن حُسام بسیار به دینداری خویش می‌بالد و، در غالب اشعار، ارادت و توسل خود را به اولیای الهی ابراز می‌دارد؛ به گونه‌ای که نام پیامبر را حرز حصین خود در برابر آفات، و اخلاق نیکویش را دوی هر درد می‌شمارد:

إِسْمُهُ الْمَيْمُونُ فِي الْآفَاتِ حِرْزٌ حَارِسٌ خُلُقُهُ الْعُظْمَىٰ دَوَاءٌ كَافِيٌّ مِنْ كُلِّ دَاءٍ
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴)

حضرت علی (ع) در اندیشه‌ی مسلمانان و همچنین ابن‌حسام، به واسطه نزدیکی به حضرت حق، تجلی دهنده‌ی صفات الهی است و همچنین به خاطر فداکاری‌ها که در راه اسلام کرده به‌عنوان نگهدارنده‌ی سنت اسلامی و ازبین برنده‌ی کفر و آثار کفرانگیز است.

كَاشِفُ سُرٍّ وَ عَلَنُ كَشَافٍ لَوْ كَشِفَ الْعَطَا
حامی فرض و سنن ماحی ظلم و کفر و کین
(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۱۱۹)

ابن‌حسام، حضرت علی(ع) را به‌عنوان اسطوره‌ای معنوی معرفی می‌کند تا بدانجا که والاترین بزرگی‌ها و مراتب برتری را در حضرت علی (ع) می‌بیند و درفش ولایتعهدی پیامبر (ص) را در وجود نازنین ایشان متجلی می‌داند:

مَنْ أَدْرَكَ الْعَلَى فَأَعْلَى الْعُلَا عَلِيٍّ
از ضرّ و از بلا به پناه علیّ شتاب
قَدْ كَانَ فِي الْوَلَاءِ لَوِيُّ الْوَلَا عَلِيٍّ
زیرا که هست کاشف ضرّ و بلا علیّ
(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۱۲۷)

– صداقت و راستی

یکی از ویژگی‌های زیبا که انسان‌های عارف و اولیای الهی بدان آراسته‌اند راست‌گویی است، و ابن‌حسام پیامبر را پیامبری صادق و درست‌کردار و شفیع دل‌سوز و مهربان روز جزا می‌شمارد:

الرَّسُولُ الصَّادِقُ الصِّدِّيقُ فِي تَبْيَانِهِ
الشَّفِيعُ الْمُسْتَشْفَعُ الْمُسْتَشْفَعُ يَوْمَ الْجَزَا
(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۳۲)

ابن‌حسام، علاوه بر راست‌گویی، به صفت دل‌سوزی پیامبر(ص) نسبت به پیروانش نیز اشاره دارد و امید دارد همه در روز قیامت مورد شفاعت او قرار گیرند.

– زهد و بی‌اعتباری دنیا

دل‌بستگی به دنیا در نزد عارفان بسیار مذموم و بد است و ابن‌حسام وصال عشق و محبوب را دارای ارزش والا می‌داند که دنیا را باید برای آن رها کرد:

نثار خاک راهش کن جهان و هرچه اندر وی
إِذَا لَاقَيْتَ مَحْبُوبًا دَعِ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا
(ابن‌حسام، ۱۳۶۶: ۸۰)

البته وصال و رسیدن به محبوب نیاز به سعی و تلاش دارد که این دلیل بر خردمندی انسان عارف است که در مسیری درست، سعی و تلاش کند:

بر طریق لیسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى جز درین معنی نکوشد خاطر دانای من
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۰۸)

امتزاج شعر و مفاهیم عرفانی بر کسی پوشیده نیست. متون عرفانی چه نظم و چه نثر، علاوه بر مسائل ذوقی و بیان سیر و سلوک شاعر یا نویسنده‌ی آن، در بردارنده‌ی بن‌مایه‌های فراوان و متنوع عرفانی هستند. شاعران بزرگی چون سنایی، عطار، حافظ، مولانا و شیخ محمود شبستری، در ضمن آثار و اشعار خویش، مفاهیم غنی و اصطلاحات و تعبیر متنوع عرفانی را به کار برده‌اند. دیوان ابن حسام نیز کم‌وبیش این اصطلاحات دیده می‌شود؛ هر چند کاربرد آن به پای شاعران فوق‌الذکر نمی‌رسد، ما را با باورها و اعتقادات مذهبی این شاعر آیینی آشنا می‌سازد (خاوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹۷). در ادامه به رموز و آیه‌های به کار رفته در مُلَمَّعات می‌پردازیم.

رمز در مُلَمَّعات ابن حسام خوسفی

ابن حسام، شاعر و عارف دین‌شناس و متدینی است که برای بیان حالات عرفانی و مفاهیم حکمی خود از زبان رمز استفاده کرده است. رمزهای عرفانی در مُلَمَّعات او را می‌توان در چند مجموعه‌ی رمزی تقسیم‌بندی کرد که از جمله: مجموعه رمزهای کیهانی، رمزهای انسانی، رمز-های سفری، رمزهای نوری، رمزهای عرفانی و رمزهای جانوری و طبیعی است.

– مجموعه رمزهای کیهانی

این دسته از رموز، عالم طبیعت و کهکشان را با تجربه‌ها، الهامات و دریافت‌های معنوی و عرفانی سالک متصل می‌کند. عارفان آفتاب، ماه و ستارگان را، به دلیل نورانیت، مراتب تجلی حق دانسته‌اند. ابن حسام معشوق خویش را در زیبایی، ماه‌روی می‌داند که می‌تواند نمادی از تجلیات انوار الهی باشد که پیوسته می‌تابد:

رویت بر آسمان لَعْمَرُکَ مَهَ تمام در باغ فَاَسْتَقِمَ قَدَ تو سرو راستین
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۵)

در جایی دیگر ابن حُسام، خورشید را نماد علم و دانایی محبوبش می‌شمارد و این حقیقت را این چنین بیان می‌دارد که:

پرده‌گشای سر سلوئی و لو کشفِ مَنْ كَانَ فِي الْعُلُومِ كَشْمِسِ الْمُنَوَّرِي

(ابن حَسام، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

این بیت اشاره به فراز «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» دارد (علی بن ابیطالب، ۱۳۹۲: ۲۶۴)؛ عبارتی است از امام علی (ع) که به گستردگی علم او اشاره دارد.

روشنایی و وجود مصفا و پاک معشوق ابن حسام در آسمان‌ها مشهود است؛ به گونه‌ای که نور ستارگان زینت‌دهنده‌ی شب هستند و این روشنایی را از درخشندگی ارواح می‌شمارد:

و زینت مصابیحها الدجی فلکاً زواهر اللمعات تشعشعت برواح

(ابن حَسام، ۱۳۶۶: ۱۳۹)

ابن حسام از رموز کیهانی، به ویژه آنچه در شب عیان است، در جهت صفات و ویژگی‌های محبوب خویش بهره برده است.

– مجموعه رمزهای انسانی

اعضا، جوارح و ویژگی مرتبط به آن نیز از رموز انسانی عرفانی می‌باشند.

۱. دهان و لب لعل

دهان و لب لعل، که در شعر ابن حسام نمود یافته، کلام گرانبهای معشوق است که به صورت غیرمستقیم سبب زنده شدن روح عاشق می‌شود:

تَغْرُهُ كَالدَّرِ مَكْنُونًا بِلَعْلِ كَاتِمٍ أَوْ كَبْرِدٍ مُبْهِمٍ لِأَزَالِ فِي جَوْ السَّمَا

(ابن حَسام، ۱۳۶۶: ۳۲)

همچنین لعل، گوهر معروف نزد عارفان است که در دل درویش نهفته می‌باشد و اسرارش را فقط بر اهل آن هویدا می‌کند، به گونه‌ای که فروغی بسطامی می‌گوید:

گاه از لعل تو می‌گویند و گاه از لب جام ساقی بی‌خبران طرفه خبرها دارد

(فروغی، ۱۳۳۶: ۸۶)

۲. زیبایی و جمال

زیبایی و جمال از مظاهر و تجلیات معشوق است که ارتباط شگرف بین عاشق و معشوق را آشکار می‌سازد که این نشان کمال معشوق از جهت استغنا از عاشق، و تجلی اوصاف لطف و

رحمت خداوند است. شاه نعمت‌الله ولی این تصویر را این گونه تبیین می‌سازد که: «جمال، تجلی حق است به وجه حق و برای حق و جمال مطلق را جلال است و این قهاریت جمال است. هر جمالی، جلالی دارد و هر جلال، او را جمالی است» (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۸۸). ابن حُسام جمال معشوق را، که جامع همه صفات نیک و پسندیده است، چنین به نظم می‌کشد:

يَا جَمِيلَ الْحُسْنِ أَحْسَنَ بِي بِوَجْهِ مُحْسِنٍ يَا كَرِيمَ الْبَدَلِ أَكْرَمَنِي بِلَا مَنِّ السُّؤَالِ
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۰)

زیبایی و جمالی که ابن حُسام از معشوقش می‌خواهد زیبایی حقیقی است که در درون آدمی به امانت گذاشته شده و موجب تحریک ذوق و سبب آرامش روح می‌گردد.

۳. چشم و نگاه عشق

چشم، که وسیله‌ای برای شهود حق است، در شعر ابن حُسام، جذبه‌ی الهی است که ابن حُسام معشوقش را در نهایت شوق و رغبت معرفی می‌کند و دوست دارد معشوقش او را نظاره کند:

يَا مَنْ إِلَيْكَ غَايَةُ شَوْقِي وَرَغْبَتِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ أَنْتَ بَعَيْنَ التَّنَاطُرِي
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

همچنین درخواست ابن حُسام برای نگریستن معشوق به او بیانگر آگاهی و بینش الهی او هست که سیر و سفر درونی او را از جهان مادی به جهان بالاتر و عمیق‌تر فراهم می‌سازد.

۴. قرب الهی

قاب قوسین که فاصله‌ی دو کمان و مأخوذ از آیه‌ی ﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ (نجم: ۹) می‌باشد، مبین حد فاصله‌ی پیامبر(ص) با جبرئیل هنگام نزول وحی است. همچنین «قاب اشاره به دایره وجوب و امکان؛ و قوسین اشاره بدین دو دایره است. چون سالک قدم از مقام هستی بیرون نهد و فانی شود، در وجود حق منطوی می‌گردد و دایره امکان قرب به دایره وجوب؛ و وجوب و امکان یکی می‌شود» (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۳۲). قاب قوسین، نزد ابن حُسام، مقام قرب الهی است که هر که را بخواهد آن را به دایره‌ی وجود خویش می‌خواند:

قَالَ عَزَّ وَجَلَّ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِهِ لَيْلَةً مِنْ مَسْجِدِ الْأَقْصَى إِلَى قُرْبِ دَنَّا
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۳)

مقام قربت قدر تو قاب قوسین است در آن حریم که کونین را نباشد بار

(همان: ۶۷)

از منظر ابن حُسام، قاب قوسین پلی بین جهان مادی و معنوی است که فقط خواص می‌توانند به آن قدم نهند و کسانی را که دل‌بسته‌ی دنیا هستند، در این حریم راهی نیست. براساس دیدگاه ابن حُسام، انسان خلیفه‌ی الهی و مظهری از عالم صغیر است که در حقیقت عصاره‌ی عالم کبیر است و روحش، اثبات وجود عالم کبیر است. در واقع، انسانی که توانایی معراج دارد مختصری از کل عالم است که در ظاهر، عالم صغیر و در معنی، عالم کبیر است.

- مجموعه رمزهای سفری

شاعر مراحل سیر و سلوک و تهذیب نفس را نوعی سفر می‌داند؛ گاه از این سفر عرفانی با عنوان «سفر آسمان» یاد می‌کند. از الزامات سیر و سلوک، تهذیب دل است و این دل را گاهی اوقات با رمز «دریا» بیان می‌کنند (آقاحسینی و معینی فرد، ۱۳۸۹: ۲). در مجموعه رمزهای سفری از مراحل تهذیب نفس، به طریقت (یعنی راه) تعبیر می‌شود و اصطلاحات «سیر» و «سلوک» هم در شبکه‌ی رمزهای سفری قرار می‌گیرند.

ابن حُسام، با الهام از آیه‌ی (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ) (الرحمن: ۱۹)، به این نتیجه می‌رسد که در یک محیط بودن، نمی‌تواند موجودات را همسان و هم‌بسته هم کند؛ همانگونه که برای قطره‌ی دریا و دریا - هرچند هر دو آب هستند - وحدت روحی لازم است تا انس و الفت شکل گیرد.

رشحهُ دریاش با دریای عصمت رفته باز پس ندای مجمع البحرین یَلْتَقِيَانِ زده

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۴۹)

کف دریا از منظر ابن حُسام هر چند کم اهمیت جلوه می‌کند، اما در واقع سخاوت محبوب است، همانند قطره‌ی کوچک آبی که خاک زمین را آبیاری می‌کند. در واقع، کف مانند سرپوشی است که بر دریا نهاده شده، اما این کف هم نمی‌تواند مانع عطای دریا شود:

کف دریا عطای او به هنگام سخای او كَمَزْنِ هَاطِلٍ يَرُوۤى تُرَابَ الْاَرْضِ فِي الْبَيْدَا

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۷۸)

معصیت همچون دریایی است که فرد اگر در کشتی امن الهی قرار نگیرد، در آن غرق می‌شود. هرچند اگر فردی در این باتلاق گرفتار آید، نباید از رحمت الهی ناامید شود:

هرچند غرق بحر معاصی و ذلتیم از کنت فی سفینتھم لا علیّ بأس

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۲۵)

اینکه ابن حسام خود را غرق در گناه می‌داند، لزوماً دلیل بر این نیست که او مرتکب گناه شده، بلکه به این دلیل است که انسان زاهد در محضر خدا خود را کوچک می‌داند و نشان از تواضع و فروتنی انسان‌های عارف نزد خداوند است.

۱. توحید

در شعر ابن حُسام، توحید یا وحدانیت به معنای منزّه بودن ذات خداوند از هرگونه نقصان و کاستی است؛ بدین معنا که او تنها مالک، معبود و یاری‌رسان است و در بیت زیر نیز به این مضمون اشاره شده است:

ای مالک ممالک ایّاک نَعْبُدُ و ای سالک مسالک ایّاک نستعین

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۵)

و یا در جایی دیگر، آورده:

عالم وحدت چه عجب عالمیست مبدأ او را نبود انتها

منتھی اندر ره توحید بین بی خبر از سابقه‌ی ابتدا

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳)

این ابیات شاهد روشنی بر یکتایی خداوند و ازلی بودن اوست و مبین این نکته است که نه آغازی برای وجود وی بوده و نه او را پایانی است. به بیان دیگر، او ابتدا و انتهای هر چیزی است و بر همه‌ی امور آفرینش آگاه و بیناست. چنانکه در قرآن می‌خوانیم: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (حدید: ۳). در تکمیل این معنا (توحید)، ابن حسام، در فرازی از قصیده‌ای دیگر، وجدانیت خداوند را اینگونه به نظم می‌کشد:

سُبْحَانَكَ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ يَقِيناً عَفْرَانُكَ وَالرَّحْمَةُ نَرْجُو وَ أَمَانَهَا

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۸)

۲. پایداری و استقامت

استقامت یعنی پایداری و مقاومت در راه حق که یکی از ارکان سلوک الی الله است؛ بدین معنا که سالک باید در طی مسیر معرفت بتواند میان طاعت و اجتناب از گناه فرق گذارد و تنها دیده‌ی دل به نور الهی‌اش خوش دارد. چنانکه ابن‌حُسام این معنا را در قصیده‌ای که در منقبت پیامبر (ص) است، با الهام از آیه‌ی شریفه‌ی قرآن چنین بیان می‌کند:

رویت بر آسمان لَعْمَرُک مَه تمام در باغ فَاسْتَقِمِ قَد تو سرو راستین
(ابن‌حُسام، ۱۳۶۶: ۵۵)

یا در جای دیگر آورده:

ای عطای استقامت بر قد قدر تو راست و ای قبابی فَاسْتَقِمِ بر سرو بالای تو راست
(ابن‌حُسام، ۱۳۶۶: ۴۴)

در این ابیات شاعر به نوعی پیامبر (ص) را الگوی پایداری در برابر سختی‌ها و ناملایمات و پرهیز از خطا و اشتباه، به‌ویژه گناه، می‌داند تا چون سروی راست قامت، اسوه‌ی حسنه‌ی جهانیان باشد.

۳. سدره‌المنتهی

سدره به معنای درخت سدر است، و منتهی مکانی است در آسمان ششم یا آسمان هفتم که علم اولین و آخرین بدان منتهی می‌شود و امر الهی از آن نزول می‌کند و آنچه از عالم پست و سفلی صعود می‌کند بدان منتهی می‌گردد. به عقیده‌ی عبدالرزاق کاشانی، سدره‌المنتهی برزخیت کبری است و سیر کاملان به‌سوی آن بود (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۶۰). در شعر ابن‌حُسام، رسیدن به سدره‌المنتهی، که در نعت سیدالمرسلین بیان شده، رسیدن به کمال انسانی است:

ای ترا بر مسند عزت شب قرب و وصال منتهای سدره ادنی پایه‌ی قدر و کمال
(ابن‌حُسام، ۱۳۶۶: ۴۷)

در تکمیل این معنا، در مسمّطی که به ذکر فضایل پیامبر (ص) می‌پردازد این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد و چنین می‌گوید:

منتهای سدره، ادنی پایه‌ی معراج اوست خود تمام است این کرامت سدره را تا منتها
(ابن‌حُسام، ۱۳۶۶: ۴۳۶)

۴. علم

علم، که در عرف به معنای دانستن و دانش به کار می‌رود، در عرفان و طریقت، نوری است که خداوند در دل بنده‌اش می‌افکند تا همچون چراغی هدایت‌بخش او را در سفر معنوی‌اش راهنمایی کند؛ زیرا بدون آگاهی و دانستن راه به بیراهه خواهد انجامید. از منظر ابن حسام، علم آفتابی است که انسان را از کفر و معصیت و آز و طمع باز می‌دارد و سرمایه‌ی دین و سعادت آدمی است و چنین می‌گوید:

آفتابی است علم نورانی	تا نیوشی و را به سایه‌ی خویش
قدر علم خود ار همی دانی	مر طمع را مدار مایه‌ی خویش
چون طمع بر تو سرفراز شود	بفکند علم را ز پایه‌ی خویش

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۷۳)

مضاف بر این، ابن حسام آگاهی و شناخت را زیربنای خداشناسی و معرفت می‌شمارد و آن را، همچون درّی گرانبها، ارزشمند می‌داند و می‌گوید:

ای درّ گرانبه‌ی دریای وجود	بر قامت تو قبای زیبای وجود
خواهی که خدای خویش را بشناسی	خود را بشناس ای شناسای وجود

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۹۷)

شاعر علمی را مفید و نشانه‌ی رهیافتگی به سعادت می‌شمارد که عمل، مؤید آن باشد و گرنه آن را ناقص و به دور از فضیلت محسوب می‌نماید، چنانکه آورده:

فضیلت در کمال علم ذات پاک او را بود	فَلَوْلَا أَنَّهُ أَعْلَىٰ بِقَدْرِ الْعِلْمِ مَا لَوْلَا
-------------------------------------	---

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۷۷)

۵. بلا

بلا، مصیبت و زمینه‌ی امتحان و آزمایش سالک‌ی‌الله است (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۴۶) و اینکه هر چه بلا و گرفتاری بر بنده بیشتر و سخت‌تر باشد، مقام قربش نزد خداوند افزون می‌گردد. همانگونه که حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «سخت‌ترین بلاها ویژه‌ی انبیا و سپس اولیا و سپس

افضل و افضل است و ما جمع پیامبران، دشوارترین بلاها را تجربه کرده‌ایم» (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۹۹). انسان در سفری درونی و قلبی که به سوی کمال دارد، می‌بایست ریاضت‌ها و رنج‌هایی را متحمل شود تا شایسته‌ی دریافت انوار الهی گردد. ابن حسام بلا را از ویژگی‌های انسان‌های سخاوتمند می‌داند، به‌گونه‌ای که فرا رسیدن بلا را مژده می‌دهد و از حضرت ایوب (ع) به‌عنوان نمادی از کسانی که در برابر بلاها صبر می‌کنند، یاد می‌کند:

مژده آرگُض برچلک یادکن ایوب را کان بلاکش در بلاء رنج کرمان مبتلاست
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۴۵)

۶. رجا

رجا به معنای امیدواری و دل‌بستگی به انجام شدن کاری در آینده است (دهخدا، ۱۳۹۰: ذیل واژه‌ی رجا). امیدواری یکی از عوامل حرکت، جنبش، تغییر و تحول در سفر است؛ زیرا به او اطمینان و آرامش می‌بخشد و عزم و اراده‌ی او را در مسیر راه قوام می‌دهد؛ چنانکه شاعر اشاره می‌کند:

مَنْ يَلْتَجِي إِلَيْكَ رَجَاءً فَيَنْتَجِي وَ اللَّهُ لَا يُحَسِّرُ يَوْمَ التَّحَسُّرِ
آنک التجا به حضرت با رفعت تو کرد ایمن شد از عواقب دوران داوری
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۰۱)

او ناامیدی از خداوند را جایز نمی‌شمارد بلکه امید داشتن به مبدأ هستی را تحفه‌ای شایان می‌داند و می‌گوید:

ندارم تحفه‌ای شایان درگاه بجز لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۴۸۸)

همچنین، در مراحل عرفان و سلوک «خوف و رجا» در کنار هم قرار دارند و برای عارفان، «بیم و امید»، سرمایه‌ی سلوک و همچنین ره‌توشه‌ی پیمودن راه معنی است.

۴-۴- مجموعه رمزهای نور

رمزهای «نور» و «ظلمت» و «نار» در این سامانه قرار می‌گیرند. منشأ و سرچشمه‌ی این اندیشه هم می‌تواند قرآن کریم و هم عقاید ایران باستان باشد. براساس اعتقادات زرتشتیان، اهورامزدا، که نام آفریدگار نیکی‌ها است، از آغاز زمان، درگیر نبرد با نیروی پلید «اهریمن»، که «انگره مینو» یا «روح ویرانگر» نیز نامیده می‌شود، گردیده است. اهریمن و اهورامزدا دو روح هم‌زاد شمرده می‌شوند؛ باوجود این، اهریمن موجودی تنزل‌یافته است و نمی‌توان او را نظیر اهورامزدا شمرد. اهورامزدا در روشنی و نور زندگی می‌کند؛ درحالی‌که، هم‌زاد او در تاریکی و سیاهی کمین کرده است. نبرد آن‌ها، که در آن بدی همواره تلاش می‌کند نیکی را شکست دهد، ساختار اساسی اساطیر اوستایی و زرتشتی را تشکیل می‌دهد (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۶۹). براین اساس، می‌توان نور را رمز روشنی و هدایت و فاصله گرفتن از تاریکی و ظلمت، و در مقابل آن، سیاهی و تاریکی را نماد افتادن در کج‌راه گمراهی دانست.

۱. نور

با نگرش به برخی آیات قرآنی، مانند ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (نور: ۳۵)، «نور» را می‌توان رمز «خدا» دانست و با توجه به آیات دیگر، «نور» رمز هر چیزی است که به خدا مربوط می‌شود، از قبیل پیامبر، قرآن، صراط مستقیم. در شعر ابن حُسام، نور بیشتر رمزی از اولیای الهی است. او در نعت پیامبر، گوهر وجودی پیامبر را نور معرفی می‌کند که وجودش با خلقت حضرت آدم (ع) هم‌زاد است و مسجود فرشتگان نیز واقع شده است:

إِذْ تَلَّأَ مِنْ جَبِينِ أَبِيهِ آدَمِ نُورُهُ صَارَ مَسْجُوداً لِسُكَّانِ السَّمَاءِ عَلَى الْمَلَأِ

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۳)

ابن حسام حتی وجود پیامبر را به ابتدای خلقت نسبت می‌دهد و علت مسجود شدن حضرت آدم (ع) را نیز وجود پیامبر معرفی می‌کند. ابن حسام به صورت غیرمستقیم سجده‌ی فرشتگان به آدم را سجده‌ی فرشتگان به همه‌ی انسان‌های نیک، به‌ویژه رسول خاتم (ص)، می‌داند:

نور پاکت در جبین بوالبشر موجود بود زان جهت مسجود سکنان السموات العلاست

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۴۴)

ابن حُسام به صورت صریح وجود پیامبر را نور معرفی می‌کند که روشنایی بخش و هدایت‌کننده‌ی افرادی است که در تاریکی ظاهری و باطنی گم شده‌اند:

وَجْهُهُ نُورٌ عَلَى نُورٍ كَبْرَقِ لَامِعٍ أَوْ كَمِصْبَاحٍ مُضِيٍّ فِيهِ مِشْكُوهُ الدُّجَا

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۱)

«مشکوه» ظرفی بلورین است که در آن چراغی روشن می‌کنند و نور از آن به همه طرف منعکس می‌شود (دهخدا، ۱۳۹۰: ذیل واژه‌ی مشکوه) و در قرآن کریم، خداوند به نور مشکوه تشبیه شده است: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾ (نور: ۳۵).

عارفان و سالکان، جهان هستی را دریای نور می‌دانند. به عقیده‌ی عزیزالدین نسفی، باطن وجود، نور است و هر سالکی باید به این نور برسد. همچنین او کسانی که در دریای نور غرق شده‌اند را شامل افرادی می‌داند که با مردم در صلح باشند یا با مردم به مهربانی رفتار کنند (سجادی، ۱۳۸۳: ۳۸۵ - ۳۸۶). منظور از اینکه جهان هستی، دریای نور است، این نیست که تمام جهان دارای نور ظاهری است بلکه منظور، نور وجودی است که همیشه حتی در تاریکی شب نیز جاری است. ابن حُسام نیز نور ستاره‌ها (نور ظاهری) را فانی معرفی می‌کند که روزی، تاریکی بر آن‌ها غلبه خواهد کرد، اما نور وجودی اولیای الهی جاودانه است و روشنایی آن برای اهل دل، وضوح بیشتری دارد:

تَوَقَّدَتْ لَمَعَاتُ النُّجُومِ فِي الظُّلْمِ وَ نَوَّرَتْ بِضِيَاهَا الْمَسَاءَ لِلإِضَاحِ

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۳۹)

به عقیده‌ی سهروردی، شیخ اشراق، نور مجرد دارای مراتبی است؛ مانند نورالانوار (خداوند) که اختلاف مراتب انوار مجرد به کمال و نقص آن است نه به نوع آن (Adamson, 2016: 320). از نظر ابن حُسام نیز نور، معادل خداست و پیامبران و اولیای الهی نزدیک‌ترین نورها به نورالانوار هستند.

۲. ظلمت

ظلمت، در نزد عارفان، رمز وجود مادی و جسمانی و مراتب مختلف و مظاهر متفاوت آن مانند تن، نفس، مزاج و طبیعت است. در نزد ابن حُسام، ظلمت، تاریکی طبیعت است:

أَوْمَصَ الْبَرْقُ الَّذِي مِنْ نُورِهِ فِي ظُلْمَةٍ إِسْتَنَارَ بِهِ كَلِيمُ اللَّهِ نَاراً إِذْ رَأَى

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴)

همچنین، برق نیز، در نزد عارفان، اول نوری است که بر بنده ظاهر می‌شود و او را برای دخول به قرب الهی برای سیر فی الله می‌خواند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). ابن حُسام نیز، با الهام از قرآن، بازگشت حضرت موسی(ع) به مصر و دیدن برق و نور در تاریکی را مقدمه‌ای برای دخول به حریم امن الهی و همچنین انتخاب او به پیامبری معرفی می‌کند.

۳. آتش

براساس آیات قرآن، دو وجه مثبت یا منفی برای «آتش» می‌توان در نظر گرفت (شادالویی، ۱۳۸۶: ۲۱۲): آتش عشق و آتش فروزان که از انوار صفات حق سرچشمه می‌گیرد و در دل دوستان است و از طرفی نقطه‌ی مقابل آن مثل: نور سیاه، نور شیطان قرار می‌گیرد. ابن حُسام، نار حارق را بسان عشقی می‌داند که سبب سوختن دل عاشقانش شده است؛ به‌گونه‌ای که حتی نیزه‌ی معشوق نیز آتش سوزان است:

تف سنان تو بر سان برق بارق شد که نار حارق او سوخت سینه‌اشرار
سَيْفُكَ الْقَهَّارُ بَرْقٌ بَارِقٌ رُمُحُكَ الْجَرَّارُ نَارٌ حَارِقٌ

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۶۶)

- مجموعه رمزه‌های جانوری و طبیعت

حیوانات و جانوران، به‌عنوان نماد، منعکس‌کننده‌ی مظاهری از باورها و تجربه‌های انسانی است و همچنین پیچیدگی ذهن را نشان می‌دهد که اغلب مظه‌ری از صفاتی است که انسان از آن می‌ترسد یا به آن آرزومند است. از جمله‌ی این حیوانات، اژدها است که در ادبیات عرفانی کنایه از نفس آماره و مظهر صفات رذیله همچون غضب و شهوت است؛ اما در فرهنگ چینی، ظهور اژدها به منزله‌ی «تائو» است که نیرویش جهان را پر کرده و افراد تنها لحظه‌ای ناظر آن هستند

(هال، ۲۲:۱۳۹۰). اژدها در شعر ابن حُسام مظهري از انسان کامل همچون حضرت موسی (ع) است که هم قادر به ایجاد اژدهاست و هم نفس اماره را به عنوان اژدها سرکوب می کند:

آن نهنگ اژدهاپیکر به معجز چون کلیم گاه ثعبان ساخته گه بر سر ثعبان زده
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۴۹)

ابن حُسام نهنگ، که یونس (ع) را بلعید، را به عنوان نماد جرأت و شجاعت آورده است.

۱. آب

آب، به عنوان ماده سیال، در آثار صوفیان به معنای معرفت و فیض است، البته به معنای حقیقت روحانی نیز آمده است که صرف عبث و بیهوده‌ی آن باعث رکود و خشکی چشمه‌ی روحانی و معنوی باطن سالک می شود (گوهرین، ۱۳۷۶: ۱۲۴):

قَدْ أَجَابَتْهُ الْجِبَالُ الرَّاسِخَاتُ وَ كَلَّمَتْ حَيْثُ طَلَبَ الْمَاءَ مِنْهَا عَاطِشًا وَ قَدْ ابْتَغَى
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴)

«بزرگداشت آب در قدیم مانند بزرگداشت کوه حتی به شکل بزرگتر جلوه دادن فیزیکی آب‌ها نیز صورت می گرفته است. در بندهش از یک دریاچه «باهمیت» موسوم به سوبر (Sobar) در ناحیه نیشابور یاد شده که در واقع استخر کوچکی است بر بالای کوهی در همان نواحی!» (قرشی، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

در اوستا، کوه هم به صورت "کنوف" و هم "گئری یا گری" و در پهلوی "کوف" یا "گری" آمده است. کوه در اوستا با صفات پاکی و آسایش‌دهنده آمده و نزد ایرانیان باستان از مکان‌های مقدس بوده است (راشدمحصل و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۲). کوه، در شعر ابن حُسام، نمادی از انسان‌های صبور است که همچون کوه استوار، مقاوم و آسایش‌دهنده هستند.

۲. درخت

درخت، در حوزه‌ی نمادشناسی، یکی از پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین واژه‌هاست و در فرهنگ همه‌ی ملت‌های جهان، به خصوص در فرهنگ ایران قبل و بعد از اسلام، همواره ارزشی نمادین داشته و همچنان پدیده‌ای رازآمیز و فراسویی همیشه گرامی و ارزشمند و در باور بسیاری از مردم نماد زندگی بوده است. بسیاری درخت را نمودی عادی از طبیعت دور از رازناکی و دشواری می‌پندارند؛ اما پوسته‌ی ستر و نگارین درخت درون آن را پوشانده است و پرداختن به آن به

ظاهر ساده می‌نماید؛ ریشه‌هایش از درون‌مایه‌های عمیق‌تر، آب می‌خورد و به عرفان و دل‌آگاهی راه می‌برد (پورخالقی چترودی، ۱۳۸۱: ۲). درخت در شعر ابن حُسام چون محافظی برای سالک و نگهدارنده‌ی او از دشواری‌ها و ناملایمات است:

حَقَّتِ الْأَشْجَارُ فِيهَا بَيْنَهُ مِنْ حَوْلِهِ ثُمَّ صِرْنَ لَهُ حِجَابًا وَافْتَخَرْنَ بِمَا خَلَا
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۳۴)

درختان در این بیت گویی فرد را در آغوش خود کشیده‌اند و این رمزی از پرورش‌دهندگی و حیات‌بخشی معشوق است.

– مجموعه رمزهای عرفانی

در این مجموعه شاعر واژگان متفاوتی را در منظومه‌های غزلی خود آورده که در حوزه‌ی عرفان قابل توجه است.

۱. ساقی

ساقی در ادبیات عرفانی بر معانی متعدد اطلاق می‌شود، گاه کنایه از فیاض مطلق و گاه بر ساقی کوثر. همچنین به استعاره از آن، مرشد کامل نیز اراده کرده‌اند. علاوه بر این، مراد از ساقی، ذات به اعتبار حب ظهور و اظهار است (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۵۲). ساقی در شعر ابن حُسام گاهی به معنای اولیای الهی، از جمله حضرت علی (ع)، به کار رفته است.

أَسْقَى بِذِي الْخِمَارِ شَرَابًا بِسَيْفِهِ اندر سرش هنوز خماریست و مسکری
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

«شراباً بِسَيْفِهِ» در وصف و مدح امام علی (ع) گفته شده است و مستی، در زبان عارفان، رمز محبت است. ترکیب «شراب شمشیر» نشان و نتیجه‌ی آن مستی و خماری است؛ به‌گونه‌ای که نتیجه‌ی آن محبت است. از طرفی، معشوق برای پیمودن راه عشق باید از خود بی‌خود و مست معرفت باشد و با دیدار محبوب به هوشیاری برسد. همچنین، شراب نشان‌دهنده‌ی شوق و شعف فراگیر و سعادت‌مندی شاعر از ارتباط با محبوب خویش است. ابن حسام به طور محسوس ارادت خود را به امیرالمؤمنین ابراز کرده است:

باشد به حکم نص سقا هم به روز حشر بر ساکنان جام سَقِيهِمْ سقا علیّ
(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۲۷)

۲. جام عشق

محبت، محب، محبوب یا عشق، عاشق، معشوق مهم‌ترین سرشاخه‌های مجموعه رمزهای شوق عرفانی است؛ بنابراین شاعر از جام عشق الهی و معنوی می‌نوشد:

دفع خمار باده فاصدع ز جام عشق ساقی سلسبیل ترا پر کند ایاغ

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۵۴)

عشق حقیقی ابن حُسام، علاوه بر اینکه جام سالک را از محبتش پر می‌کند، پرده‌ی غفلت را از صورتش می‌زداید. سلسبیل در قرآن، چشمه‌ای بهشتی است: (عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا) (انسان: ۱۸) و ساقی سلسبیل نیز از دیدگاه ابن حُسام، همچون بسیاری از روایت‌ها، امیرالمؤمنین است که پیروان و دوستانش را از آن می‌نوشاند.

۳. ساغر

ساغر به ظرف و جام شراب اطلاق می‌شود. در عرفان، دل عارف است که انوار غیب الهی در آن مشاهده می‌شود (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۵۱). ساغر در شعر ابن حُسام، که به همراه «جام سقیهم ربهم» آمده، سبب شوق و شغف معشوق است:

ساغر و جام سَقِيْهَمْ رَبُّهُمْ برداشته پس ندای تشنگان وادی ایمان زده

(ابن حُسام، ۱۳۶۶: ۱۴۸)

باید توجه داشت که رمزرفته‌های عرفانی در دیوان ابن حُسام محدود به چند نمونه‌ی ذکر شده در این مقاله نیست، بلکه به جرأت می‌توان گفت که شاعر در اشعارش، و به‌ویژه غزلیات، برای بیان مقصود و سیر در طریقت معرفت، واژه‌های متفاوتی را در قالب رمز مورد عنایت قرار داده و به واقع این رمزها، به نوعی مبین مراحل سیر و سلوک عرفانی او در رسیدن به حب و قرب الهی است که در این میان پربسامدترین این زنجیره‌ی رمزی را می‌توان در واژگانی مثل عشق، زلف، عارض یار، گیسو، ابرو، مژه، دهان و لب لعل بررسی کرد که در حقیقت این رموز، نشانه‌هایی از روح پاک و بی‌آلایش شاعر است که در راه محبت و ارادت به حضرت حق و پیامبرش و به‌ویژه وصی حضرتش، حضرت علی (ع)، ظاهر ساخته است.

نتیجه

ظهور حکمت در شعر به گونه‌های متفاوت در شعر شعرا تجلی یافته و شاخص‌ترین صورت آن در قالب رموز و نمادهایی در حوزه‌ی عرفان و دین نمایان شده است؛ تا آنجا که بنیان متون دینی و عرفانی منظوم و منثور بر این اساس پی‌ریزی گشته است. در فرهنگ اسلامی و ادبیات دینی، قرآن مهم‌ترین منبع رمز را فراروی ما قرار می‌دهد و ما را با گستره‌ی حکمت، که نقش سازنده‌ای در هدایت جامعه و افراد دارد، آشنا می‌سازد. در این میان، ابن حسام همچون دیگر شعرا ادبیات آیینی در گفتارش بدین معنا توجه داشته و در بسیاری از آثار شعری‌اش، آیات و مضامین قرآنی را زینت‌افزای سخنش نموده است که در همه‌ی آن‌ها رگه‌های حکمت و اندرز به چشم می‌خورد. در ملامت ابن حسام، که غالب آن مشتمل بر مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است، مضامین حکمی بسیاری به هدف وعظ و اندرز، چون قضا و قدر، زهد در دنیا، وحدت، تجلی روح، انسان‌دوستی و گرایش به نیکی‌ها و سجایای حمیده‌ی اخلاقی همچون عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، مناعت‌طبع، ایثار، بخشندگی وجود دارد که در این پژوهش این موارد را در مجموعه رموزهای کیهانی، انسانی، سفری، نوری، عرفانی، جانوری و طبیعی تقسیم‌بندی نموده‌ایم.

ابن حسام در مجموعه رموزهای کیهانی، با محسوس کردن تجربه عرفانی، مراتب تجلی حق را نشان می‌دهد.

در بافتار رموزهای انسانی، وی به مقایسه‌ی اجزای عالم صغیر با عالم کبیر می‌پردازد. محبت، محب، محبوب یا عشق، عاشق، معشوق مهم‌ترین سرشاخه‌های مجموعه رموزهای انسانی است. علاوه بر آن، به مواردی چون گیسو، جلال، جمال، حسن، میل، ناز، چشم، رخ می‌توان اشاره کرد. در مجموعه رموزهای سفری از مراحل تهذیب نفس به طریقت، یعنی راه، تعبیر می‌شود و اصطلاحات «سیر» و «سلوک» هم در مجموعه رموزهای سفری قرار می‌گیرند.

در رشته رموزهای نوری، ابن حسام با تعبیری چون «نور» و «ظلمت» که یادآور اندیشه‌ی دوگانه و عقاید ایران باستان مبنی بر فرمانروایی دو نیروی نیکی و بدی در جهان است و همچنین سرچشمه‌ی دیگر این نوع زنجیره که آموزه‌ها و آیات قرآن کریم است، منظور از نور را خداوند می‌داند که هیچ نوری بالاتر از آن نیست و دیگران از آن پرتو می‌گیرند. در این سامانه، سالک با

انواع نور همراه می‌شود از جمله نور هدایت و نور عنایت. اما نورالانوار، خداست. ابن‌حسام نور را معادل خدا دانسته و پیامبران را همراه با نور خدا می‌بیند.

در مجموعه رمزهای شوق و وجد عرفانی، عشق موهبتی الهی است که خداوند به بسیاری از بندگان هدیه داده است؛ و ناتوانی پاره‌ای از بندگان در درک آن، به آلوده بودن آئینه‌ی روح آن‌ها نسبت داده می‌شود. سالک برای پیمودن راه عشق و معرفت باید مست شراب معشوق خود باشد. ابن‌حسام توجه بسیاری به مدح و منقبت عاشقان حقیقی راه حق، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، دارد و از وجودشان باده‌ی عشق می‌طلبد تا با دیدار محبوب به هوشیاری برسد.

در سامانه‌ی رمزهای جانوری و طبیعی، از محیط طبیعی پیرامون خود و جانورانی چون نهنگ اژدها که هم نشان نفس و هم نماد انسان کامل است، برای بیان مفاهیم عرفانی و ذهنی خود کمک گرفته است. و در نهایت می‌توان گفت این رموزها کلیدهای ورود به حوزه‌ی معرفت و خودشناسی برای رسیدن به محبوب، که همان قرب الهی است، می‌باشد.

شایان ذکر است که هرچند برخی رموزها را شاید به ظاهر نتوان در حوزه‌ی عرفانی قرار داد، لیکن هر یک به نوعی بی‌ارتباط با این عرصه نمی‌باشد؛ در واقع، حوزه‌ی عرفان گستره‌ی وسیعی را در اشعار ابن‌حسام به خود اختصاص داده است.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۴). (ترجمه محمد مهدی فولادوند). تهران: دارالقرآن الکریم.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ابن‌حسام خوسفی، محمد (۱۳۶۶). *دیوان*. (به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۵). *لسان‌العرب*. الجزء الخامس. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- ارشاد سرابی، اصغر (۱۳۷۸). روان‌شناخت شعر ابن‌حسام خوسفی. *خراسان پژوهی*، ۲(۱۴)، ۷۰-۹۰.
- اسماعیلی، مسعود (۱۳۹۹). تحلیل مقوله بلا و درد و رنج در عرفان ابن عربی. *فصلنامه علمی-پژوهشی قبسات*، ۲۵(۹۶)، ۱۲۳-۱۵۱.
- آقاحسینی، حسین، و معینی فرد، زهرا (۱۳۸۹). بررسی بینامتنی تصویر دریا در غزلیات شمس. *پژوهش‌های ادب عرفانی*، ۴(۱۵)، ۱-۲۸.
- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۱). *درخت شاهنامه (ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه فردوسی)*. مشهد: پیمان.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- خاوری، فرشته، جدیدالاسلامی، حبیب، و رومیانی، بهروز (۱۳۹۸). کاربرد اصطلاحات عرفانی در غزلیات ابن‌حسام خوسفی. *فصلنامه عرفان اسلامی*، ۱۵(۶۰)، ۳۱۶-۲۹۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *لغت‌نامه*. تهران: پارمیس.
- ذبیحی، رحمان، نورایی، الیاس، و جلوذاری، یونس (۱۳۹۲). تأثیرپذیری ابن‌حسام خوسفی در قصیده و غزل از شاعران سبک خراسانی و عراقی. *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر ادبی بهار ادب*، ۶(۱)، ۲۰۵-۲۲۴.
- راشدمحصل، محمدرضا، بهنام‌فر، محمد، و زمانی‌پور، مریم (۱۳۹۱). تجلی کوه در ایران باستان و نگاهی به جلوه‌های آن در ادبیات فارسی. *مجله مطالعات ایرانی*، ۱۱(۲۱)، ۱۱۹-۱۴۵.

- رضایی اردانی، فضل الله، و هاتفی مجومرد، غلامرضا (۱۳۹۶). درون مایه اشعار حکمی ناصر خسرو و ابوالعناهیة. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۱ (۴۴)، ۴۵-۷۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *در قلمرو وجدان*. چاپ اول. تهران: علمی.
- علی بن ابیطالب (۱۳۹۲). *نهج البلاغه (ترجمه‌ی محمد دشتی)*. قم: نشتا.
- سجادی، جعفر (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. چاپ هفتم. تهران: طهوری.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*. (به اهتمام و تصحیح ادوارد براون). چاپ اول. تهران: اساطیر.
- شادلویی، سیما (۱۳۸۶). *آتش در عرفان اسلامی و زردشتی*. *مجله ادیان و عرفان*، ۴ (۱۱)، ۲۰۹-۲۳۸.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴). *مجالس المؤمنین*. (به کوشش کتابچی). ج ۲. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۳). *گنج سخن*. ج ۲. چاپ هفتم. تهران: ققنوس.
- (۱۳۶۶). *تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی*. چاپ پانزدهم. تهران: فردوس.
- علی، محمدعثمان (۱۹۸۳). *فی أدب ما قبل الإسلام*. الطبعة الثانية. بیروت: دارالأوزاعی.
- فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- فروغی بسطامی، عباس (۱۳۳۶). *دیوان کامل فروغی بسطامی*. به کوشش حسین نخعی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- قرشی، امان الله (۱۳۸۰). *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی*. چاپ اول. تهران: هرمس.
- قفطی، جمال الدین علی بن یوسف (۱۳۴۷). *تاریخ الحکماء* (ترجمه بهین دارایی). تهران: دانشگاه تهران.
- گرگانی، محمدحسین (۱۳۷۷). *ابدع البدیع* (به اهتمام حسین جعفری). تبریز: احرار.
- گوهرین، سید صادق (۱۳۷۶). *شرح اصطلاحات تصوف*. چاپ دوم. تهران: هامون.
- لامعی گیو، احمد (۱۳۹۴). *حسان پارسی؛ شرح احوال و دقائق افکار ابن حُسام خوسفی*. بیرجند: چهاردرخت.

----- (۱۴۰۳). واکاوی ساختار لفظی و محتوای ملمّعات در مناقب علوی ابن‌حسام خوسفی.

مجله مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان، ۱۸(۲)، ۱۳۶-۱۶۷.

مدبّری، محمود (۱۳۷۰). شرح احوال شاعران بی‌دیوان. تهران: پانوس.

ناصیف، امیل (۱۹۹۵). أروع ما قیل فی الحکمه. بیروت: دارالجیل.

واعظی، مرادعلی (۱۳۷۸). شعر و شاعری از زبان ابن‌حسام. خراسان پژوهی، ۲(۱۴)، ۹۱-۱۰۶.

هال، جیمز (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. چاپ پنجم. تهران: فرهنگ

معاصر.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صنایع ادبی. تهران: اهورا.

Adamson, P. (2016). *Philosophy in the Islamic World*. Oxford. Oxford University Press.

A Study of Sound Induction in the Folk Songs of Southern Khorasan in Light of Maurice Grammont's Theory

Abbas Vaezzadeh¹

Mahdiyeh Bagheri²

Received: 06/03/2025

Accepted: 11/10/2025

Introduction

Khorasan is widely regarded as a cradle of poetry and song, boasting the greatest variety of folk poetry in Iran. According to Zolfaghari, of approximately 370 native Iranian songs, Khorasan accounts for 41 varieties, representing about 14% of all Iranian folk song types. The region's climatic diversity, coupled with the multiplicity of ethnicities and cultures in Greater Khorasan, as well as its vast geographical expanse, has embedded poetry and song deeply into the cultural fabric of its people. These poems, performed with singing and instrumental accompaniment, not only convey narratives and social stories but also reflect the beliefs and emotions of the local population. The folk songs of South Khorasan, characterized by native imagery and simple language, maintain a profound connection with the everyday lives of the people. They are performed in various ceremonies as integral elements of the region's cultural identity and have consistently contributed to reinforcing its social and cultural cohesion. This study aims to investigate the role of sound insinuation in the songs of Khorasan's folk music and its impact on the listener's consciousness and emotions. The central question of this paper is:

- ✓ What constitutes the insinuation of sounds in the lyrics of Khorasani folk music according to Maurice Grammont's theory?

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: Vaezzadeh_abbas@birjand.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0001-7314-2366>

2. PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author)
Email: mahdiyeh-bagheri@birjand.ac.ir
<https://orcid.org/0009-0009-3961-2120>



COPYRAGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

Research Method

This study, grounded in Maurice Grammont's theory of the "allegory of sounds" examines and analyzes local songs endorsed by South Khorasan Radio and Television. From a total of twenty-nine songs approved by the Poetry, Music, and Song Center of South Khorasan Radio and Television between 2022 and 2024 and registered on the center's website, ten representative local songs from South Khorasan were selected for detailed examination and analysis. The selected songs were categorized according to vowel types in accordance with Grammont's classification. Each song was analyzed to explore the relationship between vowels and consonants and the song's themes, subjects, and the implicit meanings they convey, particularly in evoking emotions and concepts. Grammont's framework classifies phonemes—both vowels and consonants—to investigate the allegorical function of speech sounds. He categorizes vowels into three types: light, bright, and dark. According to Grammont, bright vowels depict clear sounds, light vowels evoke loud and resonant sounds, and dark vowels suggest vague or incomplete sounds. Consonants are divided into four types: obstruents, nasals, slurs and fricatives, each of which, he argues, elicits specific meanings and emotional responses.

Findings

Following Grammont's theory, the songs were categorized into three groups based on their dominant vowels: bright songs, clear songs, and dark songs. Bright songs predominantly feature bright vowels (a & â), clear songs predominantly contain light vowels (e & i), and dark songs primarily use dark vowels (o & u). Analysis revealed that among the ten songs, six were dominated by bright vowels, two by light vowels, and two by dark vowels. In other words, 60% of the songs featured bright vowels, 20% light vowels, and 20% dark vowels. Bright vowels were generally associated with evoking joy and hope, with songs containing these vowels typically conveying themes of charm, romance, and emotional uplift. Conversely, dark vowels were more closely linked with feelings of sadness and melancholy. Consonantal patterns also played a significant role in shaping the emotional character of the songs. Obstructive consonants appeared in 70% of the songs, creating rhythmic emphasis. When combined with other consonants, obstruents could produce contrasting emotional effects, such as simultaneously evoking joy and sorrow. Flowing consonants (e.g., l, r) paired with obstruents often generated a calming effect, a pattern frequently observed in poems addressing love, loyalty, and nature, thereby fostering intimacy and empathy. Interestingly, the combination of obstructive consonants with nasal consonants (m, n) was observed to induce a sense of peace and satisfaction, which deviates from Grammont's original theoretical predictions. Overall, the interplay between vowel and consonant patterns significantly contributes to the transmission of thematic meaning, enhancing the expressive power of the songs and reinforcing the intended emotional impact.

Conclusion

This research shows that the folk music of South Khorasan employs linguistic elements (both vowels and consonants) to convey specific concepts and emotions. According to Maurice Grammont's theory, sounds in this region's music play a significant role in evoking meanings and emotional responses. Bright and clear vowels predominantly instill feelings of joy and hope, whereas dark vowels tend to evoke sadness and introspection. The findings further indicate that the phonetic and semantic structures in South Khorasan's folk songs function synergistically. These features not only facilitate the communication of the lyrics' literal meaning but also effectively convey the deeper emotions and thoughts embedded within the text to the audience.

Keywords: Induction of sounds, folk songs, South Khorasan, Maurice Grammont.

References

- Barkhordar, I. (2001). *Music at different regions of Iran*. Tehran: General Directorate of Sound Research and Development. [In Persian]
- Falaki, M. (2023a). The foot of the cinnamon Tree. Retrieved April 10, 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Falaki, M. (2023b). The saffron scent. Retrieved on 10 April 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Ghavimi, M. (2004). *Voice and inspiration: An approach to Akhavan-Sales's poetry*. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Honarmandfard, S. (2023). Violet flower. Retrieved on 20 April 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Mohammadzadeh, G. (2015). A dictionary of Torbat Jam's music. Tehran: Sure-ye Mehr. [In Persian]
- Mokhtari, G. & Hadifard, F. (2016). The suggestiveness of sounds in the sermon on Jihad based on Maurice Grammont's Theory. *Alavi Journal of Research*, 7(13), 111-137. [In Persian]
- Mokhtari, G. & Yadegari, M. (2017). Voice harmony in the 16th and 17th parts of the Holy Quran based on Maurice Grammont's theory. *Literary-Quranic Studies*, 5(1), 1-27. [In Persian]
- Mozaffari, S. & Rahimi, K. (2014). The Function of phonetic harmony in conveying meaning based on Maurice Grammont's theory: A case study of Surahs Hud and Yusuf. *Quranic Studies*, 27(105), 25-44. [In Persian]
- Parsai, M, Heydarian Shahri, A. R. (2010). Inductive sounds in the obituaries of Badr Shakir al-Sayyab Based on Maurice Grammont's theory. *Arabic Language and Literature*, 12(23), 112-130. [In Persian]
- Parvin, N., Moein, J. & Mirdamadi, S. M. (2013). Cognitive analysis of inductive sounds in the verses of Hajj (Based on Maurice Grammont's viewpoint). *Cognitive Stylistic Studies of the Holy Quran*, 7(1), 48-70. [In Persian]
- Sadifi, M. M. (2004). *Introduction to the Music of the East and the West*. Tehran: Research & Development of Sound. [In Persian]
- Sahebi, M. (2023a). Khorasani tribe. Retrieved April 10, 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Sahebi, M. (2023b). Orange. Retrieved April 10, 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Shafiei Kadkani, M. R. (2009). Music of poetry. Tehran: Agah. [In Persian]
- Shahdadi, A. (2023a). Medium-skinned lover. Retrieved April 10, 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Shahdadi, A. (2023b). When are you coming? Retrieved April 10, 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Surgi, S. (2023a). Samand horse. Retrieved on 10 April 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Surgi, S. (2023b). Henna Henna. Retrieved on 10 April 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]

- Surgi, S. (2023c). New Year. Retrieved on 10 April 2025 from <https://musicofice.irborg.ir> [In Persian]
- Zakeri, G.; Shabanlu, A. & Farzad, A. (2017). Sound and meaning in Shahnameh. *Poetry Studies*, (31)1, 97-120. [In Persian]
- Zolfaghari, H. (2016). Native Varieties of Khorasan Songs. *Modern Literary Essays*, 49(3), 127-154. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

بررسی القاگری آواها در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی بر اساس نظریه‌ی موریس گرامون

عباس واعظزاده^۱مهديه باقري^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_231831.html

چکیده

موریس گرامون، زبان‌شناس فرانسوی، در نظریه‌ی خود بر تأثیر آواها (واکه‌ها و هم‌خوان‌ها) و ویژگی‌های صوتی آن‌ها در القای احساسات، حالات و تصاویر ذهنی در شعر و ادبیات تأکید دارد. این نظریه به بررسی نقش آواها در ایجاد حس زیبایی‌شناختی، عاطفی و معنایی در متن می‌پردازد. هدف این تحقیق تحلیل نحوه‌ی تأثیر آواها در اشعار ترانه‌های محلی خراسان جنوبی بر اساس اصول نظریه‌ی القاگری آواهای موریس گرامون است؛ در این راستا، به‌منظور بررسی تأثیر آواها در انتقال مفاهیم و معانی، محتوای اشعار ترانه‌های محلی خراسان جنوبی مورد تحلیل قرار گرفته است. این ترانه‌ها از بین ۲۹ ترانه مصوب واحد شعر، موسیقی و سرود صداوسیماي خراسان جنوبی، در بازه‌ی زمانی ۱۴۰۰ - ۱۴۰۲ انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در ۶۰٪ ترانه‌های بررسی‌شده واکه‌های درخشان (ـَ و آ)، برای توصیف صحنه‌ها و مناظر پرشکوه و شخصیت‌ها؛ در ۳۰٪ ترانه‌ها، واکه‌های روشن (ـِ و ای) برای بیان اندیشه‌های نشاط‌انگیز، دلکش

vaezzadeh_abbas@birjand.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

<https://orcid.org/0000-0001-7314-2366>

Baqrym319@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

<https://orcid.org/0009-0009-3961-2120>

COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

و عاشقانه؛ در ۱۰٪ ترانه‌ها واژه‌های تیره (و و او) برای بیان افکار تیره و حزن‌انگیز استفاده شده است. در ۷۰٪ از ترانه‌ها نیز از هم‌خوان‌های انسدادی، اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق)، استفاده شده است تا احساسات شاعر، اعم از خشم، شادی و تردید، را با بسامد بالا به مخاطب القا کنند. واژه‌ها و هم‌خوان در اغلب این ترانه‌ها در انتقال مفهوم مورد نظر شاعر مکمل همدیگر بوده‌اند. در برخی ترانه‌ها هم‌خوان‌هایی مانند خیشومی (م، ن) معنی متضادی برخلاف نظریه‌ی موریس گرامون القا می‌کردند. در نهایت، این تحقیق نشان داد که آواهای موسیقی خراسان جنوبی مفاهیم و احساسات مد نظر شاعر را همان‌طور که موریس گرامون بیان کرده است به مخاطب منتقل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: القاگری آواها، ترانه‌های محلی، خراسان جنوبی، موریس گرامون.

مقدمه

خراسان را مهد ترانه و آواز و دارای بیشترین گونه‌های شعر عامه دانسته‌اند. بنا بر احصای ذوالفقاری، از حدود ۳۷۰ بومی‌سرود ایران، خراسان، با ۴۱ گونه، حدود ۱۴٪ از تمام گونه‌های بومی‌سرودهای ایران را به خود اختصاص داده است. تنوع اقلیمی و اقوام و فرهنگ‌های مختلف خراسان بزرگ در کنار وسعت آن باعث شده است شعر و ترانه در گستره‌ی وسیعی به‌عنوان جزئی از فرهنگ مردم این منطقه درآید. تمام این اشعار که با آواز و ساز اجرا می‌شوند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۷)، علاوه بر بیان داستان‌ها و روایت‌های اجتماعی، بازتاب‌دهنده‌ی باورها و احساسات مردم منطقه نیز هستند. ترانه‌های محلی خراسان جنوبی، با استفاده از تصاویر بومی و زبان ساده، ارتباط عمیقی با زندگی روزمره مردم دارند و به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی منطقه، در مراسم مختلف اجرا می‌شوند و همواره نقش مهمی در تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی این منطقه ایفا کرده‌اند.

موسیقی خراسان به‌طور کلی به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: موسیقی با متر آزاد (مقام‌ها) و موسیقی با متر معین (ترانه‌ها) (سدیقی، ۱۳۸۰: ۲۹). موسیقی با متر معین، در اشکال مذهبی، حماسی و توصیفی، در نقاط مختلف خراسان، از جمله جنوب خراسان، ارائه می‌شود. در این‌گونه‌ها، مضامین مذهبی و حماسی، در غالب مقام‌های متریک، با کاربرد ویژه‌ای از واج‌ها و

صداها نمایان می‌شود. موسیقی بامتر آزاد نیز به دو دسته موسیقی سازی و موسیقی آوازی تقسیم می‌شود. در مقام‌های آوازی، جملات کوتاه و هجاهای تقسیم‌شده که در قالب اشعار عاشقانه، عرفانی و مذهبی اجرا می‌شوند، نقش ویژه‌ای در انتقال مفاهیم و احساسات دارند. در این‌گونه اشعار، که معمولاً به صورت دوبیتی یا چهاربیتی اجرا می‌شوند، مخاطب می‌تواند، با استفاده از موسیقی کلمات، احساسات و مفاهیم فرهنگی را به طور غیرمستقیم دریافت کند (محمدزاده، ۱۳۹۴: ۵۰).

شفیعی کدکنی (۱۳۸۹: ۹۹) در دو موضع از کتاب موسیقی شعر به مسئله‌ی القای مفاهیم و احساسات موردنظر شاعر از طریق موسیقی کلمات می‌پردازد. وی ضمن نقل مطلبی از امین الخولی که «تکرار» را از قوی‌ترین عوامل تأثیر و بهترین وسیله‌ای دانسته است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند، یکی از خصوصیات قافیه را «القای مفهوم از راه آهنگ کلمات» می‌داند. شفیعی با ذکر نمونه‌هایی از شعر بحتری، بهار، اخوان ثالث و فردوسی سعی در اثبات این موضوع دارد که تکرار مصوت و صامت‌های هجای قافیه، هم‌سو با موضوع شعر به القای مفاهیم و احساسات شاعر می‌پردازند و البته شاعر هنگام سرودن شعر در این خصوص هیچ توجه خاص و تعمدی ندارد و گزینش این قوافی کاملاً ناهشیار اتفاق می‌افتد (همان: ۱۰۰). او همچنین ذیل فصلی با عنوان «دلالت موسیقایی کلمات» اظهار می‌دارد که ساختار آوایی کلمه، علاوه بر نقش معنایی و رسانگی آن، از طریق مجموعه‌ای از اصوات، به طور غیرمستقیم، مفهوم مورد نظر شاعر را ابلاغ می‌کند (همان: ۳۱۸) و در ادامه شواهدی از کسایی و حافظ و فردوسی می‌آورد.

شفیعی کدکنی سابقه‌ی این بحث را در نظریه‌ی «دلالت ذاتی الفاظ» نزد علمای مسلمانی چون عباد بن سلیمان صیمری معتزلی و نیز تحقیق آماری سلیمان البستانی در خصوص ارتباط حروف قافیه با اغراض شعری جستجو می‌کند (همان: ۱۰۲ و ۳۱۵-۳۱۶)؛ اما ظاهراً کسی که به طور خاص، علمی و مدون به این موضوع پرداخته موریس گرامون، زبان‌شناس برجسته‌ی فرانسوی، است. گرامون، در اوایل قرن بیستم، نظریه‌ی «الفاگری آواها» را مطرح کرد. وی، با بررسی زبان‌های مختلف، نشان داد که آواها و واج‌ها نه تنها در انتقال معنا نقش دارند بلکه می‌توانند پیام‌های عاطفی و روان‌شناختی را نیز القا کنند. یکی از اصول کلیدی نظریه‌ی گرامون توجه به نقش تکرار آواها در ایجاد بار عاطفی و تأثیرگذاری بر مخاطب است. او معتقد بود که تکرار صامت/

هم‌خوان‌ها و مصوت/ واکه‌ها در یک ساختار نظام‌مند می‌تواند احساسات خاصی را برانگیزد (قویمی، ۱۳۸۳: ۷۶). برای مثال، واکه‌های کشیده و نرم معمولاً القاکننده‌ی لطافت و آرامش‌اند درحالی‌که واکه‌های کوتاه و صامت‌های انفجاری حس هیجان و اضطراب را ایجاد می‌کنند. گرامون همچنین بر این باور بود که برخی از الگوهای صوتی، همچون تکرار واجی، نوعی معنا و تأثیر خاص را در ذهن مخاطب تداعی می‌کنند. او در این زمینه بیان می‌کند که تکرار هجا، واج و واژه می‌تواند شدت، تداوم یا استمرار یک مفهوم را القا کند. برای نمونه، در عبارت «دوان دوان رفتم»، تکرار هجایی نشان‌دهنده‌ی حرکت سریع و مداوم است (همان: ۸۱).

براساس دیدگاه گرامون، آواها نه‌تنها در تحلیل متون ادبی بلکه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. او معتقد بود که زبان، فراتر از ابزاری برای انتقال اطلاعات، سازنده‌ی هویت‌های اجتماعی و فرهنگی است. در این راستا، اشعار ترانه‌های محلی خراسان جنوبی نمونه‌ای مناسب برای تحلیل از منظر القاگری آوا هستند. در این اشعار، تکرار واکه‌ها و هم‌خوان‌ها، همراه با الگوهای موسیقایی، تأثیر عمیقی بر مخاطب دارد و احساساتی چون اندوه، عشق، شادی را به طور ناخودآگاه در ذهن شنونده ایجاد می‌کند؛ به‌ویژه در دوبیتی‌ها و چهاربیتی‌های محلی که هماهنگی آوایی می‌تواند بر قدرت تأثیرگذاری متن افزوده، پیام‌های نهانی شعر را منتقل کند. این پژوهش با تحلیل آواهای ترانه‌های خراسان جنوبی براساس نظریه‌ی گرامون به روشن شدن ارتباط میان واکه‌ها و هم‌خوان‌ها با احساسات و مفاهیم مختلف کمک خواهد کرد؛ بنابراین، اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند بُعد جدیدی از کاربرد نظریه‌ی گرامون را در موسیقی محلی نمایان سازد و به درک بهتری از تأثیرات آوایی در انتقال مفاهیم در فرهنگ‌های خاص کمک کند.

این پژوهش قصد دارد نقش القاگری آواها در اشعار موسیقی محلی خراسانی و تأثیر آن بر شعور و احساسات شنونده را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که بر اساس نظریه موریس گرامون، القاگری آواها در اشعار موسیقی محلی خراسانی چگونه است؟

پیشینه و ضرورت پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی در خصوص تأثیر آواها در انتقال معنا و احساسات براساس نظریه‌ی موریس گرامون در بعضی از متون ادبی و دینی انجام شده است. مختاری و هادی فرد (۱۳۹۵) در تحلیل خطبه‌ی جهاد نهج‌البلاغه از نظریه‌ی گرامون بهره برده و نشان داده‌اند که واژه‌ها و هم‌خوان‌ها با بار معنایی خاص خود، در انتقال پیام‌های معنوی خطبه نقش بسزایی دارند. مختاری و یادگاری (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود بر هماهنگی آوایی در قرآن کریم تأکید کرده و نشان داده‌اند که تکرار واژه‌ها و هم‌خوان‌ها معانی خاصی را به مخاطب منتقل می‌کند. ذاکری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود با بررسی ۳۰۰ بیت از ابیات شاهنامه، در سه حوزه‌ی معنایی حماسی، غنایی و مرثیه، دریافتند که رابطه‌ی معناداری میان زمینه‌ی معنایی شاهنامه با آواها و هجاهای به‌کاررفته وجود دارد و زبان فردوسی در حوزه‌های معنایی متفاوت، به تناسب معنا، تغییر می‌کند و شاعر از واج‌هایی بهره می‌جوید که معنای ثانوی زبان را به ذهن القا می‌کند. پارسایی و حیدریان شهری (۱۳۹۹) در بررسی سروده‌های بدر شاکر السیاب نشان داده‌اند که آواهای القاگر در اشعار او بار معنایی منفی و حزن‌آلود را تقویت می‌کنند و این ویژگی به‌ویژه در واژه‌ها و هم‌خوان‌های پربسامد قابل مشاهده است. پروین و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ی خود به بررسی القاگری آواها در آیات قرآن کریم پرداخته و نشان داده‌اند که بسامد واژه‌های درخشان و هم‌خوان‌های خاص نقش مهمی در تداعی مفاهیم خاص دارند. مظفری و رحیمی (۱۴۰۴) نیز با تحلیل هماهنگی آوایی، در آیات سوره‌های هود و یوسف، به این نتیجه رسیده‌اند که تکرار واژه‌ها و هم‌خوان‌ها در قرآن کریم به افزایش برجستگی معنایی کمک می‌کند، مخاطب را به کشف مقاصد معنوی رهنمون می‌شود. این پژوهش‌ها به‌وضوح تأکید می‌کنند که القاگری آواها در متون دینی و ادبی می‌تواند به شکل مؤثری مفاهیم را به شنوندگان منتقل کند.

با این حال، خلأ عمده در این تحقیقات به چشم می‌آید؛ این پژوهش‌ها تنها به بررسی متون دینی و ادبی متمرکز بوده‌اند و از تحلیل آوایی ترانه‌های محلی که با موسیقی هم‌خوانی می‌شوند و القاگری آواها باید با نوای موسیقی هم‌سو باشد، غفلت شده است و به طور ویژه در زمینه‌ی موسیقی محلی خراسان جنوبی هیچ پژوهشی که به طور خاص بر القاگری آواها در موسیقی‌های بومی و محلی متمرکز باشد، یافت نشد؛ درحالی‌که این منطقه با تنوع آوایی و استفاده گسترده از واژه‌ها و

هم‌خوان‌های خاص شناخته می‌شود، و نیاز به مطالعه‌ای عمیق برای کشف ارتباط میان آوا، موسیقی و انتقال معنا در این زمینه احساس می‌شود. تحقیق حاضر در پی جبران این کمبود و بررسی تأثیرات آوایی در موسیقی محلی این منطقه است.

روش پژوهش

این مقاله، براساس نظریه‌ی «القاگری آواها»ی موریس گرامون، به بررسی و تحلیل ترانه‌های محلی مصوب صداوسیماي خراسان جنوبی پرداخته است. از بین بیست و نه ترانه‌ای که در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ در مرکز شعر، موسیقی و سرود صداوسیماي خراسان جنوبی مصوب و در وبگاه این مرکز ثبت شده، ده ترانه محلی مربوط به خراسان جنوبی برای بررسی و تحلیل انتخاب شد. از آنجاکه این ترانه‌ها همراه با موسیقی اجرا و از طریق صداوسیما پخش شده‌اند و در حال حاضر مخاطبان بسیاری دارند و می‌توان با بررسی القاگری آواهای این ترانه‌ها، میزان اثرگذاری آن‌ها بر مخاطبان صدا و سیما و میزان جامعه‌پذیری آن‌ها را بررسی کرد، به‌عنوان پیکره‌ی متنی این پژوهش انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، ترانه‌ها براساس نوع واژه‌های آن، طبق دسته‌بندی گرامون، تفکیک شده‌اند و در بررسی هر ترانه به ارتباط بین واژه‌ها و هم‌خوان‌ها با موضوع و درون‌مایه ترانه و معانی نهفته در آن‌ها برای انتقال احساسات و مفاهیم پرداخته شده است.

واج‌های القاگر از نظر گرامون

گرامون برای بررسی القاگری آوای کلام، واج‌ها (واژه‌ها و هم‌خوان‌ها) را تحت عناوینی دسته‌بندی می‌کند. او واژه‌ها را به سه نوع روشن، درخشان و تیره تقسیم می‌کند. از نظر او، واژه‌های روشن در توصیف صداهاى واضح، واژه‌های درخشان در تداعی صداهاى بلند و خروشان و واژه‌های تیره در القای صداهاى مبهم و نارسا به کار می‌روند. او هم‌خوان‌ها را نیز به چهار گونه‌ی انسدادی، خیشومی، روان و سایشی تقسیم می‌کند و معتقد است هر کدام از این چهار گونه معانی و احساسات خاصی را تداعی می‌کنند.

۱- انواع واکه

در زبان فارسی شش واکه وجود دارد که از لحاظ کمیت به دو نوع واکه‌های کوتاه (ـَ، ـِ و ـُ) و بلند (آ، ای و او) و از لحاظ زیرومی به دو نوع واکه‌های زیر که واج‌گاه آن‌ها بخش پیشین سخت‌کام است (ـِ و ای) و واکه‌های بم که واج‌گاه آن‌ها بخش پسین سخت‌کام است (ـَ، آ، ـُ و او) تقسیم می‌شوند (همان: ۲۲). گرامون واکه‌ها را براساس محل تلفظ و شکل دهان در هنگام تلفظ و از لحاظ القاگری به سه نوع (روشن، درخشان و تیره) تقسیم می‌کند.

۱-۱- واکه‌های روشن (ـِ و ای)

«ب» زیرترین واکه‌ی زبان است که بیانگر تیزی و حدت است. این واکه، القاگر سروصداهاى تیز است که ممکن است ناشی از برخورد اجسام و وسایل فلزی باشد. همچنین بیانگر احساسی است که همراه شور و هیجان، تحسین و ستایش و نیز یأس باشد. واکه‌های روشن زیرتر و سبک‌تر از واکه‌های بم هستند و القاگر صداهاى نازک تسلی‌بخش و نجواهای آهسته هستند. به‌طور کلی، در توصیف زیبایی و سبکی، ظرافت و لطافت به کار می‌روند که آرامش و حالت زیستن را آشکار می‌کند (گرامون، ۱۹۶۰: ۴۶ به نقل از ذاکری، شعبانلو و فرزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۵؛ قویمی، ۱۳۸۳: ۲۲). واکه‌های روشن بیانگر حرکاتی سریع و چابک هستند که در توصیف اشیا و موجودات کوچک نیز به کار می‌روند و اندیشه‌های نشاط‌انگیز، دلکش و عاشقانه را در ذهن تداعی می‌کنند. البته واکه‌های روشن القاگر خیزش و جهش نیز هستند (همان: ۳۰).

۱-۲- واکه‌های درخشان (ـَ و آ)

برای بیان صداهاى بلند، هیاهو و مهممه به کار می‌روند، برای مثال صدای شکستن و تکه‌تکه‌شدن اشیا، فروریختن، صدای پر اوج موسیقی، قهقهه، فریاد جمعیت و صداهاى رعدآسا را به یاد می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر، واکه‌های درخشان به توصیف اندیشه‌ها و احساساتی متعلق است که در زمان تجلی آن‌ها، صدا اوج می‌گیرد (همان: ۳۱-۳۳). از جمله احساساتی که باعث اوج‌گیری صدا می‌شود خشم و خشونت است (همان: ۳۴). این واکه‌ها همچنین برای توصیف صحنه‌ها و مناظر پرشکوه و شخصیت‌های قدرتمند و بلندمرتبه به کار می‌روند (گرامون، ۱۹۶۰: ۴۱ به نقل از ذاکری، شعبانلو و فرزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

۱-۳- واکه‌های تیره (م و او)

در القای صداهای مبهم و نارسا که یادآور صدایی خسته و آرام است و از وضوح کمی برخوردار است به کار می‌روند. این واکه‌ها صدای غرش زیر لب و تهدیدآمیزی را بیان می‌کنند که البته آشکار نمی‌شود؛ مانند صدای خمشی که ابراز نشده و مبهم و پنهان است. واکه‌های تیره همچنین می‌توانند افکار تیره و حزن‌انگیز را القا کنند و در توصیف اجسام، عناصر یا پدیده‌هایی که از نظر مادی یا معنوی زشت‌اند، مثل مرگ، ترس، تاریکی، به کار روند (همان؛ قویمی، ۱۳۸۳: ۳۹-۴۱).

۲- هم‌خوان‌ها

هم‌خوان‌ها از دو جنبه بررسی می‌شوند: ماهیت تلفظ و واج‌گاه و نوع تلفظ آن‌ها. از نظر ماهیت تلفظ، هم‌خوان‌ها به چند گروه تقسیم می‌شوند: انسدادی، سایشی، خیشومی، روان، نیمه هم‌خوان، تکریری و سایشی بسته (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۱)؛ البته گرامون درباره‌ی نقش القاگری هم‌خوان‌های تکریری و سایشی بسته توضیحی نداده است؛ زیرا این آواها در زبان فرانسه‌ی معیار وجود ندارند؛ بنابراین از نظر گرامون، هم‌خوان‌ها شامل انواع زیرند:

۲-۱- هم‌خوان‌های انسدادی

هم‌خوان انسدادی اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) که هنگام تلفظ مستلزم خروج ناگهانی هوا با فشار به خارج هستند. وجود پیاپی این هم‌خوان‌ها سبک را منقطع جلوه می‌دهد و برای بیان اصوات خشک و مکرر به کار می‌رود. این هم‌خوان‌ها برای القای احساساتی، مانند خشم مفرط، تردید، آشفتگی ذهنی و درونی و بیان طنز نیش‌دار و خشن، به کار می‌روند (همان: ۴۳).

۲-۲- هم‌خوان خیشومی

هم‌خوان‌های خیشومی زبان فارسی (م، ن) اصواتی هستند که به هنگام تلفظ آن‌ها هوا از راه بینی خارج می‌شود؛ بنابراین این واج‌ها غالباً صدایی شبیه به نطق آهسته، یعنی در واقع اصواتی ناشی از ناخشنودی و عدم رضایت را تداعی می‌کنند (همان: ۴۹).

۲-۳- هم‌خوان‌های روان

«ل» یک هم‌خوان روان و «ر» یک هم‌خوان تکریری است که در گروه هم‌خوان‌های روان قرار دارد. این هم‌خوان‌ها اصواتی هستند روان و جاری و سیال و شفاف. این واج‌ها صدای مایعی را تداعی می‌کنند که به آرامی می‌ریزد، می‌تراود یا جاری می‌گردد (همان: ۵۱).

۲-۴- هم‌خوان‌های سایشی

وجه اشتراک این واج‌ها آن است که هنگام تلفظ آن‌ها، گذرگاه هوا بسیار تنگ می‌شود تا آنجا که در موقع عبور هوا از این معبر تنگ، صدای سایش و صغیر به گوش می‌رسد (همان: ۵۳) و بر چند نوع هستند:

الف- سایشی‌های لب‌ودندانی: دو واج «ف» و «و» در زبان فارسی، دمشی نرم، بی‌رمق و کم‌صدا را تداعی می‌کنند (همان: ۵۴).

ب- سایشی‌های لثوی: واج‌های «س» و «ز» غالباً با دمشی همراه با صغیر یا صفیری همراه با دمش به کار می‌روند و غالباً صدای باد را تداعی می‌کنند و برای بیان حسرت و حسادت، کین و نفرت و ترس و تحقیر به کار می‌روند (قویمی، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۵).

ج- سایشی‌های تفشی: واج‌های «ژ»، «ش»، «ج» و «چ» در زبان فارسی بیانگر حرکتی سریع و غالباً بی‌صدا هستند و برای بیان شکوه و شکایت، تأثرات روحی، نگرانی و اضطراب ناشی از هراس، رنجش و حیرت، سردی فضای درونی و برونی و افسردگی به کار می‌روند (همان: ۵۹-۶۰). کاربرد واج‌های سایشی تفشی با دیگر هم‌خوان‌های سایشی (ف، و، خ، ه) بیانگر ژرفای درد و رنج و صدی ناله و زاری است (گرامون، ۱۹۶۰: ۴۱ به نقل از ذاکری، شعبانلو و فرزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

د- نیم هم‌خوان «ی»: در میان انواع سایشی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا این واج سایشی - آوایی از نظر تلفظ با بقیه متفاوت است. هم‌طنین یک واکه و هم‌سایش یک هم‌خوان را دارد؛ ولی بسامد آن در زبان فارسی زیاد است و گرامون نیز ارزش القایی متفاوتی برای آن قایل است. به عقیده‌ی او این واج پیش‌کامی شامل نوعی لرزش مداوم است و اندیشه‌ی تداوم و پایان‌ناپذیری احساس یا اندیشه‌ای را تداعی می‌کند (قویمی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۳).

۳- بررسی القاگری آواها در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی

در این بخش از مقاله به بررسی القاگری آواها در ده ترانه از ترانه‌های محلی خراسان جنوبی می‌پردازیم. این ترانه‌ها را با توجه به واژه‌های غالبشان، براساس نظریه‌ی گرامون، به سه دسته‌ی ترانه‌های درخشان، ترانه‌های روشن و ترانه‌های تیره تقسیم کرده‌ایم.

۳-۱- ترانه‌های درخشان

مقصود از ترانه‌های درخشان، ترانه‌هایی هستند که بیشتر واژه‌های آن را واژه‌های درخشان (آ) تشکیل می‌دهد.

خوشا آن فیض روی مردمانش	خوشا بیرجند خوشا آب روانش
چو قلعه یک ستونی در میانش	مگو بیرجند بگودریایی از عشق
دلَم میه که در بیرجند بشم	چو قلعه یک ستونی در میانش
چو چایی در میون قند شیرین	چو چایی در میونه قند باشم
گل بنفشه زعفر آئی گل بنفشه زعفر	میون استکان خوش رنگه باشم
گل بنفشه زعفر آئی گل بنفشه زعفر	وقتی توو چایی می‌ریزی چایی میده رنگ زعفر
گل بنفشه زعفر آئی گل بنفشه زعفر	وقتی توو چایی می‌ریزی چایی میده رنگ زعفر
انار کیسه سوداگروم	سَرکوه بلند باقروم
هنوزم سکه صاحب قروم	اگر صد سال در کیسه بموم
سرم درد، سرم درد، سرم درد	هنوزم سکه صاحب قروم
به رویم واکنه ی در را نبندی	به رویم واکنه ی باغ گل زرد
غریبی گشته ام رنگم شده زرد	غریبی گشته ام رنگم شده زرد
وقتی توو چایی می‌ریزی چایی میده رنگ زعفر	گل بنفشه زعفر آئی گل بنفشه زعفر
وقتی توو چایی می‌ریزی چایی میده رنگ زعفر	گل بنفشه زعفر آئی گل بنفشه زعفر
گل عالم تمام شد کی میایی	بگفتا گل درآیه مو میایم
بسا پیران کنن یاد از جوونی	جوونی نو بهاری بود و بگذشت

ترانه‌ی «گل بنفشه» به توصیف زیبایی‌های شهر بیرجند و دل‌باختگی شاعر به خاک و زادگاهش می‌پردازد. شاعر احساس خود را با ۱۷۰ بار تکرار واژه درخشان و توصیف شهر بیرجند بیان می‌کند. کلماتی مانند «مردمانش» و «روانش» حاوی هم‌خوان روان «ر» هستند که حس لطافت، آرامش و جریان مداوم را منتقل می‌کنند. این هم‌خوان‌ها با خصوصیات اخلاقی مردمان بیرجند هماهنگ‌اند و حس مهربانی و صمیمیت را تقویت می‌کنند.

هم‌خوان‌های انسدادی «ک» و «ت» در کلماتی مانند «قلعه» و «ستونی»، حس استحکام و پایداری را القا می‌کنند که با تصویر قلعه به‌عنوان نمادی از قدرت و تاریخ بیرجند سازگار است.

تکرار کلمه «خوشا» و استفاده از مصوت‌های درخشان حس شادی و ستایش را القا می‌کند. تصویر «آب روان» با صامت‌های روان «ر» و واژه «آ» جریان و زندگی را منتقل می‌کند.

واژه‌های درخشان و هم‌خوان‌های انسدادی در توصیف مردم بیرجند و طبیعت آن، حس زندگی، شادی و مهربانی را منتقل می‌کنند.

تکرار آواها و ریتم منظم نیز به موسیقایی بودن ترانه کمک می‌نماید و حس هویت و تعلق به بیرجند را در مخاطب تقویت می‌کند.

در این ابیات، از هم‌خوان‌های انسدادی (۱۲۴ مرتبه) اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) و ترکیب هم‌خوان‌های روان (۵۴ مرتبه) استفاده شده است که نشان‌دهنده‌ی جاری بودن احساس شاعر نسبت به شهر و دیارش، زیبایی‌های ظاهری و زیبایی‌های معنوی آن است تا حس تعلق شاعر نسبت به دیارش در اوج باقی بماند.

بَهار اومَد بَهار اومَد بَهارَه	هَمَه جا کوه و صَحرا لآلَه زارَه
بَهار اومَد که مو شیدا بگَردم	چو ماهی بَر لَب دَریا بگَردم
سال نوشد نیومَد یارم	گندما درو شد نیومَد یارم
سَر کوه بَلند باقروم	آنار دَر کیسَه سودا گروم
اگه صدسال دَر کیسَه بمونم	هَنوزَم سگَه صاحب قروم
سَر کوه بَلند تا کَی نشینم	که لآلَه سَرزَنه گل را بچینم
گل سرخ و سفید وَر هَم تَنیدَه	نمی دونم کدوم گل را بچینم

سال نو شد نیومد یارم

گندما درو شد نیومد یارم

(سورگی، بازیابی شده: در ۱۴۰۴/۱/۲۰، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

در ترانه‌ی «سال نو» شاعر از آمدن فصل بهار سخن می‌گوید و وصف زیبایی‌های بهار را با بسامد بالای واژه‌های درخشان (۸۲ مرتبه) بیان می‌کند. ولی در بیت پایانی از دوری و فراق یارش سخن می‌گوید و از انتظارش با صدای بلند در هاله‌ای از امید سخن می‌راند و می‌گوید بهار آمد، سال نو شد و فصل دروی گندم‌ها، که در آخر تابستان انجام می‌شود، هم گذشت؛ ولی باز هم یارم نیامد. در این ابیات ۶۱ بار از هم‌خوان‌های انسدادی اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) استفاده کرده است تا اوج احساسش را که انتظار است به گوش معشوق برساند. استفاده از هم‌خوان‌های انسدادی و هم‌خوان روان «ر» ۳۸ مرتبه به دلیل ارتعاشی بودنش، حس حرکت و پویایی را القا می‌کند. تکرار «ر» در کلماتی مثل «بهار»، «یارم»، و «بگردم» به موسیقی درونی شعر و حس جست‌وجوگری (مثلاً در «بگردم») کمک می‌کند.

ترکیب این آواها به همراه تکرار جملات (مثل «بهار اومد» و «نیومد یارم») موسیقی کلامی قوی‌ای ایجاد کرده که حس انتظار، شوق بهار، و درعین حال دل‌تنگی برای یار غایب را منتقل می‌کند.

حَنای اَصَل کاشون وَر دَسْت و پا مَبْنَدَم	حَنای اَصَل کاشون وَر دَسْت و پا مَبْنَدَم
دَسْت دوماَد رَ حَالات ظَرْف حَنای گَزَارَه	ظَرْف حَنای بَیْرَه پِیش دوماَد گَزَارَه
اگَه حَنای نَباشَه خدا آب طَلا مَبْنَدَم	حَنای مَبْنَدَم وَر دَسْت و پا مَبْنَدَم
بِچَه‌ها چک‌چک زَنه داماد نو مِیَاپَه	هَلَو هَلَو مِی یَه بوی پلو مِی یَه
عَروس ما امشَو حَنای به دَسْت مَزَرَه	طَبِل زَدَم و طَبِلو، طَبِلو صدا نَدَرَه
حَنای اَصَل کاشون وَر دَسْت و پا مَبْنَدَم	حَنای مَبْنَدَم دوماَد حَنای مَبْنَدَم

(سورگی، بازیابی شده: در ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

ترانه‌ی محلی «حنا حنا» که ترانه‌ای شاد است و در مراسم سنتی «حنابندان» توسط حاضران خوانده می‌شود؛ در این ترانه ۹۴ بار از واژه‌های درخشان استفاده شده است تا حس شادی که از توصیف مراسم حنابندان ایجاد می‌شود را تقویت کند و از مراسم حنابندان به‌عنوان یک مرحله از مراحل آماده‌سازی عروس و داماد برای ورود به مرحله دیگری از زندگی در بیت «اگه حنا نباشه

خدا آب طلا م ببندم» نام می‌برد. در این ترانه، شاعر همچنین ۷۲ بار از هم‌خوان‌های انسدادی اعم از بی‌آواها (ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ) استفاده کرده است تا حس قاطعیت شاعر را برای اجرای این مراسم تقویت کند.

نویسوم نام‌های از بی وفایی	ببندوم و پر مرغ هوایی
ببر نامر به دست دلبروم ده	بگو صد داد و بی داد از جدایی
اگر یار مونی بگو کجایی	چو آهو از ببونو بیایی
اگر دشمن سر راتور بگیره	چو ماهی از لب دریا بیایی
بت بالآ بلن بالآ بلند گل نذازم	بیا که از غمونتو از غمونتو بیقراروم
شده دشت دله مو باغ لاله	بیا بگذار پا و ر لاله زاروم
الاهی وای الاهی وای الاهی	عزیزوم عمر مو فرزن کجایی
عزیزوم عمر مو و ر شهر دیگه	مگر شوپو به خواب مو بیایی
دو چش و ر راه داروم کی میایی	به دل صد آه داروم کی میایی
دو چشمونوم ستاره میشمارن	نظر و ر ماه داروم کی میایی

(شهادتی، بازیابی شده: در ۲۰ / ۱ / ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>)

ترانه‌ی «کی میایی» با درون‌مایه عاشقانه و بیانگر سوزوگداز عاشق است. شاعر از بی‌وفایی یار و دوری او سخن می‌راند و گله می‌کند و با تکرار ۱۰۲ مرتبه واژه‌های درخشان، بی‌قراری‌اش را از دوری یار توصیف می‌کند و حس گسترده‌ی غم و جدایی را تقویت می‌کنند. تکرار این آواها در کلماتی مانند «نامه»، «جدایی»، و «دادوبیداد» به حس عاطفی و شکوهمند شعر که با موضوع بی‌وفایی و جدایی هم‌خوانی دارد کمک می‌کند.

در این ترانه ۷۸ مرتبه از هم‌خوان انسدادی اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) استفاده کرده است که نشان می‌دهد از یارش گله و شکایت دارد و این گله و شکایت را در قالب یک نامه می‌نویسد و به پر مرغ هوایی می‌بندد تا برای یارش ببرد و سیالیت این حس در شعر و مضمون‌های آن جریان دارد. انتخاب آواها در شعر، به‌گونه‌ای است که مضمون عاطفی و عاشقانه (بی‌وفایی و جدایی) را به‌خوبی با موسیقی و القاگری تقویت می‌کند.

سر این چشمه‌ها بانوی ایله	یگانه بانوی پاک قبیله
پی آب اومده و راه دوره	غرور سروه و کوه صبره
به گله هی زده چوپون صحرا	به گلگشت اومده، گرم تماشا
پر شالش، نی هف بند داره	نگاهش خسته و لبخند داره
نوی قوشمه و آبادی آی جان!	گل و گل نغمه‌های شادی، آی جان
عروسی در عروسی، قند در قند	دوتار عاشق و تکرار لبخند
کنار کوچه‌باغ انگور آویز	هجوم سرخوشی، عطر دل‌آویز
طبق کش می بره، خلعت دوباره	تب خورشیده و تاب ستاره
دعای مادر و آئینه قرآن	بازم قند می شکنیم، قند فریمان
جهاز از برگ گل، قالی کرمون	یه قندون نقل تر، سینی... سپندون...
نوی قوشمه و آبادی آی جان!	گل و گل نغمه‌های شادی، آی جان
عروسی در عروسی، قند در قند	دوتار عاشق و تکرار لبخند

(صاحبی، بازیابی شده در ۲۰/۱/۱۴۰۴ الف، از: <https://musicofice.irborg.ir>)

ترانه‌ی «ایل خراسونی» توصیف بانویی باصل‌ونسب و پاک و سرشار از غرور و متانت ایل است که برای آوردن آب از چشمه آمده است و عاشق او را با واژه‌های درخشان (۱۲۶ مرتبه) در اوج دل‌باختگی توصیف می‌کند. بسامد بالای واژه‌های درخشان در این ابیات شخصیت بانوی ایل را تقویت می‌کند که با مضمون «پی آب اومده و راه دوره» هم‌خوانی دارد.

در این ترانه، شاعر ۱۱۰ بار از هم‌خوان‌های انسدادی اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) استفاده کرده است که حس قدرت، استحکام قبیله را القا می‌کند و حضور آن در کلماتی مانند «بانوی»، «قبیله» و «صبره» به شخصیت بانوی ایل و ارتباط او با قبیله و طبیعت استحکام می‌بخشد و با هم‌خوان روان «ر، ل» همراه شده است تا حس حرکت و جریان زندگی قبیله‌ای را با توصیف چشم اندازه‌های آن که برگرفته از طبیعت است، مانند «کوچه باغ انگور آویز» به مخاطب القا کند.

آسب سَمَندم زین کردم سوار شدم هی کردم	این همه رار طی کردم ترک ملک ری کردم
آسب سَمَندم سوارم برم دره به دره	یارم از مو جدا شد برم دره به دره

اسب سَمَندم سوارم برَم دور آز دیارم یارم آز مو جدا شد خدا طاقت نَدارم
(سورگی، بازیابی شده: در ۱۴۰۴/۱/۲۰ الف، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)
ترانه‌ی «اسب سمند» شرح حال عاشقی است که معشوقش از او دور شده است و هنوز درگیر این دوری است و به خاطر آن دلتنگ و غمگین است و تصمیم گرفته دیارش را ترک کند. در این بیت ۴۱ مرتبه از واژه‌های درخشان (ـ و آ) استفاده شده است تا حس جدایی و رفتن را القا کند.
شاعر ۳۷ مرتبه از هم‌خوان‌های انسدادی اعم از بی‌آواها (ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د) و ۲۱ مرتبه از هم‌خوان روان (ر، ل) استفاده کرده است؛ ترکیب این هم‌خوان‌ها با ضرب‌آهنگ تند، حس سوارکاری و عزیمت سریع را تقویت می‌کند که با محتوای شعر هم‌خوانی دارد. در این ترانه آواها به‌گونه‌ای ترکیب شده‌اند که حس حرکت، عزم، و جدایی عاطفی را القا می‌کنند.

۳-۲- ترانه‌های روشن

مقصود از ترانه‌های روشن، ترانه‌هایی هستند که بیشتر واژه‌های آن را واژه‌های روشن (ـ و ای) تشکیل می‌دهد.

پایِ درختِ درچینی ای درچینی	بری تو می‌نالَم
مشت بزَنم، گل بریزم، تو ورچینی	بری تو می‌نالَم
از قلعه کوه باشکوه بالابند	بری تو می‌نالَم
دیوونه چشمون تو گیسو کمند	بری تو می‌نالَم
ای قصه چشمون تو در ساز من آواز من دمساز من	تویی تو دلدارم
بذر گل عشق تو را جانان من ای پسته خندان من	به سینه می‌کارم
بارون چشم عشقم در این کویر	بری تو می‌بارم
صبح تا نماشتم در خیالت دلبرم	بری تو می‌نالَم
سیمین صنم، ماه شبم، برگ گلم	بیا ببین حالم

(فلکی، بازیابی شده در: ۱۴۰۴/۱/۲۰ الف، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

در ترانه‌ی «پای درخت درچینی» شاعر به توصیف حالات خود در فراق معشوق می‌پردازد و این دلدادگی و شیدایی را با واژه‌های بلند و روشن (۸۱ مرتبه) بیان می‌کند. عاشق با مشت زدن به

درخت درچینی و ریختن گل‌ها ناراحتی‌اش را از فراق معشوق ابراز می‌کند و این ناله و فغان را با کاربرد واژه‌های بلند اعلام می‌کند.

در این ترانه ۱۲۴ مرتبه از هم‌خوان‌های انسدادی، اعم از بی‌آواها (پ، ت، ک) و آوایی‌ها (ب، د، گ، ق) استفاده شده است. شاعر در این ترانه از عناصر طبیعت وام گرفته تا دلتنگی‌هایش را که با تکانه‌های عاطفی همراه است بیان کند و خودش را پای درخت درچینی یا در قلعه کوه تصور می‌کند و برای معشوقش واگویه‌هایی را که شبیه ناله است بیان می‌کند. موسیقی آواها تصاویر و عواطف را در ذهن مخاطب زنده می‌کند. ترکیب آواها در این شعر، تصاویری از تکاپو و حرکت را در کنار حسرت و ناله (به‌دلیل دوری معشوق) خلق می‌کند. این تضاد آوایی به غنای عاطفی شعر می‌افزاید. این ترانه ترکیبی از دو حس متضاد حرکت و شادابی (در بخش‌هایی مانند «درچینی»، «ورچینی»، «مشت بزخم»، «گل بریزم») و غم و شکایت (در «بری تو می‌نالم») را منتقل می‌کند. آواها این تضاد را به‌خوبی تقویت می‌کنند.

گلِ بچین تا مو جمال تور ببینم گلِ بچین	نازنینم گلِ بچین پیشِ نشینم گلِ بچین
چشمن مستِ سرکشیدم گلِ بچین	در شبِ تاریک چشمنست نشینم گلِ بچین
مثلِ این منجی دستِ عشقِ مو رسوا شده	قصه شهرِ دلَم با نامِ تو معنا شده
آی به قربونِ تو شم چارقند سفید مهربون	عطرِ گیسوی تو داره بویِ عطرِ زعفرون

(فلکی، بازیابی شده در: ۱۴۰۴/۱/۲۰، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

در ترانه‌ی «عطر زعفران» شاعر از معشوقش می‌خواهد تا گل بچیند تا او چهره و جمالش را ببیند و ۵۵ مرتبه از واژه‌های روشن برای توصیف یارش استفاده می‌کند تا حس لطافت و صمیمیت عاشقانه را تقویت کند.

در این ترانه شاعر ۴۶ مرتبه از هم‌خوان‌های انسدادی (ب، گ، ت، ک، ق) استفاده کرده که ریتمی سریع و دعوت‌کننده ایجاد می‌کند و باعث می‌شود مخاطب در این حال روحی با شاعر همزادپنداری کند و واژه پر تکرار خیشومی (م، ن)، که فضایی لطیف و عاطفی ایجاد می‌کند، با مضمون عاشقانه شعر (تحسین زیبایی معشوق) هماهنگ است. تکرار این هم‌خوان‌ها در کنار هم تعادل جالبی بین لطافت و تحرک ایجاد می‌کند.

چُونُو که می‌روی این سو نگاه کن جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 مَو بیمار تو یوم دردم دوا کن جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه صحرا شدم ز دست نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه صحرا شدم ز دست نارنجی
 گرفتار توام رنجیده دل جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 دل رنجیده را از خود رضا کن جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه مرغاب شدم ز دست نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه صحرا شدم ز دست نارنجی
 گل سُرُخ و سفیدوم کی می‌آیی جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 بنفشه برگ بیدوم کی می‌آیی جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه صحرا شدم ز دست نارنجی
 جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه مرغاب شدم ز دست نارنجی
 خُودت گُفتی به وقت گُل می‌آیی جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی
 گُل عالم تموم شد کی می‌آیی جُومِه نارنجی گُلم رُخساره نارنجی

جُومِه نارنجی رُخساره نارنجی به راه صحرا شدم ز دست نارنجی
 (صاحبی، بازیابی شده در ۱۴۰۴/۱/۲۰، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

در ترانه‌ی محلی «جومه نارنجی» شاعر با معشوقی که مشخصه‌اش پیراهن نارنجی است سخن می‌گوید و از درد عاشقی برایش می‌گوید و می‌خواهد که بیماری‌اش را که همان عشق است، درمان کند و با استفاده از بسامد بالای واژه‌های روشن این درد را بیان می‌کند. شاعر در این ترانه ۱۷۸ مرتبه از واژه‌های روشن برای انتقال مفهوم مورد نظرش (احساس دوری از معشوق و اندیشه دلکش و عاشقانه همراه شور و هیجان) استفاده کرده است. این واژه در «جومه»، «نارنجی»، «رخساره» و احساسات لطیف و صمیمی مرتبط است و با لحن عاشقانه و صمیمی شعر (خطاب «گلم») مطابقت دارد.

شاعر در این ترانه ۱۲۱ بار از هم‌خوان‌های خیشومی (م،ن) و ۹۹ مرتبه از هم‌خوان‌های سایشی تفضی «ش»، «ج» و «چ» و لثوی «س» و «ز» استفاده کرده است تا احساس دل‌تنگی خود را از

دوری یار جومه نارنجی در اوج و شدت بیان کند. تکرار عبارت «جومه نارنجی گلم رخساره نارنجی» در پایان هر مصرع با تکیه بر هم‌خوان‌های «ن» و «ر» بر تصویر معشوق تأکید می‌کند. این تکرار ریتمیک، توجه مخاطب را به زیبایی و جذابیت معشوق جلب می‌کند.

۳-۳- ترانه‌های تیره

مقصود از ترانه‌های تیره ترانه‌هایی هستند که بیشتر واژه‌های آن را واژه‌های تیره (ـ و او) تشکیل می‌دهد.

همو نارنج خوش بویه تُونوم مُو	همو خال بر رُوی تونوم مو
بزن تیری که آهویه تُونوم مُو	چه ره بیهوده می‌گردی به صحرا
وی مُوگوم دلبر بیا قربون تو شوم	بزن تیری که آهویه تُونوم مُو
وی مُوگوم میوم بلا گردون تو شوم	گفته بخی
وی مُوگوم از دست تو بورخو مُوروم	گفته بخی
وی مُوگوم زر خاک دور از جون تو شوم	گفته کجه
سر کوی بلند پای مزاروم	گفته بخی
اگر صد گل بیایه ور کنارم	به گل چیدن میون سبزه زاروم
وی مُوگوم دلبر بیا قربون تو شوم	از این گل‌ها نیایه بوی یارم
وی مُوگوم معیوم بلا گردون تو شوم	گفته بخی
وی مُوگوم از دست تو بورخو مُوروم	گفته بخی
وی مُوگوم زر خاک دور از جون تو شوم	گفته کجه
	گفته بخی

(شهادی، بازبایی شده: در ۲۰/۱/۱۴۰۴، از: <https://musicoffice.irborg.ir>)

در ترانه‌ی «سبزه یار» شاعر گفتگوی خودش را با معشوقش بیان می‌کند. شاعر در این ترانه خودش را خال صورت معشوق تصور می‌کند و از معشوق می‌خواهد که بیهوده در صحرا به گردش نپردازد و از کمانش تیری رها کند و او را صید عشق کند و در ادامه بیان می‌کند که در میان صد گل و گلزار هم اگر باشد از هیچ‌کدام از گل‌ها بوی یار به مشامش نمی‌رسد. در این ترانه شاعر با ۸۶ مرتبه استفاده از واژه‌های تیره از بی‌تفاوتی معشوقش سخن می‌گوید و حس لطافت و عاطفه‌ی

عاشقانه را القا می‌کند. تکرار «ل» در «مو» و «تونوم» در پایان مصراع‌ها، موسیقی شعر را تقویت کرده، حالتی آهنگین و عاشقانه ایجاد می‌کند و این با نظر گرامون مبنی بر استفاده از آواهای نرم برای بیان احساسات لطیف هم‌خوانی دارد.

در این ترانه، شاعر ۸۶ مرتبه از هم‌خوان‌های خیشومی (م، ن) استفاده کرده است تا احساس ناخشنودی خود را از معشوق بیان کند و از هم‌خوان انسدادی "ت" هم استفاده کرده تا حس قاطعیت و تأکید را منتقل کند؛ به‌ویژه در مصراع چهارم که شاعر از معشوق می‌خواهد تا او را با زدن تیری از پا درآورد.

هم‌خوان انسدادی «ت» در «تیری» و «تونوم» حس خشونت را که با مضمون شکار آهو در مصراع چهارم هم‌خوانی دارد به مخاطب منتقل می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، القاگری آواها در ده ترانه‌ی محلی مصوب مرکز شعر و موسیقی صداوسیماي خراسان جنوبی، براساس نظریه‌ی موريس گرامون، بررسی شد. بررسی این ترانه‌ها نشان داد از مجموع ۱۰ ترانه، در ۶ ترانه، غلبه با واژه‌های درخشان، در ۳ ترانه غلبه با واژه‌های روشن و در ۱ ترانه غلبه با واژه‌های تیره بود؛ به‌عبارت‌دیگر، در ۶۰ درصد ترانه‌ها، واژه‌های درخشان، در ۳۰ درصد ترانه‌ها، واژه‌های روشن و در ۱۰ درصد ترانه‌ها واژه‌های تیره غالب بودند.

واژه‌های درخشان معمولاً در ایجاد حس نشاط و امید مؤثرند، برای مثال واژه‌های درخشان در ترانه‌ای مانند «گل بنفشه» برای توصیف صحنه‌ها و مناظر پرشکوه و شخصیت‌های قدرتمند و بلندمرتبه به کار رفته است. ترانه‌هایی که دارای واژه‌های روشن هستند، مانند «پای درخت درچینی»، نیز معمولاً مضامین نشاط‌انگیز، دلکش و عاشقانه را در ذهن تداعی می‌کنند و القاگر خیزش و جهش نیز هستند. از سوی دیگر، واژه‌های تیره که در ترانه‌هایی مانند «سبزه یار» دیده می‌شوند، بیشتر با احساساتی همچون غم و اندوه همراه هستند.

هم‌خوان‌های انسدادی که در ۷۰ درصد ترانه‌های محلی خراسان جنوبی دیده می‌شوند باعث ایجاد ضرباهنگ تأکید در موسیقی می‌شوند. هم‌خوان‌های انسدادی، در کنار سایر هم‌خوان‌ها، گاهی احساسی متضاد یعنی تلفیقی از غم و شادی، مانند «پای درخت درچینی»، که هم‌خوان

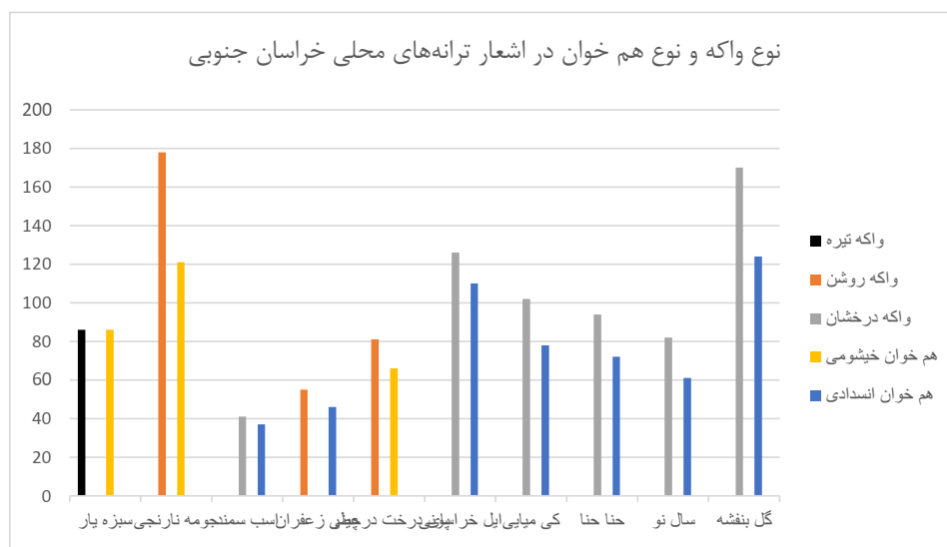
های خیشومی و انسدادی حالتی متضاد در مخاطب ایجاد می‌کند و یا در ترانه «سبزه یار» هم‌خوان‌های خیشومی، در کنار هم‌خوان‌های انسدادی، حالت غم و دوری از یار را ضریب می‌دهد یا هم‌خوان‌های روان (ل، ر) که در ترانه «ایل خراسونی» (بانوی ایل) در کنار هم‌خوان‌های انسدادی به کار رفته‌اند، حالتی آرامش‌بخش ایجاد می‌کنند. این نوع هم‌خوان‌ها و ترکیب آن با سایر هم‌خوان‌ها معمولاً در اشعاری که مضمون آن‌ها عشق، وفاداری و توصیف طبیعت است، بیشتر دیده می‌شوند و به انتقال حس صمیمیت و همدلی کمک می‌کنند. نقش هم‌خوان‌های انسدادی در کنار خیشومی (م، ن) در ترانه‌ای مثل «عطر زعفران»، برخلاف نظریه‌ی گرامون، در ایجاد حس آرامش و رضایت کاربرد دارد.

نقش ترکیب واکه‌ها و هم‌خوان‌ها نیز در انتقال پیام‌ها نیز به‌وضوح دیده می‌شوند که به انتقال مفهوم مورد نظر ضریب می‌دهد و آن را برجسته می‌کند، مثلاً در ترانه «اسب سمند» که شاعر از واکه‌های درخشان و هم‌خوان‌های انسدادی و روان (ر، ل) استفاده می‌کند، نمونه‌ای از یک ترکیب صوتی زیبا است که حس حرکت و پویایی را همراه امید منتقل می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد که موسیقی محلی خراسان جنوبی از موسیقی زبانی (واکه‌ها و هم‌خوان‌ها) برای انتقال مفاهیم و احساسات خاص استفاده می‌کند. آواها در موسیقی این منطقه، مطابق نظریه‌ی موریس گرامون، در القای معانی و عواطف نقشی مؤثر دارند. واکه‌های درخشان و روشن در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی غالباً مفاهیم شادی و امید را القا می‌کنند و واکه‌های تیره در ترانه‌ها، حس اندوه و تأمل را برمی‌انگیزند.

تحقیق حاضر همچنین نشان می‌دهد که ساختار آوایی و معنایی در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی از هم‌افزایی برخوردارند. این ویژگی‌ها نه‌تنها در انتقال مفهوم اشعار نقش دارند بلکه احساسات و تفکرات نهفته در لایه‌های زیرین متن را نیز به‌طور مؤثری به مخاطب منتقل می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، موسیقی محلی خراسان جنوبی، با استفاده از تکرار انواع خاصی از هم‌خوان‌ها و واکه‌ها، توانسته است فضای عاطفی و فرهنگی خاصی را ایجاد کند و با استفاده از روش‌های آوایی تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارد.

جدول ۱. نوع واکه و هم‌خوان غالب در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی

نام ترانه	واکه‌های غالب	هم‌خوان‌های غالب
گل بنفشه	درخشان	انسدادی
سال نو	درخشان	انسدادی
حنا حنا	درخشان	انسدادی
کی میایی	درخشان	انسدادی
اسب سمند	درخشان	انسدادی
ایل خراسونی	درخشان	انسدادی
پای درخت درچینی	روشن	خیشومی
عطر زعفران	روشن	انسدادی
جومه نارنجی	روشن	خیشومی
سبزه‌بار	تیره	خیشومی



شکل ۱. نوع واکه و هم‌خوان غالب در ترانه‌های محلی خراسان جنوبی

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

منابع

پارسایی، محبوبه، و حیدریان شهری، احمدرضا (۱۳۹۹). «آواهای القاگر در مرگ‌نگاره‌های بدر شاکر السیاب با تکیه بر نظریه موريس گرامون». *زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۳)، ۱۱۲-۱۳۰.
پروین، نورالدین، معین، جواد، و میردامادی، سید مجتبی (۱۴۰۲). «تحلیل شناختی القاگری آواها در آیات حج (بر اساس دیدگاه موريس گرامون)». *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*، ۷(۱)، ۴۸-۷۰.

ذاکری، گیتا، شعبانلو، علیرضا، و فرزاد، عبدالحسین (۱۳۹۶). «آوا و معنا در شاهنامه». *شعر پژوهی (بوستان ادب)*، ۱(۳۱)، ۹۷-۱۲۰.

ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵). «انواع بومی سرودهای خراسان». *جستارهای نوین ادبی*، ۳(۳)، ۴۹-۱۵۴-۱۲۷.

سدیفی، محمدمهدی (۱۳۸۳). *آشنایی با موسیقی شرق و غرب*. تهران: تحقیق و توسعه صدا. سورگی، سلمان (۱۴۰۱ الف). «اسب سمند». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

سورگی، سلمان (۱۴۰۱ ب). «حناحنا». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

سورگی، سلمان (۱۴۰۱ ج). «سال نو». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه. شهدادی، احمد (۱۴۰۱ الف). «سبزه یار». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

شهدادی، احمد (۱۴۰۱ ب). «کی میایی». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

صاحبی، مهدی (۱۴۰۱ الف). «ایل خراسونی». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

صاحبی، مهدی (۱۴۰۱ ب). «نارنجی». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از: <https://musicofice.irborg.ir>

فلکی، مهدی (۱۴۰۱ الف). «پای درخت درچینی». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از:
<<https://musicofice.irborg.ir>>

فلکی، مهدی (۱۴۰۱ ب). «عطر زعفران». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از:
<<https://musicofice.irborg.ir>>

قویمی، مهوش (۱۳۸۳). *آوا و القا: رهیافتی به شعر اخوان ثالث*. تهران: هرمس.

محمدزاده، غفور (۱۳۹۴). *فرهنگ نامه موسیقی تربیت جام*. تهران: سوره مهر.

مختاری، قاسم، و هادی فرد، فریبا (۱۳۹۵). «القاگری آواها در خطبه‌ی جهاد بر اساس نظریهٔ موريس گرامون». *پژوهشنامه علوی*، ۷ (۱۳)، ۱۱۱-۱۳۷.

مختاری، قاسم، و یادگاری، مریم (۱۳۹۶). «هماهنگی آوایی در دو جزء ۱۶ و ۱۷ قرآن کریم بر اساس نظریه‌ی موريس گرامون». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، ۵ (۱)، ۱-۲۷.

مظفری، سودابه و رحیمی، کاوه (۱۴۰۱). «کارکرد هماهنگی آوایی در القای معنا بر اساس نظریه موريس گرامون (مطالعه موردی: سوره‌های هود و یوسف)». *پژوهش‌های قرآنی*، ۲۷ (۱۰۵)، ۲۵-۴۴.

هنرمندفرد، سامان (۱۴۰۱). «گل بنفشه». بازیابی شده در: ۲۰ فروردین ۱۴۰۴، از:
<<https://musicofice.irborg.ir>>

A Study of the Manifest and Latent Layers of the Karbala Event in the Qalamkar Painting of the Hosseiniyeh Kababi of Birjand: Based on the Evolution of Ashura Depiction during the Qajar Period

Melika Yazdani¹

Hengameh Shahbeiki²

Farhad Khosravi Bizhaem³

Received: 08/06/2025

Accepted: 16/10/2025

Introduction

The discourse of Karbala in Iran, from the Safavid era onward, has led to the formation of various social institutions as well as material and cultural elements for experiencing Karbala rituals throughout the year (Rahmani, 2023, pp. 66–67). Manifestations of Ashura culture can be observed in Iranian religious art; notably, Qahvehkhaneh paintings of the Qajar period serve as one of the prominent expressions and loci of Shi'i teachings through Ashura and Karbala symbolism (Pakbaz, 2004, p. 148). During the Qajar period, the continuation of scenes and figures from the events of Ashura, especially in the wall paintings of sacred shrines, tile work, or fabric paintings—was widespread and often employed in the ritual of ritual curtain reading (Elahi, 1998, p. 105). Examples include depictions of Ali-Asghar in the arms of Imam Hussein, the martyrdom of Hazrat Abolfazl, the presence of Zafar Jani, the Alqama river, decapitated bodies, and similar motifs. Due to the significance of Imam Hussein's uprising and the passage of several centuries since the event, factors such as human fascination with myths and legends, extraordinary occurrences, and the neglect of scribes in examining multiple

1. Assistant Professor, Department of Islamic Art, Faculty of Handicrafts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.yazdani@au.ac.ir (Corresponding Author)

<https://orcid.org/0000-0001-8936-6751>

2. MA in Research of Art, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Email: Hengameh.shahbeigi@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-1503-4583>

3. Associate Professor, Department of Calligraphy and Persian Painting, Faculty of Handicrafts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: F.khosravi@au.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-4625-5063>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

narratives have likely contributed to exaggerations, distortions, misreadings, or transcription errors entering the sources.

One artifact related to the events of Ashura, notable for its extensive depiction of individuals and incidents, is the Qalamkar curtain preserved in the Hosseiniyeh Kababi of Birjand. This study answers these questions:

- ✓ Into how many thematic clusters can the aforementioned Qalamkar tapestry be categorized?
- ✓ How can the Ashura scene be interpreted based on the iconography present on the Hosseiniyeh Kababi Qalamkar?

What are the cultural and religious factors that influenced the development of these specific themes?

Research Methodology

The present study employs an analytical and comparative approach to interpret the Qalamkar curtain of the Hosseiniyeh Kababi, which belongs to the Qahvehkhaneh painting tradition. The data collection methods in this study were both library-based and field-based. The selection of comparative samples was purposeful and maximized for diversity to facilitate an understanding of the hidden layers and meanings of the artifact. One of the comparative approaches applied in this research is the lens-based comparison. Given the historical nature of this research method, earlier texts describing past phenomena and historical events can illuminate subsequent occurrences (Piravi Vank, 2016, p. 6). Instead of equating two phenomena, one is used as a tool to understand, evaluate, and critique the other.

To this end, four works with similar themes—created prior to the present artifact, between 1300–1337 AH, and reflecting diverse narrative approaches to Ashura—were selected as visual references to assist in interpreting the Qalamkar curtain. To achieve the research objectives, the first step involved introducing and describing the artifact and analyzing its visual features. The next step entailed comparing the artifact with the four thematically similar samples to trace the evolution of Ashura depictions during the Qajar period. In the third stage, the study identified the commonly used narratives within the depicted scenes, as conveyed by the curtain-maker. Finally, in the fourth stage, the latent meanings of the artifact were interpreted based on its visual elements and motifs.

Research Findings

The images on the Qalamkar curtain are narrative-driven, and to distinguish the figures, the names of the righteous (prophets, Imam Hussein, Hazrat Abolfazl, Ali Akbar, Ghasem, Ali Asghar, Zafar Jani, the messenger from Medina and the Darvish of Kabul) and the impure (Umar ibn Sa'd, Shemr, Harmala, Bakr ibn Amar, and Qaren) are inscribed alongside their depictions. In the inscriptions, no historical or religious records were found regarding the two enemy soldiers, Bakr ibn Amar and Qaren. It is likely that the artist either employed imaginative naming for these figures or interpreted the names differently based on phonetic perception.

The visual text is composed of two horizontal sections. The explicit layers of the upper section include discourses such as invitation, rejection of the invitation, supernatural forces, the presence of the Imams, confrontation, and the dialogue between forces of good and evil, whereas the explicit layers of the lower section depict discourses such as battles between forces of good and evil and the triumph of good. Together, these two sections comprise five levels. The first level includes the sky, clouds, angels and jinn. The second level contains visual elements such as the prophets, Imam Hussein, and the battle with the wicked. In the third level, the earth, the soil of Karbala, and plants are depicted. The fourth level narrates the struggle between good and evil, and the fifth level depicts the martyrs of the Ashura event.

The latent layers of the curtain include elements that, upon investigation of ancient sources, historical evidence, and comparison with distortions present in the visual system of the curtain, reveal deeper meanings. For instance, trampling of the martyrs' bodies by horses, according to historical sources (Ibn A'tham al-Kufi, 1993, p. 93; Baladhuri, 1996, p. 183), was an act committed by the disbelievers; however, in this curtain, the scene is reversed, as all fallen enemies in this image and other studied examples are shown under the horses' hooves. The martyrs' bodies in this image, representing Hazrat Abbas and four decapitated figures, are depicted with respect and careful arrangement in the lower right and left corners of the image. On the right, Abbas is shown in the arms of Imam Hussein, while on the left, the other bodies are guarded by a lion, which may symbolize the transfigured visage of Hazrat Ali.

Discussion and Conclusion

In this study, the Ashura Qalamkar curtain at the Hosseiniyeh Kababi in Birjand was examined, and twelve distinct scenes and narratives from the events of Ashura were identified. The findings indicate that the work employs limited visual features, such as texture, shading, and finishing, while details of clothing and the anatomy of the figures received less attention. Another notable aspect of the curtain is the creation of depth without the use of perspective, achieved solely through the background's coloration and the fading of the horizon line. This technique directs the viewer's focus to the battle and the martyrdom of Hazrat Abbas, emphasizing him through magnification. Accordingly, the work can be interpreted as centered on Hazrat Abbas.

Comparison of this work with ancient sources and other Qahvehkhaneh artworks indicates that the written historical record and oral culture have a significant influence on the selection of character portrayals, roles, and the destinies of actors depicted in the scenes. The accessible texts available to the narrator have shaped a hero-centered and reverential perspective for positive actors and a disparaging perspective for anti-heroes, even if this diverges from historical realities. By comparing the painted narratives with historical religious texts, it was found that the presence of Zafar Jani, Darvish Kaboli, Bakr ibn Amar, Qaren, and the ceremonial lion is not documented in historical sources for that day, although some are mentioned in certain martyrdom narratives. Therefore, the inclusion of these

elements likely reflects misreadings by the curtain narrator, influenced by distortions of the Ashura narrative during the Qajar period and the oral culture of the time.

Overall, the theme of the Ashura curtain was shaped by the social, religious, cultural, and artistic conditions of the Qajar period, and its narratives are drawn from both written and oral sources. In the latent layers of the curtain, elements of both truth and distortion are present, reflecting a practice common during the Qajar era. These distortions were likely intended to convey the experience of suffering more effectively to the narrator and to encourage a reverential perception of religious actors, an influence that can be traced to sources such as *Rawḍah al-Shuhadā*. Based on these observations, this Qalamkar curtain functioned as a media and educational artifact, aimed at communicating Shi‘i concepts.

Keywords: Qalamkar Curtain, Hosseiniyeh Kababi of Birjand, Ashura Painting

Acknowledgments

We express our gratitude to Mr. Seyyed Hadi Alavi for photographing and providing the image of the artwork, and to the South Khorasan Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Department for granting access to the registration file of the movable cultural-historical artifact, “Ta’zieh Curtain of the Ashura Tragedy, Hosseiniyeh Kababi”, which made this article possible.

References

- Alizadeh Birjandi, Z. (2022). *The crescent moon*. Birjand: Chahar Derakht. [In Persian]
- Azamzadeh, M. (2013). *A general dictionary of art*. Tehran: Simai Danesh Azar. [In Persian]
- Baladhuri, A. (1996). *Selections from Ansāb al-Ashrāf* (Vols. 2–3). Beirut, Lebanon: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Balaei Langroudi, A. (2019). *Zafar jenny*. The Center of the Great Islamic Encyclopedia. <https://cgie.org.ir/fa/article/2025/05/19> [In Persian]
- Boloukbashi, A. (1996). *Coffeeshouses in Iran*. Tehran: Cultural Research and Publication Office. [In Persian]
- Chalipa, K., & Mohammadpour, M. (2006). *Hossein Esmaeilzadeh, a painter of the coffeeshouse school*. Tehran: Cultural and Research Institute for Printing and Publishing. [In Persian]
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2021). *Dictionnaire des symboles* (S. Fazayeli, Trans.; Vols. 3 & 5). Tehran: Jeyhoon. [In Persian]
- Chlkowski, P. (1988). *Taziyeh, ritual and drama in Iran* (D. Hatami, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Darbandi Shirvani, M. (n.d.). *Secrets of martyrdom*. Tehran: Manšūrāt al-A‘lā. [In Persian]
- Dinvari, A. (2016). *The long narratives* (M. Mahdavi Dameghani, Trans.; Vol. 1). Tehran: Ney. [In Persian]
- Elahi, M. (1998). *The manifestation of Ashura in Iranian art*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Floor, V., Chalkovsky, P., & Ekhtiyar, M. (2002). *Paintings and painters of the Qajar period* (Y. Azhand, Trans.). Tehran: Il Shasavan. [In Persian]
- Hoshyaar, M., & Eftekhariad, F. (2022). *Introduction to fantasy painting*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Hosseinabadi, Z., & Mohammadpour, M. (2016). *A study of the visual symbols of Shiite art in coffeeshouse paintings*. *Paykareh*, 5(9), 35–50. [In Persian]
- Hosseyinrad, A., & Azizzadegan, M. (2011). The impact of ta'zieh on religious murals of the Qajar period. *Visual Arts Research Journal*, 1(1), 31–44. [In Persian]
- Ibn A'tham al-Kufi, M. (1993). *Conquests* (M. Mostoufi, Trans.; G. Tabatabai Majd, Ed.; Vol. 5). Tehran: Islamic Revolution Publications and Education Organization. [In Persian]
- Ibn al-Jawzi, Y. (1997). *Reminder of the properties*. Qom: Sharif Al-Radi Publications. [In Persian]
- Kashefi Sabzevari, M. (2003). *Martyrs kindergarten* (A. Aqiqi Bakhshaishi, Corrector). Qom: Navid Islam. [In Persian]
- Kotzebue, M. (1969). *Travel to Iran* (M. Hedayat, Trans.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Majlesi, M. (1986). *Bihar al-Anwar* (A. Mousavi Hamedani, Trans.; Vols. 44–45). Tehran: Ganjineh. [In Persian]

- Masoudi, A. (1970). *Al-Tanbih wa al-Eshrāf* (A. Payandeh, Trans.). Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Mehrnia, S. M., & Grossi, Z. (2022). *An analysis of narrative elements in religious paintings – Coffeehouse*. *Applied Arts*, 2022(15), 90–104. [In Persian]
- Mofid, M. (1999). *Guidance on God's arguments for His servants* (S. H. Rasouli Mahallati, Trans.; Vol. 2). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
- Motahhari, M. (1982). *Hussaini enthusiasm* (Vol. 1). Tehran: Sadra. [In Persian]
- Muhammad b. Ya'qub al-Kulayni. (2008). *The masterpiece of the saints; Translation of Al-Kafi* (Vol. 2). Qom: Dar al-hadis. [In Persian]
- Nori, M. H. (2009). *Pearls and corals; on the first and second steps of the pulpit of the prayer-readers*. Qom: Bani Zahra. [In Persian]
- Norouzi, N., & Dadvar, A. (2018). *Comparative aesthetics of religious murals (Karbala event) in Imamzadeh of Zeyd and Tekyeh of Moaven al-Molk in interaction with Ta'ziyeh*. *Negareh*, 2018(48), 86–103. [In Persian]
- Pakbaz, R. (2004). *Iranian painting from old time to today*. Tehran: Simin and Zarrin. [In Persian]
- Piravi Vanak, M. (2016). *Introducing a criteria for comparative research based on Kerry Walk's model*. *Scientific Journal of Motaleate-e Tatbighi-e Honar*, 6(11), 1–10. [In Persian]
- Rabbani Khalkhali, A. (2003). *The shining face of the moon of Bani Hashim, Abu al-Fazl al-Abbas*. Tehran: Thaqalain Cultural Institute. [In Persian]
- Rahmani, J. (2022). *Ritual and myth in Shiite Iran (Anthropology of the rituals of dismissal Muharram administration)*. Isfahan: Arma. [In Persian]
- Salehi Najafabadi, N. (1970). *Shahid Javid*. Tehran: Mashal Azadi. [In Persian]
- Sayf, H. (1990). *Coffeehouse painting* (C. Karbasi, Trans.). Tehran: Cultural Heritage Organization of the Country. [In Persian]
- Sefidrooz, M., & Khazāie, R. (2024). *Narrative analysis of the Ashura curtain of Hosseinieh Kabbabi, Birjand*. First National Biennial Conference on Research in Islamic Art, Art University of Isfahan, Isfahan. [In Persian]
- Seyyed ibn Tavus. (2022). *Al-Maluhūf 'Alā Qatlā al-Tufūf* (S. A. Fahri Zanjani, Trans.). Tehran: International. [In Persian]
- Shahidi, A. (2001). *A study on Ta'ziyeh and Ta'ziyeh singing from the beginning to the end of the Qajar period in Tehran*. Tehran: Cultural Research Office Cooperation with the National Commission for UNESCO in Iran. [In Persian]
- Sharif Kashani, H. (2011). *Martyrs' memorial*. Tehran: Shams al-Zoha. [In Persian]
- Shayestehfar, M. (2007). *The presence of the Ashura in Qajar era paintings*. *Negareh*, 3(5), 5–17. [In Persian]
- Tabari, M. (1996). *History of Tabari* (A. Payandeh, Trans.; Vols. 5 & 7). Tehran: Asatir. [In Persian]
- Taherian, E., Fahimifar, A., & Hassanvand, M. (2023). *A reading of a coffeehouse painting based on the concept of conversation in Gadamer's modern hermeneutic theory*. *Negareh*, 18(65), 151–167. [In Persian]

- Ziaei, S. A. (2005). *Sociology of Ashura distortions: A critical-pathological approach to Maqtals, shrines, and poetic literature*. Tehran: Hezare Qoqnous. [In Persian]
- Ziainejad, S., & Mahmoudi Bakhtiyari, B. (2023). *Mythology as a literary-social form: A comparative study of the formal structure in the coffeehouse paintings of the Children of Muslim and in the Shabīh-nāmeḥ of the Sons of Muslim*. *Socialism in Persian Literature*, 2(4), 47–44. [In Persian]

مقاله‌ی علمی - پژوهشی

تحلیل لایه‌های آشکار و نهان واقعه‌ی کربلا در پرده‌ی نقاشی قلمکار حسینیه‌ی کبابی بیرجند براساس سیر تحول عاشورانگاری در دوره‌ی قاجار

فرهاد خسروی بیژانم^۳هنگامه شاه‌بیک^۲ملیکا یزدانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

مشاهده‌ی مقاله‌ی منتشر شده: دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۱

https://www.farhangekhorasan.ir/article_232278.html

چکیده

قیام امام حسین (ع) یکی از وقایع بسیار مهم در تاریخ اسلام است که تأثیرات عمیقی بر فرهنگ ایران، از جمله ادبیات و هنر، داشته و نشانه‌های آن به‌ویژه در هنر نقاشی پرده‌های عاشورایی ظهور پیدا کرده است. در این پژوهش خوانش نگاره‌های واقعه‌ی کربلا بر پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی بیرجند مربوط به دوره‌ی قاجار، که از جمله نقاشی‌های مرتبط با تعزیه است، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا و به‌منظور فهم بهتر این نقاشی، سیر تحول عاشورانگاری دوره‌ی قاجار نیز بررسی شده است. روش تحقیق پیش‌رو تحلیلی - تطبیقی و براساس منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی انجام گرفته است. مهم‌ترین اهداف پژوهش دسته‌بندی مضامین پرده‌ی مزبور (براساس ترتیب روایت واقعه و تطبیق آن با اسناد تاریخی مرتبط) است. دستیابی به عوامل فرهنگی و مذهبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مضامین آن نیز براساس متون و عاشورانگاری دوره‌ی

۱. استادیار گروه هنر اسلامی، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول) m.yazdani@au.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-8936-6751>

۲. دانش آموخته کارشناسی‌ارشد پژوهش‌هنر دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند Hengameh.shahbeigi@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0001-1503-4583>

۳. دانشیار گروه کتابت و نگارگری، دانشکده صنایع‌دستی، دانشگاه هنر اصفهان f.khosravi@au.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-4625-5063>



COPYRIGHTS

2023 by the authors. Published by the General Office of Islamic Culture and Direction southern Khorasan. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

قاجار انجام شده و بدین‌منظور این اثر با چهار داده‌ی فرهنگی دیگر با مضمون عاشورا تطبیق داده شده است. از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش پیش رو می‌توان به شناسایی دوازده صحنه‌ی از واقعه‌ی کربلا در این اثر اشاره کرد که با محوریت حضرت عباس (ع) و آب شکل گرفته است. علاوه بر این، تداوم حیات فرهنگ شفاهی و شنیداری از دوره‌ی صفوی در انتقال تجربه‌ی رنج به گفته‌خوان و همچنین منابع مکتوب دوره‌ی قاجار، که گاه پیش‌زمینه‌ی شکل‌گیری رویدادهای فراواقعی در این اثر هستند، قابل توجه است و از این منظر با دیگر آثار عاشورانگاری در دوره‌ی قاجار هم‌راستا است. همچنین در تمام نمونه‌های مورد پژوهش اهمیت و احترام ویژه به اهل‌بیت، درحالت‌های گوناگون و حتی شهادت، از مواردی است که گفته‌پرداز با ترکیب شبکه‌ای از معانی پنهان متصل به هم به آن‌ها پرداخته است. به‌طور کلی، می‌توان گفت تنوع مضامین مستقل با تأکید بر درک بیشتر رنج اهل‌بیت و پویایی اثر مورد مطالعه، از دلایل تداوم حضور آن در مناسک عزاداری امروز در حسینی‌ه‌ی کبابی بیرجند است.

واژه‌های کلیدی: پرده‌ی قلمکار، حسینی‌ه‌ی کبابی بیرجند، عاشورانگاری.

مقدمه

گفتمان کربلا در ایران، از دوران صفویه به این سو، به‌عنوان کانون هویت مذهبی و اجتماعی مطرح بوده است. اهمیت مناسک عزاداری سبب شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و عناصر مادی و فرهنگی متعددی برای تجربه‌ی مناسک کربلا در تمام روزهای سال شده است (رحمانی، ۱۴۰۱: ۶۶-۶۷). در نتیجه، واقعه‌ی عاشورا از نمادهای اصلی و محوری فرهنگ تشیع است که حیات آن در آیین‌های جمعی نمود یافته است. همچنین جلوه‌های فرهنگ عاشورایی را می‌توان در هنر مذهبی - ایرانی نیز مشاهده کرد؛ از جمله می‌توان از نقاشی قهوه-خانه‌ای در دوره‌ی قاجار، که یکی از مظاهر و جلوه‌گاه‌های آموزه‌های شیعی در نمادهای عاشورایی و کربلایی است، نام برد (پاکباز، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

در دوره‌ی قاجار، تکرار و تداوم برخی صحنه‌های واقعه‌ی عاشورا، به‌ویژه در دیوارنگاری بقای متبرکه، کاشی‌نگاری‌ها و یا نقاشی بر روی پارچه، برای استفاده در مناسک تعزیه در میدین یا حسینی‌ه‌ها، از رواج چشمگیری برخوردار بود و در مراسم پرده‌خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

این پرده‌خوانی‌ها وسیله‌ای برای بیان سوگ در قالب تصویر بوده که همراه با انبوه نقوش و مضامین پرمعنا به مردم عرضه می‌شده است (الهی، ۱۳۷۷: ۱۰۵). در روایت عاشورا چند شخصیت و صحنه‌ی ویژه وجود دارد که برای رسانیدن مخاطب به بالاترین میزان رنج مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از جمله می‌توان به تصویر علی‌اصغر در آغوش امام حسین (ع)، به شهادت رسیدن حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)، حضور زعفر جنی، نهر علقمه، بدن بی‌سر و مواردی از این دست اشاره کرد. به دلیل اهمیت قیام امام حسین (ع) از نظر سیاسی و مذهبی و گذر چند سده از این رویداد، به نظر می‌رسد عواملی مانند تمایل بشر به اسطوره‌ها و افسانه‌ها و امور خرق عادت و نیز بی‌توجهی کاتبان به بررسی روایت‌های مختلف، در کنار تلاش مخالفان برای توجیه و تخریب افکار عمومی موجب گردیده تا مواردی از اغراق، تحریف، غلط‌خوانی و یا غلط‌نگاری به منابع راه یابد.

یکی از آثار مرتبط با واقعه‌ی عاشورا که دارای جزئیات پرشماری از افراد و وقایع است و می‌تواند به منظور تعمق و تامل در مطالب فوق مورد خوانش قرارگیرد، پرده‌ی قلمکار محفوظ در حسینیه‌ی کبابی بیرجند است. در پژوهش پیش‌رو، با مطالعه‌ی نقش‌مایه‌های مرتبط، این پرسش‌ها مطرح شده‌است:

- پرده‌ی قلمکار مزبور چند گروه مضمونی دارد؟

- چگونه می‌توان صحنه‌ی عاشورا را براساس نگاره‌های موجود بر پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی مورد خوانش قرار داد؟

- عوامل فرهنگی و مذهبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مضامین کدام‌اند؟

در این راستا، پس از معرفی اثر مورد مطالعه، برای رسیدن به صحنه‌های پرتکرار این واقعه در آثار هنری دیگر، روایت‌های تعریف‌شده در این پرده با چهار اثر دوره‌ی قاجار با مضمون عاشورا تطبیق داده شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

روایت واقع‌ی عاشورا یکی از پرشمارترین مضامین مذهبی است که بازنمایی آن را می‌توان در پژوهش‌های حوزه‌ی تاریخ، سیاست، ادبیات و هنرهای تصویری مشاهده کرد. علاوه بر آثاری که تاریخ و فرهنگ عاشورا را مورد توجه قرار داده‌اند، تعداد زیادی آثار در ارتباط با هنر عاشورایی به چاپ رسیده است. این پژوهش‌های تحلیلی و تفسیری هر یک می‌تواند راهگشای مسیر این پژوهش قرار گیرد که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته خواهد شد. سیف (۱۳۶۹) در کتابی با عنوان *نقاشی قهوه‌خانه‌ای*، ضمن بررسی این آثار و مضامین آن، به معرفی نقاشان نامدار این سبک پرداخته است. بلوک‌باشی (۱۳۷۵) در کتابی تحت عنوان *قهوه‌خانه‌های ایران* به روند پدیدآمدن قهوه‌خانه‌ها در زمان صفویه و نقالی یا قصه‌خوانی، که بیشتر در فضاهای باز و عمومی و پررفت و آمد شهر به صورت معرکه‌گیری انجام می‌گرفت، پرداخته است. الهی (۱۳۷۷) در کتاب *تجلی عاشورا* در هنر *ایران* و پیشینه تاریخی تعزیه به کاربرد فلز، چوب و ساخت اشیای ویژه عزاداری پرداخته است. شایسته‌فر (۱۳۸۶) در مقاله‌ای حضور واقع‌ی عاشورا را در نقاشی دوران قاجار، در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نقاشی پشت شیشه و چاپ سنگی مورد بررسی قرار داده و معتقد است هر کدام، به لحاظ فن و سبک، فنون متفاوتی را پیمودند و همین امر در نماین ساختن اجزای صورت، حالات و اصالت چهره‌ی انبیای تأثیرگذار بوده است. حسین‌آبادی و محمدپور (۱۳۹۵) در پژوهشی نمادهای تصویری هنر شیعی را در نقاشی قهوه‌خانه‌ای مورد مطالعه قرار داده‌اند و بیان می‌کنند که ریشه‌ی این عناصر به حکومت آل بویه باز می‌گردد. نوروزی و دادور (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای به تطبیق زیبایی‌شناختی دیوارنگاری‌های مذهبی (واقع‌کربلا) بقعه‌ی شاه‌زید و تکیه‌ی معاون‌الملک در تعامل با تعزیه پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که در تعامل دیوارنگاری مذهبی با نمایش تعزیه اشتراکات مضمونی، ادبی، مکانی، نمادپردازی رنگ و... وجود دارد اما در ساختار صوری نقاشی‌ها و تکنیک‌های اجرایی دیوارنگاره‌های مورد مطالعه تفاوت‌هایی وجود دارد. رحمانی (۱۴۰۱) در بخشی از کتاب *آیین و اسطوره در ایران شیعی* به گفتمان نظام معنایی کربلا در ایران شیعی پرداخته و بر این نظر است که این نظام سبب شکل‌گیری نظام‌های مناسکی متعدد و مجموعه‌ای از باورهای اساطیری شده است. مهرنیا و گروسی (۱۴۰۱) تحلیلی بر داستان‌های عامیانه در نقاشی‌های مذهبی قهوه‌خانه‌ای داشته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که نقاشان

این مکتب صرفاً با هدف عامه‌فهم و جذاب کردن وقایع کربلا، در بیان مظلومیت اهل بیت، به ترسیم این روایت‌ها مبادرت می‌کردند و صحت و سقم برخی از روایت‌ها در هیچ کدام از منابع مرتبط به وقایع کربلا تأیید نشده است. ضیایی‌نژاد و محمودی‌بختیاری (۱۴۰۲) در پژوهشی مشترک با عنوان «روایت‌شناسی یک فرم ادبی اجتماعی‌عامه» به مطالعه‌ی تطبیقی فرم روایی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای طفلان مسلم و شبیه‌نامه پسران مسلم پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند اگر چه هر دو هنر روش‌های روایی متفاوت و پیچیده‌ای به کار می‌برند اما هر یک از آن‌ها به سهم خود ذهن مخاطب را برای درک این پیچیدگی‌ها آماده می‌کند و زمینه‌ای برای شکل‌گیری و ارتقای هنرهای ملی و منحصربه‌فرد به وجود می‌آورد و در آخر، طاهریان، فهیمی‌فر و حسنوند (۱۴۰۲) به خوانش نقاشی قهوه‌خانه‌ای و نقاشی‌های دیواری مکتب اصفهان براساس مفهوم مکالمه در نظریه‌ی هرمنوتیک مدرن گادامر پرداخته‌اند و اینگونه بیان می‌کنند که هنرمند در پیوند با افق فکری مشروطه و تحت‌تأثیر عناصر غرب اقدام به خلق اثرش کرده است. براساس پژوهش‌های متعدد در زمینه‌ی عاشورا و هنر شیعی، مشاهده می‌شود که پژوهشگران مضامین گوناگونی را بر بسترهای متعدد مورد توجه قرار داده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌ی تحلیل واقعه‌ی عاشورا از دید پژوهشگران و برمبنای فرم و معنا بوده است. به‌رغم این تحقیقات گسترده، به‌ندرت خوانش پرده‌ی قلمکار محفوظ در حسینیه‌ی کبابی‌های بیرجند مورد توجه قرار گرفته است. علیزاده بیرجندی (۱۴۰۱) در کتاب *قرنی بر مدار قمر با محوریت ریشه‌یابی آیین‌های مذهبی - مردمی طی صد سال در هیئت ابوالفضل‌ی بیرجند*، در بخشی که به تاریخچه‌ی حسینیه‌ی کبابی پرداخته، مباحثی در باب پرده‌ی نقالی حسینیه‌ی کبابی براساس مطالعات تاریخی و میدانی بیان نموده است. سفیدروز و خزاعی (۱۴۰۳) نیز در مقاله‌ی «روایت‌شناسی پرده‌ی عاشورای حسینیه - کبابی بیرجند»، با رویکرد ریخت‌شناسی پراپ، به تحلیل روایت این پرده پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش، بر پایه‌ی توصیف و معرفی اثر، نشان می‌دهد که حضور امام حسین (ع) و حضرت عباس بیشترین تأثیر را در روایت‌پردازی تصویری این پرده دارند و سبب ایجاد ساختار منظم و معنادار در این اثر می‌شوند. با توجه به پژوهش‌های پیشین، به نظر می‌رسد نگاره‌ی پرده‌ی عاشورا در حسینیه‌ی کبابی، که همچنان به حیات خود در مناسک عزاداری سالانه ادامه می‌دهد، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که تاکنون از منظر تحلیل تاریخی - مذهبی چندان مورد توجه

پژوهشگران قرار نگرفته است. بنابراین، می‌توان با خوانش دقیق آن از منظرهای گوناگون به لایه‌های نهان آن دست‌یافت و بخشی از فرهنگ مناسک عاشورا در دوره‌ی قاجار را، که کانون توجه مجالس عزاداری محرم بوده، در آن جستجو کرد. این پژوهش تلاش خواهد کرد تا، با دستیابی به فرم‌های ناب بصری و شور و هیجان کنشگران حاضر در صحنه، اصالت ارجاعی عاشورانگاری را در این پرده‌ی عاشورا مشاهده و بررسی کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیلی و تطبیقی به خوانش پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی، که زیرمجموعه‌ی شیوه‌ی نقاشی قهوه‌خانه‌ای قرار می‌گیرد، می‌پردازد. شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. گزینش نمونه‌های قیاس در این پژوهش، هدفمند و با حداکثر تنوع بوده تا برای رسیدن بر مفهوم و معنای لایه‌های پنهان اثر راهگشا باشد. از منظر کری واک^۱، یکی از شیوه‌های تطبیق که در این پژوهش نیز مورد نظر قرار دارد، تطبیق لنزی است؛ برای مثال وقتی دو گزاره‌ی "الف" و "ب" با یکدیگر قیاس می‌شوند، "الف" را (که در این پژوهش پرده‌ی قلمکار در نظر گرفته شده است) لنز یا عینکی جهت سنجش و نگاه نقادانه به "ب" (که در این پژوهش شامل دو گروه است) در نظر می‌گیرد. گروه نخست، چهار اثر با مضمون مشابه که با در نظر گرفتن حداکثر تنوع در روایت‌پردازی عاشورا، که پیش از این اثر در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۳۷ ق خلق شده بودند، به‌عنوان متن تصویری کمک‌کننده به خوانش اثر "الف" در نظر گرفته شده‌اند، گروه دوم را متون کهن مرتبط با عاشورا تشکیل می‌دهد. بنابراین، به‌جای هم‌ارز گرفتن دو پدیده، یکی را ابزاری برای فهم و ارزیابی و نقد دیگری قرار می‌دهد. تطبیق لنزی در روشن ساختن و یا به چالش کشاندن غیرپویایی پدیده‌ای که پیش از تحلیل به نظر می‌رسید کاملاً درک شده و هیچ وجه پنهانی ندارد بسیار کارگشا است. تطبیق لنزی، خود فرایندی تاریخی است و اساساً تاریخچه‌ی موضوعات تأثیر بسزایی بر سرنوشت این تحقیق می‌گذارند. تاریخی بودن جنس این شیوه‌ی پژوهش تا آنجاست که متون پیشین پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی متقدم می‌توانند تبیین‌کننده‌ی موارد پسین یا متأخر باشند (پیراوی ونک،

۱۳۹۵: ۶). برای دستیابی به اهداف پژوهش، در مرحله‌ی اول، معرفی و توصیف اثر انجام شده و ویژگی‌های بصری آن مورد مطالعه قرار گرفته است. گام بعدی، تطبیق اثر با چهار نمونه با مضمون مشابه و دستیابی به سیر تحول عاشورانگاری در دوره‌ی قاجار است. مرحله‌ی سوم دستیابی به روایت‌های پرکاربرد در نگاره مذکور توسط گفته‌پرداز (قلمکارساز) است و در مرحله‌ی چهارم، براساس عناصر و نگاره‌های موجود در اثر، به معنای نهان آن پرداخته شده است.

معرفی پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی‌ها

پرده‌ی قلمکار روز عاشورا (تصویر ۱)، به دستور آقامیرزماشالله طهرانی در ۱۳۳۸ق توسط استاد محمدحسین (احتمالاً در شهر یزد) بر روی پارچه‌ی کرباس با استفاده از شش رنگ طبیعی گیاهی (نخودی، قرمز، سبزدری، آبی، خاکستری و سیاه) و با تأکید بر رنگ قرمز و به صورت ترکیب نقاشی و مهر اجرا شده است که به روایت وقایع عاشورا، براساس متن و تصویر، می‌پردازد. ابعاد این اثر حدود ۳ متر در ۳۰۹ متر است. اثر در ۱۳۹۷/۱۱/۳ به شماره‌ی ۱۱۹۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است (آرشیو میراث فرهنگی خراسان جنوبی). اثر مذکور، که پیش از این در حسینی‌ی کبابی‌های بیرجند قرار داشته، همچنان در مراسم سالانه‌ی عزاداری محرم مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ حسینی‌ی کبابی نیز یکی از آثار ثبت ملی کشور و از قدیمی‌ترین موقوفات بیرجند بوده که توسط مرحوم کربلایی غلامرضا کبابی برای برگزاری مناسک عزاداری امام حسین (ع) وقف شده است. وارثان این مرحوم (خانواده‌ی کیانی) در دهه‌ی اول محرم هر سال، با نصب این پرده‌ی قلمکار در حسینی‌ه، به اقامه‌ی عزاداری حضرت اباعبدالله -الحسین(ع) می‌پردازند.

۱. این اثر، چندی پیش، به مکانی دیگر انتقال یافته و جایگزین آن به صورت یک اثر چاپ شده (در ابعاد یکسان با اثر اصلی) در حسینی‌ی کبابی نصب شده است.



تصویر ۱. پرده‌ی قلمکار، ۱۳۳۸ق حسینی‌ی کبابی‌ها بیرجند (عکاس: سیدهادی علوی)

اثر مورد مطالعه با شیوه‌ی قالب‌زنی در حاشیه‌های باریک و به‌صورت ترسیم دستی (قلم مو) طراحی شده است. در حاشیه‌ی این اثر ۱۴ بیت منتخب از سه قصیده‌ی محتشم کاشانی به‌صورت مصرع‌های جداگانه در قاب‌بندی‌های مجزا به خط نستعلیق اجرا شده است. متن شعر در سمت راست پرده از پایین به بالا (تصویر ۲) با ابیاتی از قصیده‌ی «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» شروع می‌شود و درحاشیه‌ی بالا از سمت راست به چپ با مصرع «گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب» ادامه می‌یابد. هنرمند این مرثیه‌سرایی را در سمت چپ از بالا تا پایین پرده، با مصرع «گویا عزای اشرف اولاد آدم است»، پیش می‌برد و در پایین پرده از سمت چپ به راست با «ز آن گل که شد شکفته به بستان کربلا» ادامه می‌دهد و با عبارت «یا ابا عبدالله الحسین (ع)» به پایان می‌رساند.

با توجه به حاشیه‌ی تصویر ۲، که براساس ترتیب صحیح ابیات محتشم‌کاشانی شماره‌گذاری شده، در دو قسمت از این قصیده، نگارنده‌ی اشعار ترتیب مصرع‌ها را جابه‌جا کرده است. اولین جابه‌جایی در مصرع ۱۴ با ۱۵ است که براساس متن اصلی می‌بایست به‌این ترتیب نوشته می‌شد: «گویا عزای اشرف اولاد آدم است / خورشید آسمان و زمین نور مشرقین». دومین جابه‌جایی در ابیات مربوط به حاشیه‌ی پایین پرده مشاهده می‌شود. علی‌رغم اینکه خط فارسی از راست به

چپ نوشته می‌شود، نگارگر در سمت پایین پرده ناگزیر از چپ به راست پیش رفته است. اگر فرض بر این باشد، ترتیب مصرع‌ها (۲۳-۲۴ و ۲۱-۲۲) در حاشیه‌ی پایین پرده مطابق تصویر ۲ می‌باشد. می‌توان گفت نگارنده‌ی ابیات، هوشمندانه و مبنی بر اینکه دو مصرع «فریاد العطش ز بیابان کربلا» و «از آب هم مضایقه کردند کوفیان» دقیقاً زیر نهر علقمه قرار گیرد، دست به جابجایی ابیات پایانی زده است. همچنین، جایابی و قراردادن آغاز و پایان اشعار در صحنه‌ی آخر که حضرت عباس در آغوش امام به شهادت رسیده نیز احتمالاً از قبل مورد نظر هنرمند خالق اثر بوده است. در پرده‌ی قلمکار مورد مطالعه، ۴۲ پیکره‌ی انسانی و ۱۴ پیکره‌ی ماورایی (شامل ۶ شمایل ارواح و انبیا، ۱ فرشته و ۷ اجنه) نیز مشاهده می‌شود. از نگاره‌های حیوانی می‌توان به ۲۴ رأس اسب، ۲ قطعه ماهی، ۱ نفر شتر، ۱ قلاده شیر و در عناصر گیاهی به ۱ نفر درخت نخل اشاره کرد. عناصر فوق در چند سطح دیداری و به‌صورت افقی در ۱۲ صحنه‌ی مختلف قرار گرفته‌اند؛ این سطوح به‌وسیله‌ی پیکره‌های انسانی یا عناصر طبیعی از یکدیگر تفکیک شده‌اند و هر کدام از این سطوح به چند روایت تقسیم شده است (تصویر ۲).

شمایل امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل در چند سطح و صحنه تکرار شده‌اند؛ همین امر یعنی حضور هم‌زمان نظامی واحد یا نگاره در یک یا چند مکان جغرافیایی بر پرده‌ی نقاشی که نشان‌دهنده‌ی وضعیت ترازمانی در اثر است و می‌تواند دربرگیرنده‌ی روایت‌های مختلف در یک کل واحد باشد (هوشیار و افتخاری‌راد، ۱۴۰۱: ۴۲). همچنین، این مکان‌ها در هیچ‌کدام از ۱۱ صحنه مشترک نیستند؛ یعنی هر صحنه علاوه بر اینکه دربردارنده‌ی روایت خود است اما با صحنه‌های دیگر پیوند دارد؛ بنابراین، این اثر گویای نوعی وضعیت ترامکانی است.

این متن دیداری شامل دوازده صحنه از واقعه‌ی عاشورا است که به ترتیب از سمت بالای چپ اثر شروع و به پایین سمت راست ختم می‌شوند (تصویر ۲). صحنه‌ی اول شامل خیمه‌گاه و اهل بیت امام حسین (ع) (احتمالاً حضرت زینب(س)) است؛ صحنه‌ی دوم گفتگوی امام حسین (ع) با درویش کابلی را نشان می‌دهد؛ در صحنه‌ی سوم، زعفرجی و یارانش به چشم می‌خورند؛ صحنه‌ی چهارم نشان‌دهنده‌ی قاصد مدینه است؛ صحنه‌ی پنجم حضور انبیا و همراهی ایشان با حضرت را نشان می‌دهد؛ صحنه‌ی ششم، امام حسین(ع)، طفل شیرخوار (علی‌اصغر) و فرشته‌ای در آسمان را به تصویر کشیده؛ صحنه‌ی هفتم شامل شمر، عمرسعد، حرمله و سپاهیان است؛ صحنه‌ی هشتم

و هفتم لحظه‌ی مذاکره دو گروه را نشان می‌دهد؛ صحنه‌ی هشتم روایتگر نبرد حضرت قاسم (ع) است؛ صحنه‌ی نهم نبرد علی‌اکبر (ع) و قارن را شامل می‌شود؛ صحنه‌ی دهم گویای نبرد حضرت ابوالفضل در نزدیکی نهر علقمه است؛ در صحنه‌ی یازدهم بیننده شاهد به‌شهادت رسیدن حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) در دامان امام‌حسین (ع) است؛ در صحنه دوازدهم، نگارگر قتلگاه را به تصویر کشیده است. در این پرده‌ی قلمکار، احتمالاً صحنه‌ی ۱ و ۲ ورود آن حضرت به کربلا در روز پنجشنبه، دوم محرم ۶۱ هجری را نشان می‌دهد و صحنه‌ی ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مربوط به روز عاشورا (جمعه دهم محرم آن سال) است.

در این پرده، نظام‌های ویژه‌ی گفتگومحور را مضمون (وعظ، خطابه)، گفته‌پرداز (نقاش، قلمکارساز)، گفته‌خوان (مخاطب، بیننده) و کنشگر (شخصیت‌های حاضر در متن) تشکیل می‌دهند. با بررسی و تطبیق صحنه‌های روایتگر عاشورا با منابع مکتوب می‌توان به مهم‌ترین مضامین مورد توجه گفته‌پردازان عاشورا پی‌برد و تا حدودی گزینش بیشترین مضامینی که تجربه‌ی رنج را برای گفته‌خوان‌ها پدید می‌آورند درک کرد.



تصویر ۲. ترتیب مصرع‌ها در حاشیه و دوازده صحنه از واقعه‌ی عاشورا (نگارندگان).

روایت عاشورا در آینه‌ی تاریخ

در این مرحله، به تحلیل متونی پرداخته خواهد شد که اثر در ارتباط با آن‌ها قرار دارد. در فرایند کشف این روابط است که خوانش شخصیت‌ها و رخدادها انجام خواهد شد. پرده‌ی قلمکار مورد مطالعه در ابتدا دارای سطحی کاربردی و شناختی از واقعه است ولی در این سطح نمی‌ماند و بیننده را به سطحی دیگر از شناخت لایه‌ای رهنمون می‌سازد.

واقعه‌ی کربلا یکی از مهم‌ترین و دردناک‌ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می‌رود. به گفته‌ی ابن‌اعثم کوفی، امام در سوم شعبان از مدینه خارج شد (۱۳۷۲، ج ۵: ۲۲). زمانی که ایشان در ذات عرق^۱ فرود آمد، نامه‌ی عمرو بن سعید بن عاص اشدق از مدینه رسید که به حسین بن علی (ع) نوشته بود: «از خدا می‌خواهم که ترا از آنچه مایه زحمت می‌شود منصرف کند و به آنچه مایه توفیقت می‌شود هدایت کند، شنیدم جانب عراق روان شده‌ای. با فرستاده پیش من آی که به نزد من امان داری.» حسین (ع) در جواب گفت خوابی دیده‌ام که پیامبر نیز در آن بود و دستوری یافته‌ام که به ضررم باشد یا به سودم انجام می‌دهم (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵، ۱۷۶). امام و یارانشان در راه کوفه بودند که حرّ، به دستور ابن‌زیاد، در جایی به‌نام ذُو حُصَم (ذی‌حسم) امام را وادار کرد تا در صحرائی بدون آب و استحکامات فرود آید و مانع استقرار او و یارانش در روستاهای اطراف فرات، همچون نینوا، غاضریه و عَفْر، گردید و امام را ناگزیر ساخت در جایی به نام کربلا در نزدیکی فرات پیاده شود (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۶۲-۳۴). روز ورود امام به کربلا پنج‌شنبه دوم محرم ۶۱ بود (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۷۷). در پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی بخش نخست خیمه‌گاه احتمالاً این زمان را به تصویر کشیده است. عمر سعد، پیش از نبرد کربلا، از سوی ابن‌زیاد مأموریت یافت تا امام حسین (ع) را وادار به بیعت با یزید کند اما این مذاکرات به نتیجه نرسید و امام حاضر به بیعت با عبیدالله بن زیاد نشد. روایت شده که روز عاشورا هنگامی که امام حسین (ع) در حال سخن گفتن با لشکریان عمر بن سعد بود، یکی از اطفالش را دید که از تشنگی می‌گرید، او را روی دست گرفت و گفت: ای جماعت اگر به من رحم نمی‌کنید به این کودک شیرخوار رحم

۱. ذات عرق، از میقات‌های پنج‌گانه حج و منطقه‌ای باستانی است که در مکه در عربستان سعودی واقع شده است. یاقوت حموی این مکان را در نزدیکی حجاز دانسته که نام خود را از کوهی در نزدیکی مکه گرفته است و مرز میان نجد و تهامه است (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۴۲، ۷۸۴).

کنید. مردی از سپاه کوفه تیری بر گلویش زد و آن کودک را به شهادت رساند (ابن جوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۷). (لحظه‌ی گفتگوی امام حسین (ع) با اشقیبا، در حالی که علی‌اصغر را در آغوش دارد، در پرده‌ی قلمکار مزبور ترسیم شده است). هنگامی که از دسترسی امام به آب و شریعه‌ی فرات جلوگیری شد، او برادر دلیر و وفادارش، حضرت ابوالفضل را با گروهی فرستاد و او توانست، با عقب راندن دشمن، مشک‌ها را از آب پر کند و بازگردد (همان، ج ۳: ۱۸۰). شمار لشکریان امام را در صبح عاشورا ۳۲ سواره و ۴۰ پیاده نوشته‌اند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۲۲) و شمار لشکریانی را که ابن‌زیاد همراه سرداران خود به یاری عمر بن سعد فرستاد و تحت فرماندهی او قرار داد، ۲۲۰۰۰ سوار و پیاده نوشته‌اند (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۹۰-۸۹).

در جنگ و پس از چند مبارزه‌ی یک‌به‌یک میان یاران امام و لشکر عمر بن سعد، چون ابن‌سعد برتری یاران امام را دید، لشکریانش را از مبارزه منع کرد و سرداران وی حملات خود را از میمنه (راست) و میسره (چپ) آغاز کردند و تیراندازان او لشکر امام را آماج قرار دادند. شدت جنگ در ظهر عاشورا به اوج خود رسید و بعدازظهر نیز ادامه یافت (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۹۰-۱۹۴). طبق پاره‌ای روایات، علی‌اکبر، فرزند برومند امام حسین (ع)، نخستین فرد از خاندان ابوطالب بود که به شهادت رسید (دینوری، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۶)؛ او در این پرده‌ی قلمکار در حال مبارزه با قارن تصویر شده است. سپس، قاسم، پسر امام حسن (ع)، در حال نبرد نشان داده شده است که یک‌تنه و با دلاوری تمام جنگید. عاقبت، لحظه‌ی محتوم فرا می‌رسد و او مجروح و بی‌یاور از اسب به زیر می‌افتد و به شهادت می‌رسد (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۳۱).

بعد از شهادت یاران امام و تشنگی شدید اهل حرم، امام و برادرش عباس درصدد تهیه‌ی آب برآمدند؛ با هم وارد میدان جنگ شدند و به سمت فرات حرکت کردند (مفید، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۰۹). عباس همچنان پیشاپیش حسین (ع) حرکت می‌کرد و می‌جنگید و به هر سو که حسین (ع) می‌رفت، او نیز به همان سو می‌رفت (دینوری، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۷) در زمان جنگ، هرگاه کار بر یکی از یاران دشوار می‌شد و در حلقه‌ی محاصره‌ی دشمن گرفتار می‌آمدند، عباس برای نجات و رفع گرفتاری تن به خطر می‌داد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۷۸). تا عباس زنده بود، لشکر بنی‌امیه جرئت تعرض به خیام حرم را نداشتند. حضرت عباس، درحالی که برای آوردن آب عازم شده بود، به دشمن حمله برد و آن‌ها را متفرق کرد. در این هنگام زید بن ورقاء (حنفی) با حکیم بن طفیل

سنبسی پشت درخت نخلی کمین کردند؛ حکیم ضربتی بر دست راست عباس (ع) وارد کرد و سپس با عمودی آهنین بر فرقش زد؛ عباس زخم‌های شدیدی برداشته بود. بدین‌گونه او، پس از کشتن گروهی از دشمن، به شهادت رسید (مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۴۵: ۴۰-۴۱). به‌روایتی، آنگاه که امام‌همه‌ی یاران و خویشانش را از دست داد، عباس به‌تنهایی جنگ را پیش برد تا به شهادت رسید (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۱۷-۱۱۸). چون امام حسین (ع) عباس را در کنار فرات بر زمین دید، به‌سبب کشته شدن عباس به‌شدت گریه کرد و (با حالت انکسار) فرمود: «اکنون کمرم شکست و رشته تدبیرم گسسته شد» (ابن‌طاووس، ۱۴۰۱: ۱۷۰). در پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی، تصویرگری هم‌زمان لحظه‌ی نبرد و لحظه‌ی شهادت عباس مشاهده می‌شود؛ همچنین نبرد طاقت‌فرسا و انفرادی وی، درحالی که مشک آب بر دوش دارد، با بکر بن‌آمر و دیگر اشقیاء، که وی را نشانه رفته‌اند. جنازه‌ی بی‌دست وی در آغوش امام، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های رنج، نیز بخش زیادی از پرده‌ی قلمکار را به خود اختصاص داده که می‌تواند تلاش هوشمندانه‌ی نگارگر در برانگیختن گفتمان احساسی و عاطفی برای گفته‌خوان با محوریت شجاعت، ایستادگی و شهادت حضرت عباس (ع) در نظر گرفته شود.

به نقل از شیخ کلینی در *اصول کافی*، هنگامی که امام حسین (ع) به‌شهادت رسید، دشمنان اراده کردند که بر بدن اطهرش اسب بتازند و آن را پامال سم اسبان کنند. هنگامی که خبر به اهل‌بیت رسید، فضه (کنیز حضرت زینب) به نزد حضرت زینب (س) رفت و مطلبی را درباره‌ی سفینه (غلام آزادشده‌ی رسول‌خدا) عرض کرد: زمانی سفینه در کشتی بود و کشتی در دریا شکست. او خود را به جزیره‌ای رسانید، ناگاه شیری را دید. به شیر گفت من آزادکرده‌ی رسول خدا هستم. شیر آرام شد و راه بازگشت را به او نشان داد. اکنون همان شیر در این دشت مسکن دارد. به‌من اجازه بدهید نزد او رفته و رخداد فردا را به او بگویم. فضه پس از اذن زینب (س) نزد آن شیر رفت و گفت: آیا می‌دانی که این قوم می‌خواهند فردا بدن اطهر امام حسین (ع) را زیر سم اسبان قرار دهند؟ شیر، پس از شنیدن سخن، برخاست؛ به قتلگاه آمد و دست‌های خود را بر جسد امام حسین (ع) نهاد. هنگامی که سواران عمر رو به قتلگاه آوردند، شیر را دیدند. عمر سعد گفت: فتنه بزرگی دیده می‌شود؛ تا خاموش است آن را فاش نکنید که مردم به ضلالت می‌افتند، بازگردید و پراکنده شوید. سواران ترسیدند و بازگشتند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۹۹-۶۰۱). در

برخی دیگر از منابع همچون *ناسخ‌التواریخ* و *اسرار‌الشهداء*، این شیر را چهره‌ی دگرریخت‌شده‌ی^۱ حضرت علی (ع) می‌دانند که خود را در سیمای شیر بر بالین فرزند می‌رساند (شریف‌کاشانی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). گرچه حضور شیر به‌عنوان محافظ پیکر امام و یارانش در تاریخ تأییدشده نیست اما در این پرده‌ی قلمکار (گوشه‌ی پایین سمت چپ) حضور شیر بر روی پیکر شهدا می‌تواند رهیافتی بر پایان رخدادها در روز عاشورا و صحنه‌ی آخر واقعه قلمداد شود.

پس از کنکاش در متون مرتبط با اثر مورد مطالعه و فرایند کشف این روابط در خوانش شخصیت‌ها و رخدادهای نقش‌شده در پرده‌ی قلمکار، این نتیجه حاصل می‌شود که ۱۲ صحنه‌ی تعریف‌شده‌ی (تصویر ۲) این اثر با ۱۰ روایت تطبیق دارد اما، در متون تاریخی در دسترس، روایتی از حضور درویش کابلی (صحنه‌ی ۲ در تصویر ۲) و زعفر جنی (صحنه‌ی ۳ در تصویر ۲) نقل نشده است.

پژوهشگران متعددی تحریفات عاشورا را مورد توجه قرار داده‌اند؛ از جمله میرزا حسین نوری در کتاب *لؤلؤ و مرجان* (۱۳۱۹ ق) پایبندی به اخلاص و حقیقت تاریخی را برای اهل منبر و روضه‌خوان‌ها به‌عنوان شرط اساسی مطرح کرده و تحریفات عاشورا را در نقل‌های تاریخی مورد توجه قرار داده است. مطهری (۱۳۶۱) نیز در مجموعه‌ی سه جلدی *حماسه حسینی*، که براساس سخنرانی‌ها و مقالات وی پایه‌گذاری شده، با رویکردی عقلانی و انتقادی، به توصیف و تحلیل واقعه‌ی عاشورا از منظر واقعیت و بیان تحریفات پرداخته است. همچنین ضیایی (۱۳۸۴) در کتاب *جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا* به تجزیه و تحلیل تحریفات عاشورا با اتکا به تاریخ، روایات، مقاتل، روضه‌ها و همچنین ادبیات منظوم پرداخته است. برای نمونه حضور زعفر یا جعفر جنی در واقعه‌ی عاشورا، در برخی باورها و مقتل‌ها، مطرح شده و وی را شاه جنیان مسلمان دانسته‌اند (بالایی لنگرودی، ۱۳۹۸). اما مطهری حکایت زعفر جنی را از تحریفات عاشورا دانسته و ذکر می‌کند که او برای نخستین‌بار در *روضه‌الشهدای ملاحسین کاشفی سبزواری* به‌عنوان یکی از یاران امام حسین (ع) معرفی و به رخداد کربلا افزوده شده است (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۷). به نقل از کاشفی، «امام می‌خواست که حمله کند که ناگه، گردی و غباری پدید آمد، چنانچه هیچ کس را نمی‌دید مقارن این حال شخصی مهیب با شکل عجیب بر مرکبی غریب نشسته، که سر و دستش به سر و تن

۱. Metamorphosis: معادل استحال و دگرپسویی: در لغت به معنای تغییر ماهیت و دگرگونی است.

اسب میمانست و پایش به مثابه شیر بود... گفت: یا بن رسول من مهتر پریانم و مولای سید آخر الزمانم و چاکر شاه مردانم. مرا زعفر زاهد می گویند، و لشکر من در این بیابان است.» (کاشفی، ۱۳۸۲: ۴۳۱). با این وجود، حضور زعفر جنی در واقعه‌ی عاشورا در هیچ یک از منابع معتبر شیعی و تاریخ اسلام تأیید نشده و قابل استناد نیست (نوری، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

علاوه بر این، در شرح تصویری دلاوری‌های حضرت ابوالفضل و حضرت علی‌اکبر در این پرده، شخصیت‌هایی با نام بکر بن امر و قارن حضور دارند که نام آن‌ها در منابع تاریخی و مقاتل معتبر یافت نشد. در منابع معتبر، نبرد حضرت عباس با تعداد زیادی از لشکریان یزید ذکر شده و همگی تأکید بر کثرت افراد کشته‌شده به دست حضرت عباس دارند. از منابع دوره‌ی قاجار که به نبرد حضرت عباس با شخص خاصی اشاره شده کتاب *اسرارالشهادة* نوشته‌ی شیخ آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی حائری معروف به "فاضل دربندی" (۱۲۰۸ - ۱۲۸۵ق) است که البته انتقادات زیادی به این منبع از نظر ارجاعات تاریخی وارد بوده و تحریفات زیادی در آن ذکر شده است. با این وجود، پس از انتشار این اثر در جامعه، تأثیر آن بر مقتل‌خوانی‌ها، تعزیه‌ها و پرده‌های نقاشی مشاهده می‌شود. در این کتاب به مارد بن صدیف ثقلبی از لشکر عمر بن سعد اشاره شده که حضرت ابوالفضل (ع)، پس از نبرد طولانی با وی، او را از اسب بر زمین زده و سر از تنش جدا ساخته است (فاضل دربندی، بی‌تا: ۴۹۹-۵۰۲). در بسیاری از پرده‌های قهوه‌خانه‌ای حضرت ابوالفضل (ع) در حال دونیم کردن شخصی است که گرچه نامی در کنار این شخص نگاشته نشده اما مارد نام گرفته است. در یک نگاره‌ی مربوط به سده ۱۱ ق، که حضرت عباس را در حال دونیم کردن شخصی دیگر می‌بینیم، این شخص در متن زیر تصویر نوفل ابن ازرق نام دارد؛ این شخص جنبه‌ی تاریخی داشته است. او فردی است که سبب شهادت حضرت عباس می‌شود و دستان او را قطع می‌کند اما در این نگاره بر عکس نشان داده شده و حضرت عباس دست راست او را قطع می‌کند. با این وجود، در اثر مورد مطالعه در این پژوهش نام این شخص بکر بن امر ذکر شده است. این موارد می‌تواند نشان‌دهنده‌ی غلط‌نگاری گفته‌پردازان (نگارگر و کاتب) پرده‌ی قلمکار از منابع شنیداری و یا خلق شخصیت‌های ساختگی توسط ایشان باشد.

روایت عاشورا در آینه‌ی تصویر

رواج روزافزون شاهنامه‌خوانی، کلام نقالان کوچه و بازار و سفارش صاحبان قهوه‌خانه و مهم‌تر از همه نیاز اقشار متوسط شهری به پیام‌های عمیق اجتماعی انگیزه‌ای مؤثر در پدید آمدن نقاشی قهوه‌خانه‌ای گردید؛ مهم‌ترین ویژگی مزبور، حفظ و اشاعه‌ی هنر مردمی و مذهبی، سادگی بیان، پرداختن به رنگ‌های محدود و تصاویر خیالی، پایبندی به نقوش سنتی و بهره‌گیری از فن رنگ روغن است (اعظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۰). درحقیقت، این پرده‌های نقاشی به‌عنوان پس‌زمینه در روضه‌خوانی و سینه‌زنی و به‌مثابه انعکاسی از نمایش تعزیه در حسینیه‌ها و تکایا، که مکان گردهمایی مردم برای برگزاری مناسک محرم بودند، آویخته می‌شدند. به بیان دیگر، تعزیه‌ی نخست بر نقاشی‌های روایی روی بوم تأثیر گذاشت و این نقاشی‌ها زمینه‌ای برای نمایشی تک‌بازیگر به‌نام "پرده‌داری" شد (فلور، چلکوسکی و اختیار، ۱۳۸۱: ۷۸-۸۷). شهادت امام حسین (ع) از قدیمی‌ترین مضامین تعزیه‌ها و محور و اساس تمام تعزیه‌ها بوده است. تعزیه‌ی شهادت امام حسین (ع) در تعزیه‌خوانی‌های نخستین، با نام تعزیه «هفتاد و دو تن»، اجرا می‌شده است. به تدریج شهادت هر یک از شهیدان به‌صورت تعزیه مستقل درآمد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۸۷) و هر روز یکی از آن‌ها خوانده و اجرا می‌شد. گفتار و کلام در تعزیه به زبان شعر و آهنگین بود. تعزیه‌خوانان نخست اشعار تعزیه را از دیوان‌ها، کتاب‌ها و جنگ‌های حماسی و بزمی رونویسی و استنساخ می‌کرده‌اند. بعدها، شاعران تعزیه نسخه‌های خاصی برای این کار ساخته‌اند (همان: ۴۹۷-۴۹۸). تعزیه‌نامه‌ها اغلب شاعر معلوم و شناخته‌شده‌ای ندارند و منابع عمده و مستقیم آن‌ها را باید در میان جنگ‌ها و مجموعه‌های ادبی و داستانی جست که بیشتر خطی هستند و به‌طور کلی شامل مقتل‌ها^۱، سوگ‌نامه‌ها، مرثیه‌ها و سوگ‌چامه‌های^۲ عامیانه و حماسه‌های مذهبی می‌شوند (همان: ۴۹۹، ۵۱۱). دوره‌ی ناصرالدین‌شاه دوران شکوفایی تعزیه بود؛ بیشتر تعزیه‌ها در تکیه‌ی

۱. کتب ویژه روایت کربلا. نخستین مقتل با نام "مقتل ابی‌عبدالله‌الحسین" متعلق به سال ۱۰۰۰ق یعنی ۴۰ سال پس از واقعه کربلاست. نویسنده‌ی آن "اصغ بن نباته مجاشعی" است (رحمانی، ۱۴۰۱: ۵۵).

۲. سوگ‌چامه شامل مراسم یا نمایش‌هایی است که در سوگ از دست دادن عزیزان و یا در سال‌روز وقایعی همچون عاشورا، به منظور ابراز اندوه و ادای احترام برگزار می‌شود. این مراسم معمولاً شامل نوایی غم‌بار، نمایش‌هایی آیینی و ابراز ارادت به شخصیت‌های مذهبی است.

دولت برگزار می‌شد و شامل حوادث فرعی واقعه‌ی کربلا، مصائب خاندان پیامبر (ص) و یا تعزیه‌های حماسی و اساطیری و گوشه‌ها بود (همان: ۱۸۵). از یک سو، نمایش‌های تعزیه اجرای زنده‌ی روایت‌ها محسوب شده و به پذیرش پرده‌های نقالی، که تجسم همان روایت‌ها بودند، کمک می‌کردند؛ از سوی دیگر، نقاشی‌ها، با تصویر تجسمی و زیباشناختی روایت‌ها، زمینه‌ی تأثیرگذاری تعزیه‌ها بر ذهن مخاطبان و برانگیختن احساسات و عواطف آن‌ها را فراهم می‌نمودند (فلور، چلکوفسکی و اختیار، ۱۳۸۱: ۸۸). از وجوه اشتراک میان این دوگونه‌ی هنری نداشتن وحدت زمانی و مکانی و بیان نمادین است که شاید بتوان آن‌ها را مهم‌ترین ویژگی‌های تأثیرگذار بر ساختار صوری آن‌ها دانست (حسینی‌راد و عزیززادگان، ۱۳۹۰: ۳۶). بنابراین، نداشتن وحدت زمانی و مکانی به معنای شکستن زمان و مکان واقعی روایت‌های مختلف و فراتر رفتن به مدد تخیل و درهم‌آمیزی آن‌ها با طرحی نو در هر دو گونه‌ی بیان روایت‌های نمایشی و تصویری جای دارد که نمونه‌ی آن در پرده‌ی قلمکار مورد مطالعه مشاهده می‌شود.

به‌منظور حصول سیر تحول و گونه‌شناسی مضامین پرتکرار عاشورانگاری از منظر گفته‌پرداز، از میان موارد بی‌شمار داده‌ی فرهنگی با همین مضمون که بر زمینه‌های مختلف در دوره‌ی قاجار ثبت و برجای مانده، در این پژوهش به معرفی ۴ اثر، که به‌صورت یکپارچه و در یک قاب تصویر شده و بیشترین تنوع مضمونی را در یک قاب به‌نمایش می‌گذارند، پرداخته خواهد شد. این آثار شامل نقاشی قهوه‌خانه‌ای رقم عباس آل الموسوی مربوط به اوایل ۱۳۰۰ق، موجود در موزه بروکلین (تصویر ۳)؛ دیگری اثر چاپ سنگی عمل محمد درویش در ۱۳۲۵ق، محفوظ در موزه مقدم تهران (تصویر ۴)؛ اثر بعدی روایتی از نقاشی‌های دیواری بقعه‌ی باباجان دره عمل مشهدی آقاجان نقاش لاهیجانی در ۱۳۳۵ق (تصویر ۵) و همچنین کاشی‌نگاره‌ی تکیه‌ی معاون‌الملک کرمانشاه عمل محمدحسین کاشی‌پز (۱۳۳۷ ق) (تصویر ۶) هستند.



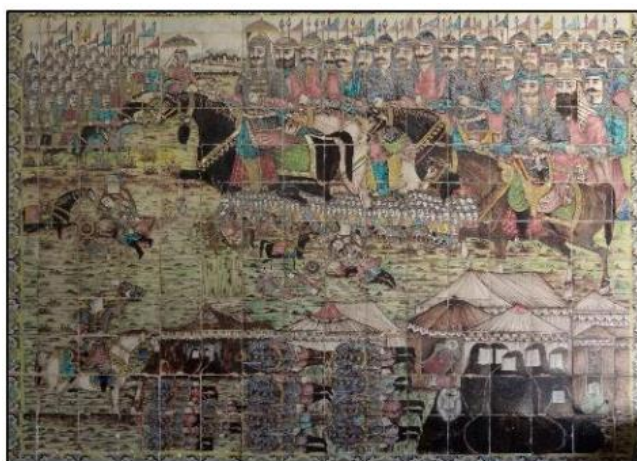
تصویر ۳. نقاشی قهوه‌خانه‌ای، با تأکید بر نبرد حضرت ابوالفضل (ع)، اوایل ۱۳۰۰ ق



تصویر ۴. چاپ‌سنگی، با تأکید بر امام حسین (ع) و علی اصغر (ع)، محمود درویش، ۱۳۲۵ ق (نگارندگان)
















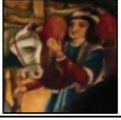












تصویر ۵. بخشی از نقاشی دیواری، تمامی نگاره‌ها به صورت متوازن ترسیم شده‌اند. بقعه باباجان دره، آقا جان نقاش مشهدی، ۱۳۳۵ق (نگارندگان)



تصویر ۶. نقاشی روی کاشی، تکیه معاون‌الملک، با تأکید بر لشکر دشمن؛ محمدحسین کاشی‌پز، ۱۳۳۷ق (نگارندگان)

چهار اثر مورد قیاس (گزاره‌های ب) با پرده‌ی قلمکار حسینی‌هی کبابی (گزاره‌ی الف) در جدول ۱ تطبیق داده شده و تحلیل شده‌اند.

جدول ۱. تطبیق پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی (گزاره‌ی الف) و عاشورا نگاری در دوره‌ی قاجار (گزاره‌ی ب) (نگارندگان)

ردیف	عناصر بصری به ترتیب روایات پرده‌ی قلمکار	گزاره قیاس ب / ق			
		پرده‌ی قلمکار / (۱۳۳۸)	نقاشی قهوه‌خانه / (۱۳۰۰)	چاپی سنگی / (۱۳۲۵)	نقاشی دیواری / (۱۳۳۵)
۱	خیمه‌گاه و اهل بیت				
		توقف در ذات عرق خیمه‌گاه اهل‌بیت	در عزای به‌شهادت رسیدن علی‌اصغر	ظهر عاشورا، در پشت نمازگزاران و امام	حضرت فاطمه در عروسی قریش
۲	درویش کبابی				
		در حال گفتگو با امام	در حال گفتگو با امام	در حال گفتگو با امام	-
۳	زعفر جنی				
		منتظر اجازه امام برای یاری	منتظر اجازه امام برای یاری	منتظر اجازه امام برای یاری	منتظر اجازه امام برای یاری
۴	قاصد				
		سوار بر شتر در راه رسیدن به امام	پیاده در حال صحبت و رساندن پیام به امام.	پیاده در حال رساندن پیام به امام	پیاده در حال رساندن پیام به امام
۵	انبیاء و ملائکه			-	
		اطراف امام و درحال حمایت از ایشان	اطراف امام و درحال گفتگو با ایشان	-	نظاره‌گر امام
۶	امام حسین (ع) و علی‌اصغر				
		امام در حال گفتگو با سپاه عمرین سعد.	امام در حال رفتن به سمت سپاه عمرین سعد	در مرکز تصویر سوار بر اسب ایستاده	در مرکز تصویر سوار بر اسب ایستاده
۷	قاسم			-	

-	به شهادت رسیدن در دامان امام	-	به شهادت رسیدن در دامان امام	در حال نبرد.		
					علی اکبر	۸
به شهادت رسیدن در دامان امام	وداع	در حال نبرد	وداع	در حال نبرد		
-		-			عباس	۹
-	نبرد عباس با اشقیا	-	نبرد عباس با اشقیا، بزرگ‌نمایی تصویر	نبرد عباس با اشقیا، بزرگ‌نمایی تصویر		
	-	-	-			
به شهادت رسیدن در دامان امام	-	-	-	به شهادت رسیدن در دامان امام		
					قتلگاه	۱۰
اهل بیت در کنار سیزده بدن بی‌سر	پنج بدن بی‌سر همراه با دو دست بریده	فضه در کنار سه بدن بی‌سر	اهل بیت در کنار هشت بدن بی‌سر	فضه و شیر در کنار چهار بدن بی‌سر		
-					شیر	۱۱
-	همراه با سلطان قیس مقابل امام	همراه با سلطان قیس مقابل امام	همراه با سلطان قیس مقابل امام	در قتلگاه در حال محافظت از شهیدان کربلا.		
-	-	-	-		رود علقمه	۱۲
-	-	-	-	دو ماهی به صورت متقارن در نهر علقمه		
					اشقیا	۱۳
مقابل سپاه امام	نظاره‌گر نبرد حضرت عباس	در حال تیراندازی به نمازگزاران	آماده گفتگو با امام	در حال گفتگو و آماده به شهادت رساندن علی‌اصغر		

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در چهار اثر مورد قیاس (گزاره‌های ب) با پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی (گزاره‌ی الف)، موضوع اصلی رخداد، کربلاست اما هنرمند قصد نمایاندن کل واقعه را نداشته و فقط چند صحنه بیانگر عظمت مصیبت و تأثیرگذار بر مخاطب را برگزیده است. براساس قیاس گزاره‌ی الف و گزاره‌های ب در جدول شماره‌ی ۱، تأکید بر نبرد و شرح دلاوری‌های عباس (گزاره‌ی الف) فقط با نقاشی قهوه‌خانه‌ای (گزاره‌ی ب) تطبیق دارد اما گفته-پرداز در چاپ سنگی تصویر علی‌اصغر در آغوش امام را محور موضوع و روایت قرار داده و درکاشی-نگاری تکیه‌ی معاون‌الملک بزرگی لشکر دشمن محور اصلی نگارگری بوده است ولی در نقاشی دیواری بقعه‌ی باباجان‌دره، تمامی تصاویر به‌صورت یکسان نقش شده‌اند؛ گویی راوی و نگارنده قصد برجسته‌سازی روایتی را نداشته‌اند. همچنین صرف نظر از تصویر رود علقمه، در پرده‌ی قلمکار و نقاشی دیواری بقعه‌ی باباجان‌دره، ۱۲ مورد مطابقت وجود دارد که بیشترین روایات مشترک را با گزاره‌ی الف دارد. در چاپ سنگی (گزاره‌ی ب)، ۹ مورد تطبیق داده شد و تصویری از انبیا و ملائکه، عباس (ع)، قاسم (ع) و رود علقمه ترسیم نشده بود. درکاشی‌نگاری تکیه‌ی معاون‌الملک، ۶ روایت مشترک است و تصاویر انبیا و ملائکه، نبرد قاسم، زعفر جنی، قاصد، درویش کابلی، شیر و رود علقمه مورد استفاده‌ی نگارگر قرار نگرفته است. در ادامه به‌منظور دستیابی به مضمین پرتکرار عاشورانگاری، در جدول شماره‌ی ۲، به تحلیل روایت‌های مشترک در گزاره‌ی الف و گزاره‌ی ب پرداخته می‌شود.

جدول ۲. تحلیل صحنه‌ها براساس گزاره‌ی قیاس الف (پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی‌ها) و ب (عاشورانگاری دوره‌ی قاجار) (نگارندگان)

تکرار در گزاره‌های قیاس	گزاره قیاس ب، براساس توالی تاریخ /ق				گزاره قیاس الف /ق	روایت در گزاره‌های قیاس الف و ب	مولفه‌های بصری مشترک	ردیف
	کاشی‌نگاری (۱۳۳۷)	نقاشی دیواری (۱۳۳۵)	چاپ سنگی (۱۳۲۵)	نقاشی قهوه‌خانه (۱۳۰۰)	پرده‌ی قلمکار (۱۳۳۸)			
۳	-	*	-	*	*	در جوار حضرت	انبیا و ملائکه	۱
۱	-	-	-	*	-	بر بالین شهدا		
۵	*	*	*	*	*	همراه با علی‌اصغر مقابل سپاه دشمن	امام حسین (ع)	۲
۵	*	*	*	*	*	در حال گفتگو با عناصر		

۳	*	-	-	*	*	بر بالین شهدا		
۱	-	-	-	*	-	به شهادت رسیده		
۳	-	*	-	*	*	در حال رزم	عباس	۳
۳	*	*	-	-	*	به شهادت رسیده		
۲	-	*	-	*	-	آماده رفتن به میدان جنگ	علی اکبر	۴
۲	-	-	*	-	*	در حال نبرد		
۳	*	-	-	*	*	به شهادت رسیده		
۱	-	-	-	-	*	در حال رزم	قاسم	۵
۲	-	*	-	*	-	به شهادت رسیده		
۳	-	*	*	-	*	در آغوش امام (با چشمانی گشوده و آگاه)	علی اصغر	۶
۲	*	-	-	*	-	در آغوش امام به شهادت رسیده		
۱	-	-	-	*	-	به شهادت رسیده در خیمه گاه		
۴	-	*	*	*	*	در حال گفتگو با حضرت	زعفر جنی	۷
۱	-	-	-	*	-	در حال نبرد		
۱	-	*	-	-	-	سواره	قاصد	۸
۳	-	-	*	*	*	پیاده		
۴	-	*	*	*	*	در حال گفتگو با حضرت	درویش - کابلی	۹
۵	*	*	*	*	*	خیمه گاه به آتش کشیده نشده	خیمه گاه و اهل بیت	۱۰
۲	-	*	-	*	-	به اسارت گرفتن اهل - بیت		
۴	-	*	*	*	*	اهل بیت بر بالین شهدا	قتلگاه	۱۱
۱	-	-	-	-	*	بر بالین شهدا	شیر	۱۲
۳	-	*	*	*	-	همراه با سلطان قیس مقابل امام		
۱	-	-	-	-	*	همراه با ماهی	نهر علقمه	۱۳
۵	*	*	*	*	*	در حال گفتگو	اشقیا	۱۴
۵	*	*	*	*	*	سواره بر اسب در حال نبرد		
۵	*	*	*	*	*	پیاده و در حال نبرد		
۴	-	*	*	*	*	کشته شده		

در تحلیل صحنه‌ها براساس گزاره‌ی قیاس الف (پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی‌ها) و ب (عاشورانگاری دوره‌ی قاجار)، به‌منظور حصول مضامین پرتکرار عاشورانگاری از منظر گفته‌پرداز، در جدول فوق این نتیجه حاصل می‌شود که صحنه‌هایی نظیر علی‌اصغر در آغوش امام حسین (ع) و گفتگوی امام با سپاهیان دشمن، اشقیا در حال نبرد و به آتش نکشیدن خیمه‌ها در هر دو گزاره‌ی الف و ب مشترک بودند؛ روایت‌های گفتگوی زعفر جنی با حضرت، درویش کابلی، اهل بیت بر بالین شهدا، کشته‌های دشمن در گزاره‌ی الف با سه مورد از گزاره‌ی ب (نقاشی قهوه‌خانه، چاپ سنگی و نقاشی دیواری) وجه اشتراک داشتند. انبیا و ملائکه در جوار امام و عباس در حال نبرد در گزاره‌ی الف با دو مورد از گزاره‌ی ب (نقاشی قهوه‌خانه و نقاشی دیواری) و به شهادت رسیدن عباس در گزاره‌ی الف با نقاشی دیواری و کاشی‌نگاری (گزاره‌ی ب) تطبیق دارد. امام بر بالین شهدا و به شهادت رسیدن علی‌اکبر در گزاره‌ی الف با دو اثر از گزاره‌ی ب (نقاشی قهوه‌خانه و کاشی‌کاری) قابل قیاس است. روایت علی‌اصغر در آغوش امام و با چشمانی گشوده و آگاه در گزاره‌ی الف با چاپ سنگی و نقاشی دیواری از گزاره‌ی ب مشابهت دارد و قاصد پیاده در گزاره‌ی الف با دو اثر گزاره‌ی ب (نقاشی قهوه‌خانه‌ای و چاپ سنگی) تطبیق دارد. شیر و سلطان قیس در حال گفتگو با امام فقط شامل روایت‌های پرتکراری است که در گزاره‌ی الف مورد استفاده قرار نگرفته و در سه اثر از گزاره‌ی ب (نقاشی قهوه‌خانه، چاپ سنگی، نقاشی دیواری) قابل مشاهده است.

روایت‌های علی‌اکبر آماده‌ی رفتن به میدان، نبرد علی‌اکبر، شهادت قاسم، شهادت علی‌اصغر در آغوش امام، اسارت گرفتن اهل‌بیت، انبیا و ملائکه بر بالین شهدا، شهادت امام حسین (ع)، رزم قاسم، پیکر بی‌جان علی‌اصغر در خیمه‌گاه، نبرد زعفر جنی، شیر بر بالین شهدا و نهر علقمه جزء کم‌تکرارترین روایات هستند که در یک یا دو اثر تعریف شده‌اند.

نتایج پژوهش بر مبنای سیرتحول عاشورانگاری در دوره‌ی قاجار نشان می‌دهد پرشمارترین مضامین، در همه‌ی نمونه‌های مورد مطالعه، صحنه‌هایی نظیر علی‌اصغر در آغوش امام حسین (ع) و گفتگوی امام با سپاهیان دشمن، اشقیا در حال نبرد و ترسیم خیمه‌ها بدون سوزانده شدن در هر دو گزاره‌ی الف و ب مشترک هستند؛ روایت‌های گفتگوی زعفر جنی با امام حسین (ع)، درویش کابلی، فضا بر بالین شهدا، کشته‌های دشمن، در گزاره‌ی الف با سه مورد از گزاره‌ی ب

مشترک است و انبیا و ملائکه در جوار امام، عباس در حال نبرد و به شهادت رسیدن عباس و علی اکبر، علی اصغر (نوزادی با چشمان گشوده به منزله‌ی آگاهی) در آغوش امام، امام بر بالین شهدا در گزاره‌ی الف با دو مورد از گزاره‌های ب تطبیق دارد و فقط شیر و سلطان قیس در حال گفتگو با امام از روایت‌های پر تکراری است که در گزاره‌ی الف مورد استفاده قرار نگرفته و در سه اثر از گزاره‌ی ب قابل مشاهده است. همچنین، در همه‌ی نمونه‌های قیاس، ترکیب تاریخ و تحریف همراه با اغراق در رخدادها و حرکت‌ها مشاهده می‌شود.

بیان شور و هیجان در عاشورانگاری پرده‌ی قلمکار

با تحلیل‌های به‌دست‌آمده از دو مرحله‌ی پیشین، آشکار است نگاره‌های واقعه‌ی عاشورا، تاحدودی، متکی بر تخیل گفته‌پرداز بوده است و همچنین پیوند آن‌ها با مضامین مذهبی، حماسی، اسطوره‌ای مسیر تحلیل را مشخص می‌کند. برای آشکار شدن لایه و معنای پنهان نگاره‌ها، این روایت در پرده‌ی قلمکار از منظر گفته‌پرداز مورد خوانش قرار می‌گیرد.

در پرده‌ی قلمکار، طراحی اندام‌های انسانی با الگوبرداری از نگارگری و دورگیری‌های نازک خطی مشخص شده است. در اندک مواردی از این دورگیری‌ها، منحنی‌ها، ضخامت و نازکی آن مانند نگارگری‌های ایرانی تغییر می‌کند. چهره‌ها و اندام سایه‌پردازی نشده و و لباس‌ها با اندک چین و شکن خطی طراحی شده‌اند. نور کلی صحنه زاویه‌ی مشخصی ندارد و به نظر می‌رسد گفته‌پرداز نور روبه‌رو را برای آن تعریف کرده است. اندام‌ها با نسبتی طبیعی و، در بعضی از صحنه‌ها، پیکره‌ها تنومند و یا سری بزرگ‌تر از اندازه‌ی معمول دارند اما این قانون در تمام تصاویر رعایت نمی‌شود و ادوات جنگی مانند شمشیر، تیر و کمان، کلاه‌خود و سپر با جزئیات اندک ترسیم شده است.

حرکت‌ها و فیگورها با جلوه‌ای طبیعی و گاه با اغراق جنب‌وجوش زیادی را القا می‌کنند. علاوه بر چرخش اندام‌ها، خطوط مورب و حرکات عضلانی پیکرها و حیوانات، حرکت لباس‌ها در فضا و پیچ و تاب آن در محیط پیرامون به آن پویایی بیشتری می‌دهد؛ به‌خصوص در نبرد عباس، پویایی شخصیت مثبت در مقابل منفی بسیار چشمگیر است. چهره‌ها به‌صورت نیم‌رخ یا سه‌رخ هستند و گفته‌پرداز از حالات و عواطف چهره کمتر استفاده کرده است، حتی در بعضی از صحنه‌ها، چهره‌ها

مشابه یکدیگرند؛ به‌خصوص صحنه‌های نبرد، که باید این مطلب در چهره‌ها مشخص باشد، به‌صورت عادی ترسیم شده است اما حرکت نگاه‌ها به موضوع اصلی و جریان‌های مربوط به هر یک از پیکره‌ها، شخصیت‌ها را ملموس‌تر نشان می‌دهد؛ برای مثال در نبرد عباس(ع) نگاه‌ها و چهره‌های رو به عباس نشانگر نیروهای شر است. بین شخصیت‌های سپاه اشقیا و اولیا به‌لحاظ بیان روحی تفاوت چندانی دیده نمی‌شود (جدول ۳). فقط در بیان تصویری چهره و حرکات اندام شمر و حرمله شقاوت و پلیدی وجود دارد، حتی در بین لشکریان تفاوت خیر و شر با ریش و سبیل‌های مختلف و یا لباس‌هایشان قابل مشاهده نیست. تفاوت ویژه در چهره‌ی شخصیت‌های اصلی مانند انبیا، امام حسین(ع)، عباس، قاسم، علی‌اکبر، علی‌اصغر و اهل بیت به‌واسطه‌ی هاله‌ی نور، که معنای آگاهی، معرفت، اشراق، ولایت، قداست را دارد (شوالیه و گبران، ۱۴۰۰: ج ۵، ۴۲۴-۴۶۶)، یا پوشش روبند، که نماد پاکان و معصومان است (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۱۱۹)، و نوع جامه‌ی انبیا و اهل بیت و حتی سفیدپوشی یا کفن‌پوشی، زمان شهادت عباس و شهدای کربلا از اشقیا بارز است (جدول ۳، ردیف ۱ و ۷). در جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه، کفن سفید به نشانه‌ی نزدیک بودن مرگ دربردارندگان آن است؛ از این‌رو، این نشانه‌ی نمادین در قالب یک شاخص، با لکه‌های سرخ‌رنگ که نشانه‌ی جراحات است، نیز به کار می‌رود (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۶۴-۶۵). سایر افراد و جنگاوران لباس جنگی بر تن دارند. لباس‌های رزمی نگاره‌ها شباهتی با لباس‌های نظامیان در دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار دارد؛ شلوار عموماً سفید، گشاد و پرچین، جمع شده در ناحیه‌ی قوزک پا است (کوتسه‌بوئه، ۱۳۴۸: ۱۰۵).

به نظر می‌رسد گفته‌پرداز، برای دستیابی به شور عاطفی و پویایی در تصویر، نمایش را به صحنه کشانده و در برخی روایت‌ها با حرکت‌های پویا و طبیعی جانوران را همراه با شمشیرها و کمان‌های کشیده‌ی مورب به تصویر کشیده و از آنجا که قرمز نشانه‌ی رحمت الهی، شهادت، بردباری، اشتیاق است و قدرت برانگیختن و تهییج دارد (شوالیه و گبران، ۱۴۰۰، ج ۳: ۳۴۹-۳۶۲)، آن را به‌عنوان رنگ غالب نسبت به سایر رنگ‌های مورد استفاده در پرده انتخاب کرده تا فضای پرتلهاب موضوع را تشدید کرده باشد.

در ترکیب‌بندی پرده‌ی قلمکار، گفته‌پرداز تمرکز و بزرگ‌نمایی را بر روی سوژه و محور اصلی روایت در مرکز دو سوم پایین پرده قرار داده و، با رعایت ترکیب‌بندی و فضا‌سازی محیط اطراف، شخصیت‌های داستان را بارز کرده است. گفته‌پرداز با ایجاد تجمع و بزرگ‌نمایی عباس تمرکز را بر روی نبرد و شخصیت ایشان قرار داده؛ به‌طوری که می‌توان گفت از دو شیوه، به‌طور جداگانه، فضا‌سازی انبوه در پس‌زمینه‌ی خلوت برای تمرکز بر شخصیت‌ها و عناصر اصلی نبرد استفاده کرده است.

یکی از بیشترین چینش‌های ساختاری این تصاویر ترکیب موج است و بیشتر به‌صورت افقی تعریف می‌شود. در روایت‌های مختلف این ترکیب‌بندی در یک‌سوم بالایی پرده، تمام عناصر، اعم از شخصیت‌های اصلی و سایر پیکره‌ها، در یک مسیر به‌صورت عمودی به یکدیگر مرتبط هستند. پیکره‌ها، حیوانات، خیمه‌گاه و درخت، در این ترکیب موج افقی، به‌صورت عمودی قرار دارند؛ همین امر جریان سیال و ایستایی در روایت را القا می‌کند. اما در دو‌سوم پایین پرده ترکیب‌بندی



تصویر ۷. تقسیم‌بندی پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی براساس چیدمان کنشگران در صحنه. یک‌سوم بالا: ترکیب‌بندی موج و خطوط ایستا، دو‌سوم پایین: ترکیب‌بندی موج و خطوط مورب (نگارندگان)

موج همراه با خطوط مورب مشاهده می‌شود. تمامی اسب‌ها و سوارهایشان همراه با شمشیر و کمان در حالتی پویا در جهت‌های مختلف ترسیم شده‌اند (تصویر ۷) که تداعی‌گر شور، هیجان، تحرک و پویایی صحنه‌ی نبرد است.

چهره‌پردازی کنشگران در پرده‌ی قلمکار

در برخی منابع تاریخی آمده است که بنی‌امیه قبیح‌صورت و کریه‌منظر بودند و بنی‌هاشم سیمایی دلجو و سیرتی نیکو داشتند (ربانی‌خلخالی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). عباس‌بن‌علی، مشهور به ابوالفضل و قمر بنی‌هاشم (ماه بنی‌هاشم)، پسر حضرت علی(ع) و ام‌البنین و برادر ناتنی کوچک‌تر امام حسین(ع) بود. شهرت و محبوبیت او نزد مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، بیشتر به‌خاطر شجاعت و وفاداری او به حسین بن علی(ع) در نبرد کربلا است. از القاب دیگر ایشان قهرمان علقمی^۱ است. «علقمی یا علقمه» نام رودی است که عباس در کنار آن به شهادت رسید. از آن‌رو که عباس شجاع بود و، از کثرت شجاعتش، صفوف دشمنان را می‌شکافت، به ایشان اطلس می‌گفتند. قمر بنی‌هاشم آیتی از جمال و زیبایی بود. رخسارهای زیبا، چهره‌اش پرشکوه، اندامش متناسب و درعین حال چنان نیرومند بود که آثار دلیری و شجاعت را به‌خوبی نمایان می‌ساخت (همان: ۱۸۱). وی هنگامی که سوار بر اسب می‌شد، پاهایش از کثرت بلند بودن به زمین می‌رسید (همان: ۱۴۳). در مورد قاسم گفته‌اند: «کفلقه قمر» (همچون پاره‌ماه) (همان: ۱۴۶). حمید بن مسلم گوید: «پسری سوی ما آمد که گویی چهره‌اش پاره ماه بود، شمشیری به دست داشت... گوید: عمر بن سعد بن نفیل آزدی به من گفت: "به خدا به او حمله می‌برم" و حمله برد و پس‌نیامد تا سر او را با شمشیر بزد که پسر به‌رو در افتاد و گفت: "عمو جانم" گوید: ... وقتی غبار برفت حسین(ع) را دیدم که بر سر پسر ایستاده بود و پسر با دو پای خویش زمین را می‌خراشید و حسین(ع) می‌گفت: "ملعون باد قومی که ترا کشتند!... سپس امام وی را ببرد و با پسرش علی‌اکبر و دیگر کشتگان خاندانش که اطراف وی بودند به یکجا نهاد" (طبری، ۱۳۷۵، ج ۷: ۲۳۰). با توجه به ویژگی سیمای بنی‌هاشم و بنی‌امیه، در جدول ۳ به بررسی گزینش گفته‌خوان برای چهره‌پردازی دو گروه پرداخته شده است.

۱. علقمی در منابع معادل همان نهر علقمه ذکر شده است. مسعودی در *التنبیه و الاشراف* می‌نویسد: «آنگاه فرات بدو قسم می‌شود: یکی اندر سوی مغرب می‌رود که آنرا علقمی گویند که از کوفه و جاهای دیگر می‌گذرد...» (مسعودی، ۱۳۴۹: ۵۱-۵۲). در این باره نگاه کنید به این جوزی در گزارش وقایع سال ۴۵۱ق: «راسل قریش بساسیری برای زیارت حرم وارد کوفه شد و از آنجا به شهر واسط رفت؛ او عده ای کارگر را با خود بر زورقی سوار کرده بود تا برای ادای نذر خود، آن‌ها را به حفر نهر معروف به علقمی و جاری کردن آب به سوی حرم به‌کار گمارد» (این جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۶: ۲۰۲).

جدول ۳. چهره‌پردازی کنشگران در پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی بیرجند

ردیف	کنشگران	چهره‌پردازی / ویژگی بصری			
۱	انبیا / امام / زنان اهل بیت				
		زنی در قتلگاه (احتمالاً فضا) با چهره پوشیده و هاله نور اطراف سر	زنان در خیمه‌گاه با چهره پوشیده و هاله نور اطراف سر	امام حسین(ع) با چهره پوشیده و هاله نور اطراف سر	انبیا با چهره پوشیده و هاله نور اطراف سر
۲	فرشته / کودک	-	-		
		-	-	علی اصغر با لیخند و هاله نور	کودک فرشته با لیخند
۳	قاصدان مثبت				
		جنیان قاصد	زعفر جنی با سیمای حیوانی	درویش کابلی	قاصد مدینه
۴	مذاکره‌کنندگان منفی (اشقیا)	-			
		-	شمر، ریش تُنک، دندان‌های بیرون‌زده و چین بر ابرو	عمر سعد با ریش سفید و بلند و چین بر ابرو	حرم‌له با سیمای جوان و چین بر ابرو
					
		همراهان شمر و عمر سعد / گروهی دارای سبیل فرمانی و گروهی جوان / همگی دارای چین بر ابرو.			
۵	اشقیا				
		دارای سبیل فرمانی و چین بر ابرو / در حال پاره کردن مشک عباس.	قارن در حال نبرد با علی - اکبر، دارای سبیل فرمانی و چین بر ابرو.	دارای سبیل فرمانی و چین بر ابرو / در حال نبرد با علی - اکبر	دارای سبیل فرمانی و چین بر ابرو / در حال نشانه‌گرفتن قاسم

					
دارای سیبل فرمانی و چین بر ابرو/ در حال نشانه‌گرفتن عباس	دارای سیمای جوان و چین بر ابرو/ در حال نشانه‌گرفتن عباس	دارای سیبل فرمانی و چین بر ابرو/ در حال نشان گرفتن عباس	دارای سیبل فرمانی و چین بر ابرو/ در حال نشانه‌گرفتن عباس		
					
سوار در حال گریز، دارای سیمای جوان و چین بر ابرو.	سوار در حال گریز، دارای سیبل فرمانی و چین بر ابرو.	پرچم‌دار در حال گریز، دارای سیمای جوان و چین بر ابرو و تعجب.	بکرین امر/ دونیم شده در حال نبرد با عباس، دارای سیبل فرمانی بسیار بلند و چین بر ابرو/		
-				مبارزان مثبت	۶
-	قاسم در حال نبرد، سیمای جوان، ابروان پیوسته، هاله دور سر و چهره‌ای آرام	علی اکبر در حال نبرد با قارن، سیمای جوان، ابروان پیوسته، هاله دور سر و چهره‌ای آرام	عباس در حال ضربه‌زدن به بکرین امر، دارای محاسن سیاه و پر، ابروان پیوسته، هاله دور سر و چهره‌ای آرام.		
				پیکر شهدا	۷
چهارتن از یران شهید امام، بدون سر همراه با شیر محافظ.	ابوالفضل شهید در آغوش امام حسین(ع)، با سرشکافته، دو دست از تن جدا و کفن خونین.				
				کشته‌های اشقیا	۸
با سرشکافته گرفتار زیر سم اسبان ابوالفضل و بکرین امر	کشته‌شده و گرفتار زیر بدن اسب				
					
با سرشکافته و وحشت‌زده زیر سم اسب قاسم	دو مبارز کشته‌شده‌ی منفی با سر بریده و سر شکافته گرفتار زیر سم اسب بکرین امر				

در صحنه‌های گفتگوی امام حسین (ع) با درویش کابلی، قاصد مدینه و لشکریان یزید، امام با چهره‌ای پوشیده، قامتی محکم، سوار بر اسبی که با صلابت حرکت می‌کند نشسته است. گفته‌پرداز برای تمایز مقام، درجه و همچنین جنسیت، صالحان، انبیا و زنان اهل بیت را با روبند همراه با هاله‌ی نور ترسیم کرده است، فقط سیمای عباس، علی‌اکبر، قاسم و علی‌اصغر با چهره‌ای آرمانی، بدون روبند و فقط با هاله‌ی دور سر مشخص شده‌اند (جدول ۳، ردیف ۱ و ۶). این چهره‌ها دارای آرامش، زیبا و بدون شکستگی و چین ابرو و نورانی همانند هم تصویر شده‌اند و برعکس، اشقیا و انسان‌های حقیر دارای صورت‌های زشت با حالات روحی و روانی و فردی، مطابق با چارچوب‌های دنیای مادی پدیدار گشته‌اند که همگی دارای چین ابرو و صورتی ناآرام هستند و یا لبخندی ناخوشایند بر لب دارند. در این پرده، چهره‌ها اکثراً جوان، در حالت آرامش و همسان هستند و نگارگر به جز موارد اندک وجه تمایزی بین سیمای انسانی پاک‌سیرتان و ناصالحان قائل نشده و در مواردی چهره‌ها بسیار شبیه به هم هستند. با این حال، جنگجویان دشمن یا سیمای جوان دارند و یا همگی دارای سبیل چخماقی (فرمانی) ویژه‌ی دوره‌ی قاجار هستند و چهره‌ای گاه آشفته و ابروان درهم‌کشیده دارند (جدول ۳، ردیف ۵).

از ویژگی‌های مهم این اثر محوریت نبرد حضرت عباس است که گفته‌پرداز یا براساس فرمایش سفارش‌دهنده یا بنا بر سلیقه یا ارادتش به‌ایشان، تأکیدی ویژه در شرح دلآوری، فداکاری، وفاداری، جنگ‌آوری و از خودگذشتگی سقای کربلا در نبرد برای دستیابی به آب دارد. در این پرده، ظاهراً عباس با شجاعت تمام به سوی فرات روان است و در رویارویی با دشمن بکر بن‌آمر را به هلاکت می‌رساند. در این حالت نیز چهره‌ای آرام و همراه با ریش و سبیل ترسیم شده که کاملاً از دیگران متمایز است. در صحنه‌ی شهادت عباس در دامن امام، گفته‌پرداز، عباس را با فرق شکافته و با دو دست بریده، درحالی که کفنی خون‌آلود و پر تیر بر تن دارد، به‌گونه‌ای ترسیم کرده تا گفته‌خوان را با بیان مظلومیت ایشان متأثر سازد.

از وقایع حزن‌انگیز دیگری که گفته‌خوان آن را بیان کرده نبرد و دلآوری‌های علی‌اکبر و قاسم است که در این اثر انتظار می‌رفت، به‌رغم نوجوانی قاسم، گفته‌پرداز برای تأکید بر شخصیت ایشان، فقط سیمای او را بدون محاسن ترسیم کند و باقی نگاره‌ها، اعم از مثبت و منفی، دارای سبیل و یا محاسن باشند، اما علاوه بر قاسم، علی‌اکبر، حرم‌له و پنج تن از اشقیا بدون محاسن

ترسیم شده‌اند. از موارد بارز تفاوت در چهره‌ی اشقیا، که با حالات روحی و روانی و مطابق با دنیای مادی تصویر شده، می‌توان به چهره‌ی شمر در مقابل امام حسین (ع) اشاره کرد که با دهانی باز، دندان‌های نمایان، چشم‌های بیرون‌زده و ریشی پریشان و درهم تنیده، در حالی که لبخندی ناخوشایند بر لب دارد، ترسیم شده است. عمر بن سعد نیز در مقابل امام با محاسنی سفید در حال گفتگو است. به گزارش تاریخ طبری، وی در ۱۷ق همراه پدرش در فتح عراق شرکت داشت و رأس‌العین را گشود (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۳۰-۱۳۱). بنابراین در روز عاشورا (۱۶ق) مرد سال‌خورده‌ای بوده است که گفته‌پرداز در این اثر با چهره‌پردازی و رنگ سفید مو به آن اشاره می‌کند (جدول ۳ ردیف ۴). مورد دیگر، شخصیتی به نام قارن با چشمانی دریده، غبغبی آویزان و سبیل‌های بلند و آشفته در نبرد با علی‌اکبر است. تفاوت در بین کشته‌شدگان سپاه دشمن با فرقی شکافته، چشمانی قرمز، دهانی باز و دندان‌های بیرون‌زده، سبیل‌هایی تابدار و تا بناگوش رفته و چهره‌ای دردمند در مقابل آرامش حاکم بر سیمای عباس، هنگام شهادت، بیشتر نمایان است (جدول ۳، ردیف ۷ و ۸).

تصاویر در پرده‌ی قلمکار روایت‌محور هستند و، برای تمیز دادن گفته‌خوان، نام صالحان (انبیا، امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل، علی‌اکبر، قاسم، علی‌اصغر، زعفر جنی، قاصد مدینه و درویش - کابلی) و ناپاکان (عمر بن سعد، شمر، حرمله، بکر بن آمر و قارن) در کنار تصاویر آن‌ها نوشته شده است. در کتیبه‌های معرفی‌شده، گفته‌پرداز در دو قسمت دچار خطا شده: یکی، در عبارت "جنگ حضرت ابوالفضل" به اشتباه "ابوالفضل" مشق کرده است و دیگری در مورد دو شخصیت به نام‌های بکر بن آمر و قارن از سپاهیان دشمن است که در متون دینی و تاریخی مرتبط هیچ رد پایی از این دو شخصیت یافت نشد. احتمالاً نگارگر از تخیل خود برای نام‌گذاری این افراد استفاده کرده و یا، از منظر شنیداری واژگان، برداشت دیگری داشته است.

براساس نتایج پژوهش، متن دیداری پیش‌رو از دو بخش افقی تشکیل شده است. لایه‌های آشکار بخش بالا گفتمان‌هایی همچون دعوت، عدم پذیرش دعوت، نیروهای ماورایی، حضور ائمه، روبرویی و گفتگوی نیروی خیر و شر را شامل می‌شود و لایه‌های آشکار بخش پایین، گفتمان‌هایی چون نبرد میان نیروهای خیر و شر و غالب بودن خیر را در بر دارد. این دو بخش در مجموع از پنج سطح تشکیل شده است. سطح اول شامل آسمان، ابر، فرشته و جنیان است؛ سطح دوم

در بردارنده‌ی عناصر بصری مانند انبیا، امام حسین (ع) و نبرد اشقیا است؛ در سطح سوم زمین، خاک کربلا و گیاهان به چشم می‌خورد؛ سطح چهارم روایت‌گر نبرد خیر و شر است و سطح پنجم شهدای واقعه‌ی عاشورا را نشان می‌دهد. لایه‌های پنهان اثر بخش‌هایی را شامل می‌شود که با کنکاش در منابع کهن و بهره گرفتن از حقایق تاریخی و قیاس آن با تحریفاتی که برگرفته از حس درد و رنج در روز عاشورا بوده در نظام‌های بصری این پرده مشاهده می‌شود که در مقاله به آن پرداخته شد. قطعاً اسب تاختن بر پیکر شهدا براساس منابع تاریخی (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۹۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۸۳) یکی از اعمال ناشایستی است که خاندان کفر به دستور عبیدالله زیاد انجام داد اما در این پرده برعکس جلوه داده شده و تمامی افراد کشته‌شده‌ی اشقیا در این تصویر و دیگر نمونه‌های مورد مطالعه در زیر سم اسبان گرفتار هستند و گفته‌پرداز بدین‌گونه خواسته صحنه‌ی حقارت را گریبان‌گیر دشمن نشان دهد. پیکر شهدا در این تصویر حضرت عباس و چهار تن بی‌سر هستند که با احترام و نظم خاصی در دو گوشه‌ی سمت راست و چپ پایین تصویر مشاهده می‌شوند. در سمت راست، عباس در دامان امام حسین (ع) قرار دارد و در سمت چپ، دیگر پیکرها توسط شیر محافظ، که می‌توانسته نمادی از چهره‌ی دگرریخت‌شده حضرت علی (ع) باشد، مراقبت می‌شوند.

بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که مضمون (وعظ، خطابه)، گفته‌پرداز (نقاش، قلمکارساز)، گفته‌خوان (مخاطب، بیننده) و کنشگر (شخصیت‌های حاضر در متن) در حال بازسازی ارزش‌های دینی، اخلاقی و اسطوره‌ای هستند. بنابراین، روایت در این متن دیداری، از سطح روایت کاربردی به روایتی آرمانی و ماورایی تبدیل می‌شود. همچنین گفته‌خوان با نوعی تعامل میان گفتگوهای دینی و مذهبی، نمایه‌ای و نمادین مواجه می‌شود. این انتقال پیام به دلیل موقعیت‌های مختلف دیگر که در اثر ایجاد شده، به بازآفرینی و تقویت پیام با ارزش دینی و مذهبی تبدیل شده؛ هرچند که در برخی موارد واقعی نیز نبوده است.

نتیجه

در این پژوهش، پس از کنکاش در ویژگی‌های بصری پرده‌ی قلمکار عاشورا در حسینیه‌ی کبابی بیرجند، به تفکیک دوازده صحنه و روایت از واقعه‌ی عاشورا شناسایی شد. در این اثر به صورت محدود از ویژگی‌های بصری همچون بافت، سایه‌پردازی و پرداخت استفاده شده و همچنین جزئیات لباس و اندام‌نگاره‌ها کمتر مورد توجه بوده است. نکته‌ی دیگر در این اثر، ایجاد عمق، بدون استفاده از پرسپکتیو و فقط با نوع رنگ‌گذاری زمینه و محو کردن خط افق بوده است که سبب شده تمرکز بر روی نبرد عباس با استفاده از بزرگ‌نمایی او در بخش میانی اثر در پس-زمینه‌ی خلوت و شهادت او باشد. براین‌اساس، می‌توان این پرده‌ی قلمکار را با محوریت حضرت عباس و سوگ‌چامه‌ی ویژه‌ی او در نظر گرفت. همچنین می‌توان گفت هنرمند، هوشمندانه، دو مصرع «فریاد العطش ز بیابان کربلا» و «از آب هم مضایقه کردند کوفیان» را دقیقاً در زیر نهر علقمه قرار داده است تا افرادی که واعظ این پرده بودند این هم‌نشینی متن و تصویر را با درد و اندوه بیشتری بیان کنند و گفته‌خوان‌ها را تحت‌تأثیر بیشتری قرار دهند. همچنین استفاده از دو نوع ترکیب‌بندی (مواج و ایستا) در یک‌سوم بالا و موج و پویا در یک‌سوم پایین پرده‌ی قلمکار تداعی‌گر شور، هیجان، تحرک و پویایی صحنه‌ی نبرد است تا بر جریانات عاطفی و روحی ماجرا بیفزاید. در این تطبیق لنزی، که در آن اصالت ارجاعی پرده‌ی قلمکار حسینیه‌ی کبابی بیرجند بر مبنای منابع کهن و آثار قهوه‌خانه‌ای دیگر بررسی شد، نشان می‌دهد که تاریخچه‌ی مکتوب و فرهنگ شنیداری تأثیر بسزایی بر انتخاب چهره‌پردازی‌ها، نقش‌آفرینی‌ها و سرنوشت کنشگران حاضر در صحنه می‌گذارند و به‌گونه‌ای متون دردسترس گفته‌پرداز سبب شده نگاهی قهرمان‌محور و سرشار از حرمت را برای کنشگران مثبت و نگاهی تحقیرآمیز را برای کنشگران ضدقهرمان برگزیند؛ هرچند که از واقعیات تاریخی دور باشد. این تلاش گفته‌پردازان دوره‌ی قاجار می‌تواند با هدف اصلی انتقال عمیق‌تر دریافت رنج و شهادت اهل‌بیت و یاران در روز عاشورا صورت گرفته باشد تا، با جاری شدن اشک بیشتر گفته‌خوان در مجالس و عطا، رضایت بیشتر اولیای خدا و در نهایت خشنودی الهی را به دست آورند. به این دلیل است که بخشی از روایت بصری را تحریفات پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی تشکیل می‌دهد. با تطبیق این روایات با متون دینی تاریخی و مقتل‌ها مشخص شد که از حضور زعفر جنی، درویش کابلی، بکر بن آمر، قارن و شیر تعزیه در

این روز مستند تاریخی موجود نیست اما در برخی مقتل‌نگاری‌ها به آن‌ها پرداخته شده است. بنابراین، حضور این عناصر دلیلی بر غلط‌خوانی گفته‌پرداز از تاریخ به دلیل تحریفات عاشورا در دوره‌ی قاجار و فرهنگ شنیداری می‌تواند باشد. در مجموع، درون‌مایه‌ی پرده‌ی عاشورا متأثر از شرایط اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و هنری دوره‌ی قاجار شکل گرفته و روایات این متن دیداری برگرفته از روایت‌های مکتوب و شفاهی بوده است. می‌توان اینگونه بیان کرد که در لایه‌های پنهان این اثر درونمایه‌ای از حقیقت و تحریف جای دارد که در دوره‌ی قاجار رواج داشته است. احتمالاً هدف این تحریف‌ها انتقال بهتر تجربه‌ی رنج به گفته‌خوان و حرمت نگاه داشتن کنشگران دینی براساس فرهنگ‌های دیداری و شنیداری بوده که می‌توان تأثیر منابعی همچون *روضه‌الشهدا* را در شکل‌گیری آن مشاهده کرد. گفته‌پرداز سعی کرده، براساس روایات واقعی و عوامل گفتاری و بصری، با تأکید بر رنگ قرمز و عناصر شور و هیجان در متن دیداری صحنه‌های حزن‌انگیزی (لبخند و قیحانه‌ی شمر در برابر معصومیت امام، شهادت حضرت عباس و...) را ایجاد کند تا معنا و مفهوم روایات و معناهای نهفته، مانند مظلومیت، غیرت، وفاداری و از خودگذشتگی را به مخاطب خویش انتقال دهد تا وی در جریان عملیات حسی - ادراکی قرار گرفته و متن دیداری بیشترین تأثیر را بر او داشته باشد. بر مبنای توصیفاتی که ارائه شد، پرده‌ی قلمکار حسینی‌ی کبابی، عملکردی رسانه‌ای و آموزشی داشته و مفاهیم اسلامی و شیعی را به مخاطب خویش، که غالباً عزاداران عامه در جامعه بوده، منتقل کرده و این چنین تا به امروز به حیات خود ادامه داده است.

سپاسگزاری: بدین‌وسیله از جناب آقای سیدهدای علوی بابت عکاسی و در اختیار قراردادن تصویر اثر و نیز اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی برای در اختیار قراردادن پرونده‌ی ثبت اثر منقول فرهنگی تاریخی " پرده تعزیه مصیبت عاشورا، حسینی‌ی کبابی " برای انجام این مقاله سپاسگزاری می‌شود.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

تضاد منافع: نویسندگان، ضمن رعایت اخلاق نشر در ارجاع‌دهی، نبود تضاد منافع را اعلام

می‌دارند.

منابع

- ابن‌اعثم کوفی، محمدبن علی (۱۳۷۲). *الفتوح* (مترجم محمدبن‌احمد مستوفی هروی؛ مصحح غلامرضا طباطبایی مجد). ج ۵. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۳۷۶). *تذکر الخواص*. قم: منشورات الشریف‌الرضی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*. ج ۱۶. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی (۱۴۰۱). *المهوف علی قتل الطفوف* (ترجمه احمد فهری زنجانی). تهران: بین‌الملل.
- اعظم‌زاده، محمد (۱۳۹۲). *واژه‌نامه عمومی هنر*. تهران: سیمای دانش آذر.
- الهی، محبوبه (۱۳۷۷). *تجلی عاشورا در هنر ایران*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بالایی لنگرودی علی (۱۳۹۸). «زعفر جنی»، بازیابی شده در: ۱۴۰۴/۵/۲۸، از: <https://cgie.org.ir/fa/article/246877/>
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷). *جمل من انساب الاشراف*. ج ۲ و ۳. بیروت: دارالفکر.
- بلوک‌باشی، علی (۱۳۷۵). *قهوه‌خانه‌های ایران*. تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگ.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۳). *نقاشی ایران از دیروز تا امروز*. تهران: سیمین و زرین.
- پیراوی‌ونک، مرضیه (۱۳۹۵). *معرفی معیار برای تحقیق تطبیقی مبتنی بر دیدگاه کری واک*. *مطالعات تطبیقی هنر*، ۶ (۱۱)، ۱۰-۱.
- چلکووسکی، پیتر جی (۱۳۶۷). *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران* (ترجمه داوود حاتمی). تهران: علمی فرهنگی.
- حسین‌آبادی، زهرا، و محمدپور، مرضیه (۱۳۹۵). *بررسی نمادهای تصویری هنر شیعی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، پیکره*. ۵ (۹)، ۳۵-۵۰.
- حسینی‌راد، عبدالمجید و عزیززادگان، محبوبه (۱۳۹۰). *تأثیر تعزیه بر دیوارنگاره‌های مذهبی دوره قاجار*. *پژوهشنامه هنرهای دیداری*، ۱ (۱)، ۳۱-۴۴.
- دربندی‌شیروانی، آقابن‌عابد (بی‌تا). *اسرار الشهادة*. تهران: منشورات الاعلی.

- دینوری، احمد (۱۳۹۵). *اخبار الطوال* (ترجمه محمود مهدوی دامغانی). ج ۱. تهران: نشر نی.
- ربانی خلخالی، علی (۱۳۸۲). *چهره درخشان قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس (ع)*. تهران: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
- رحمانی، جبار (۱۴۰۱). *آیین و اسطوره در ایران شیعی (انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم)*. اصفهان: آرما.
- سفیدروز، مبینا، و خزاعی، رضا (۱۴۰۳). *روایت‌شناسی پرده عاشورای حسینیه‌کبابی بیرجند. اولین دوره همایش ملی دوسالانه پژوهش در هنر اسلامی*. دانشگاه هنر اصفهان: اصفهان.
- سیف، هادی (۱۳۶۹). *نقاشی قهوه‌خانه‌ای* (ترجمه کلود (سیروس) کرباسی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۶). *حضور واقعه عاشورا در نقاشی دوران قاجار*. نگره، ۳ (۵)، ۵-۱۷.
- شریف‌کاشانی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). *تذکره‌الشهداء*. تهران: شمس‌الضحی.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن (۱۴۰۰). *فرهنگ‌نمادها* (ترجمه سودابه فضایی). ج ۳ و ۵. تهران: جیحون.
- شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۸۰). *پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- ضیایی، عبدالحمید (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا (نگرشی انتقادی-آسیب‌شناسی به مقتل‌ها، روضه‌ها و ادبیات منظوم)*. تهران: هزاره ققنوس.
- ضیایی‌نژاد، سپیده، و محمودی‌بختیاری، بهروز (۱۴۰۲). *روایت‌شناسی یک فرم ادبی اجتماعی عامه به مطالعه تطبیقی فرم‌روایی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای طفلان مسلم و شبیه‌نامه پسران مسلم*. *اجتماعیات در ادب فارسی*، ۲ (۴)، ۲۷-۴۴.
- طاهریان، الهام، فهیمی‌فر، علی‌اصغر، و حسنونند، محمدکاظم (۱۴۰۲). *خوانش نقاشی قهوه‌خانه‌ای و نقاشی‌های دیواری مکتب اصفهان براساس مفهوم مکالمه در نظریه هرمنوتیک مدرن گادامر*. نگره، ۱۸ (۶۵)، ۱۵۱-۱۶۷. Doi: 10.22070/negareh.2021.13586.2650
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری* (ترجمه ابوالقاسم پاینده). ج ۷ و ۵. تهران: اساطیر.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۴۰۱). *قرنی بر مدار قمر*. بیرجند: چهاردرخت.

فلور، ویلم، چلکووسکی، پیتر، و اختیار، مریم (۱۳۸۱). *نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه* (ترجمه یعقوب آژند). تهران: ایل شاهسون.

کاشفی سبزواری، ملاحسین بن علی (۱۳۸۲). *روضه الشهداء* (مصحح: عبد الرحیم عقیقی بخشایشی)، قم: دفتر نشر نوید اسلام.

کوتسه‌بوئه، موریتس وان (۱۳۴۸). *مسافرت به ایران* (ترجمه محمود هدایت). تهران: امیرکبیر. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۵). *بحار الانوار* (ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی). ج ۴۴ و ۴۵. تهران: گنجینه.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۴۹). *التنبیه و الاشراف*، (ترجمه ابوالقاسم پاینده). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *حماسه حسینی*. ج ۱. تهران: صدرا.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *تحفه الاولیاء* (ترجمه اصول کافی). ج ۲ (ترجمه محمدعلی بن محمدحسن اردکانی، تحقیق محمد مرادی). قم: دارالحدیث.

مفید، محمدبن محمد (۱۳۷۸). *الارشاد فی حجج الله علی العباد* (ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی). ج ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مهرنیا، محمد، و گروسی، زینب (۱۴۰۱). *تحلیلی بر داستان‌های عامیانه در نقاشی‌های مذهبی قهوه‌خانه‌ای. هنرهای کاربردی*، ۱۴۰۱ (۱۵)، Doi: ۱۰۴-۹۰.

10.22075/aaj.2023.28218.1165

نوروزی، نسترن و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۷). *تطبیق زیبایی شناختی دیوارنگاری‌های مذهبی* (واقعه کربلا) بقعه شاه زید و تکیه معاون‌الملک در تعامل با تعزیه. نگره، ۱۳۹۷ (۴۸)، ۸۶-

Doi: 10.22070/negareh.2019.885. ۱۰۳

نوری، میرزا حسین (۱۳۸۸). *لؤلؤ و مرجان؛ در شرط پله اول و دوم منبر روضه‌خوانان*، قم: بنی‌الزهراء.

هوشیار، مهرا و افتخاری راد، فاطمه (۱۴۰۱). *آشنایی با خیالی‌نگاری*. تهران: سمت.

یاقوت حموی (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، (ترجمه علینقی منزوی). ج ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Table and Content

The Socio-Economic Consequences of the Presence of Russian and British Military Forces in Qayenat during the First World War/ Faride Bavaryan and Ahmad Asadollahi Gazar 9

The Mediating Role of Managerial Coaching in the Relationships Between Organizational Investment in Social Capital, Job Performance and Employees' Organizational Citizenship Behavior/ Maryam Hafezian, Milad Rabbani and Shahrbanoo Dehrouyeh 47

A Comparison of the Effectiveness of a Family-Strengthening Program and Mindfulness-Based Cognitive Training on the Social Competence of 13- to 14-Year-Old Adolescents/ Seyede Somayeh Ramazani, Samane Sadat Jafar Tabatabaei, Toktam Sadat Jafar Tabatabaei and Fatemeh Shahabizadeh 91

An Analysis of Bilingual Wisdom-Based Cryptonyms in the Poetry of Ibn Husam (with an Emphasis on Prophetic and 'Alid Panegyrics)/ Ahmad Lamei Giv 131

A Study of Sound Induction in the Folk Songs of Southern Khorasan in Light of Maurice Grammont's Theory/ Abbas Vaezzadeh and Mahdiyeh Bagheri 169

A Study of the Manifest and Latent Layers of the Karbala Event in the Qalamkar Painting of the Hosseiniyeh Kababi of Birjand: Based on the Evolution of Ashura Depiction during the Qajar Period/ Melika Yazdani, Hengameh Shahbeiki and Farhad Khosravi Bizhaem 197



Referees of this Issue (In Alphabetical Order)

Zahra Alizadeh Birjandi, Associate Professor, University of Birjand

Masoud Bahramian, Assistant Professor, University of Birjand

Fatemeh Beidokhti, Assistant Professor, Farhangian University

Shahrbanoo Dehruyeh, Assistant Professor, Adib Mazandaran Institute of Higher Education

Hassan Emami, Assistant Professor, University of Birjand

Ahmad Heidari, Associate Professor, Islamic Azad University, Birjand Branch

Farokhro Jalili, Assistant Professor, Farhangian University

Ali Akbar Majdi, Assistant Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Tahereh Mirzaei, Assistant Professor, Payame Noor University

Hamed Noruzi, Associate Professor, Tarbiat Modares University

Hadi Pourshafei, Associate Professor, University of Birjand

In The Name Of God

Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 77

ISBN 1735-8256

Fall 2025, 1st Number, 20th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Editor-in-Charge: Ramezani, Mahmoud **Editor-in-Chief:** Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive Manager: Ramezani, Mahmoud **Executive Manager:** Zerang, Mahin

Editorial Board

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editor: Poursoltani, Somayeh

Translator and English Editor: Ameri, Saeed

Technical Affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: New Media Magnifying Glass institute

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: General Office of Culture and Guidance, Shahid Mahallati Avenue, Birjand, South Khorasan Province

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: Farhangekhorasan@gmail.com

http://Farhangekhorasan.ir

This journal expresses the views presented in its published articles. Authors are solely responsible for the content of their writings, and translators are responsible for the accuracy of their translations. Materials submitted for publication will not be returned if deemed unsuitable. The journal reserves the right to edit or delete portions of submitted materials.

